



قال الصادق عليه السلام:

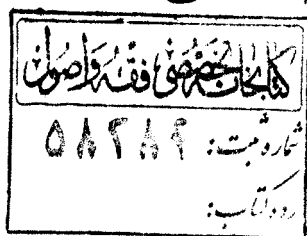
«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نُسِبْتُمْ إِلَيْنَا كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا»^۱.

امام صادق عليه السلام فرمودند: «ای شیعیان، شما به ما منسوب هستيد، پس مایه‌ی زينت ما باشید نه مایه‌ی آبروریزی ما».

۱- طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، جلد ۱، قم، دار الحديث، چاپ اول، بی تا، ص ۱۳۴.

عزاداری های نامتعارف (قمر زنی)

تبیین فقهی، کیفری و جرم شناختی



محمد محمدی

دانش آموخته‌ی دانشگاه تهران

قاضی دادگستری

سرشناسه : محمدی، محمد، ۱۳۷۰-
 عنوان و نام پدیدآور : عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی): تبیین فقهی، کیفری و جرم‌شناختی
 مؤلف: محمد محمدی
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۳۳-۶
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : قمه‌زنی
 موضوع : Qameh Zani*
 موضوع : سوگواری‌ها - آداب و رسوم - نقد و تفسیر
 موضوع : Mourning Etiquette - Criticism and Interpretation
 موضوع : سوگواری‌های اسلامی
 موضوع : Islamic Mourning Customs
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ع۴ ۳۳ م/۶/۲۶ BP
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۷۴۶
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۲۱۷۶۱



عنوان کتاب: عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی): تبیین فقهی، کیفری و جرم‌شناختی

مؤلف: محمد محمدی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۳۳-۶

[http:// www.jangal.com](http://www.jangal.com)

[email: info@junglepub.org](mailto:info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۰۵-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

تقدیم بہ

- یگانہ خدائی کہ از روح خود در ما دمید و بارقہ ہای نبوت محمدی، ولایت علوی و شہادت حسینی را در سینہ می مانہادینہ کرد.

- آن خزانہی علم و حکمت، آن یگانہی حلم و عصمت، آن پاکباز ولایت، آن شاہباز ہدایت، آن پیک بادیہی بلا، آن مرد مرتبہی رضا، آن پیام آور صحرائی کربلا، حسین بن علی، مردی کہ خود و اولاد خویش را بہ درگاہ خدایش تا بد نیک نام و سرفراز ساخت و درس آزادی و ظلم ستیزی را بہ ما آموخت.

- پدر مرحوم و مادر بزرگوارم کہ چگونہ زیستن و چراز یستن را بہ من آموختہ اند.

- اساتید گذشتہ، حال و آیندہ ام کہ موقعیت فعلی خود را بہ عنوان یک دانشجوئی حقوق مدیون آن خوجان می دانم.

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او را و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی‌شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آن جایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده‌اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و مِن باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» بسی شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر محسن برهانی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم. آشنایی من با ایشان افق‌های فکری‌ام را به گستره‌ی اقیانوس اطلس گستراند؛ به ثمره‌ی ارتباط با ایشان با سرزمینی بکر به نام «فقه» آشنا گردیدم که به قطع و یقین، آینده علمی‌ام به جستجو و کاوش در آن، مصروف خواهد شد. در وهله‌ی دوم، هیچ گاه محبت‌ها و زحمات استاد معظم و معزز، جناب آقای دکتر فیروز محمودی جانکی را از یاد نخواهم برد؛ ایشان در کمال سعه‌ی صدر، با حُسن خلق و فروتنی بی‌بدیل، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند. نگاه دقیق علمی و عمیق ایشان به مباحث جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفی، آموزه‌های بی‌شماری را برای اینجانب به همراه داشت. در وهله‌ی سوم از جناب آقای دکتر غلامحسین الهام به دلیل ارشادها و راهنمایی‌های مفید ایشان در جریان نگاشتن این اثر کمال تشکر و سپاس‌گزاری را دارم. علاقه و ارادت اینجانب به ایشان از مرزهای استاد و شاگردی فراتر می‌رود؛ زیرا به حقیقت شخصیت و منش اخلاقی ایشان نمونه‌ای واقعی برای تمام دانشجویانشان محسوب می‌گردد. و در پایان بر خود لازم می‌دانم از همه‌ی دوستان عزیز و بزرگواری که اینجانب را در زمینه‌ی گردآوری مطالب و نگارش این اثر یاری نمودند بخصوص؛ سرکار خانم مریم شاملی و سرکار خانم منصوره حسینی تقدیر و تشکر نمایم.

از ایزد منان سلامتی و توفیق روزافزون برای تمامی اساتید گذشته، حال و آینده‌ام را مسئلت دارم.

سخن مؤلف

در جوامع اسلامی و به خصوص در میان شیعیان، عزاداری برای معصومین علیهم السلام امری نیک و پسندیده می‌باشد و با مذاقّه در آموزه‌های شرعی و اسلامی دریافت می‌شود که به وفور به تکریم و تعظیم شعائر حسینی و به طور خاص عزاداری‌ها تأکید شده است. اما شعائر حسینی و عزاداری‌ها نیز مانند بسیاری از مسائل اجتماعی و مذهبی دیگر از تحریف و کج‌فهمی‌های برخی از عوام و خواص در امان نمانده است؛ به گونه‌ای که برخی از عزاداران به منظور عزاداری کردن اقدام به انجام اعمال و رفتارهای نامتعارف و خشونت آمیز مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی، قفل‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته، غلتیدن بر روی خرده شیشه و... می‌کنند و این قبیل رفتارها را مصداق واقعی عزاداری می‌دانند و معتقدند که، مرضی شارع می‌باشند. بدون تردید تفحص در بُعد فقهی این گونه از عزاداری‌ها و فهم دقیق ماهیت فقهی و کشف حرمت یا عدم حرمت آن‌ها بر بُعد حقوقی مسئله تأثیر به سزایی دارد از این رو سعی بر آن بوده که با ارزیابی ادله موافقان و مخالفان این گونه از عزاداری‌ها، صورت واضحی از جنبه‌ی فقهی آن‌ها ارائه شود و در گام بعدی ماهیت حقوقی این قبیل عزاداری‌ها از حیث جرم یا انحراف بودن مورد بررسی قرار گیرند و همچنین به شرح و نقد رویه‌ی قضایی موجود در این رابطه پرداخته شود و در وهله‌ی آخر تلاش شده تا با رویکرد جرم‌شناسانه شرح و تفصیل موضوع را ادامه داده و علل و عوامل گرایش افراد به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف و راهکارهایی در جهت پیشگیری فرهنگی- اجتماعی از آن‌ها ارائه گردد.

با عنایت به اینکه تا زمان نگارش اثر حاضر هیچ‌گونه پژوهشی در ایضاح و تشریح ابعاد کیفری و جرم‌شناختی این گونه از عزاداری‌های نامتعارف انجام نگرفته و آثار پژوهشی موجود در این زمینه بیشتر در حیطه‌ی فقهی و تعیین حکم تکلیفی شرعی موضوع بوده است و با توجه به اهمیت این گونه از عزاداری‌ها به دلیل شیوع و مبتلابه بودن آن‌ها به خصوص عمل قمه‌زنی در عصر حاضر در برخی از نقاط سرزمین شیعه‌نشین ایران و رویکردهای مختلف و متنوع محاکم قضایی در برخورد و واکنش با افرادی که به انجام این گونه از عزاداری‌های نامتعارف مبادرت می‌ورزند؛ لذا نگارنده را بر آن شد تا در حد وسع و توان خود در راستای تبیین و تشریح ابعاد فقهی، کیفری و جرم‌شناختی موضوع و بررسی

رویه‌ی موجود محاکم قضایی در این زمینه، اقدام به نگاشتن اثر حاضر نماید؛ به گونه‌ای که نه تنها مورد استفاده عامه‌ی مردم و جامعه‌ی عزاداران معزز باشد بلکه بزرگوارانی که به صورت تخصصی در این زمینه صاحب قلم هستند و هم‌چنین مقامات محترم قضایی امکان بهره‌گیری داشته باشند. امیدوارم این اثر مورد استقبال جامعه‌ی فقهی و حقوقی کشور و متولیان امر و مقبول خاطر سروران معظم قرار گیرد.

در پایان از خوانندگان نکته‌سنج و ارباب فضل و معرفت، صمیمانه درخواست دارم که با گوشزد نمودن خطاها و لغزش‌هایم در این اثر ناچیز، بنده و سایر خوانندگان را رهایی منت خود گردانند.

«و هوالموفق»

اصفهان - بهار ۱۳۹۷

محمد محمدی

دانش آموخته‌ی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

قاضی دادگستری

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول: مفاهیم و مبانی فقهی عزاداری‌های نامتعارف

- فصل اول: معناشناسی، انواع و تاریخچه عزاداری‌های نامتعارف ۳
- مبحث اول: معناشناسی مفاهیم و اصطلاحات ۳
- گفتار اول: عزاداری، شعائر و مناسک ۳
- بند اول: عزاداری ۳
- الف: عزاداری سنتی ۴
- ب: عزاداری نوین ۴
- پ: عزاداری نامتعارف ۵
- بند دوم: شعائر ۵
- الف: شعائر دینی ۶
- ب: شعائر حسینی ۷
- بند سوم: مناسک دینی و عزاداری ۹
- گفتار دوم: قمه‌زنی، شعائر و مناسک عزاداری ۱۰
- بند اول: قمه‌زنی و مناسک عزاداری ۱۰
- بند دوم: قمه‌زنی و شعائر حسینی ۱۱
- مبحث دوم: انواع و تاریخچه عزاداری‌های نامتعارف ۱۲
- گفتار اول: انواع عزاداری‌های نامتعارف ۱۲
- بند اول: عزاداری‌های نامتعارف نوین ۱۳
- الف: قمه‌زنی ۱۳
- ب: قفل زنی ۱۵
- پ: استفاده از زنجیرهای تیغ‌دار ۱۵

- ت: غلتیدن بر روی خرده شیشه ۱۶
- ث: شمع آجین ۱۷
- ج: قلاده به گردن آویختن ۱۷
- چ: عزاداری سُم ۱۷
- بند دوم: عزاداری‌های نامتعارف سنتی ۱۸
- الف: گِل مالی کردن سر و صورت و پریشان کردن چهره ۱۸
- ب: راه رفتن بر روی تیغ و خار ۱۹
- پ: راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته ۲۰
- گفتار دوم: تاریخچه و پیشینه‌ی عزاداری‌ها و سیر تغییر و تحولات آن ۲۱
- بند اول: حکومت صفویه و عزاداری‌های نامتعارف ۲۲
- بند دوم: حکومت قاجاریه و عزاداری‌های نامتعارف ۲۴
- فصل دوم: مبانی فقهی عزاداری‌های نامتعارف** ۲۷
- مبحث اول: ادله‌ی موافقان عزاداری‌های نامتعارف ۲۷
- گفتار اول: روایات، اقوال معصومین و فتاوی مشهور ۲۷
- بند اول: روایات و اقوال معصومین علیهم السلام ۲۸
- الف: روایت خالد بن سدید از امام صادق (ع) ۲۸
- ب: روایت امام رضا (ع) ۳۱
- پ: زیارت ناحیه مقدسه ۳۳
- بند دوم: فتاوی مشهور و معتبر ۳۴
- الف: فتوای تاریخی میرزای نایینی ۳۴
- ب: فتاوی برخی از فقهای خاندان شیرازی ۳۶
- گفتار دوم: داستان‌ها و وقایع تاریخی ۳۹
- بند اول: جریان سر به حمل کوبیدن حضرت زینب (س) ۳۹
- بند دوم: شکستن دندان اویس قرنی ۴۱
- گفتار سوم: سایر ادله‌ی مستند جواز قمه‌زنی، تیغ‌زنی و رفتارهای مشابه ۴۲
- بند اول: اصل اباحه ۴۲
- بند دوم: احیای امر مذهب ۴۴

۴۴.....	بند سوم: ابراز هم‌دردی و مواسات با معصوم
۴۶.....	مبحث دوم: ادله‌ی مخالفین رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها
۴۶.....	گفتار اول: ضرر جسمانی
۴۷.....	بند اول: قمه‌زنی از منظر کارشناسان پزشکی
۴۹.....	بند دوم: قمه‌زنی و محدوده‌ی ضرر جسمانی
۵۲.....	گفتار دوم: بدعت و وهن مذهب
۵۲.....	بند اول: بدعت
۵۲.....	الف: بدعت در لغت و اصطلاح و بیان حکم شرعی آن
۵۳.....	ب: اعمال نامتعارف و بدعت
۵۵.....	بند دوم: وهن مذهب
۵۵.....	الف: وهن مذهب در لغت و اصطلاح و حکم تکلیفی عمل موهون
۵۷.....	ب: رفتارهای نامتعارف در عزاداری و وهن مذهب
۶۰.....	گفتار سوم: حکم حاکم شرع
۶۱.....	بند اول: حکم حکومتی و فتوای فقیه
۶۴.....	بند دوم: حکم حاکم شرع و رفتارهای نامتعارف در عزاداری

بخش دوم: تبیین کیفری و جرم‌شناختی عزاداری‌های نامتعارف

۷۱.....	فصل اول: تبیین کیفری عزاداری‌های نامتعارف
۷۱.....	مبحث اول: قابلیت جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف
۷۴.....	گفتار اول: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل ضرر
۷۸.....	گفتار دوم: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل اخلاق‌گرایی قانونی
۸۱.....	گفتار سوم: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی
۸۴.....	مبحث دوم: عزاداری‌های نامتعارف و حقوق کیفری
۸۵.....	گفتار اول: محتوا و محدوده‌ی اصل ۱۶۷ قانون اساسی
۸۹.....	گفتار دوم: عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل ۱۶۷ قانون اساسی
۹۲.....	مبحث سوم: سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران در قبال عزاداری‌های نامتعارف
۹۳.....	گفتار اول: اخلال در نظم عمومی

- بند اول: سیاست‌جنایی قانونی پیرامون اخلاص در نظم عمومی ۹۵
- بند دوم: قمه‌زنی و اخلاص در نظم عمومی ۹۷
- گفتار دوم: تظاهر به عمل حرام در ملاء عام ۹۹
- بند اول: سیاست جنایی قانونی در قبال تظاهر به عمل حرام در ملاء عام ۱۰۰
- بند دوم: قمه‌زنی و تظاهر به عمل حرام ۱۰۱
- فصل دوم: تبیین جرم‌شناختی عزاداری‌های نامتعارف ۱۰۴**
- مبحث اول: عوامل گرایش افراد به برخی از عزاداری‌های نامتعارف ۱۰۹
- گفتار اول: عوامل فردی ۱۱۰
- بند اول: عوامل زیستی ۱۱۰
- الف: عوامل ارثی ۱۱۱
- ب: جنسیت ۱۱۱
- پ: سن ۱۱۳
- بند دوم: عوامل اعتقادی ۱۱۴
- الف: شفا یافتن ۱۱۴
- ب: نذر ۱۱۵
- بند سوم: عوامل روانی ۱۱۵
- الف: مشکلات روانی و عصبی ۱۱۶
- ۱- هیجان زدگی ۱۱۷
- ۲- کمبود عاطفه ۱۱۸
- ب: کنجکاوی ۱۱۹
- گفتار دوم: عوامل محیطی ۱۲۰
- بند اول: عوامل کلان محیطی ۱۲۰
- الف: اجتماع ۱۲۱
- ب: وضعیت مالی و اقتصادی ۱۲۳
- پ: سیاست ۱۲۵
- ت: فرهنگ ۱۲۶
- بند دوم: عوامل خرد محیطی ۱۲۷

الف: خانواده.....	۱۲۷
ب: گروه هم‌سالان	۱۲۹
پ: محله‌ها و مکان‌های خاص	۱۳۱
ت: رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای	۱۳۲
مبحث دوم: پیشگیری از عزاداری‌های نامتعارف و راه کارهای مقابله با آن‌ها.....	۱۳۴
گفتار اول: پیشگیری و برخی از صور آن	۱۳۶
بند اول: پیشگیری در لغت و اصطلاح.....	۱۳۶
بند دوم: انواع پیشگیری	۱۳۷
الف: پیشگیری وضعی و عزاداری‌های نامتعارف	۱۳۸
ب: پیشگیری اجتماعی	۱۴۰
گفتار دوم: راه کارهای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از عزاداری‌های نامتعارف	۱۴۲
بند اول: آگاهی بخشی مردم و اصلاح باورهای دینی	۱۴۲
الف: مدرسه	۱۴۴
ب: مساجد	۱۴۶
پ: رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی	۱۴۷
بند دوم: تقویت مداخلات اجتماعی - فرهنگی	۱۵۰
الف: تقویت نقش و جایگاه خانواده‌ها	۱۵۱
ب: تقویت نقش و جایگاه محله‌ها	۱۵۲
نتیجه‌گیری	۱۵۵
طرح پیشنهادات	۱۶۶
ماده پیشنهادی	۱۶۷
فهرست منابع	۱۶۹
پیوست	۱۸۳

❖ مقدمه ❖

یکی از مسائل مهمی که امروزه در عرصه‌ی فقه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، سؤال از حرکت‌های نامتعارف در عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) است. باور بسیاری از عامه و برخی از خاصه مردم بر آن است که هر عملی که به قصد عزاداری صورت گیرد، شرعیت لازم را دارد و عزاداری امام حسین (ع) از همه‌ی حرمت‌ها استثناء می‌باشد.^۱ از این رو، طبق این باور، قمه‌زنی و برخی از اعمال نامتعارف مانند قفل‌زنی و لطمه زدن به صورت فی حد نفسه و ماورای شرایط موجود جامعه حلال است و به بیان دیگر حکم اولیه‌ی آن‌ها حلیّت است. اما نباید از نظر دور داشت که، درمقام ارائه‌ی یک قاعده‌ی کلی، برای هر امری محدوده‌ای وجود دارد که تجاوز و خروج از آن محدوده افراط محسوب شده و جایز نمی‌باشد و عزاداری برای ائمه‌ی معصومین علیهم السلام و به طور خاص امام حسین (ع) نیز از این قاعده مستثنا نیست و به بیان دیگر، عزاداری کردن برای آن بزرگواران مثل هر امر دیگری حد و مرز خاصی دارد که عدول از آن مرضی شارع مقدس نیست مثلاً عزاداری نباید به واسطه‌ی عمل حرامی انجام شود یا منتهی به عمل حرام شود. از دیرباز فرهنگ و سبک عزاداری ایرانیان برای ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نمادی از معرفت دینی آنان بوده است. هرگوشه‌ای از این کشور را بنگریم، مردم با آداب و رسوم خاص خود در رثای سید و سالار شهیدان کربلا عزاداری می‌کنند. در واقع فارغ از این‌که این آداب و رسوم چقدر از مبانی دینی و فرهنگی اصیل اسلامی نشأت گرفته و یا احیاناً منطبق با آموزه‌های اسلامی نباشند؛ گاهی اوقات شاهد اعمال نابهنجار و حرکات غیر متعارفی در این زمینه هستیم. گویا برای دسته‌ای از عزاداران، عزاداری هدفی شده است که برای نیل به این هدف وسیله توجیه‌پذیر است، به عبارت دیگر وسیله و ابزار و شیوه‌های عزاداری از اهمیت

۱- نجفی، زین العابدین، اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع) از منظر فقه امامیه، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۷، ص ۴.

برخوردار نبوده بلکه آن‌چه برای این دسته از عزاداران مهم است نفس عزاداری است و فرقی ندارد که، عزاداری کردن با زدن قمه بر سر، سنگ زدن بر سینه، قفل‌زدن بر بدن و یا راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته و غلتیدن بر روی خورده شیشه و... باشد. در حالی که اگر عزاداری آن‌گونه که شرع مقدس اسلام گفته به درستی انجام شود، خود ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بالایی دارد و نیازی نیست که ما از خودمان چیزهایی را به آن اضافه کنیم. اما امروزه برخی از شیوه‌های نامتعارف عزاداری، جایگزین فرهنگ ناب عزاداری از منظر معصومین‌علیهم السلام شده است؛ از این رو مرزشناسی جلوه‌های عزاداری و تحلیل آن در وضعیت کنونی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که با تبیین این مسئله می‌توان گامی مؤثر در ارائه راه کارهای مناسب در جهت هر چه بهتر و باشکوه‌تر برگزار شدن این مراسم و تعظیم شعائر الهی برداشت؛ به گونه‌ای که بر مفاهیم و محتوای عمیق آن، خدشه‌ای وارد نشود و اصل پیام عاشورا به درستی به مخاطبان منتقل گردد. آنچه که در عصر حاضر نسبت به سایر شیوه‌های نامتعارف عزاداری رواج یافته عمل قمه‌زنی است. این عمل طرفداران و حامیان زیادی از عامه‌ی مردم گرفته تا فقها و مراجع عظام دارد و در جبهه‌ی مقابل، مخالفان به شدت به نقد و رد این شیوه‌ی عزاداری پرداخته‌اند و این عمل را ناپسند و نامشروع می‌دانند، البته هر دو گروه موافق و مخالف ادله خاص خود را دارند و سعی می‌کنند نظر موافق یا مخالف خود را مستدل به کرسی اثبات بنشانند. حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که، بر سر مشروعیت یا نامشروعیت این‌گونه عزاداری‌ها (قمه‌زنی) بین برخی از فقها اختلاف نظر غیر قابل اغماضی مشهود است به گونه‌ای که برخی از آن‌ها با قاطعیت، نظر به حرمت این‌گونه از عزاداری‌ها دارند و برخی دیگر نه تنها در این زمینه میانه‌ای با حرمت ندارند بلکه نظر به استحباب آن‌ها نیز دارند. اما آن‌چه که در عصر حاضر بر هیچ کسی پوشیده و قابل کتمان نیست، این است که دشمنان و بدخواهان اسلام، همواره در صدد یافتن فرصتی جهت مخدوش به تصویر کشیدن چهره‌ی اسلام بوده‌اند و اکنون با گسترش رسانه‌ها، راه برای تخریب چهره دین هموارتر گردیده است. بدین لحاظ یکی از مهم‌ترین معیارهای فقهی در شایسته برپا شدن مراسم عزاداری، پرهیز از وهن اسلام در اذهان و افکار عمومی جهان است و متأسفانه فاعلان این‌گونه از عزاداری‌ها چهره‌ی اسلام را خواسته یا ناخواسته موهون به تصویر می‌کشند^۱ و با ظاهر شدن در کوچه‌ها و

خیابان‌ها به صورت دسته جمعی اقدام به این‌گونه از عزاداری‌ها می‌کنند که برخی از محاکم قضایی نظر به مختل شدن نظم عمومی در جریان انجام عزاداری‌های فوق دارند و قاطعانه با فاعلان این قبیل عزاداری‌های نامتعارف برخورد کیفری می‌کنند. از آنجایی که یکی از رسالت‌های عمده‌ی حقوق تأمین نظم اجتماعی می‌باشد، دولت‌ها و قوه‌ی حاکمه با قاطعیت با مختل کنندگان این نظم برخورد می‌کنند اما در این راستا باید به حقوق افراد جامعه توجه کرد و همواره اصل برائت را که هم‌چون ستون محکمی پشتوانه‌ی بی‌گناهی افراد می‌باشد را مدنظر قرار دهیم؛ تا مبدا حقوق افراد، قربانی نظم جامعه شود. لذا در این پژوهش پس از بررسی و تفحص پیرامون بُعد فقهی عزاداری‌های نامتعارف، در صدد کشف ماهیت حقوقی آن‌ها برآمده و صرف نظر از برخورد یا عدم برخورد فعلی قانونگذار با این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف، امکان یا عدم امکان برخورد قانونگذار و به بیان دیگر جرم‌انگاری آن‌ها با توجه به اصول و مبانی جرم‌انگاری مورد مذاقه قرار داده می‌شود و در ادامه رویکرد قانونگذار را در عصر حاضر و در جامعه‌ی کنونی، دربرابر این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف را بررسی کرده تا مشخص شود که قانونگذار این‌گونه از عزاداری‌ها را جرم دانسته است یا این‌که صرفاً در حد انحراف می‌باشند و به بیان دیگر، قانونگذار در صدد واکنش کیفری با آن‌ها نبوده است. در حال حاضر با وجود ابهاماتی که پیرامون این مسئله وجود دارد ولی سیاست و رویه‌ی محاکم قضایی بیشتر به سمت و سوی محاکمه کردن افرادی که اقدام به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف می‌کنند، می‌باشد که مستندات قانونی مقامات قضایی در این زمینه خالی از مناقشه نیست و به نحوی می‌توان گفت که مستندهای قانونی ایشان مخدوش می‌باشند. از طرف دیگر از منظر جرم‌شناختی، توجه به علل، عوامل و انگیزه‌های گرایش افراد به این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف و نهایتاً شناسایی آن عوامل در جهت کاستن از گرایش افراد به آن‌ها امری ضروری می‌باشد و شایسته و بایسته است که نسبت به پیشگیری از آن‌ها اقدام شود.

مسئله‌ی عزاداری‌ها یک پدیده‌ی جدید و نوظهور محسوب نمی‌شوند و درگذشته تاکنون، همواره مسلمانان و به خصوص شیعیان در ایام خاصی از سال برای ائمه‌ی معصومین علیهم السلام اقدام به برپایی سوگواری‌هایی کرده‌اند. آنچه در عصر حاضر موضوع عزاداری‌ها را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ساخته است، توسعه‌ی عزاداری‌ها به انواع و اقسام متعدد و متنوعی بوده که برخی از این عزاداری‌ها، نامتعارف و ناپه‌نجار می‌باشند؛ درصورتی

که در گذشته عزاداری‌ها از تنوع و تعدد امروزی برخوردار نبوده و معمولاً مردم به یک سبک و شیوه‌ی معمول و متعارف اقدام به عزاداری می‌کردند. امروزه با گسترش برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مثل قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گذاشته و...، با موضع‌گیری‌های مختلف فقها و مراجع در برابر این نوع از عزاداری‌ها و اختلاف فتاوی ایشان روبرو هستیم و از طرفی هم محاکم قضایی شدیداً سعی بر برخورد کیفی با فاعلان این‌گونه از عزاداری‌ها دارند. لذا ضروری است که حکم فقهی و ماهیت حقوقی این‌گونه از عزاداری‌ها از جهت جرم یا انحراف بودنشان و مستندات رویه‌ی قضایی در این زمینه، مورد بررسی قرار گیرند تا به نتیجه‌ای درخور و شایسته درمورد این شیوه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها رسیده تا از این رهیافت، بتوانیم برخورد شایسته و بایسته را در موارد مواجهه با آن‌ها، انتخاب و اتخاذ کنیم. از آنجایی که، این‌گونه از عزاداری‌ها در عصر حاضر به عقیده بیشتر فقها موجب وهن مذهب و تخدیش چهره‌ی اسلام شده‌اند، شناسایی علل، عوامل و انگیزه‌های افراد در گرایش به این شیوه‌های نامتعارف عزاداری، در جهت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه لازم است. به همین جهت ارائه‌ی یک پژوهش جامع در این زمینه و بررسی ابعاد مختلف فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی آن لازم و ضروری است.

با توجه به مطالب گفته شده، نتایج مطالعات در پژوهش حاضر، در دو بخش مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در بخش نخست با رویکردی توصیفی و تحلیلی عزاداری‌های نامتعارف در دو فصل مجزا بررسی شده‌اند. در فصل اول، مسائل تمهیداتی، مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با عزاداری‌های نامتعارف و انواع و تاریخچه آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و در نتیجه مفهوم اصطلاحات مرتبط با موضوع برای خواننده روشن می‌گردد. پس از آن در فصل دوم، به تبیین فقهی عزاداری‌های نامتعارف و جواز یا عدم جواز شرعی آن‌ها به واسطه‌ی ارزیابی دلایل و مستندات موافقین و مخالفین این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف پرداخته می‌شود تا خواننده پس از مطالعه‌ی دقیق، تسلط کاملی برای شناخت ماهیت شرعی عزاداری‌های نامتعارف را به‌دست آورد.

در بخش دوم بیشتر با رویکردی هنجارین به مباحث پرداخته شده، به طوری که دغدغه‌های اصلی در این قسمت نمود پیدا کرده است. زیرا پس از مشخص شدن چارچوب و مفهوم عزاداری‌های نامتعارف و فهم دقیق ماهیت فقهی و یا جواز یا عدم جواز شرعی آن‌ها، تلاش بر آن بوده تا از طرفی به بررسی ماهیت حقوقی آن‌ها از حیث جرم یا انحراف بودن و

قابلیت یا عدم قابلیت جرم‌انگاری آن‌ها و تدقیق در مستندات محاکم قضایی در برخورد کیفری با مرتکبان این‌گونه از عزاداری‌ها و سنجش صحت یا سُقم این مستندات پرداخته شود و از طرف دیگر، به شناخت علل و عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتکاب این دسته از عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) پرداخته و نهایتاً راهکارهای مناسبی را برای پیش‌گیری از ایجاد و ارتکاب آن‌ها ارائه نماید. بر همین اساس مطالب این بخش نیز در دو فصل مجزا آورده شده است. بدین صورت که در فصل اول، تبیین حقوقی عزاداری‌های نامتعارف و رویه قضایی موجود در این زمینه مطرح شده و در فصل دوم، به تبیین جرم شناختی موضوع پرداخته می‌شود به این نحو که ابتدا علل و عوامل گرایش افراد به این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف را عنوان کرده و سپس پیش‌گیری و راهکارهای پیش‌گیرانه ارائه شده است.

بخش اول

مفاهیم و مبانی فقهی عزاداری‌های نامتعارف

در این بخش جهت بسترسازی مباحث حقوقی و جرم شناختی عزاداری‌های نامتعارف ابتدا در قالب فصل اول کلیاتی را در مورد عزاداری‌ها، انواع آن‌ها و سابقه‌ی تاریخی برخی از عزاداری‌های نامتعارف ارائه کرده و در ادامه در قالب فصل دوم ادله‌ی موافقین و مخالفین برخی از صور نامتعارف عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی و تیغ‌زنی را ارائه کرده و در مورد هر یک از آن‌ها بحث و بررسی کرده تا این که جواز یا عدم جواز این‌گونه عزاداری‌ها را در عصر حاضر دریافته و از این رهیافت اظهار نظر در مورد بُعد حقوقی مسئله نیز ممکن و میسر گردد.

فصل اول: معناشناسی، انواع و تاریخچه عزاداری‌های نامتعارف

در این فصل به فراخور موضوع در قالب مبحث اول، به بررسی و تشریح مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با موضوع و نسبت سنجی بین برخی از آن‌ها پرداخته و در مبحث دوم، برخی از انواع و اقسام عزاداری‌های نامتعارف که در عصر حاضر نسبت به برخی دیگر از این گونه عزاداری‌ها، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند را بیان کرده و در ادامه، تاریخچه و سیر تغییر و تحولات این گونه عزاداری‌ها مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

مبحث اول: معناشناسی مفاهیم و اصطلاحات

در این مبحث صرفاً به بیان برخی از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با موضوع که جهت فهم هر چه بیشتر موضوع لازم و ضروری است پرداخته می‌شود و برخی از مفاهیم و اصطلاحات را به تناسب بحث در جریان پژوهش و در بطن کتاب بیان خواهد شد.

گفتار اول: عزاداری، شعائر و مناسک

در این گفتار مفهوم و معانی عزاداری، شعائر دینی و حسینی، مناسک دینی و عزاداری و نسبت بین این مفاهیم شرح داده می‌شود.

بند اول: عزاداری

واژه‌ی «عزا» در لغت به معنای صبر و شکیبایی در ماتم و همچنین به معنای سوگ و مصیبت می‌باشد.^۱ وقتی پسوند «داری» به واژه عزا، اضافه می‌شود، معنای شرکت در سوگ و ماتم و ابراز هم‌دردی با صاحب عزا و ماتم می‌دهد. عزاداری در اصطلاح حالت محزون به خود گرفتن، تباهی کردن، گریستن، دست روی سر گذاشتن، فریاد زدن، به سر و صورت خود زدن و گریبان چاک کردن به خاطر از دست دادن عزیزی یا شخصی که برای فرد، به هرجهتی واجد اهمیت بوده است.^۲ واژه‌ی عزاداری و سوگواری مانند واژه‌های حج و زکات

۱- عمید، حسن، فرهنگ لغت فارسی، تهران، نشر راه رشد، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۷۵۷.

۲- نیشابوری، عبدالحسین، آداب حضور در ایام و مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳، ص ۱۷.

اصطلاحات شرعی نیست که شناخت آن‌ها نیاز به تعریف شارع مقدس داشته باشد، بلکه واژه‌ای است آیینی که نشان دهنده‌ی رفتار و مراسم خاصی است که در مواقع به خصوصی، توسط افراد و ملل گوناگون انجام می‌شود. عزاداری برای امام حسین و ائمه اطهار علیهم السلام برپا داشتن مراسمی به یاد آن بزرگواران در ایام مختلف، به ویژه ایام محرم می‌باشد که به صورت گریه، برپایی مجالس ذکر، سرودن مرثیه و... جهت بیان مظلومیت آن بزرگواران، برگزار می‌شوند.^۱

الف: عزاداری سنتی

شیوه‌ای از عزاداری که سابقه‌ی طولانی دارد و سینه به سینه از پیشینیان نقل شده است. در واقع، از دیرباز این شیوه‌های عزاداری برای زنده نگاه داشتن واقعه‌ی عاشورا بین مردم رایج بوده است، مانند: مرثیه سرایی، سینه زنی، تشکیل هیئت‌های عزاداری و... به همین دلیل است که گرایش مردم به این گونه عزاداری‌ها قابل توجه می‌باشد.^۲ توجه مردم به این گونه از عزاداری‌ها بیشتر به دلیل مقبولیت آن‌ها بین عموم می‌باشد، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که، مقبولیت و مشروعیت داشتن یک نوع از عزاداری دخیل در سنتی محسوب شدن آن نوع عزاداری نمی‌باشد و چه بسا رفتاری خاص از گذشته‌ی دور بین برخی از افراد جامعه‌ی خاصی جهت عزاداری استفاده می‌شده است که مورد مقبولیت همگان نبوده است، ولی باز هم می‌توان از سنتی بودن آن سخن گفت چرا که ریشه در گذشته‌ی دور دارد.

ب: عزاداری نوین

شیوه‌های خاص عزاداری که در عصر حاضر یا قرون اخیر که متصل به عصر حاضر بوده‌اند رواج و شیوع یافته‌اند. به بیان دیگر شیوه‌های عزاداری که در گذشته دور بین مردم جایگاهی نداشته‌اند، عزاداری نوین گفته می‌شوند به عنوان مثال، راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته و غلتیدن بر روی خورده شیشه در عزاداری‌ها از مبدعات عصر حاضر بوده و سابقه‌ای تاریخی قابل توجهی ندارد. در واقع از آنجایی که عزاداری کردن برای سید و سالار شهیدان

۱- محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، چاپ هفدهم، ۱۳۹۳، ص ۳۳۸.

۲- همان، ص ۳۴۰.

کریلا امری پسندیده بوده و در آموزه‌های اسلامی و کلام بزرگان دینی بر احیای آن بسیار تأکید شده است. به همین دلیل عزاداری کردن برای اهل بیت علیهم السلام مورد توجه شیعیان می‌باشد و مسلمانان، به خصوص شیعیان هرساله بیش از پیش مبادرت به انجام عزاداری می‌کنند و با گذر زمان شیوه‌های جدیدی برای عزاداری از سوی مردم اختراع می‌شود^۱ و در هر اقلیم و موقعیت زمانی و مکانی خاص با توجه به فرهنگ موجود در آن منطقه، گونه‌ی تازه و نوینی برای اقامه‌ی عزا و عزاداری کردن وضع می‌شوند که به این شیوه‌های جدید و ابداعی شیوه‌های نوین عزاداری یا عزاداری نوین گفته می‌شود.

پ: عزاداری نامتعارف

معنا و مفهوم واژه «عزاداری» بیان شد، اما وقتی عزاداری بپسوند «نامتعارف» همراه می‌شود، دایره شمول آن مضیق شده و تمام موارد و اقسام عزاداری را در بر نمی‌گیرد، بلکه صرفاً برخی از موارد عزاداری را در بر می‌گیرد که معمول و متداول نبوده و اکثریت جامعه برای عزاداری به آن متمسک نمی‌شوند و مقبولیت حداکثری ندارد بلکه غیرمستعمل و غیر رایج می‌باشد و به بیان دیگر متعارف و میانگین جامعه این قبیل عزاداری‌ها را قبول ندارند و خود به انجام آن‌ها مبادرت نمی‌کنند. بنابراین فاعلین این گونه عزاداری‌ها در اقلیت هستند و از عرف و متعارف جامعه فاصله گرفته‌اند.

بند دوم: شعائر

شعائر جمع کلمه شعاره یا شعیره است و در لغت به معنای نماد، نشانه، علامت و آداب و رسوم می‌باشد^۲. خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین به دو چیز شعیره می‌گوید: «یکی آنکه جنبه ابراز و اظهار داشته باشد، همان گونه که به لباس رودر مقابل لباس زیرشعار می‌گویند و دیگر آن چه که جنبه اعلام و افهام داشته باشد^۳». و در اصطلاح شعائر «آن دسته از احکام و حدود الهی و اعمال عبادی و دینی هستند که جنبه‌های اعلامی و تبلیغی و

۱- کاشانی، حسن، شیوه‌های نوین عزاداری بدعت یا سنت؟، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ص ۱۷.

۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر اشجع- میکایل، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۷۳۶.

۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ۱، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۵۱.

شعاری دارند و ترویج و انتقال این رفتارها، نشانه‌ها، علامت‌ها در فرهنگ دینی، در آن‌ها لحاظ شده است، به گونه‌ای که وقتی ما آن علامت‌ها، نشانه‌ها و رفتارها را مشاهده می‌کنیم پی به معنای خاصی می‌بریم به عنوان مثال پرچم یک کشور، نشانه و معرف آن کشور است، یا انجام حرکات موزون و شور و شغف در یک مجلس بیان‌گر این است که این مجلس، مجلس شادی می‌باشد. همچنین لباس مشکی پوشیدن و یا سینه زدن نماد و نشانه ماتم و عزاداری است. با توجه به توضیحات فوق روشن است که؛ «رکن رکین در شعیره و شعائر جنبه اعلام و اظهار می‌باشد؛ بنابراین شعائر همانند کلمات و نقوش و رسوم بازگوکننده معنای خاصی می‌باشند و جنبه اعلامی و تبلیغی دارند»^۱. البته باید به این نکته توجه کرد که، گاهی اوقات شعائر از نسبیّت برخوردار هستند و ممکن است از یک منطقه به منطقه دیگر و فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشند به گونه‌ای که علامت و یا رفتاری خاص در یک منطقه بیان‌گر موضوع و معنای خاصی باشد، در صورتی که در منطقه‌ی دیگر چنین معنا و مفهومی را دارا نباشد.

الف: شعائر دینی

شعائر دینی یا اسلامی به کلیه مکان‌ها و نشانه‌هایی گفته می‌شود که خداوند آن‌ها را برای عبادت و پرستش قرار داده و انسان‌ها را به یاد خداوند می‌اندازند. برای نمونه صفا و مروه دو مکان و علامت برای عبادت خداوند می‌باشند که در مراسم حج خدا در آن یاد می‌شوند. لازم به ذکر است که، مصادیق شعائر اسلامی یا دینی محصور و محدود نمی‌باشند برای نمونه: نماز جماعت، روزه، حج، اذان و... همگی از شعائر دینی محسوب می‌شوند. خداوند متعال در قرآن کریم در سوره حج و در آیه ۱۵۸ سوره بقره به معرفی برخی از شعائر الهی می‌پردازد و بیان می‌دارد که صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های خداوند است^۲ و در آیه ۳۶ سوره حج می‌فرمایند: شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم^۳. خداوند متعال در آیه‌ی ۳۲ سوره حج امر به تکریم و بزرگداشت شعائر الهی

۱- کاشانی، حسن، منبع پیشین، ص ۲۴.

۲- «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...». «بدون شک، صفا و مروه از شعائر دین خداست...».

۳- «وَالْبُذُنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...». «و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم...».

می‌کند و این عمل را نشانه‌ی تقوای قلبی مؤمنان می‌داند.^۱ در واقع احیای شعائر و انجام آن‌ها از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال امر به تکریم این شعائر می‌کند.^۲ ولی از این آیات نباید نتیجه گرفت که، شعائر الهی محدود و محصور به این موارد است که خداوند در قرآن کریم بیان کرده است، بلکه به طور کلی هر چه نشانه و واسطه‌ای باشد تا ما را به خداوند متعال، دین اسلام و مبانی آن رهنمون کند در زمره‌ی شعائر الهی محسوب می‌شود.

ب: شعائر حسینی

شعائر حسینی به آن دسته از آداب و رسوم و اعمالی گفته می‌شود که به مناسبت شهادت امام حسین (ع) انجام می‌دهند و هدف از انجام این گونه اعمال، عزاداری و ابراز حزن و اندوه خود در عزای آن بزرگوار می‌باشد. شعائر حسینی اشکال و انواع مختلفی دارند و گریه کردن، مشکی پوشیدن، روضه خوانی، شبیه خوانی، سینه زنی، زنجیر زنی و... را در بر می‌گیرد. و از آنجایی که در حدیث ثقلین^۳، اهل بیت علیهم السلام موازی و همتای قرآن بیان شده‌اند، بدون تردید عشق ورزی و محبت به امام حسین (ع)، به قرب و حبّ الهی می‌انجامد و به جرأت می‌توان گفت: شعائر مقدس حسینی که، یک نوع ممارست عملی و همه جانبه از واقعه عاشورا و فداکاری امام حسین (ع)، در راه دفاع از دین اسلام است، از شعائر الهی می‌باشد.

حال که تعریفی از شعائر حسینی ارائه شد، سؤالی که پیش می‌آید این است که، آیا تمامی نمادها، نشانه‌ها و رفتارهایی که به قصد عزاداری انجام می‌گیرد، جزء شعائر حسینی محسوب می‌شوند یا خیر؟ به بیان دیگر، باب شعائر حسینی برای در بر گرفتن نمادها، اعمال و رفتارهای مختلف تا چه حدی باز است؟ در پاسخ به این سؤال باید به دو نظر مختلف اشاره کرد؛ عده‌ای معتقدند که شعائر یک بحث کاملاً عرفی است و همین که

۱- «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». «این است (سخن حق) و هر کس شعائر خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های با تقواست».

۲- حسینی، سید حسین، شرحی بر درود اشکبار، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ، ۱۳۸۹، ص ۳۶.

۳- «أَنْتَ تَارِكٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابُ اللَّهِ وَ عِترَتِیْ أَهْلِ بَیتِیْ مَا أَنْ تَمْسُکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَداً لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَی الْحَوْضِ...»

عرف یک عملی را نشانه و نمادی برای عزاداری امام حسین (ع) بداند، آن عمل یا رفتار خاص جزء شعائر حسینی می‌باشد و هیچ محدودیت و مانع دیگری در این زمینه وجود ندارد بلکه صرف تصدیق عرف کافی است به بیان دیگر تصدیق عرف برای شعیره حسینی محسوب شدن یک نماد یا رفتار، شرط لازم و کافی است. اما از طرف دیگر گفته می‌شود که شعائر حسینی مثل هر چیز دیگری محدوده و چارچوب خاصی دارد و ضابطه مند می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»^۱؛ هرکس از حدود الهی تجاوز کند به نفس خویش ظلم کرده است. روایات زیادی نیز در این زمینه وجود دارد که هرچیزی محدوده و مرز خاصی دارد، برای نمونه می‌توان به روایت امام صادق (ع) اشاره کرد؛ «... ما من شیء إلا وله حد...»^۲ بنابراین شعائر حسینی نیز از محدوده‌ی قاعده فوق خارج نمی‌باشد و مرز خاصی دارد و مرز آن این است که، آن عمل، رفتار یا نماد خاص، حرام نباشد. به همین دلیل اعمال و رفتارها و نمادهای حرام را از دایره شعائر حسینی خارج می‌کنیم^۳، هرچند که عرفاً دال بر عزاداری برای امام حسین (ع) باشد. به بیان دیگر شرط تصدیق عرف برای شعیره حسینی محسوب شدن یک رفتار یا نماد خاص در اینجا شرط لازم است ولی شرط کافی نیست و شرط دیگری (حرام نبودن رفتار) نیز لازم و ضروری است. به طور کلی، برای این‌که بتوانیم عمل و شیوه‌ی خاصی که از شیوه‌های نوین و یا سنتی عزاداری می‌باشد را در زمره‌ی شعائر حسینی بدانیم دو شرط لازم است: نخست این‌که، عرفاً نشانه و نماد عزای امام حسین (ع) باشد و عرف مردم این رفتارها را عزاداری بدانند و دوم اینکه، این رفتارها مشروع و حلال باشند. چرا که وقتی شارع مقدس امر و یا توصیه به یک امر کلی می‌کند و آن امر دارای مصادیق و افراد متعددی باشد بدون تردید مصادیق حرام از این امر استثنا شده است و صرفاً مصادیق حلال آن مراد و مد نظر شارع می‌باشد. با در نظر گرفتن دو شرط فوق (عرفی بودن و حلال بودن نماد یا رفتار) می‌توان گفت ابداع شعائر جدید به عنوان شعائر حسینی امری نیک و پسندیده می‌باشد.

۱- سوره طلاق، آیه ۱

۲- حرعاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الائمة، جلد ۱، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه ق، ص ۴۹۳.

۳- کاشانی، حسن، منبع پیشین، ص ۴۸.

بند سوم: مناسک دینی و عزاداری

مناسک جمع منسک و در لغت به معنای عبادت، محل و مکان‌های عبادت می‌باشد.^۱ مناسک در اصطلاح به اعمال و تکالیف شرعیه گفته می‌شوند که برخی از این مناسک واجب و برخی مستحب می‌باشند به عنوان مثال نماز و روزه جزء مناسک واجب و حج غیر تمتع مستحب است. در واقع «مناسک به عنوان یک عمل دینی، مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات بوده که خود ابزاری برای ایجاد معرفت دینی و مبنایی برای ایمان مذهبی مؤمنان است».^۲

حال با عنایت به توضیحات فوق می‌توان گفت که: اعمال و رفتارهایی که معمولاً در قالب مراسم، آداب و آیینی خاص، در ایام ویژه‌ای به طور نظام یافته و همگانی، با هدف عزاداری تکرار می‌شوند و ریشه در باورها و عقاید دینی دارند و مداومت در آن‌ها موجب تقویت باورهای دینی اشخاص می‌شوند، مناسک عزاداری یا آیین عبادی عزاداری نامیده می‌شوند. مناسک عزاداری به صورت دوره‌ای و منظم در هر سال، به کمک گرد همایی‌هایی که ایجاد می‌کنند، اخلاق و باورهای عزاداران را تقویت می‌کنند. به جرأت می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین مناسک دینی جمعی، عزاداری محرم می‌باشد، که اکثریت افراد در این عزاداری‌ها شرکت می‌کنند و شور و احساساتی که عزاداران در این مراسم از خود ابراز می‌دارند بیان‌گر آن است که جامعه‌ی شیعی هویت و هدف خود را در این مناسک (مناسک عزاداری) جست‌وجو می‌کند.^۳ لذا در مقام بیان تفاوت بین مناسک و شعائر می‌توان گفت: مناسک به اعمال و تکالیف شرعیه گفته می‌شود، که این اعمال و تکالیف به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول از آن‌ها افزون بر این که واجب یا مستحب است، وجهه و یا جنبه‌ی نماد، علامت و شعاریت نیز دارند؛ یعنی بیان کننده و دال بر یکی دیگر از معانی دینی می‌باشند. دسته دوم، فاقد جنبه شعاریت می‌باشند و بازگوکننده و علامت معنی دینی دیگری نمی‌باشند.^۴ به عنوان مثال نماز از مناسک دین محسوب می‌شود و یک امر واجبی

۱- معین، محمد، منبع پیشین، ص ۱۳۸۵.

۲- رحمانی، جبار، مطالعات مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری محرم، جلد اول، تهران، انتشارات خیمه، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵.

۳- همان، جلد ۲، ص ۳۳.

۴- کاشانی، حسن، منبع پیشین، ص ۲۵.

است که به حالت فرادا یا جماعت خوانده شود به این منسک دینی عمل شده است و تکلیف از ذمه‌ی مکلف ساقط شده است. اما اگر همین نماز به جماعت خوانده شود مایه‌ی اُبَهِت و عظمت مسلمین و شکوه نماز است. بنابراین نماز جماعت علاوه بر این که جزء مناسک دینی است جزء شعائر الهی نیز محسوب می‌شود. اما در مورد مناسک عزاداری و شعائر حسینی باید گفت که معمولاً اعمالی که در مناسک مختلف عزاداری انجام می‌شوند جنبه‌ی شعاریت نیز دارند و این گونه مناسک عزاداری انسان را به یاد امام حسین (ع) و مکتب آن بزرگوار می‌اندازد اما شعائر حسینی اعم از مناسک عزاداری می‌باشند؛ چرا که برخی شعائر حسینی جنبه‌ی عزاداری ندارند و صرفاً نماد، شعار و علامتی از مکتب امام حسین (ع) می‌باشند به گونه‌ای که با مشاهده‌ی این علامت‌ها، نمادها و رفتارها، واقعه‌ی عاشورا و مکتب امام حسین (ع) برای مشاهده کننده، تداعی می‌شود.

گفتار دوم: قمه‌زنی، شعائر و مناسک عزاداری

قمه در لغت‌نامه‌ی دهخدا «قذّاره کشیدن، کنایه از شرارت کردن»^۱ و در فرهنگ بزرگ سخن، «جنگ افزار» معنی شده است.^۲ قمه سلاح سردی است که برای شرارت کردن و یا در جنگ از آن استفاده می‌شود؛ این سلاح شبیه شمشیر اما کوتاه‌تر، پهن‌تر، بدون انحنا و کجی است. برخی از افراد در مراسم عزاداری امام حسین (ع) و به نیت عزاداری و جهت بیان حزن و اندوه خود و ابراز هم‌دردی با آن حضرت، آلت برنده قمه را بر سر خود می‌زنند که به این عمل «قمه‌زنی» می‌گویند و به اشخاصی که این عمل را انجام می‌دهند «قمه‌زن» گفته می‌شود.

بند اول: قمه‌زنی و مناسک عزاداری

تعریف و مفهوم مناسک عزاداری بیان شد و حال با توجه به تعریف ارائه شده در مورد قمه‌زنی و مناسک عزاداری سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا قمه‌زنی جزء مناسک عزاداری محسوب می‌شود یا خیر؟ با توجه به این که در تعریف مناسک عزاداری گفته شد که، مناسک عزاداری به صورت نظام یافته، همگانی و مبتنی بر عقاید دینی می‌باشند و

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، جلد یازده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷۵۷.

۲- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد شش، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۵۵۸۹.

مداومت در این گونه مناسک منجر به تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی افراد می‌شود، به نظر می‌رسد که، قمه‌زنی را نمی‌توان در زمره مناسک عزاداری آورد، چرا که این رفتارها نشأت گرفته و برخاسته از عقاید دینی تمام افراد قمه‌زن نمی‌باشد و برخی از افراد صرفاً برای تخلیه و ارضای روحی خود و یا به خاطر مخالفت دیگران با این گونه رفتارها، به این گونه عزاداری‌ها متمسک می‌شوند و قمه‌زنی می‌کنند. از طرف دیگر بعید است قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن در عزاداری‌ها منجر به تقویت باورها و فضائل اخلاقی قمه‌زنان شود. بنابراین به راحتی نمی‌توان پذیرفت که قمه‌زنی نیز مانند سینه زنی، روضه خوانی و... در زمره مناسک عزاداری قرار دارد.

بند دوم: قمه‌زنی و شعائر حسینی

تعریف و محدوده‌ی شعائر حسینی به دقت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که، قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن در بین شعائر حسینی چه جایگاهی دارد؟ پاسخ به این سؤال در گرو دانستن حکم تکلیفی متعلق این گونه رفتارها می‌باشد؛ به بیان دیگر باید بدانیم که، قمه‌زنی و امثال آن در عزاداری‌ها جایز می‌باشد و یا حرام است؟ با دانستن پاسخ این سؤال نیمی از داستان حل می‌شود. چرا که چنان که گفتیم برای این که، یک عمل یا رفتار یا نماد خاصی را در زمره شعائر حسینی بدانیم، دو شرط لازم است: نخست، رفتار و عمل مذکور به خودی خود حرام و ممنوع شرعی نباشد، بلکه در زمره مباحات باشد و دوم اینکه، رفتار یا نماد مذکور باید عرفی باشد و عرف مردم آن را به عنوان عزاداری بپذیرد.

برخی از بزرگان و صاحب نظران معتقدند که، قمه‌زنی اصلاً عزاداری محسوب نمی‌شود تا چه رسد به این که بخواهیم آن را در زمره شعائر حسینی بدانیم. در واقع گفته می‌شود به تعبیر فقها، عرف معیار تشخیص عزاداری می‌باشد و عرف هیچ‌گاه عمل قمه‌زنی را عزاداری نمی‌داند و به درستی هیچ کس در سوگ عزیزانش این چنین نمی‌کند^۱. اما در نقد سخن این دسته از افراد باید گفت که، ملاک عرفی بودن یک رفتار، جامعه و مردمی هستند که در آن جامعه زندگی می‌کنند، نه این که فرد یا افراد خاصی رأساً و با نگرش جهت دار و از پیش تعیین شده در مورد عرفی بودن یا نبودن رفتاری اظهار نظر کنند. مردم وقتی در یک زمان

و مکان خاص، مانند اینکه در عاشورا و در حسینیه‌ای عده‌ای از افراد را می‌بینند که کفن بر تن خود کرده‌اند، قمه بر دست دارند و گریه کنان قمه را بر سر خود می‌زنند، بدون تردید اولین چیزی که به ذهنشان متبادر می‌شود این است که این افراد مشغول عزاداری هستند و هیچ انسان عاقلی با دیدن چنین صحنه‌ای در چنین زمان و مکانی، فرض دیگری را متصور نمی‌شود. بلکه اگر از افرادی که ناظر چنین صحنه‌ای هستند سؤال شود این افراد مشغول چه کاری هستند؟ بدون شک پاسخ می‌دهند مشغول عزاداری کردن هستند. بنابراین، این که بگوییم عرف به عمل قمه‌زنی عزاداری نمی‌گوید ادعای بی پایه و اساس می‌باشد. اما چنانچه گفته شود، عمل قمه‌زنی متداول، معمول و رایج نمی‌باشد، سخن پسندیده و قابل قبولی است و گزافه نیست اگر بگوییم که این عمل نزد میانگین و نرم جامعه مقبولیت لازم و کافی را ندارد. اما سخن گفتن در مورد این که این رفتارها حلال یا حرام می‌باشند به این سادگی نمی‌باشد و ادله موافق و مخالف حلیّت این رفتارها نیازمند مذاقه و بررسی بیشتری دارند به همین دلیل در مباحث آینده و در فصل دوم به تفصیل به تشریح حلیّت و یا حرمت این گونه رفتارها می‌پردازیم و پس از روشن شدن حکم تکلیفی این گونه عزاداری‌ها می‌توان در مورد شعائر حسینی محسوب شدن یا نشدن آن‌ها سخن گفت.

مبحث دوم: انواع و تاریخچه‌ی عزاداری‌های نامتعارف

برای درک بهتر و بیشتر موضوع شایسته است برخی از انواع عزاداری‌های نامتعارف و پیشینه و سیر تاریخ و تحول این گونه عزاداری‌ها مورد بررسی قرار گیرند به همین دلیل در این مبحث در قالب دوگفتار به تبیین و بررسی آن‌ها می‌پردازیم به این صورت که درگفتار اول برخی از انواع عزاداری‌های نامتعارف که وجهه‌ی سنتی و نوین دارند را به طور خلاصه بیان می‌کنیم و در گفتار دوم، به بیان و تشریح تاریخچه این گونه عزاداری‌ها پرداخته می‌شود.

گفتار اول: انواع عزاداری‌های نامتعارف

برخی از عزاداری‌های نامتعارف نسبت به موارد دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ از این رو به تعریف و بیان آن‌ها پرداخته می‌شود؛ به این صورت که در قالب بند اول چند نمونه از عزاداری‌های نامتعارف نوین و در بند دوم مواردی از عزاداری‌های نامتعارف سنتی به روایت تصویر بیان می‌شوند.

بند اول: عزاداری‌های نامتعارف نوین

عزاداری‌های نامتعارف نوین، عزاداری‌هایی هستند که، بیشتر در عصر حاضر یا گذشته‌ی نه چندان دور توسط برخی از مردم انجام می‌گیرند و از مقبولیت عمومی و عرفی برخوردار نمی‌باشند. در این بند به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

الف: قمه‌زنی

مهم‌ترین، پربحث‌ترین و در عین حال رایج‌ترین شیوه‌ی عزاداری نامتعارف، قمه‌زنی می‌باشد؛ این شیوه‌ی عزاداری امروزه در میان برخی از شیعیان رواج یافته است. در واقع قمه‌زنی از مراسمی است که در بعضی از مناطق و بلاد شیعی توسط برخی از عزاداران امام حسین (ع) اجرا می‌شود، به این صورت که؛ صبح روز عاشورا یا در برخی از ایام خاص دیگر، مانند اربعین حسینی، شهادت امام علی (ع)، شهادت حضرت فاطمه (س) و... با پوشیدن لباس سفید و بلندی مانند کفن، به صورت دسته جمعی در حسینیه‌ها یا خانوادگی در خانه‌های خود، با ضربه زدن توسط آلت برنده‌ای به نام «قمه» بر سر خود باعث ایجاد جراحت و خون‌ریزی می‌شوند و خون خود را بر سر و صورت و لباس خود جاری می‌کنند. قمه‌زنان در شب قبل از روز عاشورا، قمه خود را تیز کرده و در مراسمی به نام «مشق قمه» شرکت می‌کنند و فردای آن شب بعد از نماز صبح و قبل از طلوع آفتاب، قمه به دست گرد هم می‌آیند تا مراسم قمه‌زنی را شروع کنند و با ذکر «یا حیدر» آماده قمه‌زنی می‌شوند. نکته‌ای که قابل توجه می‌باشد این است که، معمولاً در هیئت‌های قمه‌زنی چند نفر که استاد و کار بلد قمه‌زنی می‌باشند، حاضر هستند و قمه را از دست افرا گرفته و دو-سه ضربه با قسمت تیزی قمه بر سر افراد عزادار وارد می‌کنند و پس از آن، قمه را در دست خود عزاداران می‌دهند تا با ذکر «حیدر- حیدر» و یا «حسین- حسین» با طرف پهنای قمه (نه طرف تیزی آن)، بر روی زخم و جراحت خود بزنند تا این که خون‌هایشان پخش شوند^۱. البته برخی از قمه‌زنان این کار را به اساتید قمه‌زن و افراد کار بلد محول نمی‌کنند؛ بلکه به وجد و شور و هیجان آمده و خودشان با طرف تیزی قمه، اقدام به قمه‌زنی می‌کنند و ضرباتی بر سر خویش وارد می‌کنند. در این حالت به خاطر این که این افراد کنترل خود را از دست می‌دهند به شکل فجیع و وحشتناک قمه‌زنی می‌کنند و در برخی از این مواقع در

اثر خون‌ریزی بسیار زیاد بی‌هوش می‌شوند. قمه‌زنان اعتقاد دارند در روز عاشورا، زمین کربلا از خون جوانان بنی‌هاشم و امام حسین(ع) لاله‌گون شده و مصیبت بزرگی به اهل بیت علیهم السلام وارد شده است، که ما به‌عنوان یک مسلمان شیعه، برای ابراز هم‌دردی و مواسات با آن در خون نشستگان، خون خود را در این ایام جاری می‌کنیم تا بگوییم که اگر در روز عاشورا بودیم، جان خود را نثار امام حسین(ع) و اهل بیت او می‌کردیم. به عقیده این افراد عزاداری واقعی برای شهیدان کربلا، لطمه زدن به خود و خون جاری کردن می‌باشد و با گریه کردن، مشکی پوشیدن، روضه خوانی و سینه زنی عزاداری واقعی که ابراز هم‌دردی و مواسات با آن بزرگواران باشد، حاصل نمی‌شود. در میان قمه‌زنان افرادی دیده می‌شوند که جهت مواسات و هم‌دردی با کودک شش ماهه امام حسین (ع)، قمه را بر سر اطفال و کودکان خود نیز می‌زنند و گاهی اوقات دیده می‌شود که برای برآورده شدن حاجاتشان، نذر می‌کنند که در وقت خاصی قمه‌زنی کنند. تمامی این مسائل نشان دهنده‌ی اهمیت و جایگاه والای قمه‌زنی در بین قمه‌زنان می‌باشد. در عصر حاضر به دلایل متعددی این شیوه‌ی عزاداری، حامیان و طرفداران زیادی پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که در برخی از مناطق شیعه نشین جهان مانند هند، پاکستان، افغانستان و حتی در برخی از کشورهای شیعه نشین آفریقایی و... رایج شده و گسترش یافته است. در برخی از شهرستان‌ها و شهرهای کشور خودمان (ایران)، نیز این شیوه‌ی عزاداری در نزد برخی از افراد و گروه‌های عام و خاص مردم، از اهمیت و مقبولیت خاصی برخوردار است به نحوی که، در طول سال، در برخی از نقاط کشورمان از جمله اصفهان، برخی از نقاط مشهد، قم، کرمانشاه، اردبیل، ورامین، کردستان و... شاهد انجام این‌گونه عزاداری‌ها هستیم.



ب: قفل زنی

یکی دیگر از انواع عزاداری‌های نامتعارف قفل‌زنی یا قفل آجین می‌باشد، که در این شیوه‌ی عزاداری، عزاداران از قسمت گردن به پایین بدن خود، قسمت‌هایی را سوراخ کرده و رخنه‌ای در اندام‌های بدن خود ایجاد می‌کنند و از لابه لای این سوراخ‌ها، تیر، نیزه، شمشیر، تیغ، خنجر و وسایل فلزی دیگری را عبور می‌دهند و در جلوی دسته‌ی عزاداری خود را برهنه و عریان در معرض دید عموم می‌گذارند؛ تا مردم این افراد را ببینند و به یاد مصیبت‌ها، آسیب‌ها و جراحت‌های شهیدان کربلا بیفتند. این شیوه‌ی عزاداری به قدری دردناک و سخت می‌باشد که هرکسی تاب و توان تحمل دردهای آن را ندارد. به همین دلیل برخی از افرادی که علاقه‌مند قفل‌زدن بر بدن خود هستند و به این نوع عزاداری‌ها متمسک می‌شوند، ابتدا اندامی را که می‌خواهند سوراخ کنند و قفل بزنند بی‌حس و کرخت می‌کنند تا کمتر درد آن را احساس کنند. به طور کلی هدف فاعلین این نوع از عزاداری‌ها، این است که گوشه‌ای از سختی‌ها و آلام وارده بر شهیدان کربلا و بخصوص امام حسین(ع) را به عموم مردم، انتقال دهند. این شیوه‌ی عزاداری، در قرون گذشته و در تهران قدیم رایج بوده است^۱، اما خوشبختانه در عصر حاضر، این شیوه‌ی عزاداری در کشورمان بسیار کم رنگ شده است ولی هم‌چنان برخی از افراد در بعضی از مناطق شیعی دنیا به این شیوه پایبند هستند.

پ: استفاده از زنجیرهای تیغ‌دار

زنجیر زنی یکی از سنت‌های عزاداری در ایران است و در پاکستان و هند نیز این شیوه‌ی عزاداری رواج دارد. در واقع زنجیری که در عزاداری از آن استفاده می‌شود، «مجموعه‌ای از حلقه‌های ریز متصل به هم که به دسته‌ای چوبی یا فلزی وصل می‌شود، می‌باشند که عزاداران آن را در روز عاشورا، به صورت دسته جمعی و در هیئت‌های عزاداری، همراه با نوحه‌خوانی، بر پشت کمر خود می‌زنند و گاهی جای آن کبود و سیاه می‌شود^۲». اما

۱- نیکروح متین، فرزانه، روزنامه‌ی شرق، عزاداری در محرم و صفر تهران قدیم، سال نهم، شماره ۱۴۰۴، دوشنبه ۱۳۹۰/۹/۷، ص ۳

۲- محدثی، منبع پیشین، ص ۲۱۴.

اما عده‌ای از عزاداران، این سنت عزاداری را کمی تغییر داده‌اند، به این صورت که، تیغ‌های فلزی بر روی این زنجیرها نصب می‌کنند و در حالتی که بدنشان عریان می‌باشد اقدام به زنجیر زنی، بر پشت خود می‌کنند و در اثر برخورد تیغ‌هایی که روی زنجیرها بسته شده‌اند به بدنشان، خون از پشت آن‌ها جاری می‌شود. این شیوه‌ی عزاداری، در عصر حاضر در برخی از مناطق کشورمان و کشورهای دیگر طرفداران و حامیان زیادی دارد.

ت: غلتیدن بر روی خرده شیشه

یکی دیگر از شیوه‌های نوین عزاداری‌های نامتعارف، غلتیدن بر روی خرده شیشه می‌باشد. در این نوع از عزاداری‌ها، عزاداران یک محوطه‌ای را تعیین می‌کنند و خرده شیشه‌هایی را در آن جا پخش می‌کنند و جهت عزاداری روی زمین می‌خوابند و بر روی شیشه‌ها غلت می‌خورند تا این‌که شیشه‌ها بر روی بدنشان جراحات و بریدگی‌هایی ایجاد کنند^۱ و خون از بدنشان جاری شود و به این شکل ابراز هم‌دردی و مواسات با امام حسین (ع) و دیگر شهیدان کربلا می‌کنند. این شیوه‌ی عزاداری در گذشته تا حدودی حامی و طرفدار داشت و در عصر حاضر کمتر کسی قائل به این شکل از عزاداری می‌باشد؛ با این وجود این شیوه عزاداری کاملاً متروک نشده است و هنوز هم برخی از عزاداران از این شیوه‌ی عزاداری استفاده می‌کنند.



ث: شمع آجین

یکی از تصوّرات عامه‌ی مردم این است که اُسرا و شهدای کربلا را در تنور ریخته و آن‌ها را آتش زدند. و پوست بدنشان در اثر آتش تنور آب شده است. به همین دلیل برخی از عزاداران جهت مواسات و ابراز همدردی با این اُسرا و شهدا بدن خود را عریان کرده و شمع‌هایی را بر روی بدن خود می‌گذاشتند و روشن می‌کردند تا این‌که شمع آب شود و بدنشان بسوزد. این عمل به قدری فجیع و دردآور بود که وقتی فیتله‌ی شمع تمام می‌شد، از چربی بدن عزادار، می‌توانستند روغن بگیرند.^۱ در عصر حاضر در کشورمان این شیوه‌ی نامتعارف عزاداری به کلی منسوخ شده و هیچ ردپایی از آن دیده نمی‌شود.

ج: قلاده به گردن آویختن

یکی از عزاداری‌های نوین که سابقه‌ی چندانی هم ندارد، «آویختن قلاده به گردن» و تقلید صدای سگ می‌باشد. این شیوه‌ای که برخی از عزاداران از آن استفاده می‌کنند، کاملاً خرافی و غلط است. البته هدف برخی از این عزاداران که خود را «کلب الحسین» می‌دانند، اظهار عجز و هم‌چنین وفاداری و خاک‌ساری به درگاه امام حسین(ع) می‌باشد. به نظر می‌رسد که این دسته افراد، نیتی درست و پسندیده دارند ولی نیت خود را در قالبی عامه ناپسند و به شکل و نوعی غیر متعارف بروز می‌دهند.

چ: عزاداری سُم

پس از شهادت امام حسین(ع) و غارت خیمه‌ها عمرسعد، افرادی را فرا خواند تا با اسب بر روی پیکر مبارک سید الشهداء عبور کنند و بدن مبارک آن حضرت را با سُم اسب‌ها لگد مال کنند.^۲ به نقل از برخی از راویان مقاتل، عده‌ای داوطلبانه آنقدر اسب‌ها را بر بدن مطهر آن بزرگوار تاختند که از ضربات پی در پی سُم اسب‌ها، استخوان‌های پشت حضرت درهم شکست.^۳ به همین دلیل برخی از عزاداران جهت مواسات و همدردی با آن حضرت، عزاداری

۱- نیک روح متین، منبع پیشین، ص ۳

۲- ابن طاووس، علی ابن موسی، لهوف، متن کامل عربی-فارسی، ترجمه محمد اسکندری، قم، نشر پورصائب، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵.

۳- شیخ مفید، مقتل مفید (سوگ‌نامه سالار شهیدان)، مترجم سید علیرضا جعفری، قم، انتشارات نبوغ، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱.

جدیدی را ابداع کرده‌اند، به این شکل که مردان عزادار، بر روی زمین می‌خوابند و اسب بر روی آن‌ها می‌تازد و مورد اصابت ضربات سُم اسب‌ها قرار می‌گیرند، به این شیوه‌ی نوین، عزاداری سُم گفته می‌شود. البته این شیوه‌ی عزاداری هم نادر بوده و صرفاً در برخی از نقاط شیعه نشین و آن هم توسط افراد کمی انجام می‌شود.

بند دوم: عزاداری‌های نامتعارف سنتی

برخی از عزاداری‌های نامتعارفی که امروزه در گوشه و کنار شاهد آن‌ها هستیم سابقه‌ی نسبتاً طولانی مدتی دارند و ساخته و ابداع شده‌ی عصر حاضر نیستند و منظورمان از سنتی بودن این گونه عزاداری‌ها در این بند، ریشه در گذشته داشتن و ابداعی نبودن آن‌ها در عصر حاضر است. در این بند به شرح برخی از این شیوه‌های سنتی ولی درعین حال نامتعارف پرداخته می‌شود.

الف: گل مالی کردن سر و صورت و پریشان کردن چهره

یکی از شیوه‌های عزاداری سنتی که از قدیم الایام وجود داشته، گل مالی کردن سر و صورت و پریشان کردن چهره به نشانه‌ی حزن و اندوه می‌باشد. در واقع عزاداران با گل مالی کردن سر و صورت خود می‌خواهند بگویند که بخاطر این مصیبت بزرگ خاک بر سر شده‌اند و نهایت اندوه و ماتم خود را با این حرکت بیان می‌کنند؛ برای نمونه، میرزای نایینی، سید جمال گلپایگانی، سید محمد هادی میلانی و برخی دیگر از علما و مراجع، در عزای امام حسین (ع) خاک بر سر می‌ریختند و سر و صورت خود را گل مالی می‌کردند.^۱ در کشور ما این شیوه‌ی عزاداری بیشتر بین «اقوام لر» جا افتاده و پر طرفدار است. به گونه‌ای که تبدیل به یک رسم شده است. آیین خاص گل مالی در لرستان دارای مراحل مختلفی است که به طور معمول از روز هفتم محرم شروع شده و تا بعد از شام غریبان نیز ادامه دارد. در روز تاسوعا گل نرمی از خاک باغچه یا خاک رُس تهیه کرده و صبح روز عاشورا بدن خود را جهت عزاداری گل مالی می‌کنند.^۲ این شیوه‌ی عزاداری بین اکثر قریب به اتفاق لرها، جا افتاده و معمول است. اما در سطح کشور، این شیوه‌ی عزاداری، شیوه‌ی متعارف و معمول

۱- نیشابوری، عبدالحسین، منبع پیشین، ص ۱۰۳

نیست. به همین دلیل ما هم به تبعیت از میانگین جامعه، این نوع عزاداری‌ها را در زمره‌ی عزاداری‌های نامتعارف آوردیم.

ب: راه رفتن بر روی تیغ و خار

از آن جایی که بعد از واقعه‌ی عاشورا زنان و کودکان حرم به اسارت رفتند و کودکان امام حسین(ع) در راه شام با پای برهنه بر روی خارها راه رفتند. بنابراین جهت مواسات و همدردی با این کودکان و آسرای خرابه شام، عزاداران در برخی از ایام سال مانند یازدهم محرم در یک مکان از پیش تعیین شده که پر از تیغ و خار بیابان می‌باشد، گرد هم می‌آیند و بر روی این خارها راه می‌روند تا خود را در موقعیت آن بزرگواران قرار دهند و ابراز همدردی کنند. در واقع پا برهنه در عزا بیرون آمدن و راه رفتن روی تیغ و خار بیابان، از یک سو علامت شدت تأثر عزادار است و از سوی دیگر یادی از پا برهنه دویدن آل الله در بیابان کربلا است. این نوع عزاداری از مبدعات و مخترعات عصر حاضر نمی‌باشد و در گذشته نیز توسط بسیاری از افراد انجام می‌گرفت اما در عصر حاضر این شیوه‌ی عزاداری بیشتر توسط بانوان انجام می‌گیرد؛ چرا که راه رفتن بر روی خارها نمادی از اسارت بانوان حرم امام حسین(ع) از جمله حضرت رقیه(س) می‌باشد. در برخی از نقاط کشورمان این نوع عزاداری طرفداران زیادی دارد به گونه‌ای که در برخی از شهرهای ایران فراخوان شرکت در عزای راه رفتن بر روی خارها، در پنجم ماه صفر ویژه بانوان می‌دهند و برخی از بانوان با کمال میل در این عزاداری‌ها شرکت می‌کنند و با پای برهنه بر روی خارها راه می‌روند تا ابعادی از درد و رنج زنان اهل بیت علیهم السلام را در جریان واقعه‌ی عاشورا و بعد آن را به تصویر بکشند. البته باید توجه داشت که این درد و رنج‌ها بُعد مادی داشته و حضرت زینب(س) که خود شاهد اصلی و دخیل در این درد و رنج‌ها بوده است، در توصیف این جنایت تاریخی(واقعه‌ی کربلا) می‌فرمایند: «مارأیت الا جمیلاً» یعنی به غیر از زیبایی چیزی ندیدم. با وجود چنین توصیفی توسط بزرگ‌ترین صاحب مصیبت، عده‌ای از عزاداران از قرن‌ها پیش صرفاً به بُعد مادی این درد و رنج‌ها می‌نگرند^۱ و برای ابراز

هم‌دردی و شریک بودن در این مصیبت‌ها و رنج‌ها بر روی خارهای بیابان راه می‌روند.



پ: راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته

گروهی از افراد در تکیه‌ها و هیئت‌های عزاداری گرد هم می‌آیند و زغال‌هایی را بر روی زمین پهن کرده و آن‌ها را آتش می‌زنند و پس از این که زغال‌ها گداخته شد، عزادارانی که خود را عاشق و دوست‌دار واقعی امام حسین (ع) می‌دانند در حالتی که سینه می‌زنند و فریاد می‌کشند بر روی این زغال‌های گداخته راه می‌روند. در واقع به آتش رفتن با پای برهنه در قدیم در شهرهای مختلف رایج بوده است. در کربلا و بعضی از شهرهای ایران هم این شیوه تا حدودی متداول می‌باشد و درهند سابقه‌ی طولانی دارد.^۱ با پایان روز دهم محرم الحرام، اهالی منطقه «القریه» در کشور بحرین برای ایجاد فضای دینی و ماندگار شدن واقعه‌ی عاشورا در اذهان و تأسی به خاندان رسول خدا (ص) و مواسات با آن بزرگواران به خاطر آتش گرفتن خیمه‌هایشان در روز عاشورا بر روی زغال گداخته راه می‌روند؛ کاری که بیشتر مرتازان هندی برای ریاضت کشیدن انجام می‌دهند. در برخی از مناطق شیعه نشین جهان مانند هند، پاکستان و... و در کشورمان نیز در برخی از مناطق مشهد، کردستان و مناطق دیگر این شیوه‌ی

۱- نیشابوری، منبع پیشین، ص ۱۰۷.

نامتعارف عزاداری طرفداران زیادی دارد.



گفتار دوم: تاریخچه و پیشینه‌ی عزاداری‌ها و سیر تغییر و تحولات آن

قریب به پانزده قرن است که سوگواری و عزاداری بر سید و سالار شهیدان کربلا امام حسین (ع)، جایگاه ویژه‌ای در سنت جوامع اسلامی دارد. این جایگاه محدود و محصور به کشور یا مذهب خاصی نیست. اما در مذهب شیعه این سنت حسنه جایگاه والایی داشته و محدود به ماه محرم و صفر نبوده و در تمام ایام سال به مناسبت‌های مختلفی در قالب‌های متفاوتی از جمله روضه خوانی، شبیه‌خوانی و... برپا می‌شود.

شیعیان و محبین ائمه اطهار علیهم السلام با برپایی مجالس عزاداری به اشکال مختلف سعی در حفظ و زنده نگاه داشتن واقعه‌ی کربلا و معرفی و عرضه‌ی این واقعه و فاجعه‌ی تاریخی به عالمیان دارند. عزاداری از مبدعات عصر حاضر یا قرون اخیر نمی‌باشد، بلکه عزاداری به اشکال مختلف آن از زمان حضرت آدم آب‌البشر بوده و هر پیامبری بعد از پیامبر دیگر این وظیفه مهم را انجام می‌داده است.^۱ سوگواری به طور اخص بر مصیبت امام حسین (ع) و شهدای کربلا قدمتی به اندازه واقعه‌ی عاشورا دارد؛ چرا که بعد از عاشورای سال ۶۱ ه.ق اهل حرم، از جمله امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) به عزاداری و گریه و ماتم بر این مصیبت عظمی پرداختند. در یازدهم محرم الحرام سال ۶۱ ه.ق، زمانی که آسرای

کربلا را برای انتقال به کوفه به راه انداختند، زنان و دختران حرم وقتی که از کنار بدن‌های مطهر امام حسین(ع) و اولاد و اصحاب او گذر کردند، ناله و فغان سردادند و با چشمانی اشک‌بار، به سر و صورت خود زدند و به اصطلاح عزاداری کردند^۱. گرچه عزاداری برای امام حسین(ع) و خاندان و یاران ایشان به اشکال متنوع در طول تاریخ اسلام برگزار می‌شد اما این مراسم و آن هم در حد گسترده به صورت سازمان یافته و با دستور و حمایت حکومت، از زمان آل بویه در بغداد آغاز گردید. در سال ۳۶۷ ه.ق، عضد الدوله دیلمی، پادشاه شیعه مذهب آل بویه، در ترویج نمادهای شیعی به کربلا و نجف رفته و آستانه عتبات را توسعه داد. آثار اقدامات آل بویه موجب گسترش روز افزون فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و به تبع آن بزرگداشت حماسه و عزاداری برای آل الله در ایران گردید به نحوی که حتی در دوره تیموری نیز که مذهب رسمی اهل سنت بر ایران حاکم بود، محبت اهل بیت و برپا داشتن مراسم سوگواری در روز عاشورا در خراسان، ماوراءالنهر و مناطق مرکزی دیده می‌شود^۲. سلاطین سلجوقی نیز از دوست‌داران ائمه شیعه بودند و افرادی در دربار برای آن‌ها روضه خوانی و مدیحه سرایی می‌کردند. در نیمه دوم قرن هفتم، در سال ۶۵۶ ه.ق، باسقوط بغداد و حاکمیت یافتن ایلخانان در ایران و عراق، مذهب اهل سنت با بحران جدی روبه رو شد؛ از این رو فرصت مناسبی برای توسعه‌ی مذهب تشیع و برپایی شعائر و مراسم مذهبی فراهم گردید و با عنایت «غازان خان» به شیعیان و سرانجام با رسمی شدن مذهب تشیع در مدت کوتاهی در زمان «اولجایتو» مراسم مذهبی و عزاداری عمومیت یافت.

بند اول: حکومت صفویه و عزاداری‌های نامتعارف

با روی کار آمدن حکومت صفویه و درآوردن مملکت به کشوری شیعه و مقتدر، باب تمسک به انواع و اقسام عزاداری‌های مختلف گشوده شد و برخی از شاعران به سرودن شعر در مدح ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و به خصوص امام حسین(ع) پرداختند. در دوره‌ی صفویه عزاداری‌ها و شعائر حسینی به شدت قوت گرفت و مردم و حکومت به انواع و اقسام مختلف

۱- همان، ص ۲۱.

۲- قهرمانی‌نژاد، بهاء‌الدین، مباحثی پیرامون عزاداری، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

عزاداری‌ها متمسک شدند^۱. البته می‌توان با قطعیت گفت که، تا قبل از روی کار آمدن حکومت صفویه، گونه‌های عزاداری متعارف و معمول بود اما از این زمان به بعد شاهد انواع و اقسام مختلف و بحث‌برانگیزی از اعمال و رفتارهایی هستیم که این اعمال و رفتارها را به نیت عزاداری کردن انجام می‌دهند و با گذر زمان این گونه عزاداری‌ها رواج یافته و در عصر حاضر هم با آن مواجه هستیم. از جمله این رفتارها و اعمال نامتعارف، قمه‌زنی، قفل‌زنی، تیغ‌زنی و... در عزاداری‌ها می‌باشد. آن چه که از وضوح کافی برخوردار است، این است که تا قبل از حکومت صفویه، این گونه عزاداری‌های نامتعارف سابقه‌ای نداشته است و آن چه که در اینجا مورد اختلاف است، انتساب این گونه عزاداری‌ها به دوره‌ی صفویه یا قاجاریه است. در واقع تردید است که آیا این گونه رفتارها و عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی، قفل‌زنی، تیغ‌زنی و...) در زمان حکومت صفویه به وجود آمده و رواج یافته است یا در دوره قاجاریه؟

برخی از محققان و تاریخ نگاران بر این عقیده‌اند که مبدع و آغازگر این گونه اعمال نامتعارف از جمله قمه‌زنی در عزاداری‌ها در ایران، حکومت صفویه بوده است؛ به این صورت که «در روز عاشورا سلاطین صفویه به بخش‌های خاصی از افواج ارتش قزلباش خود که به گروه «فدائیان قزلباش» مشهور بودند، دستور می‌دادند تا به صورت منظم و دسته بندی شده دسته‌های عزاداری را راه بیندازند^۲». فدائیان قزلباش در روز عاشورا شمشیر به دست بیرون می‌آمدند و عقیده داشتند که، چون امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا مورد اصابت نیزه و شمشیرها قرار گرفتند، ما هم برای ابراز هم‌دردی و مواسات با آن بزرگواران چنین حالتی را برای خودمان ایجاد می‌کنیم^۳. در دوره‌ی صفویه در مراسم عزاداری علاوه بر استفاده از ابزارآلات جدید، آداب و رسوم نوینی از جمله، قفل‌زنی، قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... در زمره‌ی عزاداری‌ها قرار گرفت. اسناد و گزارش‌هایی از دوره‌ی صفویه بر جای مانده است که تأییدکننده عمل قمه‌زنی به عنوان شیوه‌ای از عزاداری در این دوره می‌باشد. برای نمونه گزارشی از اولیاء چلبی در عهد شاه صفی درمورد عزاداری مردم تبریز که مرکز اصلی تجمع دراویش و صوفیان بوده است به شرح زیر است:

۱- همان، ص ۸۶.

۲- مسائلی، مهدی، منبع پیشین، ص ۱۹.

۳- حسام مظاهری، محسن، رسانه شیعه، مروری بر تاریخ تکوین مجالس و آیین‌های عزاداری در ایران، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۵.

«هنگامی که خواننده کتاب به قسمتی می‌رسد که طرز کشته شدن امام حسین (ع) به دست شمر ملعون را توصیف می‌کند، و در آن لحظه تصاویر اجساد اطفال کشته شده امام را از چادر شهیدان کربلا بیرون می‌آورند، از تماشای این منظره صدای فریادها و شیون‌های تماشاگران گوش فلک را کر می‌کند و تمام مشاهده‌کنندگان ناله سر می‌دهند. صدها تن از مخلصان هم با شمشیر و قمه به سر و صورت و پیکر خود زده و مجروح می‌شوند^۱».

به طور کلی صفویان دو اقدام مهم در زمینه‌ی عزاداری انجام دادند؛ نخست آن‌که: مجالس سوگواری و عزاداری را رسمی و حکومتی کردند؛ به بیان دیگر عزاداری به دربار حکومت راه یافت. دوم: آیین‌ها و رسوم و شیوه‌های نوینی از عزاداری‌ها مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... را ابداع کردند.

بند دوم: حکومت قاجاریه و عزاداری‌های نامتعارف

عده‌ای از مورخان و محققان بر این عقیده‌اند که برخی از اشکال نامتعارف عزاداری‌ها در دوره‌ی قاجاریه ابداع شده و گسترش یافته است. برای نمونه گفته شده است که مبدع و آغازگر قمه‌زنی و تیغ‌زنی به عنوان شیوه‌ای از عزاداری قاجارها بوده‌اند و یا حداقل این‌که این شیوه‌های عزاداری در این دوره رواج و شیوع یافته‌اند. در واقع از ویژگی‌های عزاداری در دوره‌ی قاجاریه عمومیت یافتن رسم قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌باشد. چنان‌چه این رسم سابقه‌ای در دوره صفویه هم داشته باشد ولی در دوره‌ی قاجاریه فراگیر شده و رواج یافته است؛ به گونه‌ای که «بنجامین» سفیر کبیر آمریکا در ایران در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار در توصیف مراسم قمه‌زنی در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد:

«سال ۱۸۸۴ میلادی من در تهران اقامت داشتم. دسته‌هایی در خیابان‌ها حرکت می‌کردند و احساسات تند و شدید بی‌سابقه‌ای از خود نشان می‌دادند. در این میان جمعی سفید پوش که کاردهایی در دست داشتند، پدیدار شدند که با هیجان زیاد کاردها را بالابرده و به سر خود می‌زدند و خون از سر آن‌ها و کاردهایی که در دست داشتند فواره می‌زد و سرتا پایشان را سرخ کرده بود. واقعاً که منظره‌ی دل‌خراش و تأثرآوری بود که هرگز نمی‌توانم آن را از یاد ببرم. کسانی که در این دسته‌ها قمه می‌زنند، گاهی اوقات آن قدر به

۱- فروغی ابری، اصغر، ایرانیان و عزاداری عاشورا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۶۱.

هیجان آمده و یا خونی که از آن‌ها می‌رود به قدری زیاد است که بی‌حال شده و روی زمین می‌افتند و حتی ممکن است که اگر فوراً مداوا نشوند جان خود را ازدست بدهند^۱. هم‌چنین «پیرلوتی» که در زمان مظفرالدین شاه قاجار که به ایران سفر کرده بود طی گزارشی در مورد قمه‌زنی در عزاداری‌ها می‌نویسد: «مردان سر برهنه در میان گیسوان خود شکاف خون آلودی ایجاد کرده‌اند (قمه زده‌اند) و عرق و قطعات خون روی شانه‌هایشان جاری است^۲». در دوره‌ی قاجاریه عقاید سست و آیین‌های خرافی وارد سوگواری‌ها شد و این آیین‌های خرافی به یک شیوه‌ی عزاداری تبدیل شد. از جمله کسانی که این آیین‌های خرافی را در عصر قاجار رواج و گسترش داد، فاضل دربندی بود^۳. وی در کتاب خود به‌نام «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات» مطالب سست، جعلی و خرافی را به مجالس عزاداری وارد کرد. به گونه‌ای که عبدالله مستوفی تاریخ نگار دوره قاجاریه درباره‌ی فاضل دربندی می‌نویسد: «تیغ زدن در روز عاشورا از کارهایی است که این شخص در عزاداری‌ها وارد کرده و به آن عمومیت بخشیده است و این فعل حرام را موجب اجر و ثواب دانسته است^۴». مهدی بامداد نیز درباره‌ی فاضل دربندی می‌نویسد: «فاضل دربندی است که تیغ زدن بر سر که خلاف اصول اسلامی است، در ایام عاشورا جایز دانست و خود ایشان نیز عمل می‌کرده است و از این تاریخ است که مردم عوام به تبعیت از وی در ایام عاشورا بر سر خود تیغ و قمه زده‌اند^۵».

برخی از محققان بر این عقیده‌اند که این‌گونه عزاداری‌ها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) وارداتی از

۱- بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کرد بچه، تهران، نشر جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۸۶.

۲- فروغی ابری، منبع پیشین، ص ۶۸.

۳- فاضل دربندی همان کسی است که به گفته شهید مطهری، خرافات و انحرافات موجود در کتاب «روضه الشهداء» اثر ملا حسین کاشفی و دیگر سخنان بی‌مبنا را در قالب کتاب «اسرار الشهادة» یک‌جا جمع‌آوری کرد و نقش عمده‌ای در وارد کردن خرافات به مجالس عزاداری امام حسین(ع) دارد. (رجوع شود به کتاب حماسه‌ی حسینی شهید مطهری صفحات ۵۳ تا ۵۵).

۴- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه، جلد اول، تهران، نشر زوآر، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶.

۵- بامداد، مهدی، شرح رجال ایران در قرن ۱۲-۱۳ و ۱۴ هجری، جلد چهارم، تهران، انتشارات زوآر، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۱۳۸.

غرب و کشورهای غیر مسلمان به کشورهای مسلمان و شیعه از جمله ایران می‌باشند. به نظر می‌رسد این‌که بگوییم مبدع این گونه عزاداری‌های نامتعارف غرب و کشورهای غیر مسلمان می‌باشند، سخن کاملاً بی‌اساس و مبنا می‌باشد ولی نباید از نظر دور داشت که، کشورهای غربی فضا و زمینه را برای این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف فراهم کرده و مغرضانه با تبلیغات رسانه‌ای و ترویج نظر موافقان این رفتارها در گسترش و توسعه‌ی این نوع عزاداری‌ها، نقش غیر قابل اغماضی دارند. به عبارت دیگر کشورهای غربی و غیرمسلمان با هدف تضعیف مذهب و مرجعیت شیعه و با نشانه گرفتن فرهنگ اسلامی و دین‌داری و خرافی جلوه دادن مذهب شیعه، با تمام توان این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف را بین مردم ناآگاه رواج داده و سعی در عمومیت بخشیدن به آن‌ها دارند. به طور کلی می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که، این قبیل عزاداری‌های نامتعارف تا قبل از حکومت صفویه در ایران جایگاهی نداشته و از زمان حکومت صفویه به صورت محدود و نادر وارد ایران شد و در دوره‌ی قاجاریه عمومیت و گسترش یافت و در دوره‌های بعد نیز جلوه‌هایی از این‌گونه عزاداری‌ها مشاهده می‌شود. در عصر حاضر نیز در برخی از نقاط مسلمان و شیعه نشین جهان و به طور خاص در ایران اسلامی شاهد این‌گونه رفتارها به عنوان شیوه‌ای خاص از عزاداری هستیم.

فصل دوم: مبانی فقهی عزاداری‌های نامتعارف

متعارف یا غیرمتعارف بودن یک رفتار تعیین کننده‌ی شرعی و غیرشرعی بودن آن رفتار نمی‌باشد؛ چه بسا یک رفتاری کاملاً خاص و نادر باشد ولی مقبول شارع و به اصطلاح مشروع باشد و از طرف دیگر شاید یک رفتار خاص توسط عده‌ی کثیری از افراد انجام شود و معمول و متعارف هم باشد ولی مشروع نباشد. بنابراین قضاوت در مورد مشروع یا نامشروع بودن یا به بیان دیگر جواز یا عدم جواز عزاداری‌های نامتعارف نیازمند بررسی دقیق فقهی و شرعی این عزاداری‌ها می‌باشد.

در این فصل به بررسی و تبیین حکم فقهی و تکلیفی برخی از اعمال و رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها از قبیل قمه‌زنی، قفل‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن‌ها می‌پردازیم. برای روشن شدن حکم تکلیفی این گونه رفتارها و به عبارت دیگر بیان حلیت و یا حرمت این رفتارها نیازمند مذاقه در ادله‌ی موافقین و مخالفین آن‌ها هستیم؛ به همین دلیل در این نوشتار در قالب دو مبحث و چندین گفتار به بیان ادله موافقین و مخالفین این گونه عزاداری‌ها می‌پردازیم؛ به این صورت که در قالب مبحث اول ادله‌ی موافقان و در مبحث دوم ادله‌ی مخالفان را بحث و بررسی و در صورت نیاز نقد می‌کنیم؛ تا بتوانیم از این رهگذر در پایان این نوشتار نتیجه‌گیری شایسته‌ای داشته باشیم.

مبحث اول: ادله‌ی موافقان عزاداری‌های نامتعارف

موافقان و حامیان عمل قمه‌زنی و تیغ‌زنی و سایر عزاداری‌های نامتعارفی که در طول آن عزاداران لطمه و آسیب به بدن خود وارد می‌کنند، برای توجیه و مشروع جلوه دادن عمل خود، به روایات، فتاوی و داستان‌های تاریخی استناد می‌کنند، که تفصیل آن در این گفتار و در ادامه خواهد آمد.

گفتار اول: روایات، اقوال معصومین و فتاوی مشهور

در این قسمت، به بررسی و نقد برخی از روایات معصومین علیهم السلام و اقوال آن بزرگواران و فتاوی برخی از فقها که مستمسک طرفداران این گونه عزاداری‌ها قرار گرفته‌اند پرداخته می‌شود.

بند اول: روایات و اقوال معصومین علیهم‌السلام

در این بند برخی از روایات و سخنان ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام که مستند طرفداران و حامیان جواز اعمال نامتعارف در عزاداری‌ها از قبیل قمه‌زنی و تیغ‌زنی قرار گرفته‌اند، شرح داده می‌شود.

الف: روایت خالد بن سدیر از امام صادق (ع)

خالد بن سدیر، درباره واکنش تند و خشن برخی از عزاداران در مرگ عزیزان خود از امام صادق (ع) درمورد حکم پاره کردن لباس، کندن مو و لطمه و سیلی زدن به صورت، سؤال کرد و امام هم پس از اشاره به حرمت کارهای یاد شده و وجوب کفاره، فرمودند:

«لَا بَأْسَ بِشَقِّ الْجُبُوبِ قَدْ شَقَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَى أَخِيهِ هَارُونَ وَلَا يَشُقُّ الْوَالِدُ عَلَى وَلَدِهِ وَلَا زَوْجٌ عَلَى امْرَأَتِهِ وَتَشُقُّ الْمَرْأَةُ عَلَى زَوْجِهَا وَإِذَا شَقَّ زَوْجٌ عَلَى امْرَأَتِهِ أَوْ وَالِدٌ عَلَى وَلَدِهِ فَكَفَّارَتُهُ حِنْثٌ يَمِينٍ وَلَا صَلَاةَ لَهُمَا حَتَّى يَكْفُرَا أَوْ يَتُوبَا مِنْ ذَلِكَ...»^۱

«پاره کردن لباس اشکالی ندارد؛ موسی برای هارون پیراهن پاره کرد. البته پدر برای فرزند و مرد برای زنش نمی‌تواند پیراهن پاره کند. اما زن می‌تواند در عزای شوهرش لباسش را پاره کند و اگر پدر در مرگ فرزندش و مرد در مرگ همسرش چنین کرد، کفاره آن، کفاره‌ی شکستن قسم است و نماز این دو، مادامی که کفاره را نداده باشند، پذیرفته نیست». امام صادق (ع) در ادامه روایت که محل بحث ما می‌باشد می‌فرماید: «... و لا شيء في اللطم على الخدود، سوى الاستغفار والتوبة، و قد شققن الجيوب و لطمن الخدود الفاطميات على الحسين بن علي عليهما السلام، و على مثله تلطمن الخدود و تشق الجيوب»^۲: لطمه و زدن دست بر صورت کفاره‌ای جز استغفار و توبه ندارد. دختران فاطمه (علیها السلام) در سوگ امام حسین (ع) گریبان‌های خود را پاره کردند و بر صورت خود سیلی زدند. البته جا دارد که بر مثل چنین مصیبتی سیلی به صورت زده شود و گریبان‌ها پاره گردد.

موافقان و طرفداران قمه‌زنی و سایر عزاداری‌های غیرمتمعارفی که، عزاداران در آن اقدام به ایراد لطمه و صدمه به خود می‌کنند، به فراز پایانی روایت یعنی «... و على مثله تلطم

۱- عاملی، حربن محمدبن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۲، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.ق، ص ۴۰۲.

۲- همان، ۴۰۲.

الحدود و تشقّ الجيوب»، استناد می‌کنند و اظهار می‌دارند که امام صادق (ع) در این روایت به صراحت عزا و مصیبت امام حسین (ع) را از سایر مصیبت‌ها متمایز کرده و حکم حرمت ایراد لطمه و ضربه بر سر و صورت در عزاداری‌ها را در مورد عزاداری بر سید الشهدا (ع) را مستثنی کرده است. برخی از فقها نیز این روایت را مستند فتوایشان مبنی بر جواز لطمه و صدمه زدن به خود در عزای پیشوایان معصوم و بخصوص امام حسین (ع) قرار داده‌اند.^۱

محقق بزرگوار آقا رضا همدانی در کتاب مصباح الفقیه می‌نویسد: این روایت به خاطر ضعف سندش و اعراض اصحاب از آن، صلاحیت برای دلیل واقع شدن را ندارد^۲، هم چنین شهید ثانی در مسالک الافهام در این باره می‌گوید: «سند این روایت ضعیف می‌باشد، زیرا خالد بن سدید که در سند آن است فردی غیر موثق می‌باشد^۳». علاوه بر ایرادهایی که به سند و راوی روایت فوق وارد شده است، این روایت از چند جهت زیر نیز قابل خدشه می‌باشد و مدعای ایشان را ثابت نمی‌کند.

۱- کلمه «لطم» مصدر ثلاثی مجرد، لَطَمَ می‌باشد. در لغت عربی به معنای: «ضرب الخدّ و صفحات الجسم ببسط الید»^۴. یعنی ضربه زدن به صورت و بدن با دست می‌باشد. در فارسی «لطم» به ضربه زدن با کف دست و سیلی زدن ترجمه شده است^۵. بنابراین معنای لغوی این کلمه ضربه زدن به صورت با کف دست می‌باشد نه وارد کردن خراش به صورت، این معنی را می‌توان از خود روایت هم فهمید زیرا در صدر روایت برای وارد کردن خراش به صورت، کفاره قرار داده شده است. ولی در ادامه، لطمه را از موارد وجوب کفاره خارج نموده و استغفار را برای آن کافی می‌داند که این عمل بیانگر آن است که لطمه چیزی غیر

۱- نجفی جواهری، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد ۳۳، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه ق، ص ۱۸۴-۱۸۳.

۲- همدانی، آقا رضا، مصباح الفقیه، جلد ۵، قم، المؤسسة الجعفریة لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۶، ص ۴۴۹.

۳- عاملی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۱۰، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه ق، ص ۲۷.

۴- فراهانی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ۷، قم، انتشارات هجرت، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه ق، ص ۴۳۳.

۵- عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران، نشر راه رشد، ۱۳۸۹، چاپ اول، ص ۸۸۹.

از خراش است.^۱ بنابراین نمی‌توان از این روایت جواز قمه‌زنی و سایر رفتارهای نامتعارف مشابه آن را استخراج نمود.

۲- محتوای این روایت دارای اشکال است چنانکه بعضی از فقها به آن اشاره نموده‌اند:
آیت الله سید احمد خوانساری در کتاب جامع المدارک می‌نویسد:

استفاده وجوب کفاره از این روایت به خاطر تناقضاتی که در آن است مشکل است زیرا در آن آمده است: نماز کسی که گریبانش را در عزای زوج یا فرزندش چاک دهد صحیح نیست تا اینکه کفاره بدهد و همچنین آمده است که چیزی در لطمه زدن به صورت غیر از استغفار و توبه نیست، پس چگونه می‌توان ملتزم شد که نماز شخص، بدون کفاره دادن و توبه صحیح نباشد و همچنین چگونه می‌توان ملتزم به وجوب استغفار و توبه در لطم بر صورت شد با وجود آنچه که در ذیل این روایت آمده است که «و علی مثله تشق الجيوب» زیرا که استغفار و توبه فرع حرمت است^۲ و وجوب کفاره، استغفار و توبه در این موارد نشان دهنده حرمت این گونه رفتارها در عزاداری‌ها می‌باشد.

۳- در صورت اثبات لطمه‌زنی توسط زنان فاطمی و همچنین اثبات این که امام سجاد (ع) ناظر این اعمال بودند و در برابر آن‌ها سکوت نمودند باز هم نمی‌توان حکم جواز آن را مشمول دیگران دانست، چون ممکن است این حکم فقط اختصاص به زنان فاطمی داشته باشد که در آن شرایط حضور داشتند و دارای رابطه خویشاوندی با آن حضرت بودند.

۴- آیت الله العظمی گلپایگانی نیز می‌نویسد: بسیار بعید است که جواز لطم به صورت و گریبان چاک دادن را به عزاداری امام حسین (ع) اختصاص دهیم زیرا وقتی که این دو فعل در اسلام حرام باشد محققاً زنان فاطمی نیز آن را انجام نداده‌اند اگر چه این اعمال برای امام حسین (ع) جایز باشد زیرا انجام این اعمال موجب تنفر و بیزارى نفوس مردم از آن عمل می‌شود.^۳

به طور کلی، با وجود روایات متعددی که از پیامبر (ص)، در زمینه نهی از آسیب

۱- واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الأئمه (ع) قم المقدسه، دست پنهان، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه استان قم، چاپ آسوه، ۱۳۸۷، ص ۷۹.

۲- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، جلد ۵، قم، انتشارات مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری، ص ۱۴.

۳- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، الطهاره الاول، دارالقران الکریم، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ قمری، ص ۲۱۸.

رساندن به بدن رسیده است، استناد به این روایت ضعیف که از چند جهت فوق مخدوش می‌باشد برای جواز انجام عزاداری‌های غیر متعارفی مانند قمه‌زنی، قفل زنی و... پسندیده و مورد پذیرش نمی‌باشد و چنانچه روایت فوق و در نتیجه‌ی آن جواز لطمه زنی بر سر و صورت را بپذیریم باز هم مشروع بودن اعمال غیرمتعارفی چون قمه‌زنی و قفل‌زنی برداشت نمی‌شود چرا که پذیرفتن عمل قمه‌زنی و اعمال نامتعارف مشابه آن به استناد جواز ایراد لطمه به صورت در روایت مذکور، قیاس می‌باشد و قیاس در مذهب شیعه جایگاهی ندارد.

ب: روایت امام رضا (ع)

روایت دیگر که در این زمینه به آن استناد می‌شود روایتی است که از امام رضا (ع) وارد شده است:

«...إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا - وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ - أَوْرَثَتْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ - فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ - فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذَّنُوبُ لِعِظَامٍ...»^۱ «... همانا روز حسین (عاشوراء) مژده‌های ما را از شدت گریستن مجروح ساخت و اشک‌های ما را جاری ساخت و عزیز ما را در سرزمین گرفتاری و بلا ذلیل کرد و ما را تا روز انقضاء (مرگ) میراث دار گرفتاری و بلا نمود، پس بر مثل حسین، گریه کنندگان باید گریه کنند، چرا که گریه بر او گناهان کبیره را از بین می‌برد...».

برخی از طرفداران عمل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و سایر رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها، برای مشروع خواندن رفتارشان به روایت فوق استناد می‌کنند، به این‌صورت که می‌گویند: عزاداری برای سید و سالار شهیدان از چنان اهمیتی برخوردار است که امام رضا (ع) در رثا و ماتم ایشان به نحوی گریستند که مژده‌های حضرت مجروح شدند و روشن است که این نحوه‌ی گریستن، مصداق بارز صدمه و آسیب زدن به جسم خود می‌باشد و از آنجایی که قول، تقریر و فعل معصوم، ثواب و مطابق نظر شارع مقدس می‌باشد، اینگونه اعمال مقبول خداوند متعال نیز می‌باشند، بنابراین لطمه زدن و آسیب زدن به جسم به عنوان عزاداری برای سید و سالار شهیدان امری پسندیده و مورد قبول شارع مقدس می‌باشد و وقتی که

۱- قتی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الأمالی، جلد ۱، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری، ص ۱۹۰.

نفس ایراد لطمه و صدمه به جسم جایز باشد چه تفاوتی می‌کند که وسیله‌ی ایراد لطمه و آسیب به جسم، گریه کردن به نحوی باشد که منتهی به مجروح شدن بدن عزادار شود یا این که شخص با دست خود یا با قمه، تیغ و... به جسمش لطمه وارد کند.^۱

اما در نقد این استناد، باید گفت که: اهمیت عزاداری امام حسین (ع) برکسی پوشیده نیست و افضل از همه‌ی اعمال می‌باشد^۲، به گونه‌ای که اگر کسی وارد جلسه عزای امام حسین (ع) شود و عزاداری کند، گناهان او آمرزیده می‌شود.^۳ اما این عزاداری بی حد و حصر نبوده و دارای چارچوب و محدوده می‌باشد. امام رضا (ع) نیز در روایت فوق، پس از بیان این فاجعه‌ی تاریخی و مصیبت عظمی، بیان می‌دارند که ما در عزای جدمان به شدت گریستیم، به گونه‌ای که مژه‌هایمان مجروح شدند. به نظر می‌رسد کلام معصوم در این باره، بیانگر شدت حزن و ماتم می‌باشد و بعید است که منظور امام، مجروح شدن واقعی مژه‌های چشمانشان باشد، چرا که آن حضرت، به صورت جمع سخن گفته‌اند و دور از ذهن می‌باشد که مژه چشمان همه مجروح شده باشد بلکه ظاهراً، بیانگر شدت گریستن و ناله کردن آن بزرگواران بر این مصیبت و فاجعه‌ی بزرگ می‌باشد. و چنانچه بپذیریم که امام رضا (ع) به این شکل گریسته و مژه‌هایشان آسیب دیده است، باز هم از امام معصوم، هیچ رفتار و فعلی جز گریه کردن صادر نشده است و چه بسا مداوم و شدیدگریه کردن منجر به آسیب چشم بشود که این امر، اتفاقی و موردی می‌باشد و هیچ ربطی به لطمه و صدمه وارد کردن به بدن ندارد. بنابراین این روایت نیز از اثبات جواز رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... ناتوان است. به طور کلی این روایت و روایات مشابه آن به اهمیت گریه کردن در عزای امام حسین (ع) اشاره دارد و جواز عمل دیگری غیر از گریه کردن را نمی‌توان از آن برداشت کرد.^۴

1 - <http://sarallah.valiasr-aj.com/include/VIEW.php?bankname= LIBLIST & RADIF= 0000070003>

۲- قمی، ابوالقاسم (ابن قولویه)، کامل الزیارات، قم، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۴۱۷ قمری، ص ۱۴۶.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۴۵، قم، دار الإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ قمری، ص ۲۵۷.

۴- اکبرنژاد، محمد تقی، قمه‌زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری‌ها، فصل نامه فقه اهل بیت، شماره ۴۸،

ص ۱۴۸، زمستان ۱۳۸۵.

پ: زیارت ناحیه مقدسه

یکی دیگر از ادله حامیان و طرفداران عزاداری‌های نامتعارفی که در طی آن عزاداران اقدام به ایراد لطمه و صدمه با آلت قمه یا به وسیله دیگر، به خود می‌کنند، فرازهای زیر از زیارت ناحیه مقدسه از زبان امام زمان (عج) می‌باشد.

«... فَلَمَّا رَأَيْنِ النَّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْزِيًّا وَ أَبْصَرْنَ سَرْجَكَ مَلُوبِيًّا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ لِلشُّعُورِ نَاشِرَاتٍ وَ لِلْخُدُودِ لَاطِمَاتٍ وَ لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ...»^۱ «... هنگامی که زنان اسب تو را در آن حال پریشان و زین آن را واژگون و بدون تو دیدند از خیمه‌ها بیرون آمدند، در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند، با دست بر صورتشان می‌زدند، رو بندهایشان افتاده بود و صدایشان به واویلا بلند شده بود...»

و در فراز دیگر امام عصر (عج) می‌فرماید:

«... فَلَا نَدُبُّكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لَا بَكِيْنًا لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَى مَا ذَهَبَ وَ تَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمَصَابِ وَ عُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ...»^۲. «... صبح و شام برای تو مویه می‌کنم و به جای اشک برای تو خون گریه می‌کنم از حسرت و تأسف و افسوس بر مصیبت‌هایی که بر تو آمد، تا از اندوه این مصیبت و غصه این حزن جان سپارم...»
استناد کنندگان به فرازهای فوق جهت مشروع جلوه دادن ایراد ضربه و لطمه به خود مثل عمل قمه‌زنی، می‌گویند: وقتی که زنان حرم در عزای امام حسین (ع)، موهای خود را پریش می‌کنند و به سر و صورت خود می‌زنند و همچنین امام زمان (عج) نیز بر مصیبت جدشان، خون گریه می‌کنند، پس چرا ما نباید در عزای ایشان به سر و صورت خود بزنیم و با قمه و یا هر وسیله‌ی دیگری به خودمان لطمه وارد کنیم و خون خودمان را جاری کنیم؟!
پاسخ به نظر روشن است. خون گریه کردن امام زمان (عج) در فراز فوق کنایه از شدت حزن، ماتم و گریه کردن پی در پی آن امام همام می‌باشد و با فرض این که کنایه نبوده و واقعا خون گریه کرده باشند، باز هم جز گریه، کار دیگری نکرده‌اند و به رفتار ایشان گریه کردن اطلاق می‌شود و از آن مشروعیت رفتار دیگری استنباط نمی‌شود. اما در مورد پریشان کردن مو و ضربه زدن زنان حرم بر سر و صورتشان، با فرض صحت این روایت و داستان، باید گفت که: زنان حرم، صرفا یک بار و آن هم پس از مطلع شدن از شهادت

۱- مجلسی، منبع پیشین، ج ۹۸، ص ۲۴۰.

۲- همان، ص ۲۳۸.

امام حسین (ع) و در آن موقعیت، اقدام به چنین کاری کرده‌اند و دیگر این رفتارها را تکرار نکرده‌اند و لازم به ذکر است که، پریشان کردن صورت و به سر و صورت زدن امری متفاوت از رفتارهای قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال این موارد می‌باشد و فرازهای مذکور از زیارت ناحیه مقدسه، در مقام و توان مشروعیت بخشیدن به این گونه اعمال و رفتارهای نامتعارف نمی‌باشند.

بند دوم: فتاوی مشهور و معتبر

در این بند، به تبیین و تشریح برخی از فتاوی صادره از برخی از فقها و مراجع عظام، مبنی بر جواز و مشروعیت لطمه زنی و قمه‌زنی، که مستمسک طرفداران این گونه اعمال و رفتارها در عزاداری‌ها قرار گرفته‌اند، پرداخته می‌شود.

الف: فتاوی تاریخی میرزای نایینی

یکی از فتاوهایی که طرفداران قمه‌زنی فراوان به آن استناد می‌کنند، فتوایی است که مرحوم آیت‌الله محمدحسین غروی نایینی، معروف به میرزای نایینی، در پاسخ به مردم بصره بیان داشته است:

«... هیچ اشکالی نیست در جایز بودن سینه زدن یا با دست به صورت زدن حتی اگر به حدی برسد که سینه و صورت سرخ و سیاه شود، بلکه اقوی جواز زنجیر زدن است بر شانه و پشت به حدی که به بیرون آمدن کمی خون منجر گردد بنا بر اقوی و اما بیرون آمدن خون از پیشانی در اثر شمشیر و قمه زدن در صورتی که از ضرر آن محفوظ باشد جایز است، بیرون آمدن خون بدون صدمه رسیدن به استخوان پیشانی که عادتاً هم زیان نمی‌رساند و مانند اینها چنانکه اشخاص عارف به آن قمه می‌زنند و طوری هم می‌زنند که صدمه به استخوان سر نمی‌رساند اگر در حال قمه زدن مطمئن بود که قمه زدن بر حسب عادت برایش ضرر ندارد و لکن بعد از زدن به قدری خون بیرون آمد که مضر بود کشف از حرمت آن نمی‌کند مانند کسی که وضو بگیرد یا غسل می‌کند و گمان دارد استعمال آب برایش ضرر ندارد و سپس روشن می‌شود که برایش ضرر داشته لکن احوط و سزاوار است که کسانی که عارف به زدن شمشیر و قمه نیستند خودداری کنند خصوصاً جوانانی که دل‌هایشان پر از عشق و محبت امام حسین علیه السلام است و از محبت آن حضرت

بی‌اختیار می‌گردند و در موقع قمه و شمشیر زدن توجه ندارند که ممکن است پس از آن زیان ببینند؛ خدا ثابت بدارد ایشان را به قول ثابت در دنیا و در آخرت...»^۱

برخی از فقهای عظام، با فتوای فوق الذکر مرحوم نایینی، موافقت کرده‌اند و فتوای ایشان را صحیح و مقبول دانسته‌اند، از جمله‌ی این فقها، آیات عظام، فقهای عالی قدر: سید ابوالقاسم خویی،^۲ میرزا جواد تبریزی، نجفی مرعشی، شیخ مرتضی حائری و... می‌باشند.^۳

در این میان طرفداران لطمه‌زنی و قمه‌زنی بدون تحلیل و بررسی مضمون سخنان مرحوم میرزا، همواره در تلاش هستند تا با تمسک به این فتوای تاریخی وبا توجه به فتاوی سایر فقهای که در تایید فتوای مرحوم نایینی صادر شده است، به تجویز بی‌قید و شرط لطمه‌زنی و قمه‌زنی بپردازند. اما بررسی این فتوا نکات مهمی را روشن می‌کند که متأسفانه طرفداران قمه‌زنی از آن‌ها غفلت می‌کنند، که در زیر به برخی از این نکات اشاره می‌کنیم:

۱- مرحوم نایینی، در فتوایشان به وضوح نوشته‌اند: «در صورتی که از ضرر آن محفوظ باشد جایز است.» همچنین فرموده‌اند: «لکن احوط و سزاوار است که کسانی که عارف به زدن شمشیر و قمه نیستند خودداری کنند، خصوصاً جوانانی که دل‌هایشان پر از عشق و محبت امام حسین علیه السلام است و از محبت آن حضرت بی‌اختیار می‌گردند و در موقع قمه و شمشیر زدن توجه ندارند که ممکن است پس از آن زیان ببینند؛» یعنی ایشان هم مانند بقیه قائلین به جواز این عمل، مناط را عدم اضرار به نفس با صراحت و وضوح می‌دانند، به عبارت دیگر، مرحوم نایینی مطلقاً عمل قمه‌زنی را اجازه نداده‌اند بلکه این عمل را به صورت مشروط، به شرط عدم ایراد ضرر و زیان به جسم پذیرفته‌اند. مسئله‌ی مهم در این زمینه چگونگی فهم ضرر و محدوده‌ی زیان می‌باشد و بر سر معنا و چارچوب ضرر توافقی وجود ندارد و به نظر می‌رسد مرحوم نایینی ایراد صدمه و آسیب جزئی به بدن را ضرر نمی‌دانند به همین خاطر در فتوای مذکور، نفس قمه‌زنی و جاری کردن خون از بدن را ایراد ضرر به جسم نمی‌دانند ولی معتقدند که اگر قمه را به شدت و به نحوی بر سر بزنند که، سلامتی قمه‌زن را تهدید کند و به اصطلاح ایشان، به بدن ضرر

۱- ربانی خلخالی، علی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم، انتشارات مکتب الحسین، چاپ دوم، ۱۴۰۰ قمری، ص ۴۷.

۲- همان، ص ۵۸.

برسانند، این عمل جایز نیست.^۱

۲- مرحوم نایینی در فتوای خود، صرفاً بحث ایراد ضرر به بدن را مطرح کرده‌اند و مسئله‌ی قمه‌زنی را از بعد «ضرر و زیان» بررسی کرده‌اند و در این راستا، فتوا به جواز انجام این عمل داده‌اند ولی این عمل از ابعاد دیگر قابل بحث و بررسی می‌باشد چنانکه عده‌ی کثیری از فقها در فتوای خود مبنی بر حرمت این عمل هیچ اشاره‌ای به «ضرر» نکرده‌اند و مبنای فتوای خود را، وهن مذهب قرار داده‌اند.^۲

۳- این فتوا، مربوط به سال ۱۳۴۵ هجری قمری می‌باشد و اکنون قریب به یک قرن از عمر این فتوا می‌گذرد و امروزه هیچ کس مقلد مرحوم آیت الله میرزای نایینی نیست، چرا که تقلید ابتدایی از مرجع فوت شده جایز نیست. علمای امروز مرجع تقلید مردم هستند و فتوای علمای امروز، ملاک عمل مقلدین است.^۳

با توجه به نکات و توضیحات فوق پیرامون فتوای مرحوم نایینی، باید گفت: موافقان عمل قمه‌زنی و سایر رفتارهای نامتعارف لطمه زنده به بدن در عزاداری‌ها، نمی‌توانند برای مقبول و مشروع خواندن این قبیل اعمال نامتعارف، به فتوای فوق استناد کنند، چرا که فتوای فوق در مورد عمل قمه‌زنی، صرفاً از منظر «ضرر و زیان» داشتن یا نداشتن آن صادر شده است و فتوای فوق جنبه تاریخی داشته و در حال حاضر قابل اعمال و استناد نیست.

ب: فتاوی برخی از فقهای خاندان شیرازی

برخی از فقها و مراجع عظام تقلید در مورد عزاداری‌های نامتعارفی از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... نظر مثبتی دارند و به بیان دیگر موافق با این‌گونه عزاداری‌ها هستند. در میان این دسته از فقها، فقهای خاندان شیرازی در زمینه‌ی شعائر حسینی و عزاداری‌ها نقش گسترده‌ای دارند و برخی از عزاداران به تبعیت از این دسته از فقها، انواع و اقسام مختلف عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی و تیغ‌زنی را انجام می‌دهند.

- فتوای سید صادق شیرازی: یکی از حامیان عمل قمه‌زنی در عصر حاضر، که به دلیل اهمیت و تأکید فراوانی که بر روی عزاداری و بحث شعائر حسینی دارند پر آوازه شده‌اند، به گونه‌ای که مقلدینش او را با لقب «بزرگ احیاگر شعائر حسینی» یاد می‌کنند،

آیت‌الله سید صادق شیرازی فرزند آیت الله میرزا مهدی شیرازی می‌باشد. در این مورد، استفتائی از ایشان شده است که بدین شرح است:

آیا قمه‌زنی در روز عاشورا و همچنین سایر شهادت‌ها حلال است یا حرام؟

در پاسخ فرمودند: قمه‌زنی جایز بلکه مستحب و از شعائر حسینی می‌باشد و مواسات با رسول خدا و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا و مولا امیر مؤمنان و اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین می‌باشد.^۱

به نظر ایشان هر چیزی که به هر طریق از نظر عرف شعائر حسینی محسوب شود، از شیوه‌های قدیم و جدید عزاداری گرفته تا نمادها و رسومات عجیب و غریبی که هر لحظه توسط عوام به آنها افزوده می‌گردد شعائر حسینی محسوب می‌شوند و احیای آن مستحب است و از آنجایی که عرف قمه‌زنی را نیز نماد و نشانی برای عزاداری می‌داند این امر نیز از شعائر حسینی محسوب می‌شود و احیای آن مستحب مؤکد است. یکی از دلایل جذب جوانان هیئتی به بیت سید صادق شیرازی صدور فتواهای مربوط به احکام عزاداری و یا شعائر حسینی است به گونه‌ای که قریب به اتفاق فتواهای ایشان بیش از فتوای مراجع دیگر باب میل هیئتی‌هاست.^۲

تأیید فوری هر شعیره‌ای که به تازگی و از کانال‌های گوناگون به جمع شعائر می‌پیوندند و یا تأکید فراوان به حفظ موضوعیت و ماهیت شاعثی که بسیاری از علمای حاضر بر طبق شرایط کنونی تحریم نموده‌اند از جمله محورهای ثابت ایشان در خصوص احکام عزاداری است.^۳

آنجا که مراجع نسبت به عملی در خصوص عزاداری حکم به جواز می‌دهند ایشان حکم به استحباب (بالاتر از جواز) می‌دهد و آنجا که مراجع حکم تحریم را با دلایلی که از احکام ثانویه برمی‌شمرد صادر می‌کنند، ایشان فتوا به استحباب مؤکد داده و سلسله مطالبی نیز درباره‌ی اهمیت دفاع از شعائر حسینی بیان می‌کند که بیشتر جنبه‌ی پند و اندرز دارد تا ادله‌ی شرعی.^۴

1- <http://mazloun.ir/post/1100>

2- <http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=6840>

3- <http://adyannews.com/fa/print/81123>

اما همانطور که در بحث شعائر بیان شد، برای اینکه نماد، علامت و رفتار خاصی را در زمره‌ی شعائر حسینی بدانیم، آن نماد یا رفتار خاص علاوه بر اینکه باید عرفی باشد نباید در حیطه محرمات و منهیات باشد. بنابراین صرف تصدیق عرف برای شعیره محسوب شدن یک عمل کافی نیست، به بیان دیگر، در این زمینه تصدیق عرف شرط لازم است ولی شرط کافی نیست، بنابراین برای صدور فتوای جواز عمل قمه‌زنی و امثال آن به عنوان شیوه‌ای از عزاداری، مسئله باید از بُعد حلیّت و حرمت این گونه رفتارها نیز بررسی شود.

- **فتوای آیت الله سید محمدعلی شیرازی:** یکی دیگر از موافقان این رفتارها در عزاداری‌ها آیت الله سید محمدعلی شیرازی فرزند مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی می‌باشند. ایشان در پاسخ به استفتائی که در این زمینه از وی شده است، قمه‌زنی را یکی از شعائر حسینی دانسته‌اند و فتوا به جواز مبادرت به انجام این عمل در عزاداری‌ها داده‌اند.^۱ در ادامه از دفتر ایشان سؤال شده است: آیا در زمینه جواز این عمل روایت یا دلیل خاصی وارد شده است؟ در پاسخ فرموده‌اند: مگر در مورد سینه زنی و زنجیر زنی دلیل خاصی وارد شده است که حال ما برای جواز قمه‌زنی نیازمند دلیل خاص باشیم؟ درحالی که قریب به اتفاق فقها سینه‌زنی و زنجیر زنی در هیأت‌های عزاداری را قبول دارند و از آنجایی که عرف این رفتارها را پذیرفته است مورد تایید فقیه نیز می‌باشد بنابراین عمل قمه‌زنی هم چون عرف آن را مصداق عزاداری می‌داند جایز است به عنوان عزاداری به آن مبادرت شود و این که گفته می‌شود قمه‌زنی موجب وهن مذهب شیعه می‌شود حرفی است که اثبات آن راه شرعی و صحیح ندارد بنابراین این ایراد به قمه‌زنی وارد نیست.^۲

اشکال فتوای فوق به این مورد هم وارد است چرا که در این فتوا هم برای شعائر حسینی ملاک صرفاً عرف دانسته شده و نفس این عمل یعنی لطمه زدن با آلت قمه بر سر در عزاداری‌ها و آن هم در عصر حاضر از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار نگرفته است و این شیوه‌ی پاسخ دادن که چون ما برای جواز سینه زنی دلیل خاصی نداریم پس برای جواز قمه‌زنی هم نیازمند دلیل خاصی نیستیم، پسندیده و مقبول جامعه‌ی فقاقت نیست.

با توجه به توضیحات فوق و نکاتی که پیرامون فتاوی فوق گفته شد نمی‌توان برای جواز عمل قمه‌زنی و سایر رفتارهای نامتعارف مشابه آن، به این گونه فتاوا استناد کرد.

گفتار دوم: داستان‌ها و وقایع تاریخی

وقتی که سیری در ادله موافقان و حامیان قمه‌زنی، تیغ‌زنی و سایر رفتارهای لطمه زننده در عزاداری‌ها می‌کنیم با برخی از مواردی برخورد می‌کنیم که جنبه‌ی داستانی و تاریخی دارند و طرفداران از آن‌ها به عنوان مستند جایز و مشروع بودن این گونه رفتارها استفاده می‌کنند، که ذیلاً به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

بند اول: جریان سر به محل کوبیدن حضرت زینب (س)

جریان چنین است که فردی بنام «مسلم جصاص (گچکار)» نقل می‌کند: به هنگامی که در حال بازسازی دروازه اصلی شهر کوفه بوده هیاهویی می‌شنود و به سمت هیاهو حرکت کرده و می‌بیند که اسرای واقعه عاشورا در کجاوه بودند و در این هنگام سر بریده امام حسین (ع) را بالای نیزه بردند که حضرت زینب با مشاهده‌ی سر بریده برادر، سر خود را از فرط ناراحتی به چوب محمل می‌کوبد چنانکه خون از زیر مقنعه‌اش جاری شد و با چشم گریان اشعاری را قرائت کردند^۱.

استدلال افرادی که برای توجیه نظر خود به این ماجرای تاریخی استناد می‌کنند این است که حضرت زینب (س) در این مصیبت سر خود را به نحوی به کجاوه کوبید که خون از سر مبارکشان جاری شد و با این کار به خودشان لطمه وارد کردند و با توجه به این که ایشان پرورش یافته مکتب امیر المؤمنین می‌باشند و نافرمانی و معصیت خدا را انجام نمی‌دهند و اگر کاری انجام می‌دهند می‌توان جواز شرعی آن عمل را استنباط کرد و علاوه بر آن امام سجاد (ع) نیز همراه ایشان بوده و هنگامی که حضرت زینب (س) سر خود را به کجاوه کوبیدند سکوت کرده و واکنشی مبنی بر مخالفت با این عمل انجام ندادند و این سکوت تأیید و تقریر کننده‌ی این عمل می‌باشد و تقریر معصوم هم حجت است، بنابراین لطمه وارد کردن به خود در چنین مصیبتی مورد تأیید معصوم می‌باشد. پس چرا ما نباید در عزای سید و سالار شهیدان به بدن خودمان لطمه بزنیم و خون خودمان را جاری کنیم؟ در واقع قمه‌زنان و لطمه زنان، با استناد به این موضوع، قمه‌زنی را از مصادیق جزع و عزاداری می‌دانند چون جزع و عزاداری برای امام حسین از شعائر الهی است پس قمه‌زنی

نیز به تبع آن جایز و حتی مستحب است.^۱

در پاسخ به این دسته از افراد باید گفت که:

اولاً: علامه مجلسی (ره) که این روایت را نقل کرده‌اند، در خود روایت به مرسله بودن روایت اشاره کرده‌اند و شیخ عباس قمی در نقد سند روایت می‌نویسد: «ذکر محامل و هوودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست و این خبر را گرچه علامه مجلسی نقل کرده، لکن مأخذ آن منتخب طریحی^۲ و کتاب نورالعین^۳ است که هر دو کتاب بر اهل فن، پوشیده نیست». عالم بزرگوار مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ارباب نیز در باره‌ی کتاب «نورالعین فی مشهد الحسین» که منبع خبر مسلم جصاص است نظر مثبتی نداشته و این کتاب و گفته‌های مسلم جصاص را معتبر ندانسته است.^۴ بنابراین با توجه به این که به سند و صحت روایت توسط بزرگان عرصه فقاہت ایراد شده، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا با این روایت مرسله می‌توان چنین امر دور از ذهنی را به حضرت زینب (س) نسبت داد و آن را مبنای یک مسئله‌ی فقهی قرار داد و فتوا به جواز لطمه زدن به جسم خود داد؟ مسلماً پاسخ مثبت دادن به این سوال دشوار و دور از منطق فقهی و اجتهادی است.

ثانیاً: از لحاظ محتوایی هم این روایت دارای مشکل است و اشکال موجود این است که: سر به کجاوه کوبیدن و سرشکستن حضرت زینب (س) با سفارش پیامبر (ص) به فاطمه زهرا (س) و سفارش امام حسین (ع) به زینب کبری (س) مبنی بر صبر و بردباری پیشه کردن و خودداری از بی‌قراری در برابر مصائب، در تعارض می‌باشد.^۵

ثالثاً: انجام چنین بی‌تابی‌ها، از کسی که پرورش یافته مکتب امیر المؤمنین می‌باشد و در تاریخ شیعه در صبر و تحمل و استقامت، مثال زدن است، بعید به نظر می‌رسد. به گونه‌ای که محدث قمی در این باره می‌نویسد: «... و نسبت سر شکستن به جناب زینب سلام الله علیها

۱- مسائل، منبع پیشین، ص ۲۵

۲- منتخب طریحی، کتابی است با هدف گریه کردن بر امام حسین (ع) که مطالب نادرست آن فراوان است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، جلد ۲۲، ص ۴۲۰، معتقد است که در این کتاب تصرف شده است.

۳- مطالب ضعیف در این کتاب به وفور دیده می‌شود به نحوی که آیت الله قاضی طباطبایی در «تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء (ع)» ص ۶۴۰، در مورد این کتاب می‌نویسد: این کتاب از کتب غیر قابل اعتماد و سرشار از جعلیات و نقلیات قصه سرایان می‌باشد.

۴- ارباب، محمد، الاربعین الحسینیة، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ آسوه، بی تا، ص ۲۳۲.

۵- حرعاملی، محمدبن حسن، منبع پیشین، جلد ۳، ص ۲۷۲.

و اشعار معروفه بعید است از آن مخدره، که عقیده هاشمیین و عالمه غیر معلمه و رضیه ثدی نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است»^۱.

رایعاً: علامه مجلسی به نقل از لهوف می‌نویسد: به نظر می‌رسد شتران محمل و هودج نداشته‌اند^۲، بنابراین سر به محمل کوبیدن موضوعیت پیدا نمی‌کند.

خامساً: با فرض صحت این روایت و پذیرفتن این داستان تاریخی، از نظر دلالتی، سر به محمل کوبیدن حضرت زینب (س)، هیچ ربطی به قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها ندارد و برداشت جواز قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن با مقایسه‌ی با این داستان تاریخی، «قیاس مع الفارق»^۳ می‌باشد و مدعای ایشان را ثابت نمی‌کند^۴.

بند دوم: شکستن دندان اوّیس قرنی

یکی دیگر از داستان‌های تاریخی که مستند طرفداران جواز ایراد لطمه و آسیب به جسم خود در عزا و ماتم معصومین، قرار گرفته است ماجرای تاریخی اوّیس قرنی می‌باشد.

اوّیس، یکی از یاران حقیقی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) بود ایشان، انسانی پاک سرشت، مؤمن و با اخلاص بود. از این روی، پیامبر اسلام او را بسیار دوست می‌داشت و گاهی میان اصحابش از او یاد می‌کرد. پیامبر چنان درباره‌ی اوّیس سخن می‌گفت که همگان می‌فهمیدند اوّیس، بنده‌ی بزرگوار خداوند است و نزد خدا و رسولش جایگاه والایی دارد. اوّیس ارادت خاصی به پیامبر گرامی اسلام داشتند نقل شده است هنگامی که خبر شکستن دندان‌های پیامبر درجنگ اُحُد به ایشان رسید برای هم‌دردی و موافقت با پیامبر تمامی دندان‌های خود را شکست^۵.

با توجه به اینکه اوّیس قرنی از جمله افرادی بود که از هر لحاظی نزد پیامبر مقبول و مورد تأیید بوده است به همین دلیل، عمل خلاف شأن و خلاف مراد پیامبر انجام نمی‌دهد و جواز اعمال و رفتارهای وی، از شخصیت دینی ایشان قابل استنباط است. بنابراین مواسات و

۱- قمی، عباس، منتهی الآمال، جلد ۱، قم، نشر انصاری، چاپ سوم، بی تا، ص ۴۹۳.

۲- همان، ص ۱۰۷.

۳- قیاس مع الفارق: قیاس یک شیء به یک شیء دیگر بدون وجود علت، مناسبت و وجه مشترک.

۴- تاج، محمد، قمه زنی زیر تیغ نقد، مجله‌ی پگاه حوزه، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۸، ص ۵.

۵- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، چاپخانه‌ی فردوسی، ۱۳۶۲، ص ۶۳۰.

هم‌دردی با معصومین علیهم السلام امری پسندیده و مشروع می‌باشد و از همین امر می‌توان جواز عمل قمه‌زنی را که برای ابراز هم‌دردی و مواسات با امام حسین (ع) می‌باشد را استنباط کرد. در مقام نقد به دلیل فوق می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

اولاً: نویسندگان و تاریخ نگاران معتبر از این داستان سخنی به میان نیاورده‌اند و صرفاً در برخی از کتب غیر معتبر نقل شده است. و عدم کثرت نقل آن در کتب تاریخی معتبر، قرینه‌ای بر ساختگی بودن این داستان و عدم واقعیت آن می‌باشد.

ثانیاً: برخی از کسانی که این داستان را نقل کرده‌اند در بیان شخصیت اویس، به گونه‌ای غلو کرده‌اند که طبق گفته‌ها و توصیفات ایشان شخصیت وی هم پایه‌ی امام علی (ع) و حتی بالاتر از او می‌باشد^۱ در حالی که گزافه بودن این سخن بر کسی پوشیده نیست. و این گونه بیان‌ها خود حاکی از ساختگی بودن داستان و حداقل ایجاد شبهه در حقیقت داشتن داستان می‌باشد.

ثالثاً: از لحاظ دلالتی این اشکال وارد است که با فرض صحت داستان فوق، با هیچ استدلالی نمی‌توان از این ماجرا جواز قمه‌زنی و ایراد لطمه به بدن را در عزاداری‌ها برداشت کرد و تشبیه قمه‌زنی و امثال آن به شکستن دندان در داستان فوق فاقد وجه شبه منطقی می‌باشد و قیاس این رفتارها به یک‌دیگر قیاس مع الفارق می‌باشد.

با توجه به نکات و توضیحات فوق واضح است که داستان مذکور مستند قابل قبولی برای اثبات جواز این گونه رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها نمی‌باشد و توانایی اثبات مدعای مدعیان جواز این قبیل رفتارها را ندارد.

گفتار سوم: سایر ادله‌ی مستند جواز قمه‌زنی، تیغ‌زنی و رفتارهای مشابه

در این بند سایر ادله‌ای که حامیان رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها، مثل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... به آن استناد می‌کنند، بیان کرده و شرح داده می‌شود.

بند اول: اصل اباحه

یکی از اصولی که مورد استناد حامیان جواز قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن در عزاداری‌ها قرار گرفته است، اصل اباحه می‌باشد. اصل اباحه بدین معناست که هنگامی که درحلیت و

حرمت چیزی شک کنیم اصل حلال بودن آن می‌باشد.^۱ در واقع طبق این اصل اصولی، حرمت و ممنوعیت، دلیل شرعی می‌خواهد و تا زمانی که چنین دلیلی وجود نداشته باشد. حکم کلی یعنی حلیت را جاری می‌کنیم. این اصل اصولی مستمسک و مستند حامیان جواز قمه‌زنی و تیغ‌زنی و رفتارهای مشابه آن در عزاداری‌ها قرار گرفته است و استدلال این دسته از افراد این است که دلیلی بر حرمت این اعمال وجود ندارد، بلکه مباح می‌باشند. این که بعضی از مخالفان می‌گویند انجام این رفتارها موجب ایراد ضرر به بدن می‌شود امری پذیرفته و ثابت شده نمی‌باشد و به فرض اگر برای برخی از افراد ضرر هم داشته باشد امری جزئی و موردی است و از این امر جزئی نمی‌توان حکم کلی استخراج کرد و به طور کلی این رفتارها را غیرمشروع دانست. در واقع اگر قرار باشد پای ضرر رسانی به بدن و مانند آن به میان کشیده شود، به سادگی نمی‌توان بنیاد اصل اباحه را سست کرد.^۲ در پاسخ به افرادی که در جواز عمل قمه‌زنی و رفتارهای مشابه، به اصل اباحه استناد می‌کنند باید گفت که:

اولاً: فقه‌های شیعی در اخذ و تمسک به اصل اباحه متفق القول نبوده و به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم گردیده‌اند. که تنها دسته‌ی دوم (اصولی‌ها) به این اصل تمسک جسته و گروه اول (اخباری‌ها) در این گونه موارد به اصل احتیاط عمل می‌نمایند. بنابراین استناد به این اصل برای توجیه کردن این گونه رفتارها برای یک فقیه اخباری استناد موجهی نمی‌باشد چرا که اخباریون در این مواقع بجای اجرای اصل اباحه، احتیاط می‌کنند. ثانیاً: مجرای استناد به اصل جایی است که هیچ دلیل عام و خاصی در رابطه با قضیه وجود نداشته باشد و به عبارت دیگر به خاطر فقدان دلیل، در حکم قضیه شک می‌کنیم در این موارد به اصل متمسک می‌شویم.^۳ اما استناد به اصل اباحه در مورد مشروعیت این گونه رفتارها، در صورتی صحیح و قابل استناد خواهد بود که دلیل عامی در مسئله وجود نداشته باشد تا بتوان با مراجعه به آن از عمل به اصل بی‌نیاز شویم. اما به نظر می‌رسد در این زمینه دلایل عام و مطلق ذیل عنوان «عدم جواز ایراد ضرر به خود» وجود دارد و دلیل خاصی هم در این زمینه وجود ندارد که این رفتارها را از حکم عام و کلی آن خارج کرده

۱- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجاهم، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲.

2-<http://www.valiasr-aj.com/sarallah/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000037363>

۳- علی نقی، حیدری (علامه حیدری)، اصول استنباط، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجدرایی، قم انتشارات پیام نوآور (حقوق اسلامی سابق)، چاپ نهم، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸.

باشد. بنابراین در این زمینه باید به دلیل عام موجود، رجوع کنیم و در اینجا استناد به اصل اباحه، محلی از اعراب ندارد.

ثالثاً: به نظر می‌رسد، زمانی می‌توان به اصل اباحه رجوع نمود که اصل دیگری با آن در تعارض نباشد، در حالی که بر اساس «اصل احتیاط» که منطبق با نظر برخی از مراجع بزرگ و ادله‌ی عامه در منع از اضرار به نفس و یا ضرر به دین و یا وهن شریعت است بهتر است از رجوع به اصل اباحه در این زمینه صرف نظر کنیم.

با توجه به توضیحات و نکات فوق استناد به اصل اباحه برای مشروعیت بخشیدن به رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن از قوت کافی برخوردار نمی‌باشد.

بند دوم: احیای امر مذهب

مدافعان قمه‌زنی ادعا می‌کنند که با قمه‌زنی پایه‌های دین را تقویت نموده و بدین‌وسیله تعداد علاقه‌مندان به مذهب تشیع را می‌توان افزایش داد.^۱ در واقع این دسته از افراد معتقدند که، وقتی از بیرون، چنین عزاداری‌هایی مشاهده می‌شود مردم پی به واقعه‌ی عاشورا و مصیبت‌های امام حسین (ع) می‌برند و با مشاهده‌ی این نوع عزاداری‌ها، متوجه می‌شوند که، شیعیان و پیروان مکتب امام حسین (ع) هر لحظه آماده‌ی خون دادن در راه دین اسلام و مذهب شیعه، می‌باشند و این امر خود باعث احیای مذهب شیعه و گرویدن مردم به مذهب شیعه می‌باشد. ظاهراً این دسته از افراد که مستند جواز این گونه رفتارها را احیای امر مذهب می‌دانند دقیقاً داستان را برعکس فهم کرده‌اند، چرا که در عصر حاضر برکسی پوشیده نیست که این رفتارها نه تنها مذهب را احیا نمی‌کند بلکه چهره‌ی مذهب را نیز مخدوش می‌کند و منجر به کناره‌گیری مردم از مذهب شیعه می‌شود.

بند سوم: ابراز هم‌دردی و مواسات با معصوم

یکی دیگر از دلایل و مستندات که حامیان قمه‌زنی و لطمه زنی در عزای بر سید الشهداء (ع) می‌آورند این است که برای ابراز هم‌دردی و مواسات با امام حسین (ع) این گونه رفتارها جایز است چرا که مواسات در این زمینه جز با این قبیل رفتارها حاصل نمی‌

شود. در واقع به نظر ایشان، قمه‌زنی، مواسات شیعیان با امام حسین (ع) و شهیدانی است که همراه او بودند در آن چه که از مصائب و دردها به آنان وارد شده است. و حتی قمه‌زنی نسبت به حق آنان و در برابر مصائب آن بزرگواران، چیز کمی است. قابل قبول بودن و یا نبودن دلیل و مستند فوق درگرو پاسخ به دو سؤال زیر است.

۱- مواسات به چه معنا می‌باشد و آیا این رفتارها مشمول تعریف لغوی و اصطلاحی مواسات می‌شود یا خیر؟

۲- آیا مواسات و ابراز هم‌دردی می‌توانند مبنای جواز و عدم جواز یک عمل و رفتار خاص، قرار گیرند؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که، مواسات در لغت به معنای یاری کردن و کمک کردن به دیگری می‌باشد^۱ و در اصطلاح به این معنی است که از آنچه داریم به طرف مقابل خویش بدهیم تا با او مساوی شویم تا تفاوت بین ما با طرف مقابلمان از بین برود. پس اطلاق مواسات از نظر معنای لغوی و اصطلاحی قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن را دربر نمی‌گیرد. چرا که در اینجا چیزی به امام حسین (ع) داده نشده است. و چنانچه مواسات را شریک شدن در مصائب و درد و رنج آن بزرگواران بدانیم و بخواهیم خود را شریک و هم‌درد آن بزرگواران بدانیم باید ببینیم در راه رسیدن به چه هدفی متحمل چنین مصائب و سختی‌ها شدند ما هم هدف آن‌ها را دنبال کنیم و چنانچه در این مسیر متحمل سختی و رنج شدیم ابراز هم‌دردی کرده‌ایم. «پس اگر سید الشهداء (ع) به خاطر نبرد در راه خدا متألم می‌شد، هم‌دردی ما این است که ما هم به خاطر نبرد در راه خدا متألم شویم، زیرا معنای مشارکت و هم‌دردی همین است که در جای او قرار گیریم»^۲ و هدف‌شناسی کنیم و در راه وصول به آن هدف مشارکت نماییم نه این که هیچ گونه آشنایی با هدف و درس عاشورا نداشته باشیم و بی آن که راه معصوم علیهم السلام را ادامه دهیم، خون خود را به عنوان عزاداری کردن و مواسات با آن بزرگواران جاری کنیم.

در پاسخ به سوال دوم هم باید گفت که، فتوا و حکم دادن به جواز و عدم جواز یک امر توسط فقیه، نیازمند وجود دلیل شرعی در آن زمینه می‌باشد و فقیه برای فتوای خود به دلیل شرعی استناد می‌کند، نه این که صرفاً فتوا بر خواسته از دل فقیه باشد و به نظر

۱- معین، منبع پیشین، ص ۱۴۰۰.

۲- مسائلی، منبع پیشین، ص ۵۱.

نمی‌رسد هیچ فقیه و عالم به علم فقاقت «مواسات و هم‌دردی» را به عنوان مبنایی برای صدور فتوا و جواز یک امر بداند.

با توجه به توضیحات فوق استناد به «مواسات و هم‌دردی» برای مشروع جلوه دادن اعمال و رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... فاقد وجاهت شرعی و فقهی می‌باشد.

مبحث دوم: ادله‌ی مخالفین رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها

با مروری گذرا بر تاریخ و پیشینه‌ی عزاداری‌ها و سیرتغییر و تحولات آن‌ها در پی گذر زمان، در می‌یابیم که، در گذشته و عصر حاضر، برخی از بزرگان و صاحب نظران عرصه‌ی فقاقت با برخی از شیوه‌های عزاداری مخالف می‌باشند و رأی به عدم جواز شرعی آن داده‌اند. این دسته از بزرگان، معتقدند که، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و ما نمی‌توانیم به هدف عزاداری به هر شیوه و وسیله‌ای متوسل شویم بلکه نوع و شیوه‌ی عزاداری نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در این گفتار به شرح ادله و مستندات مخالفین برخی از شیوه‌های نامتعارف عزاداری از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... در طی دو بند می‌پردازیم؛ به این صورت که عدم جواز این رفتارها را در بند اول، از بُعد ضرر و در بند دوم از بُعد وهن مذهب بررسی می‌کنیم.

گفتار اول: ضرر جسمانی

حفظ سلامت روانی و جسمانی یکی از وظایف زندگی به شمار می‌آید. در حدیث نبوی دو نعمت مجهول و ناشناخته خوانده شده که یکی از آن‌ها سلامتی است. دین انسان ساز اسلام تأکید زیادی بر روی سلامتی جسم و بدن و خودداری از خدشه وارد کردن به سلامتی جسم دارد.^۱ یکی از دلایل عمده‌ی مخالفت عده‌ی کثیری از فقها و صاحب نظران در زمینه‌ی فقه عزاداری با قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن به عنوان شیوه‌ای خاص از عزاداری، ایراد ضرر به بدن و در پی داشتن تبعات و آثار منفی بر روی بدن می‌باشد. در واقع به دلیل این که این رفتارها سلامتی فاعلین آن‌ها را به خطر می‌اندازد و از طرف

۱- ابوالقاسمی، شهنام، تأثیر شعائر دینی بر بهداشت روانی جوانان، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره اول، ص ۵۳

دیگر خداوند انسان‌ها را از ضرر رساندن به خود و دیگران منع کرده است، انجام این گونه رفتارها که منتهی به صدمه و ایراد ضرر به بدن می‌شود حتی به عنوان عزاداری جایز نیست. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا این نوع عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی برای بدن مضر است و سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد یا خیر؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید نظر متخصصین مربوطه و تیم پزشکی را در این رابطه جویا شویم.

بند اول: قمه‌زنی از منظر کارشناسان پزشکی

به اعتقاد کارشناسان بهداشتی و متخصصان امور بهداشتی، قمه‌زنی از یک سو ممکن است باعث خونریزی، عفونت‌های موضعی و قطع شدن برخی عروق و اعصاب فرد قمه‌زن شود. دکتر حسین ملک افضلی استاد دانشگاه تهران می‌گوید: «با توجه به این که پوست سر دارای گردش خون خوبی است، حتی جراحات کوچک آن هم می‌تواند خونریزی فراوانی به همراه داشته باشد».

وی سپس خون ریزی، ایجاد جوشگاه ناهنجار (محل ترمیم زخم بدشکل) عفونت موضعی و قطع شدن برخی عروق و اعصاب را از جمله عوارض فردی قمه‌زنی ذکر می‌کند و می‌افزاید: «احتمال بروز شوک ناشی از کم شدن حجم خون (به دلیل خونریزی شدید) احتمال بروز آنی (کم خونی) احتمال انتقال عفونت از بیرون جمجمه به درون آن و بروز عفونت‌های خطرناکی همچون مننژیت، احتمال بروز کزاز و احتمال آلوده بودن قمه مورد استفاده و انتقال بیماری‌های عفونی خطرناکی همچون هپاتیت ب و حتی در موارد نادری بیماری «هاری» وجود دارد»^۱.

قمه‌زنی خطر ابتلا به عفونت‌های پوست و عفونت‌های استخوانی را نیز در بر دارد و ممکن است عفونت‌های عمقی ناشی از قمه‌زنی، کانون‌های چرکی داخل نسج مغز موسوم به آبسه را ایجاد کند^۲. آنان همچنین شکستگی استخوان‌های جمجمه و فرو رفتگی آن، پارگی سیستم وریدی مغز و مرگ سلولی را در قمه‌زنی محتمل می‌دانند از سوی دیگر می‌تواند بیماری‌های عفونی خطرناکی همچون هپاتیت ب را در جامعه گسترش دهد. می‌تواند

1- <http://vista.ir/article/359104>

۲- ربانی، رسول، هاشمیان‌فر، سیدعلی و گنجی، محمد، رهیافتی فرهنگی بر پدیده‌ی قمه زنی شهروندان خمینی‌شهر، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۷۴.

بیماری‌های عفونی خطرناکی همچون هیپاتیت ب را در جامعه گسترش دهد. دکتر علی رضا زالی جراح مغز و اعصاب و استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مورد قمه‌زنی می‌گوید: «پوست و مو، استخوان و نسج مغزی زیر استخوان در جریان اصابت قمه ممکن است دچار آسیب شوند. قسمت اعظم سیستم وریدی مغز که زهکشی تمام مغز را به عهده دارد و سینوس «بلیاژیتال» نامیده می‌شود، ممکن است در مسیر اصابت قمه قرار بگیرد که این مسئله ممکن است باعث ایجاد مشکلاتی نظیر، لختگی، پارگی و جراحات‌های وریدی و خونریزی بسیار شدید شود. بعضی اوقات اصابت قمه باعث می‌شود که قطعات استخوانی زیرین شکسته شده و به داخل فرو رود که اصطلاحاً شکستگی فرورفته نامیده می‌شود.

در شکستگی فرو رفته خطری که وجود دارد این است که می‌تواند در آینده کانون‌های عفونت در آنجا شکل بگیرد. همچنین با توجه به اینکه در زیر استخوان مجموعه پرده مغز قرار گرفته و اصابت قمه ممکن است باعث شود عفونت به پرده مغز هم راه پیدا کند و موجب مننژیت و عفونت‌های عمقی مغز شود، ضمن اینکه خود نسج مغز هم ممکن است به علت اصابت قمه دچار کوفتگی، خونریزی و عوارض دیگر شود.»

وی می‌افزاید: «اصولاً در اثر ضربات نوک تیز که به مغز وارد می‌شود چون این نوالحی دارای پوست هستند، ممکن است بات اصابت اجسام نوک تیز، مو و اجسام خارجی به داخل راه پیدا کنند که این خطر عفونت را چند برابر می‌کند و ممکن است این مسئله از چشم پزشک هم مخفی بماند، یعنی نگاه ظاهری در زخم این بیماران ممکن است مشکلات را چندان هویدا نکند ولی ممکن است بیمار با یک مدت زمان تأخیری علایم عفونی پیدا کند»^۱.

انجام عمل قمه‌زنی موجب بروز جراحات‌های متعدد پوستی و ایجاد عفونت در محل می‌شود. همچنین آلوده شدن قمه به خون و ترشحات موجود در زخم باعث می‌شود افرادی که مجدداً از آن استفاده می‌کنند در معرض ابتلا به انواع عفونت‌های خطرناک از قبیل کزاز، هیپاتیت B و هیپاتیت C و ایدز قرار گیرند.

ذرات ویروسی که در قمه آغشته به خون باقی می‌ماند هنگام قمه‌زنی نفر بعدی از راه زخم‌های ایجاد شده وارد بدن او شده و ایجاد بیماری می‌کند. اکثر افراد آلوده به ویروس

هیأتی که از این طریق وارد بدن افراد می‌شود به تدریج باعث عفونت و تخریب کبد شده و بیمار را دچار زردی لاغری و در نهایت دچار مرگ زودرس می‌کند.^۱

با توجه به نظریات متخصصین مربوطه و صاحب نظران عرصه‌ی پزشکی که تفصیل آن در فوق بیان شد ظاهراً نظر اکثریت جامعه‌ی پزشکی مبنی بر مضر بودن این رفتارهای نامتعارف از جمله قمه‌زنی می‌باشد.

بند دوم: قمه‌زنی و محدوده‌ی ضرر جسمانی

بیشتر کسانی که بعنوان شخص ثالث از بیرون ماجرا، به قمه‌زنی و تیغ‌زنی افراد عزادار می‌نگرند، اولین برداشت و تصویری که از این افراد دارند این است که، این افراد اقدام به ایراد ضرر به بدن خود می‌کنند و به طور کلی تمامی قمه‌زنی‌ها را مضر، می‌دانند و معتقدند که، جسم و بدن فاعلین این رفتارها با انجام این گونه رفتارها معیوب می‌شود. اما سؤالی که در این زمینه پیش می‌آید این است که، آیا تمامی انواع قمه‌زنی‌ها و تیغ‌زنی‌ها، ضرر جسمانی دارند و برای فاعلین آن مضر است؟ و آیا هرگونه ایراد ضرر جسمی به بدن خود از لحاظ شرعی ممنوع و ناپسند شارع است؟

به نظر نگارنده در مورد مضر بودن تمامی قمه‌زنی‌ها و تیغ‌زنی‌ها نمی‌توان قضاوت یکسانی داشت و شایسته نیست با همه‌ی آن‌ها برخورد هم‌سان داشته باشیم. آنچه متخصصین علم پزشکی در رابطه با مضرات قمه‌زنی و تیغ‌زنی و آسیب‌های حاصله از آن بر روی بدن می‌گویند، صرفاً در برخی از موارد قمه‌زنی صدق می‌کند و چنانچه نکات و توصیه‌های بهداشتی رعایت شود و آلت قمه، آلوده نباشد و دیگران از آن استفاده نکرده باشند و یا در صورتی که قبلاً از آن استفاده شده باشد، برای استفاده‌ی مجدد از آن ضد عفونی شده باشد و با مراعات کردن موضع برخورد قمه و نحوه‌ی برخورد از لحاظ محکم و آهسته زدن قمه بر روی موضع مربوطه، احتمال ایراد ضرر به بدن بسیار کم است. و این سخن که تفکیک بین قمه‌زنی و ضرر امکان پذیر نیست و تشبیه ضرر قمه‌زنی به خوردن لامپ مهتابی، بدون شک به بیراهه رفتن است.^۲ و در این حالت این عمل قمه‌زنان

۱- <http://vista.ir/article/359104>

۲- مزینانی، محمدصادق، قمه‌زنی زیر تیغ نقد از زاویه‌ای دیگر، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۷۱، ۱۳۸۸.

بسیار شبیه نهاد «حجامت» در فقه می‌باشد، که به دلیل تأکیدهای فراوانی که بزرگان دین بر روی آن دارند، کمتر کسی در مشروع بودن این نهاد شبهه دارد. به عنوان مثال در روایتی که از پیامبر اکرم (ص) در نهج الفصاحه آمده پنج چیز را از سنتهای پیامبران الهی معرفی کرده‌اند که یکی از آنها حجامت می‌باشد.^۱ و در روایت دیگر می‌فرمایند: حجامت سر، داروی تمام دردهاست، مگر مرگ.^۲ حال با توجه به توضیحات فوق چنان شخصی با رعایت تمام نکات بهداشتی و توصیه‌های فوق در عزاداری‌ها اقدام به قمه‌زنی کند، چگونه می‌توان این عمل او را به استناد ایراد ضرر به خود، غیر مشروع خواند؟ اگر این حالت قمه‌زنی را مصداق ایراد ضرر به جسم و نامشروع بدانیم، بدون شک حجامت سر که مورد تأکید پیامبر (ص) و شفا بخش بوده نیز نمونه‌ی بارز ایراد ضرر به بدن بوده و انجام آن جایز و مشروع نمی‌باشد!! چرا که قمه‌زنی در حالت فوق شبیه حجامت سر که از بهترین حجامت‌ها است، می‌باشد.

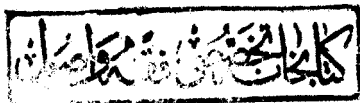
روشن است که اگر با دید مغرضانه و جهت دار به مسئله نگاه نکنیم و رویکردی منصفانه اتخاذ کنیم، در مورد فوق و بسیاری از موارد دیگر قمه‌زنی، به قمه‌زنان ضرر جسمی چشم گیری، وارد نمی‌شود. بنابراین صدور حکم کلی حرمت و عدم جواز در این موارد به استناد «ایراد ضرر به بدن» قابل پذیرش نمی‌باشد. و در شأن فقیه نیست که بگوید به استناد «ضرر» تمامی موارد قمه‌زنی نامشروع و حرام است چرا که تعیین موضوع در حیطه‌ی صلاحیت فقیه نمی‌باشد. بلکه فقیه صرفاً مفهوم و محتوا را می‌گوید و تطبیق مفهوم بر مصداق برعهده‌ی خود مکلف می‌باشد و مکلف باید ببیند آن عمل برای او ضرر جسمی دارد یا خیر. به همین دلیل است که اکثر فقهای که از بُعد «ضرر» به قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن نگاه کرده‌اند، به صورت مشروط آن را غیر مشروع دانسته‌اند و فتوا به عدم جواز آن داده‌اند. برای نمونه می‌توان به فتوای آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی اشاره کرد. ایشان در رابطه با جواز یا عدم جواز قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن می‌فرمایند: «در صورتیکه موجب ضرر معتد به یا هتک و توهین به مذهب باشد، جایز نیست.^۳ مرحوم خوئی در این فتوا از دو جهت، به جواز و عدم جواز این گونه رفتارها از قبیل قمه‌زنی نگاه کرده‌اند یکی از

۱- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، کافی، جلد ۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی تا،

ص ۱۶۰.

۲- مجلسی، منبع پیشین، جلد ۵۹، ص ۱۲۰.

۳- مسائلی، منبع پیشین، ص ۱۶۲.



جهت «ضرر» و دیگری از جهت «وهن» که به صورت مشروط بیان شده است. همچنین از شیخ عبد الکریم حائری، سؤال شده است که، تیغ زدن بر سر در روز عاشورا جایز است یا خیر؟ ایشان در پاسخ فرموده‌اند: «در صورتی که مضر به نفس نباشد جایز است». برخی از شاگردان ایشان نیز در این زمینه از نظر استاد خود تبعیت کرده‌اند.^۱ در این فتوا نیز شیخ عبد الکریم حائری حرمت قمه‌زنی و تیغ‌زنی را مشروط به ایراد ضرر نفسی دانسته‌اند. به طور کلی با توجه به فتاوی فوق، چنانچه عمل این افراد برای سلامتی ضرر قابل توجهی نداشته باشند از بُعد ضرر، نمی‌توان آن‌ها را غیر مشروع دانست و تشخیص مضر بودن یا نبودن این رفتارها به عهده‌ی خود این افراد می‌باشد و این نکته را نیز باید مدّ نظر داشت که هر ضرری در شرع مقدس غیر مشروع نیست و از مقایسه‌ی اخبار عام و مطلق‌ی که در مورد عدم ایراد ضرر به خود و دیگری وارد شده است با اخبار دیگری که در زمینه‌ی عزاداری برای امام حسین (ع) وجود دارند و اهمیت و شدّت عزاداری را بیان می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت که در این زمینه، تنها از ضرر معتنا به (غیر قابل اغماض)، حذر شده است به عنوان مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «کل الجزع و البكاء مکروه سوی الجزع و البكاء علی الحسین علیه السلام»^۲ یعنی هرگونه جزع و گریه کردن مکروه است مگر جزع و بی‌تابی برای حسین علیه السلام. و در روایت دیگر در مورد معنای «جزع» جابر از امام محمد باقر (ع) سؤال کرده است که:

«جَابِرُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الْجَزَعُ قَالَ أَشَدُّ الْجَزَعِ الصَّرَاحُ بِالْوَيْلِ وَ الْوَيْلِ وَ لَطْمُ الْوُجْهِ وَ الصَّدْرِ وَ جَزَّ الشَّعْرُ مِنَ النَّوَاصِي»^۳. «جابر می‌گوید به امام باقر علیه السلام گفتم: جزع یعنی چه؟ حضرت فرمودند: شدیدترین جزع فریاد زدن بویل و بلندگریه کردن، فریاد زدن، بر سر و صورت زدن و کندن موهای پیشانی است». با توجه به این روایات، می‌توان گفت لطمه زدن و ایراد آسیب‌های جزئی به بدن، توسط عزاداران، در جریان عزاداری برای امام حسین (ع) را نمی‌توان مشمول ادله عام و مطلق عدم جواز ایراد ضرر به بدن دانست و حکم به عدم جواز آن‌ها داد و حتی می‌توان گفت که، این موارد اصلاً ضرر محسوب نمی‌شوند و یا حداقل ضرر معتنا به و مورد توجه نیستند.

۱- مزینانی، منبع پیشین، ص ۲۸.

۲- حرعاملی، منبع پیشین، ج ۳، ص ۲۷۲.

۳- کلینی، منبع پیشین، ج ۵، ص ۵۵۴.

با عنایت به توضیحات فوق می‌توان نتیجه گرفت که باید از ضررهای جزئی در جریان عزاداری‌ها که حتی صدق عنوان «ضرر» بر آن‌ها مورد تردید است چشم‌پوشی کرد ولی از انجام رفتارهایی که موجب ایراد ضررهای سنگین و قابل توجه به جسم می‌شود خودداری کرد چرا که این گونه ضررها مورد تأیید شرع مقدس و امام حسین (ع) نمی‌باشد به همین دلیل بیشتر فقهای که از بُعد ضرر در صدد حرام اعلام کردن این رفتارها بر آمده‌اند، در فتوای خود به ضرر معتدّ به اشاره کرده‌اند.

گفتار دوم: بدعت و وهن مذهب

یکی دیگر از مستندات و دلایل مخالفین قمه‌زنی و سایر رفتارهای لطمه زننده به بدن در عزاداری‌ها، «بدعت» است. در این گفتار به بررسی بدعت از لحاظ لغوی و اصطلاحی و محدوده‌ی آن از منظر فقهی و شرح و بسط آن در مورد رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها پرداخته می‌شود.

بند اول: بدعت

در این بند، بدعت از منظر لغوی و اصطلاحی و حکم شرعی آن بررسی می‌شود، تا از این رهگذر بتوان در مورد بدعت محسوب شدن و یا نشدن اعمال نامتعارف در عزاداری‌ها نظر درست و شایسته را ارائه کرد.

الف: بدعت در لغت و اصطلاح و بیان حکم شرعی آن

بدعت در لغت به معنای کار نو و بی‌سابقه، چیز نو پیدا، آیین نو و رسم تازه است^۱ و در اصطلاح شرعی، «إِدْخَالُ مَا لَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي الدِّينِ» یعنی نسبت دادن چیزی به دین در حالی که در واقع جزء دین و شریعت نیست. به عبارت دیگر، امر تازه‌ای که در شریعت مبنایی ندارد و نتوان آن را از مصادیق عام یا خاص شریعت دانست، بدعت می‌باشند. بر این اساس، بر امور تازه‌ای که در شریعت دارای مبنایی هستند، شرعاً نمی‌توان نام بدعت نهاد هرچند از لحاظ لغوی می‌توان آن‌ها را بدعت نامید.

درباره‌ی این تعریف باید به دو نکته اشاره کرد:

۱- بدعت نوعی تصرف در دین، از طریق افزودن یا کاستن شریعت است. بنابر این آنجا که نوآوری، ربطی به دین و شریعت نداشته باشد؛ بلکه به عنوان یک مسأله عرفی و عادی انجام گیرد، بدعت نخواهد بود. مثلاً اگر ملتی یک روز خاص را برای خود به عنوان روز جشن و شادی معین کنند، اما نه به این قصد که شرع چنین دستوری داده است، چنین کاری بدعت نیست هر چند بایستی حلیت و حرمت آن از جهات دیگری مورد بحث و بررسی قرار گیرد.^۱

۲- منظور از امر تازه و بی‌سابقه در دین، که به دین نسبت داده می‌شود، این است که با هیچ یک از قوانین و مقررات جزئی و کلی اسلام هماهنگی و سازگاری نداشته باشد و نتوان مقررات کلی اسلام را بر مصادیق جدید، تطبیق کرد.^۲

امام خمینی (ره) در مورد تشریع و بدعت، می‌فرماید: «تشریع، یعنی به دین وارد کردن چیزی که از دین نیست. این مساوی با بدعت است».^۳ بزرگان دین در مذمت بدعت بسیار تأکید کرده‌اند، به گونه‌ای که، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ». یعنی هر بدعتی گمراهی است و هر صاحب گمراهی در جهنم است». بنابراین بدعت‌گذاری در دین از گناهان کبیره بوده و در حرمت آن هیچ تردیدی نیست.

ب: اعمال نامتعارف و بدعت

پس از تشریح مفهوم لغوی و اصطلاحی بدعت، و وضوح حرمت آن، سؤالی که پیش می‌آید این است که، آیا قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن بدعت و در نتیجه حرام می‌باشند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال و روشن شدن قضیه، ناگزیر، ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که، آیا قمه‌زنان و مرتکبین سایر اعمال نامتعارف در عزاداری‌ها این رفتارها را به دین اسلام نسبت می‌دهند؟ به بیان دیگر آیا این افراد معتقدند که این رفتارها، دارای سابقه در دین اسلام و در عصر معصومین می‌باشند؟

۱- <http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa2363/tmpl/component/printme/1>

۲- همان

۳- موسوی خمینی، روح الله، انوار الهدایه، جلد ۱، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵.

۴- مجلسی، منبع پیشین، جلد ۱۰، ص ۳۵۵.

به نظر می‌رسد آن دسته از عزادارانی که مبادرت به انجام قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن می‌کنند با تجسم و تصور کردن واقعه‌ی عاشورا، عنان خود را از دست می‌دهند و صرفاً این نوع عزاداری‌ها را از این جهت اتخاذ می‌کنند که خود را در موقعیت شهدای کربلا و واقعه‌ی خونین عاشورا، قرار دهند و به ارضای روحی برسند و کمتر کسی در نیت خیرِ قریب به اتفاق این افراد شبهه دارد و نگارنده تا به امروز که در حال قلم زدن این سطور می‌باشد، هیچ ادعایی به صورت مکتوب از طرفداران قمه‌زنی، مبنی بر سابقه‌ی قمه‌زنی در عصر معصومین و وجود آن در دین اسلام ندیده است. موافقان قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن معتقدند که، در عصر معصومین علیهم السلام و در انظار آن بزرگواران، مواردی از لطمه زنی بر سر و صورت دیده می‌شود و با توجه به اینکه معصوم در برابر این رفتارها سکوت کرده است بنابراین جواز لطمه زدن به خود ثابت می‌شود و وقتی که لطمه زدن به جسم در عزای امام حسین (ع) جایز باشد چه تفاوتی دارد وسیله‌ی لطمه زدن قمه باشد یا چیز دیگری؟

اما در پاسخ به اینکه قمه‌زنی بدعت می‌باشد یا خیر باید گفت که، با در نظر گرفتن معنای لغوی «بدعت» بدون شک قمه‌زنی و تیغ‌زنی بدعت می‌باشند چرا که این رفتارها از امور اختراعی می‌باشند که هیچ‌گونه سابقه‌ای در عصر ائمه (ع) نداشته‌اند. شهید مطهری در رابطه با نو ظهور بودن قمه‌زنی، می‌گوید: «قمه‌زنی و بلند کردن طبل و شیپور از ارتدوکس‌های قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه‌ی مردم برای پذیرفتن آنها آمادگی داشت مانند برق در همه جا دوید»^۱. اما اگر مفهوم اصطلاحی بدعت را مد نظر قرار دهیم، باید گفت که، از آنجایی که افراد قمه‌زن، به قمه و قمه‌زنی به عنوان وسیله و شیوه‌ای از عزاداری می‌نگرند و به بیان دیگر نظر به موضوعیت داشتن قمه‌زنی ندارند. صرف این امر، داخل کردن و یا نسبت دادن چیزی به دین و شریعت نمی‌باشد و تا زمانی که حرمت این گونه رفتارها با دلایل شرعی ثابت نشود، این رفتارها مشمول معنای اصطلاحی بدعت نمی‌شود. و این که برخی از مخالفین این گونه رفتارها، استناد می‌کنند به اینکه، قمه‌زنی بدعت است و کسانی که مبادرت به انجام این رفتارها می‌نمایند مرتکب عمل حرام شده‌اند^۲. مستند قوی و قانع کننده‌ای نیست و برای محکوم کردن این گونه رفتارها ابتدا باید حرمت آن‌ها به صورت قطعی و با دلایل شرعی متقن، ثابت شود؛ آنگاه پس از اثبات حرمت این

۱- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، قم، نشر صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵

۲- مسائلی، منبع پیشین، ص ۶۲.

اعمال، چنانچه مرتکبین این رفتارها، آن‌ها را به دین و شریعت اسلام نسبت دادند، می‌توان این گونه رفتارها را بدعت به هر دو معنی لغوی و اصطلاحی دانست.

بند دوم: وهن مذهب

یکی از دلایلی که امروزه توسط بیشتر افرادی که با قمه‌زنی و امثال آن مخالفت می‌کنند مورد استناد قرار می‌گیرد، مسئله‌ی وهن مذهب می‌باشد. در این بند به تشریح مفهوم لغوی و اصطلاحی وهن و تبیین مقوله‌ی وهن مذهب و حرمت رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها همچون قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... پرداخته می‌شود.

الف: وهن مذهب در لغت و اصطلاح و حکم تکلیفی عمل موهون

وهن در لغت، به معنای ضعف و سستی است^۱ و در اصطلاح فقهی، وهن دین و یا مذهب به معنای سبک جلوه دادن دین و مذهب در انظار عمومی دیگر ادیان و یا مذاهب است.^۲ در واقع انجام کارهایی که در دین اسلام سابقه‌ای نداشته است و وهن مذهب در عزاداری امام حسین(ع) به این معنی است که، عزاداران اعمال و رفتارهایی در عزاداری انجام دهند که «اگر دیگران این رفتارها را ببینند مذهب شیعه را متهم به خشونت، توحش و خرافه‌گری می‌کنند که در نتیجه منجر به تضعیف و وهن مذهب تشیع می‌شود».^۳

از منظر شرعی سؤال اصلی این است که، آیا عملی که موجب وهن دین شود حرام می‌باشد یا خیر؟

قریب به اتفاق فقها معتقدند اعمالی که موجب وهن و سست شدن دین می‌گردند حرام می‌باشند و برای حرمت آن به دلایل زیر، استناد می‌کنند.

۱- آیه‌ی شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ».^۴ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیامبر نگویند «راعا»، بگویند: «انظُرنا» و گوش فرا دهید و کافران را عذابی دردناک است.

۱- معین، منبع پیشین، ص ۱۵۶۱.

2- <http://vareth.ir/fa/news/56482>

۳- مسائلی، منبع پیشین، ص ۶۵.

۴- سوره بقره، آیه ۱۰۴.

در شأن نزول این آیه گفته شده است که:

ابن عباس نقل می‌کند: مسلمانان صدر اسلام هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول سخن گفتن و بیان آیات و احکام الهی بود، از او می‌خواستند کمی با تانی سخن بگویند و به آنان مهلت دهد تا بتوانند مطالب را خوب درک کنند و همچنین خواسته‌های خود را به وی برسانند. برای این درخواست کلمه «راعنا» که از ماده «الرعی» گرفته شده و معنی «مهلت دادن» را می‌دهد به کار می‌بردند. ولی یهود همین کلمه «راعنا» را از ماده‌ی دیگری یعنی «الرعوته» به کار می‌بردند که به معنی کودنی و حماقت است. این مسئله برای یهود در اینجا دستاویزی بود تا این کلمه را که مسلمانان به معنی صحیحی بکار می‌بردند، هنگام سخن گفتن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بکار برند و معنی دوم را قصد نمایند. در هر حال آنها می‌خواستند با تکرار جمله «راعنا» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را استهزا کنند و به اصطلاح دست بیندازند. این آیه برای جلوگیری از این سوء استفاده نازل شد و به مؤمنان دستور داد: کلمه «أَنظَرْنَا» که همان «مهلت» را معنی می‌دهد و مرادف کلمه «راعنا» است به کار ببرند.^۱

از این آیه برداشت می‌شود که مسلمانان می‌بایست از دادن هرگونه سوژه و وسیله‌ای که ممکن است باعث سوء استفاده دشمن گردد احتراز و دوری کنند؛ گرچه یک لغت باشد. در اینجا می‌بینیم قرآن برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی مخالفان، مؤمنان را از گفتن یک کلمه بر حذر می‌دارد در صورتیکه آنان معنی صحیح آن را در نظر داشتند چه رسد به اینکه مسلمانان عملی انجام دهند که دستاویز دشمنان گردد و ضربه‌ای برای تبلیغات آنها بر ضد اسلام شود.^۲ بنابراین باید از انجام تمامی رفتارهایی که منجر به تمسخر و تضعیف شدن دین اسلام و مذهب شیعه می‌گردد خودداری کرد. درآیه‌ی فوق خداوند متعال از صیغه‌ی نهی استفاده کرده است (و لا تقولوا) و در اینجا نهی دلالت بر حرمت دارد.

۲- امام صادق (ع) فرمودند: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نُسِيتُمْ إِلَيْنَا كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۷، ص ۴۴۲.

۲- همان

تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْئاً»^۱. «ای شیعیان، شما به ما منسوب هستید، پس مایه ی زینت ما باشید نه مایه ی آبرو ریزی ما».

این روایت از جهت سندی و دلالتی روایت قابل قبولی است و از این جهت باید به محتوای آن عمل شود. معصوم علیهم السلام به عنوان یک قاعده‌ی کلی بیان می‌کند که، موجب قبیح نشان دادن دین نباشید، که در نتیجه‌ی این صورت این اعمال قبیح به ما هم انتساب داده می‌شود چرا که شما شیعیان به ما معصومین نسبت داده می‌شوید. این روایت، تمامی اعمالی که در نگاه ناظر و بیننده‌ی بیرونی قبیح و بی منطق نشان داده شود را در برگرفته و از نظر اصولی با توجه به صیغه‌ی نهی باید گفت دال بر حرمت چنین اعمالی است.^۲

۳- دلیل عقلی: عقل و منطق حکم می‌کند که از گفتار و رفتار موهون که منجر به لطمه زدن به دین و مذهب می‌شود، خودداری کرد چرا که انسان‌ها برای تأیید و رد هر چیزی به عقل رجوع می‌کنند و وقتی که امری در مذهب و فرقه‌ای خاص خلاف عقل و منطق باشد انسان‌ها ناخودآگاه حتی از خود آن مذهب یا مکتب رانده می‌شوند. از طرف دیگر با رعایت قاعده‌ی تقدیم اهم، اگر عمل مستحب یک مسلمان باعث بد بینی جامعه و مردم دیگر ادیان نسبت به دین و یا مذهب شود، از باب تقدیم اهم این کار را باید ترک کرد؛ زیرا خدشه‌دار نشدن و تضعیف نکردن دین مهم‌تر از انجام یک عمل مباح یا تطبیق مستحب و واجبی بر مصداق خاص است.^۳

با توجه به دلایل عقلی و نقلی فوق، می‌توان حکم به حرمت انجام تمامی اعمال موهون دین اسلام و مذهب تشیع در ملاء عام و انظار عموم داد.

ب: رفتارهای نامتعارف در عزاداری و وهن مذهب

در قسمت قبلی به تفصیل به تبیین و تشریح مفهوم و معنای وهن و حکم تکلیفی آن پرداخته شد و بیان شد که، تمامی اعمال و رفتارهای موهون که به دین نسبت داده

۱- طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، جلد ۱، قم، دار الحدیث، چاپ اول، بی تا، ص ۱۳۴.

2- <http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa2272>

می‌شوند حرام می‌باشند. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که، آیا اعمال و رفتارهای نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی زغال گذاخته و امثال این موارد، موجب وهن اسلام و مذهب تشیع می‌شوند یا خیر؟ پاسخ به این سؤال بررسی این رفتارها در جامعه‌ی امروزی و تعیین جایگاه آن‌ها در بین ادیان و مذاهب مختلف را می‌طلبد.

در عصر حاضر، جریان‌های سیاسی با راه انداختن موج اسلام‌هراسی^۱ و شیعه‌هراسی از طرق مختلف سعی در ایجاد تفرقه بین ادیان و مذاهب مختلف با شیعه دارند. یکی از طرق شیعه‌هراسی دست گذاشتن بر روی برخی از انواع عزاداری مثل قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌باشد و از این طریق مردم را با مذهب شیعه بیگانه می‌کنند و با به تصویر کشیدن قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها به خصوص قمه‌زنی بر سر کودکان و اطفال برچسب‌های ناجوری مثل توحش، خشونت و خرافی‌گری را به دین اسلام و مذهب شیعه می‌زنند و از این طریق بذر تنفر از شیعه را دل مردم می‌کارند. رسانه‌ها و سایت‌های خبری بیگانه در انتشار اخبار و تصاویر این گونه عزاداری‌ها بسیار فعال هستند^۲. به عنوان مثال، بخش خبری سایت «یاهو» نیز در گزارشی با عنوان «عاشورا فستیوال» تصاویر متعددی از قمه‌زنی، تیغ‌زنی و خونریزی در عزاداری روز عاشورا را برجسته کرده است. سایت خبری یاهو با انتشار عکس‌هایی از سایت «آسوشیتدپرس» (AP) به طور خاص به نشان دادن وجهه‌های خشونت بار در روز عاشورا پرداخت. سایت «آسوشیتد پرس» (AP) نیز عکس‌های متعددی از عزاداری عاشورا با محوریت قمه‌زنی و تیغ‌زنی در کشورهای مختلف از جمله عراق، عربستان، پاکستان و میانمار منتشر کرده است. این سایت خبری همچنین در گزارش مستقلی از عزاداری شیعیان در میانمار، رد شدن از روی آتش، قمه زدن، زنجیرزنی با تیغ و انجام اعمال خشونت بار را بخشی از رفتارهای شیعیان میانمار معرفی کرده است. متأسفانه واقعیت این است که این فعالیت‌ها بی‌نتیجه نبوده است و اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی آن‌ها به اسلام ستیزی و شیعه ستیزی منجر شده است. با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌گردد که در

1- Islamophobia.

۲- برخی از این سایت‌های خبری عبارت‌اند از:

- self-flagellation / Ashura / Muharram / Ashura festival / Shi'ite/Shiite
- <http://www.reuters.com/article/2013/11/15/life-idUSRTX15F4F>
- <http://world.time.com/2013/11/14/shiite-muslims-celebrate-ashura/>
- <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-24910383>
- <http://www.boldsky.com/yoga-spirituality/faith-mysticism/2014/why-shia-muslim-practice-self-flagellation-on-muharram-052956.html>

عصر حاضر انجام این گونه رفتارها از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و...، در علن و در انظار عموم به شدت منجر به مخدوش شدن چهره‌ی اسلام و مذهب شیعه شده است و می‌توان گفت این گونه رفتارها، موهون می‌باشند و موجب وهن دین و مذهب می‌شوند به همین دلیل اکثر فقهای که فتوا به حرمت این گونه رفتارها داده‌اند، مبنای فتوای خود را «وهن مذهب» قرار داده‌اند. تصویر زیر به خوبی بیانگر موهون بودن این گونه رفتارها و به تبع تخدیش چهره‌ی مذهب در انظار دیگران می‌باشد.



مرجع بزرگ و عالم شیعه، حضرت آیت الله العظمی سیستانی در مورد جواز یا عدم جواز قمه‌زنی و امثال آن معتقدند: «باید از کارهایی که عزاداری را خدشه‌دار می‌کنند اجتناب شود»^۱.

مرحوم آیت الله محمد تقی بهجت نیز نظر به عدم جواز این رفتارها دارند مشروط به اینکه موجب وهن مذهب شوند. متن پاسخ ایشان در مورد جواز یا عدم جواز این رفتارها به این شرح است: «اگر موجب وهن مقدسات شوند جایز نیست»^۲. آیت الله صافی گلپایگانی: «در موردی که موجب وهن مذهب شود از آن خودداری گردد»^۳.

امام خمینی (ره) نیز معتقدند که، در عصر حاضر این گونه رفتارها موجب وهن مذهب

۱- واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الامة (علیهم السلام) قم المقدسه، منبع پیشین، ص ۴۷.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، جلد سوم، قم، انتشارات علمی - فرهنگی صاحب الزمان (ع)، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

می‌شوند. ایشان در این باره می‌فرمایند «شما می‌خواهید برای اسلام کاری انجام دهید، در شرایطی که کاری به ضرر اسلام تمام شود، بهتر است انجام نشود، مثلاً قمه‌زنی در عصر حاضر موجب وهن اسلام می‌شود و شما تا می‌توانید دستجات و سینه‌زنی را با شکوه‌تر انجام دهید»^۱ با عنایت به فتاوی فوق و مفهوم وهن مذهب، می‌توان به سه نکته‌ی مهم اشاره کرد، نخست اینکه، انجام اعمال و رفتارهایی که موجب وهن دین اسلام و مذهب شیعه می‌شوند جایز نمی‌باشند. دوم این که، ملاک تشخیص وهن بودن یا نبودن یک رفتار خاص با خود مکلف می‌باشد و فقیه مصداق اعمال موهون را تعیین نمی‌کند چرا که تعیین موضوع در شأن فقیه نمی‌باشد؛ به همین دلیل است که در اکثر فتاوی موجود در این زمینه حرمت به صورت مشروط بیان شده است و فقیه برای حرمت این رفتارها، از عبارت «چنانچه موجب وهن مذهب شود، جایز نیست»، استفاده کرده است و قضاوت در مورد موهون بودن یا نبودن یک رفتار، به عهده‌ی عرف و مکلف می‌باشد و این خود مکلف است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی تشخیص می‌دهد رفتارش منجر به تضعیف و وهن مذهب می‌شود یا خیر. اما در عصر حاضر با اندکی تأمل برای هر شخصی قابل درک است که این رفتارها موجب وهن مذهب می‌شوند. نکته‌ی آخر این که، با توجه به مفهوم وهن مذهب برای اینکه عملی موجب وهن مذهب شود، باید آن رفتار در علن و انظار عموم واقع شود. بنابراین چنانچه شخصی در خفا و به صورت پنهانی، مرتکب اعمال و رفتارهای نامتعارفی از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... شود، نمی‌توان از وهن مذهب به دلیل انجام این گونه رفتارها سخن گفت.

گفتار سوم: حکم حاکم شرع

یکی از ادله‌ی مخالفین انجام برخی از صورعزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... ، حکم حاکم شرع می‌باشد. به دلیل اهمیت خاصی که این دلیل دارد و به نوعی مهم‌ترین دلیل مخالفان عزاداری‌های نامتعارف می‌باشد؛ در قالب یک گفتار مجزا آورده شده است. مخالفین این گونه عزاداری‌ها مستند مخالفت خود را حکم حکومتی مقام معظم رهبری در این زمینه می‌دانند و معتقدند انجام این گونه عزاداری‌ها مشروع

۱- رحیمیان، محمد حسن، در سایه‌ی آفتاب، قم، نشرشاهد، موسسه پاسدار اسلام، چاپ دهم، ۱۳۸۸.

نمی‌باشند. در این گفتار، مفهوم حکم حکومتی، تفاوت حکم با فتوا و نظر مقام معظم رهبری در مورد عزاداری‌های نامتعارف که مخالفان این‌گونه از عزاداری‌ها، از آن به عنوان حکم حکومتی یاد می‌کنند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: حکم حکومتی و فتوای فقیه

حکم در لغت به معنای «منع و بازدارندگی برای اصلاح» دانسته شده است. به عبارت دیگر، حکم یعنی «بازداشت و ممانعتی که در مسیر اصلاح باشد»^۱ و در اصطلاح شرعی، به مجموعه باید‌ها و نبایدهایی که شارع مقدس برای رسیدن بشر به کمال مطلوب وضع کرده است، حکم می‌گویند. شهید آیت الله صدر درباره‌ی معنای شرعی حکم می‌گوید: «حکم قانون وضع شده از طرف خداوند متعال، برای تنظیم حیات بشری است»^۲.

فتوا اسم مصدر از افتاء، در لغت به معنای پاسخ دادن به سؤال آمده است؛ چنان که استفتاء در لغت در معنای درخواست پاسخ از امری مشکل و مبهم به کار رفته است و در اصطلاح فقهی، عبارت است از بیان حکم شرعی به صورت کلی که در این‌گونه موارد، مقلد باید به فتوای مجتهد خود عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگر رجوع نماید. به عبارت دیگر فتوا، حکم شرعی است که مجتهد آن را به عنوان نظر و رأی خود اظهار می‌کند. فتوا گاه با تعبیر واضحی مانند: مستحب است، واجب است یا حرام است، صادر می‌شود و نشان دهنده‌ی وضعیت شرعی آن موضوع است.

حکم حکومتی یکی از مفاهیم مطرح در فقه سیاسی شیعه می‌باشد که از آن با تعبیری مانند «حکم الحاکم»، «ما رأه الوالی» و «ما رأه الامام» یاد می‌شود. در فقه اهل سنت هم اصطلاح «احکام سلطانیه» رایج است. تعاریف متعددی از مفهوم حکم حکومتی ارائه گردیده است. در یک تعریف، «احکام حکومتی تصمیماتی هستند که ولیّ امر در سایه‌ی قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها به حسب مصلحت وقت اتخاذ می‌کند و طبق آن‌ها مقرراتی را وضع نموده و به موقع به اجرا در می‌آورد». امام خمینی (ره) در تعریف حکم حکومتی می‌فرماید: «منظور از احکام حکومتی احکامی است که از اختیارات و ولایت مفوضه‌ی الهی

۱- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم - ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ.ق، جلد ۲، ص ۹۱

۲- صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، الحلقه الاول، قم، نشر هاجر، چاپ اول، بی تا، ص ۱۶۱.

به ولی و حاکم اسلامی ناشی می‌شود و در پرتو آن می‌تواند با توجه به مصلحت و مفسده‌ی ملزمه‌ای که تشخیص می‌دهد حکمی را صادر کند و یا تغییر دهد و نیز مقرراتی را وضع نماید.^۱ با توجه به توضیحات فوق، احکام حکومتی هر حکم و فرمانی که از سوی ولی فقیه (حاکم اسلامی)، در جهت اداره و پیشبرد نظام اسلامی بر مبنای مصلحت و منفعت اسلام و مسلمین صادر گردد، را دربر می‌گیرد.^۲ در اصطلاح فقهی حکم به معنای «انشاء حکم الله در موضوع معین» است؛ بدین شکل که: ابتدا حاکم، حکم شرعی یک موضوع معین را تشخیص می‌دهد و به عبارت دیگر؛ حکم کلی (فتوا) را بر مصداق معین تطبیق می‌دهد و تصدیق می‌کند. (مثلاً در فتوا گفته می‌شود، اگر آب نداشتی تیمم بگیر ولی در حکم گفته می‌شود: طبق بررسی، معلوم شده که تو آب نداری پس تیمم بگیر)، یا اینکه مثلاً حاکم شرع می‌گوید، امروز اول ماه شوال است، یا این خانه متعلق به فلان شخص است.

در گام بعدی حاکم، نظر خود را در قالب حکم، جهت اجرا، بیان می‌کند تا مسلمانان به آن عمل کنند و افراد را ملزم می‌کند که انجام دهند و به هر حال آن تشخیص موردی حاکم شرع، در جامعه‌ی اسلامی اجرا می‌شود.^۳

حکم حکومتی امر نو ظهور و تازه‌ای در مسائل سیاسی نمی‌باشد، بلکه در زمان پیامبرگرمی اسلام نیز نمونه‌هایی از حکم حکومتی به چشم می‌خورند. برای نمونه، می‌توان به خراب کردن مسجد ضرار، قطع درختان یهودیان بنی نضیر، منع خوردن گوشت حیوانات اهلی برای مدتی و ... و در زمان حضرت علی (ع) مصادره اموال بعضی از کارگزاران بدون محاکمه، گرفتن زکات از اسبها و منع صرافی و ... اشاره کرد.^۴

با توجه به توضیحاتی که در مورد حکم حکومتی و فتوای فقیه ارائه شد، می‌توان تفاوت حکم حاکم را با فتوای فقیه چنین بیان کرد:

۱- فتوا نوعی خبر دادن و بیان حکم شرعی کلی است ولی حکم، انشای حکم از جانب

۱- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه‌ی نور، جلد ۲۰، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰.

۲- صرامی، سیف‌الله، احکام حکومتی و مصلحت، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۶.

۳- طالقانی، سید هدایت الله، مرجعیت، تهران، نشر ارغنون، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۹.

۴- بهرامی، قدرت الله، امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی، بی‌تا، ص ۹۴.

حاکم شرع است.^۱

۲- فتوا به صورت کلی از فقیه صادر می‌شود ولی حکم از حاکم شرع، به صورت جزئی و در مورد خاصی صادر می‌گردد.

۳- به دلیل کلی بودن فتوا، فقیه در مقام صدور فتوا، به شرایط زمانی و مکانی مکلفین و مصلحت مقلّدین و جامعه نمی‌اندیشد ولی اساس اندیشه‌ی حاکم در صدور حکم، مصلحت مکلفین و جامعه است و تمام شرایط زمانی و مکانی در مصلحت سنجی حاکم دخالت دارند.^۲

۴- فتوای فقیه صرفاً توسط مقلّدین همان فقیه واجب‌الاطاعه است ولی حکم حاکم عمومیت دارد و توسط تمامی مقلّدین و مجتهدین واجب‌الاطاعه و لازم‌الاجراست. به عبارت دیگر هیچ کس نمی‌تواند با این استدلال که فتوای مرجع من در این زمینه با حکم حاکم متفاوت است در صدد مخالفت با حکم حاکم شرع برآید.

برای نمونه با نگاهی به تاریخ دوره‌ی قاجاریه، می‌توان به حکم حکومتی میرزای شیرازی بزرگ، در مورد تحریم توتون و تنباکو اشاره کرد. که با در نظر گرفتن مصالح اسلام و کوتاه کردن دست استعمار از کشور اسلامی از ایشان صادر گردید. این حکم به نحوی جامع و اطاعت از آن بر همه‌گان واجب بود که قاطبه‌ی مردم و فقها از آن اطاعت کردند. و وقتی که حکومت ایران برای شکستن آن حکم، به مراجع نجف و ایران مراجعه کرد، همه‌ی آن‌ها به این شکل پاسخ دادند:

«آن چه را میرزای شیرازی فرموده حکم است نه فتوا و اطاعت آن بر همه لازم است».^۳
از توضیحات فوق دانسته می‌شود که، با توجه به این که حکم حکومتی صرفاً در موارد خاص و ضروری و جهت مصلحت مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی از حاکم شرع صادر می‌شود با فتوای فقیه متفاوت است و بر فتوا غلبه دارد و اطاعت از آن بر همگان از مجتهد گرفته تا مقلد واجب است.^۴

1- <http://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D8%AA%D9%88%D8%A7>

۲- همان

۳- یزدی، سید کاظم، عروة الوثقی، کتاب الصوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، بی تا، ص ۳۷۰

۴- مزینانی، منبع پیشین، ص ۳۳

بند دوم: حکم حاکم شرع و رفتارهای نامتعارف در عزاداری

در نوشتار قبلی به تشریح حکم حاکم شرع و لزوم اطاعت از آن بر قاطبه‌ی عامه و خاصه‌ی مردم پرداخته شد و بیان شد که در مقام اختلاف نظر بین فتوای فقیه و حکم حاکم، حکم بر فتوا مقدم می‌شود. در عصر حاضر یکی از مسائلی که مورد اختلاف نظر برخی از فقها قرار گرفته است حکم تکلیفی عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... می‌باشد. مخافان قمه‌زنی و تیغ‌زنی و رفتارهای مشابه آن در عزاداری‌ها به نظر مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت این گونه عزاداری‌ها استناد می‌کنند و عقیده بر آن دارند که نظر ایشان در این باره در قالب حکم و نه در قالب فتوا می‌باشد^۱، متن پاسخ ایشان در برابر سؤال از جواز یا عدم جواز قمه‌زنی بدین شرح است:

«هر کاری که برای انسان ضرر داشته یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند. قمه‌زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست»^۲.

مخافان عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... معتقدند که: به دلیل رواج این گونه عزاداری‌ها و سوء استفاده‌ی بیگانگان از این رفتارها و موهون جلوه دادن چهره‌ی دین اسلام و مذهب تشیع، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای عدم جواز این گونه رفتارها را در قالب حکم، اعلام کرده‌اند. برخی از فقها نیز به حکم بودن نظر مقام معظم رهبری در مورد رفتارهای نامتعارفی از قبیل قمه‌زنی و تیغ‌زنی، اشاره کرده‌اند و اطاعت از این حکم را بر تمامی مراجع و مردم واجب دانسته‌اند. برای نمونه می‌توان به فتوای فقها و مراجع زیر اشاره کرد:

آیت الله العظمی اراکی: «... دستور ولی امر مسلمین جهان مبنی بر جایز نبودن این اعمال، برای همه لازم‌الاطاعه و قابل اجراست»^۳.

آیت الله العظمی مظاهری: «چون مقام معظم رهبری فرموده‌اند در عزاداری‌ها قفل و قمه

۱- همان، صص ۳۳-۳۲

۲- مسائلی، منبع پیشین، ص ۱۷۰.

۳- همان، ص ۱۶۹.

زدن و مانند این‌ها نباشد پیروی از ایشان بر همه واجب است»^۱.

آیت الله مشکینی، بنی فضل، و برخی از علمای لبنان از جمله فضل الله شیخ محمد مهدی شمس الدین رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، اطاعت از مقام معظم رهبری را در این زمینه واجب دانسته‌اند.^۲

بنابراین به نظر این دسته از مخالفان عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... با توجه به این که مقام معظم رهبری در قالب حکم حکومتی این گونه از عزاداری‌ها را غیر مشروع دانسته‌اند، مبادرت به انجام این گونه عزاداری‌ها بر همگان حرام بوده و هیچ کس نمی‌تواند به استناد فتوای جواز مرجع تقلید خود در این زمینه از اطاعت از مقام معظم رهبری به عنوان حاکم اسلامی سر باز زند. احتمالاً آن دسته از نویسندگانی که به نظر مقام معظم رهبری در این زمینه به دید حکم حکومتی نگریسته‌اند به خاطر به کارگیری الفاظ و جملات عام و مطلق توسط ایشان در زمینه‌ی بیان حکم این گونه از عزاداری‌ها بوده است. برای نمونه ایشان در فتوایشان بیان داشته‌اند که: «هر کاری که برای انسان ضرر داشته یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند».^۳ آن دسته از افرادی که معتقدند نظر مقام معظم رهبری در مورد حرمت عزاداری‌های نامتعارف در قالب حکم حکومتی بوده است، به این فراز از سخن ایشان استناد می‌کنند و می‌گویند که، وقتی ولی امر مسلمین در بیان نظر فقهی خود در زمینه‌ی حرمت قمه‌زنی و امثال آن در عزاداری‌ها می‌فرمایند «مؤمنین باید از آن اجتناب کنند»، به صورت کلی و عام سخن گفته‌اند بنابراین بر همه واجب است که از این گونه عزاداری‌های نامتعارف اجتناب و پرهیز کنند و فرقی نمی‌کند که مرجع تقلید فردی که قمه‌زنی می‌کند فتوا به جواز یا عدم جواز این گونه از عزاداری‌های نامتعارف داده باشد چرا که از حاکم شرع در این زمینه حکم و نه فتوا صادر گردیده است.^۴ اما به نظر می‌رسد از طرف مقام معظم رهبری در این زمینه هم فتوا و هم حکم صادر گردیده است با این توضیح که ایشان در فتوای خود که در پاسخ به استفتاء مقلدین خودشان اعلام کردند، بیان داشتند که: «هر کاری که برای انسان ضرر

۱- همان، ص ۱۷۷.

۲- مزینانی، منبع پیشین، ص ۳۲.

۳- مسائلی، منبع پیشین، ص ۱۷۰.

۴- مزینانی، منبع پیشین، ص ۳۲.

داشته یا باعث وهن مذهب می‌گردد فی نفسه حرام است...»^۱ و در ادامه استفتائی با این مضمون از ایشان شده بود که، «آیا چنانچه قمه‌زنی و تیغ‌زنی در خفا انجام شود باز هم حرام است یا حرمت این‌گونه رفتارها مختص به علن می‌باشد؟» ایشان در پاسخ فرمودند: «...قمه‌زنی در هیچ حالتی جایز نیست»^۲. با توجه به نحوی اظهار نظر مقام معظم رهبری در این زمینه مشخص می‌گردد که در اینجا ایشان فتوا و نه حکم داده‌اند و مقلدین ایشان حتی در خفا و پنهانی هم باید از قمه‌زنی و تیغ‌زنی کردن اجتناب کنند. از آنجایی که مبنای حکم حکومتی مصالح و منافع جامعه‌ی اسلامی می‌باشد، روشن می‌گردد که چنانچه در پاسخ استفتاء فوق ایشان در صدد بیان حکم حکومتی بودند، صرفاً بحث وهن مذهب را مطرح می‌کردند و حرمت این‌گونه رفتارها را محدود به علن می‌کردند چراکه، چنانچه شخصی در خفا و دور از انظار مردم قمه‌زنی می‌کند هیچ‌گونه ضرری برای اسلام و مسلمین نداشته و چهره‌ی اسلام را مخدوش نمی‌کند. اما افزون بر این نظر فقهی، ایشان در بیانی دیگر حکم به ممنوعیت قمه‌زنی علنی و آشکار داده‌اند؛ چنان‌که ایشان در قسمتی از جواب نامه‌ی امام جمعه اردبیل مبنی بر اعلام تبعیت مردم اردبیل از نصایح و رهنمودهای رهبر انقلاب در مسئله‌ی عزاداری فرمودند: «... امروز این ضرر بسیار بزرگ و شکننده است لذا قمه‌زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است»^۳. استفاده کردن از تعبیر «ممنوع بودن قمه‌زنی» از سوی ایشان در جایگاه رهبر نظام، حکایت از حکمی عمومی دارد که همه‌ی مردم موظف به اطاعت از این حکم دارد. علاوه بر استفاده از تعبیر ممنوعیت قمه‌زنی که صراحت در حکم بودن این سخنان دارد، اختصاص دادن این منع به قمه‌زنی در علن (تظاهر به قمه‌زنی)، دلیلی دیگر مبنی بر حکم بودن این سخنان است؛ چرا که چنان‌که بیان شد مقام معظم رهبری در فتوای خودشان، قمه‌زنی را در هیچ حالتی (حتی در خفا و پنهانی) جایز نمی‌دانند. ولی در متن این نامه از آن‌جایی که سخن از حکمی عمومی و اجتماعی است مقلدین دیگر مراجع، صرفاً در مورد «قمه‌زنی در علن و همراه با تظاهر» ملزم به تبعیت از آن می‌باشند. به علاوه، دیگر فرمایش‌های مقام معظم رهبری درباره‌ی

۱- حسینی خامنه‌ای، سید علی، اجوبه‌الاستفتائات، قم دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۲۴ ه. ق، ص ۳۲۶

۲- همان

۳- مسائلی، مهدی، عار یا شعار؛ قمه زنی در ترازوی عقل و شرع، اصفهان، نشر آرما، چاپ اول، ۱۳۹۵،

قمه‌زنی نیز خود به نوعی حاکی از حکم بودن این سخنان دارد؛ برای نمونه، ایشان به صراحت در این باره می‌فرمایند: «این کار را نکنید، بنده راضی نیستم. اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام»^۱. ایشان در سال‌های بعد نیز بر این حکم تأکید داشته‌اند و در سال ۱۳۸۸ نیز فرمودند: «قمه‌زدن که گفتیم، ممنوع است. این کار نباید انجام بگیرد. این، مایه دراز شدن زبان دشمنان علیه دوستان اهل بیت است»^۲. برای رفع هر گونه ابهام در مورد این که آیا از ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه حکم حکومتی صادر گردیده یا خیر از دفتر ایشان در مورد حکم و یا فتوا بودن نظرشان مبنی بر حرمت برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف استفتائی به این شرح انجام شده است که: «چنانچه مرجع تقلید شخصی قائل به جواز قمه‌زنی و امثال آن در عزاداری امام حسین (ع) باشد؛ آیا در این حالت این فرد می‌تواند به نظر مرجع تقلید خود اکتفا کند و قمه‌زنی بکند یا در این زمینه باید به نظر مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت این رفتارها رجوع کند و به بیان دیگر آیا نظر مقام معظم رهبری در مورد حرمت قمه‌زنی و رفتارهای مشابه آن در قالب فتوا بوده یا در قالب حکم حکومتی می‌باشد و اطاعت از آن بر همگان واجب است؟» دفتر معظم له در پاسخ بیان داشتند که: «بر همه واجب است که از قمه‌زنی و هر عملی که موجب وهن مذهب می‌گردد اجتناب کنند»^۳. با توجه به پاسخ استفتاء فوق واضح است که، نظر مقام معظم رهبری در زمینه‌ی حرمت عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی و... صرفاً فتوا نبوده بلکه از ایشان در این باره حکم صادر گردیده است؛ چراکه پاسخ استفتاء فوق عمومیت دارد. بنابراین با عنایت به حکم حکومتی مقام معظم رهبری مبنی بر ممنوعیت قمه‌زنی در علنی، اگر کسانی می‌خواهند با استناد به فتوای مرجع تقلید خود قمه‌زنی کنند، باید از انجام علنی و همراه با تظاهر آن جتناب ورزند^۴.

۱- بیانات مقام معظم رهبری در آستانه ماه محرم سال ۱۳۷۳.

۲- مسائلی، منبع پیشین، ص ۲۳۱-۲۳۰

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیان در ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۸.

۴- مسائلی، منبع پیشین، ص ۲۳۱

بخش دوم

تبیین کیفری و جرم‌شناختی

عزاداری‌های نامتعارف

تبیین و تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی هر موضوع خاص، مستلزم فهم ماهیت حقوقی آن موضوع می‌باشد. به بیان دیگر تشخیص این‌که عمل یا رفتار خاصی جرم است یا عنوان دیگری غیر از جرم دارد، نیازمند کنکاش ماهیت حقوقی و جایگاه آن رفتار در جامعه می‌باشد. این مهم، در مورد عزاداری‌های نامتعارف نیز صادق است. به خصوص از آن جهت که عنوان پیش‌رو، عنوان جدیدی می‌باشد و شبیه آن در منابع حقوقی موجود یافت نمی‌شود. از همین رو مباحثی از این بخش به بررسی و شناخت ماهیت حقوقی عزاداری‌های نامتعارف اختصاص یافته تا بتوان پس از فهم دقیق ماهیت این گونه عزاداری‌ها با دید کیفری و مبنایی در مورد سیاست تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی ایران در مورد این گونه عزاداری‌ها سخن گفت و در ادامه علل و عوامل مؤثر در انجام این گونه عزاداری‌ها و راهکارهای مربوطه را در زمینه‌ی پیشگیری از این قبیل عزاداری‌های نامتعارف شناسایی و ارائه نمود. مطالب این بخش در قالب دو فصل تنظیم و ارائه شده است.

در فصل اول این بخش به بررسی قابلیت جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف و سیاست تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه پرداخته می‌شود و در فصل دوم، ماهیت عزاداری‌های نامتعارف از بُعد انحراف بررسی شده و با نگاهی جرم‌شناسانه به تبیین علل و عوامل زمینه‌ساز این گونه انحرافات در عزاداری‌ها و راهکارهای پیش‌گیری از آن‌ها پرداخته می‌شود.

فصل اول: تبیین کیفی عزاداری‌های نامتعارف

علم حقوق همانند بسیاری از علوم دیگر بر اساس مجموعه‌ای از نظریات، اصول و قواعد، با هدف و موضوع مشترک شکل گرفته است. در رابطه با حقوق به طور کلی می‌توان گفت: مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر افراد یک جامعه در زمان معین حکومت می‌کند. بنابراین علم حقوق یکی از علوم اجتماعی همراه با شاخه‌های متنوع می‌باشد، یعنی جامعه و انسان‌ها در موضوع و هدف کاملاً دخالت دارند.

در این فصل، برخی از صور عزادارهای نامتعارف از منظر حقوقی مطالعه و بررسی شده است. از این رو مباحث مطروحه، در سه مبحث مجزا مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. در مبحث اول، صرف نظر از برخورد یا عدم برخورد قانونگذار با این نوع از عزاداری‌ها به طور خلاصه به شرح برخی از اصول و مبانی جرم‌انگاری پرداخته تا قابلیت یا عدم قابلیت جرم‌انگاری آن‌ها معلوم و مشخص گردد. در مبحث دوم در قالب گفتار اول، رویکرد و سیاست قانونگذار در قبال عزاداری‌های نامتعارف مورد بررسی قرار می‌گیرد و در گفتار دوم، به بررسی سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران در برابر این گونه از عزاداری‌های نامتعارف پرداخته و مستندات و نحوه برخورد مراجع انتظامی (ضابطین قضایی) و محاکم قضایی در برابر مرتکبان این گونه از عزاداری‌های نامتعارف شرح داده شده و به عبارت دیگر سیاست قضایی موجود در این زمینه را به کرسی بحث و نقد گذاشته می‌شود.

مبحث اول: قابلیت جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف

انسان‌ها در جامعه و در کنار هم زندگی می‌کنند و به بیان دیگر انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که در محیط جامعه با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند تا از این رهگذر رفع نیاز کنند. گاهی اوقات برخی از افراد به حقوق یکدیگر و یا جامعه تعرض می‌کنند و قانونگذار برای حفظ نظم جامعه و با رعایت مصالح خصوصی و عمومی این گونه اعمال را ممنوع اعلام می‌کند. البته تولید ممنوعیت باید با احتیاط و با توجه به مقوله‌ی آزادی و کرامت انسان‌ها انجام گیرد. چرا که، قانونگذار با جرم‌انگاری کردن و جرم شناختن برخی از

رفتارها، کرامت انسانی آن‌ها را زیر پا می‌گذارد.^۱

امروزه، اکثر افراد کم و بیش با اصطلاح جرم‌آشنایی دارند ولی به طور کلی اصطلاح جرم با تمام مشخصات خاص خود به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، اطلاق می‌گردد. جرم از جنبه‌های دیگر نیز قابل بررسی و تعریف می‌باشد. مثلاً از منظر جامعه‌شناسی و ادبی نیز دارای معانی دیگری است، از نظر ادبی در فرهنگ لغات، جرم نقض قوانین اخلاقی و مدنی است. در تعریف دیگر جرم عملی است که با قانون و از سوی دیگر با وجدان جمعی تنبیه و سرزنش می‌شود.^۲ از نظر جامعه‌شناسی نیز، جرم قبل از این‌که توسط قانونگذار وصف مجرمانه به خود بگیرد، یک پدیده‌ی اجتماعی است؛ بنابراین از این منظر نمی‌توان بر این باور بود که جرم پدیده‌ای ابداعی توسط قانونگذار بوده، بلکه فعل و ترک فعلی بوده که قانون جرم می‌انگارد و یک پدیده‌ی اجتماعی است.^۳ جرم در جامعه‌شناسی، هر عمل ضد اجتماعی است که اخلاق جامعه را هدف قرار داده و به آن خلل وارد می‌کند؛ هر آن چه را که در قضاوت‌های عمومی مردم نهفته شده است را می‌توان به نوعی اخلاق اجتماعی نامید. بنا به تعریف ساترلند جامعه‌شناس امریکایی نقض و تخطی از قواعد و هنجارهای لازم‌الاتباع در فرهنگ یک جامعه، جرم می‌باشد.^۴ آن چه که در این‌جا مورد توجه ما است، مفهوم حقوقی جرم می‌باشد. به عبارت دیگر رفتارهایی اعم از فعل یا ترک فعل که واقع شده و برای آن در قانون، مجازات تعیین گردیده است. بنابراین ممنوعیت یک رفتار و محدوده و چارچوب جرم را قانون مشخص می‌کند و اصل کاربرد کمینه بودن حقوق کیفری و جرم‌انگاری حداقلی در این زمینه حاکم است در واقع قانونگذار برای تولید ممنوعیت با محدودیت روبرو است و از جرم‌انگاری به عنوان آخرین حربه استفاده می‌کند.^۵

۱- نیک‌پرور، زینب، جرم‌انگاری در جهت حمایت از کرامت انسانی، پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۰.

۲- ترنر، جانانان، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، جلد ۱، ترجمه محمد فولادی، محمد عزیز بختیاری، قم، موسسه‌ی آموزشی امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۵.

۳- آدابی، رضا، جامعه‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۵۶.

۴- همان، ص ۵۶.

۵- نوبهار، رحیم، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۳.

با توجه به تعریف و مفهوم جرم که در نوشتار فوق بیان شد می‌توان گفت که: قواعد حاکم بر محدودیت حق و آزادی که تنظیم‌کننده‌ی روابط انسان‌ها در اجتماع هستند، مجموعه ضوابط حقوقی را شکل می‌دهند که این قواعد متشکل از احکام و ضمانت اجراها می‌باشند. از آنجایی که این قواعد، تحدیدکننده‌ی حق و آزادی می‌باشند لذا صرفاً در حد نیاز زندگی اجتماعی ضرورت وضع پیدا می‌کنند.^۱ در واقع انسان‌ها تا جایی که به منافع عمومی لطمه و صدمه نزنند آزاد و مختارند هرگونه عملی را انجام دهند.^۲ به بیان دیگر سایه‌ی اصل اباحه و اصل برائت بر سر رفتارها و اعمال انسان‌ها گسترده است و عدول از این اصول توسط قانونگذار نیازمند دلیل قانع‌کننده می‌باشد. به همین دلیل جرم‌انگاری امری استثنایی و خلاف قاعده می‌باشد. از این‌رو زمانی که حکومت قصد جرم‌انگاری رفتاری را دارد، بایستی در ابتدا به طور قطعی و یقینی ثابت نماید که برای جلوگیری از آن چاره‌ای جز جرم‌انگاری و مجازات ندارد.^۳ در واقع، از مجموعه قوانین و قواعد حاکم بر زندگی انسان‌ها تنها بخش کوچکی از آن‌ها جنبه‌ی کیفری دارند و به قید مجازات ممنوع شده‌اند، چراکه شدیدترین شیوه‌ی اعمال قدرت توسط حکومت، وضع ضمانت اجراهای کیفری می‌باشد، به طوری که می‌توان گفت: جرم و مجازات با اقتدار در جامعه پیوند خورده است.^۴ اما جهت‌گیری کیفری در برابر برخی از رفتارها در جامعه و شدت مجازات‌ها توسط حکومت نشانه‌ی ضعف و سستی زمامداران می‌باشد، چرا که این امر بیانگر این است که در آن حکومت، قوای سه‌گانه و دستگاه‌های مرتبط به خوبی انجام وظیفه نکرده‌اند^۵ و فرهنگ جامعه دستخوش تغییرات منفی قرار گرفته است. جرم‌انگاری کردن و تولید ممنوعیت توسط قانون‌گذار، «فرآیندی است که به‌وسیله‌ی آن، رفتارهای جدیدی به موجب قوانین

۱- شجاعی نصرآبادی، محمد، تحلیل مبانی اصل استثنایی بودن جرم‌انگاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲ و ۱.

۲- کاتوزیان، ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۱، ص ۴۲.

۳- بوشهری، جعفر، حقوق جزا: اصول و مسائل، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۳.

۴- آزمایش، علی، «عدم جرم‌انگاری صحیح موجب بی‌کیفری می‌شود»، ماهنامه قضاوت، شماره ۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۸، ص ۳۶.

۵- زمان دانش، تاج، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۲۴.

کیفری، مشمول قانون مجازات می‌شود»^۱ و به طور دقیق‌تر، «جرم‌انگاری فرآیندی است حقوقی و گزینشی که طی آن قانونگذار یک کشور، رفتاری را با توجیه مبنایی خاص مثلاً حفظ ارزش‌های اجتماعی، نظم‌عمومی یا مبنای اخلاقی مذهبی و... جرم تلقی کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند. در این فرآیند، باورها و رفتارها به وسیله‌ی جرم و کیفر از طریق قانونگذاری یا آراء قضایی، تغییر شکل می‌یابند»^۲. بدین ترتیب، فرآیند جرم‌انگاری را نمی‌توان یک عمل عادی و بدون برنامه ریزی قلمداد کرد، بلکه جرم‌انگاری عملی کارشناسی شده، سنجیده و برخاسته از خرد جمعی است و تحول و شکل‌گیری آن نیازمند اصول و ضوابطی است.^۳ در این نوشتار برخی از اصول و مبنای جرم‌انگاری را در زمینه‌ی عزاداری‌های نامتعارفی که در عصر حاضر رواج یافته است تشریح می‌شود تا از این رهگذر بتوان در مورد قابلیت جرم‌انگاری این‌گونه عزاداری‌ها، به نتیجه‌ی متقن و قانع‌کننده‌ای رسید.

گفتار اول: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل ضرر^۴

یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین اصول و مبنای جرم‌انگاری، اصل ضرر می‌باشد. در واقع، «اصل ضرر به عنوان مشهورترین اصل محدود کننده‌ی آزادی، برخاسته از ارزش‌های لیبرالیسم، به ویژه ارزش آزادی، سر می‌کشد. این اصل، مرز بین آزادی و هر کاری را روشن می‌سازد. فرد لیبرال آزاد است، تا زمانی که به آزادی دیگران صدمه وارد نکند»^۵. بنابراین مراد از اصل ضرر این است که تنها موردی که جامعه و دولت حق توسل به زور و مداخله در امور زندگی زندگی را دارد، زمانی است که بخواهد با استفاده و توسل به اقدامات فوق جلوی آسیب و ضرر به دیگران را بگیرد. بر اساس این اصل، نمی‌توان به‌خاطر خیر و

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۹۰.

۲- شمعی، محمد، درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۵۶.

۳- قماش، سعید، بنیادهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری نوین، مجله‌ی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۴۷.

4- Harm principle.

۵- رستمی، هادی، جرم‌انگاری و کیفرگذاری حداقلی در نظریه‌ی لیبرالیسم در پرتو اصل ضرر، در: اصل حداقل بودن حقوق جزا، حسین غلامی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۹.

صلاح کسی نسبت به وی اعمال زور کرد. دولت نمی‌تواند شهروندان را برخلاف میل و خواسته‌هایشان به کاری وادار یا از کاری باز دارد و تنها زمانی چنین حقی دارد که احتمال برود اعضای جامعه در پی کسب و پیگیری اهداف و منافعشان، منافع دیگران را نقض کرده و به دیگر اعضای جامعه صدمه وارد می‌کنند. بنابراین اعمال زور و مجازات کردن مردم نیاز به یک توجیه دارد، زیرا مجازات غالباً چیزی مضر، دردناک یا ناگوار نسبت به تحمل‌کننده‌ی آن می‌باشد.^۱

بر اساس این مبنا نمی‌توان کسی را با این ایده که انجام یا عدم انجام کاری برای او سودمند می‌باشد و یا به نفع حق و عدالت است و باعث خوشبختی و سعادت می‌گردد و یا از نظر دیگران کاملاً عاقلانه به نظر می‌رسد، مجبور نمود.^۲ اصل ضرر می‌گوید: «تنها وقتی حق داریم در مورد دیگران اجبار به‌کار ببریم که بتوان نشان داد و ثابت کرد عمل فرد، (که می‌خواهیم از آن جلوگیری کنیم) آسیب و صدمه‌ای به کسی خواهد رسانید. تنها قسمتی از اعمال فرد که برای آن در مقابل اجتماع مسئول است، آن قسمت است که اثرش به دیگران می‌رسد. فرد در آن قسمت از اعمال خود که تنها به خود او مربوط است، آزادیش مطلق است و حدی برای آن متصور نیست».^۳

بر اساس اصل ضرر دولت شایستگی جرم‌انگاری رفتاری را دارد که به دیگران لطمه و صدمه‌ی مادی و ملموس وارد کند و باید پرهیز کرد از جرم‌انگاری ضررهایی که بالقوه و غیر ملموس هستند. طبق این نظر زنای به عنف جرم‌انگاری می‌شود چون منجر به صدمه و ضرر به قربانی می‌شود ولی زنای با رضایت قابل جرم‌انگاری نیست. در واقع، دخالت دولت در صورتی می‌تواند توجیه گردد که با این دخالت، ضرری را که دیگران را تهدید می‌کند، از میان بردارد یا کاهش دهد.^۴ بنابراین قانونگذار حق جرم‌انگاری نسبت به اعمال و رفتار غیر

۱- صفاری، علی، توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹.

۲- روستایی، مهرنگیز، مقایسه تطبیقی «اصل ضرر» و «قاعده لاضرر» در توجیه مداخله کیفری، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۵۴.

۳- نجفی توانا، علی، فهمیم مصطفی‌زاده، جرم‌انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، مجله‌ی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۲.

۴- نیلز، هولتاگ، اصل ضرر: بررسی مشروعیت جرم‌انگاری و اعمال مجازات بر مبنای اضرار به غیر، ترجمه محمد اسماعیلی، قابل دسترسی در: <http://lawandev.blogfa.com/post/17>

(تاریخ بازدید: ۱۳۹۴/۱۲/۱۹).

اخلاقی که متضمن ضرری برای دیگران نیستند مانند اعمال همجنس‌گرایانه، قمار بازی و دیگر رفتارهای غیر اخلاقی را ندارد و نمی‌تواند برای آن مجازات تعیین کند. چون این قبیل از اعمال، مربوط به حریم خصوصی افراد جامعه می‌باشد؛ هرچند این اعمال معمولاً از نظر اخلاقی نوعی انحراف از هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شوند. با عنایت به اصل ضرر فرد اجازه دارد تا زمانی که رفتارش زیانبار نیست، هر آن چه را می‌خواهد انجام دهد.^۱ با این حال از مطالب گفته شده نمی‌توان به این نتیجه رسید که صرف وجود ضرر به غیر، موجبی برای مداخله‌ی حقوق کیفری است. زیرا ممکن است اعمال و رفتار بروز کرده از فرد، از روی قصد و عمد نبوده و یا در جهت دنبال کردن اهداف مشروع، موجه و قانونی باشد. بنابراین در این موارد از آن جا که رفتار ارتكابی، زیانبار و مضر در حق غیر نیست و به دیگری ضرری نمی‌رساند، شایسته‌ی جرم‌انگاری و کیفردهی نمی‌باشد.^۲ به تعبیر فاینبرگ، ضرر به غیر باید به لحاظ اخلاقی خطا (غلط) و همچنین اخلاقاً غیر قابل دفاع^۳ (غیر قابل بخشش و غیر قابل توجیه)^۴ باشد. معیار چنین تشخیصی نیز باورها و شهوهای اخلاقی آدمیان است.^۵ به عبارت دیگر «اعمال مجرمانه صرفاً ضرر یا صدمه نیستند، بلکه غلط هم هستند، چون این اعمال ناقض حقوق‌اند. بر همین اساس، رفتارهای غلطی که ضرری به دنبال ندارند یا اعمال مضری که غلط نیستند، نظیر رفتارهای موجه یا معذور یا همراه با رضایت قربانی یا رقابت‌های تجاری، در ذیل مفهوم ضرر نمی‌گنجند».^۶ از دیدگاه فاینبرگ «ضرر» اعم از ضرر جسمی و روانی است و اضرار نیز در دایره‌ی شمول ضرر، می‌گنجد. در واقع فاینبرگ عقیده داشت که، نباید ضرر را فقط محدود به ضرر مادی کرد، بلکه چنانچه رفتاری باشد که

۱- استوارت، همیش، محدوده‌ی اصل زیان (در جرم‌انگاری)، ترجمه علی شجاعی، در: دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌ای علوم جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرنابادی، نشر میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۲۶۴.

2- Hart, H. L. A, Punishment and Responsibility, Essays in Philosophy of Law, Second Edition, Oxford University Press, 2008, pp.182-183.

3- Morally indefensible.

4- Neither Excusable nor Justifiable.

5- Feinberg, Joel. Harm to Others: The Moral Limits of the Criminal Law, Vol. 1, Oxford University Press, 1984, pp. 105-106, 215.

۶- فرحبخش، مجتبی، تأثیر فایده‌گرایی بر جرم‌انگاری، رساله‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۵۱، به نقل از: رستمی، منبع پیشین، ص ۵۹.

بر روح و روان سایر افراد اثر منفی بگذارد دولت باید صلاحیت برخورد با آن رفتار را داشته باشد^۱ مثلاً در یک مکان شلوغ شخص شروع به خوردن خون و یا نجاست کند این‌کار بر روح و روان دیگران تأثیر منفی می‌گذارد و طبق قرائت فهم فاینبرگ این عمل ناخوشایند و آزار دهنده‌ی دیگران می‌باشد. به بیان دیگر، ایشان علاوه بر اینکه به اصل ضرر اشاره می‌کند، در کنار این اصل، یک اصل تکمیلی دیگر بنام «اصل آزدگی»^۲ را مورد توجه قرار می‌دهد. البته به نظر می‌رسد برای جرم‌انگاری رفتارهای ناخوشایند و آزار دهنده، لازم به ابداع و تمسک به یک اصل تکمیلی بنام «اصل آزار» در کنار «اصل ضرر» نیست بلکه با انشعاب ضرر به ضرر مادی و معنوی از این اصل مکمل، بی‌نیاز می‌شویم^۳ و غرض که جرم‌انگاری رفتارهای ناخوشایند و آزار دهنده می‌باشد حاصل می‌شود.

حال پس از تشریح اصل ضرر و چگونگی جرم‌انگاری رفتارها در پرتو این اصل ضرر، در زمینه‌ی جرم‌انگاری رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها، سؤالی که پیش می‌آید این است که: آیا می‌توان مستند به اصل ضرر دست به قبضه‌ی سلاح جرم‌انگاری زد و عزاداری‌های نامتعارف از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و ذغال گذاخته را ممنوع اعلام کرد یاخیر؟ با تفصیلی که از اصل ضرر در نوشتار قبل آمد، چنانچه ضرر را مضیق و محدود فهم کنیم، برای جرم‌انگاری این رفتارها با معذوریت روبرو هستیم چراکه؛ در انجام این‌گونه عزاداری‌ها ضرر و آسیب مادی و ملموسی به غیر وارد نمی‌شود و استناد به این‌که، در اثر مبادرت به این‌گونه رفتارها، فرد به جسم خودش ایراد وارد می‌کند نمی‌تواند دلیل متقنی برای جرم‌انگاری آن‌ها با استناد به اصل ضرر باشد. به این دلیل واضح که، ضرر به غیر وارد نشده است و فلسفه‌ی این اصل ممانعت و بازداشتن دیگران از تجاوز و تعدی و در نتیجه ضرر زدن به دیگران می‌باشد. اما چنان‌چه ضرر را موسع فهم کنیم و قرائت حداکثری از ضرر داشته باشیم و به بیان دیگر فهم ما از ضرر بسان فهم فاینبرگ باشد و آزدگی و ناخوشایندی دیگران را نیز ملحق به ضرر کنیم، اینجاست که می‌توان در مورد امکان جرم‌انگاری اصل ضرر جولان داد و در مورد قابلیت جرم‌انگاری برخی از این رفتارها به اصل

۱- برهانی، منبع پیشین، ص ۱۷.

2- principle of offence.

۳- توکلی، فاطمه، آقا بابایی، حسین، مبانی دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۵۹-۶۰.

ضرر استناد کرد. چرا که در جریان ارتکاب برخی از این رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها به دیگران آزار روحی و روانی وارد می‌شود و به اصطلاح آزرده خاطر می‌شوند؛ از جمله این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف که منجر به آزرده خاطر شدن و پریشان‌حالی مردم می‌شوند، قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته، غلتیدن روی خرده شیشه و... بعنوان عزاداری می‌باشند. مثلاً وقتی عده‌ای از افراد در خیابان و در انظار عموم قمه را برداشته و بر فرق سر خودشان و یا اطفالشان زده و بدین وسیله خون خویش و یا فرزندان‌شان را جاری ساخته، افرادی که ناظر این‌گونه اعمال هستند از دیدن چنین صحنه‌ای بلاشک متأثر شده و روان این افراد پریشان و آزرده می‌شود. بنابراین برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مثل قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی زغال گداخته و خرده شیشه در عزاداری‌ها به شرط این‌که در ملأعام و انظار عموم انجام گردند را می‌توان با عنایت به «اصل ضرر» جرم‌انگاری کرد منوط به این‌که فهم ما از ضرر فهم مضیق و محدود نباشد و ضرر را اعم از مادی یا ملموس و غیر مادی یا معنوی بدانیم و به بیان دیگر «آزردگی و پریشان‌حالی دیگران» را نیز در دایره شمول ضرر بدانیم.

گفتار دوم: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل اخلاق‌گرایی قانونی^۱

یکی از اصول و مبانی جرم‌انگاری اخلاق‌گرایی قانونی می‌باشد. طبق این مبنا، در هر جامعه‌ای یک سری از ارزش‌های اخلاقی مورد اهمیت ویژه می‌باشند که حکومت برای حفظ آن ارزش‌ها و ممانعت از تعدی برخی از افراد جامعه به آن‌ها گاهی اوقات ناگزیر دست به دامان سلاح کیفر می‌شود و در این راستا و جهت صیانت از این‌گونه ارزش‌ها ممنوعیت به قید کیفر، تولید می‌کند.

رابطه‌ی میان حقوق (حقوق به طور کلی و یا حقوق کیفری به طور خاص) با اخلاق، از مبحث گسترش اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی با بکارگیری و استفاده و الزام قانونی و کیفری متفاوت و متمایز است.^۲ پیرامون رابطه‌ی بین حقوق کیفری و اخلاق نظرات گوناگونی وجود دارد. برای نمونه، دکتر پرویز صانعی در مورد ارتباط حقوق کیفری و اخلاق بر این عقیده‌اند

1- Legal moralism

۲- طباطبایی، سید مظفر، جرایم فاقد پذیرش اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دی ماه ۱۳۹۴، ص ۸۸.

که: «حقوق جزا و اخلاق همانند دو دایره یکدیگر را قطع کرده‌اند و در این قسمت دارای سطح مشترک هستند. ولی دایره‌ی اخلاق به مراتب از حقوق جزا وسیع‌تر است و شامل امور و مسائلی می‌شود که در حقوق جزا مطرح نیست. در عین حال قسمتی از دایره حقوق جزا کاملاً خارج دایره‌ی اخلاق قرار گرفته است. بدین معنی که اعمالی که در ظرف قانون کیفری جرم شناخته شده لزوماً غیر اخلاقی نیست و از نظر مقررات قانونی برای آن که عملی جرم شناخته شود کافی است که قانونگذار جامعه آن را به عنوان جرم معرفی و مجازاتی برای آن تعیین کرده باشد»^۱. بر اساس این بیان، اعمالی نظیر صرف دروغ گفتن و... اگرچه از نظر اخلاقی مذموم هستند، ولی در چارچوب حقوق کیفری جای نمی‌گیرند. بنابراین سؤال این است که آیا استفاده و بکارگیری از ابزار حقوق کیفری به منظور جلوگیری از اعمال و رفتارهای ضد اخلاقی قابل توجیه است؟ آن چه که در این جا مدّ نظر است، بکارگیری الزام قانونی برای جلوگیری از رفتارهای ضد اخلاق است که البته در اینجا نیز به تحلیل کامل و جزیی آن پرداخته نخواهد شد و فقط به اندازه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد که بتوان به برداشت مطلوبی در رابطه با عزاداری‌های نامتعارف نائل آمد.

یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها بالابردن سطح اخلاق فردی و اجتماعی افراد خود می‌باشد که معمولاً برای رسیدن به این هدف ابزارهای متفاوتی را بکار می‌برند که طیفی از ابزارهای غیر کیفری (اعم از رسمی و غیر رسمی از جمله: آموزش و پرورش، رسانه‌های گروهی، خانواده، مساجد، نهادهای فرهنگی مذهبی و...) و هم چنین ابزارهای کیفری را شامل می‌شود.^۲ «اساس عقیده‌ی کلاسیک بر این است که حقوق کیفری نباید جز حفظ ارزش‌های اخلاقی هدف دیگری داشته باشد و باید انعکاس ساده‌ای از اخلاق در حقوق موضوعه باشد. این اندیشه در طی سده نوزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی بیستم بر دکترین حقوقی حکومت داشت»^۳. جرم‌انگاری اعمال ضد اخلاقی^۴ در مغرب زمین سابقه‌ای دیرین

۱- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۶، جلد ۱، ص ۱۳.

۲- نجفی توانا، علی، مصطفی‌زاده، فهیم، جرم‌انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، مجله‌ی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۴.

۳- گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، نشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۳.

دارد و تا دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی ادامه داشته اما در قرن نوزدهم با طرح «اصل ضرر به دیگری» مورد چالش جدی قرار گرفت.^۱ استفاده‌ی دولت از حقوق کیفری به منظور حفاظت از اخلاق در واقع عمل کردن بر اساس معیار «اخلاق‌گرایی حقوقی» می‌باشد و به عبارت دیگر بر اساس این اصل حقوق باید در خدمت اخلاق باشد و قانونگذار بایستی بر اساس این اصل اعمال و رفتار مخالف اخلاق را جرم و قابل مجازات بداند.

به موجب این اصل نقش ضرر و زیان به عنوان مبنای جرم‌انگاری کم رنگ‌تر می‌شود و اعمال ذاتاً غیر اخلاقی حتی اگر موجب ضرر و زیان به دیگران نشود، می‌تواند دل مشغولی مناسبی برای دولت باشد. پاتریک دولین یکی از نظریه‌پردازان و حقوق‌دانانی است که «اخلاق‌گرایی حقوقی» را مورد تبیین قرار داده و آن را یک مبنایی می‌داند برای مداخله‌ی حقوق کیفری. به باور وی صرف‌نظر و چشم‌پوشی کردن از چنین اصول بنیادین یعنی اخلاق‌گرایی حقوقی، مخاطره آمیز است. چون حمله‌ی جدی به اخلاق، شامل حمله به جامعه نیز می‌شود که از این رو لازم است جامعه به منظور حمایت و پاسداری از منافع خود، حق استفاده از حقوق کیفری را برای خود محفوظ دارد. هدف دولین از مطرح کردن این اصل، توجیه حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای اعضای جامعه و متعاقباً حق بکارگیری حقوق کیفری به منظور اجرای این حکم بوده است و به‌طور خلاصه استدلال او این است که از آن جا که جامعه مجموعه‌ای از باورهای سیاسی و اخلاقی می‌باشد، جامعه این حق و مجوز را دارد تا درباره‌ی هر یک از فعالیت‌های عمومی و یا خصوصی شهروندان داوری کند.^۲

به‌طور کلی می‌توان گفت که: برخی از ارزش‌های اخلاقی، دینی و ارزش‌های مربوط به کرامت انسانی برای جامعه حائز اهمیت بوده و جامعه نقض و عدول از آن ارزش‌ها را توسط افراد خود بر نمی‌تابد به همین دلیل گاهی اوقات قانونگذار برای صیانت از این گونه ارزش‌ها دست به دامان کیفر شده و رفتارهایی که منتهی به نقض و زیر پا گذاشتن ارزش‌های مذکور می‌شود را ممنوع می‌کند. در واقع برخی از رفتارهایی که خلاف اخلاق متعارف جامعه می‌باشد و به اصطلاح از اخلاق مشترکی که مورد قبول افراد آن جامعه می‌باشد

۱- تبیت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷.

۲- نجفی توانا، مصطفی‌زاده، منبع پیشین، صص ۱۵۵-۱۵۴.

فاصله می‌گیرد و آن‌ها را نقض می‌کند مجوزی برای دخالت حکومت به منظور جرم‌انگاری آن رفتارها می‌باشد. به بیان دیگر «در فلسفه‌ی حقوق کیفری، وقتی که، از عمل ضد اخلاقی سخن گفته می‌شود، مراد آن نیست که آن رفتار از دیدگاه یک نظریه‌ی خاص اخلاقی مذموم است. بلکه مراد آن است که اخلاق متعارف آن را نهی می‌کند و شهادهای اخلاقی مردم آن را مذموم می‌شمارند»^۱. حال سؤالی که در این زمینه مدّ نظر است این است که، آیا با مبنای اخلاق‌گرایی قانونی می‌توان عزاداری‌های نامتعارف را جرم‌انگاری کرد و به اصطلاح با قید مجازات انجام این‌گونه از عزاداری‌ها را ممنوع اعلام کرد؟

به نظر می‌رسد برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مخالف اخلاق متعارف جامعه می‌باشند و به اصطلاح اخلاق مشترک جامعه در زمینه‌ی عزاداری، در تضاد با این‌گونه از عزاداری‌ها می‌باشد. برای نمونه برخی از صور عزاداری‌ها در عصر حاضر از جمله، قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته، غلتیدن روی خرده شیشه و ... در جامعه جایگاهی ندارد و با اخلاق متعارف و مشترک جامعه سازگاری ندارد و صرفاً توسط تعداد کمی از افراد جامعه انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد، از آن‌جایی که اخلاق متعارف جامعه این‌گونه از رفتارها را برنمی‌تابد جرم‌انگاری این‌گونه از عزاداری‌ها را می‌توان با اصل اخلاق‌گرایی قانونی توجیه کرد.

گفتار سوم: جرم‌انگاری عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل پدر سالاری حقوقی^۲

«پدر سالاری حقوقی» یا به عبارتی «قیم‌مآبی حقوقی» که یکی از اصول حاکم بر جرم‌انگاری در محدوده «حق خلوت» و رفتارهای به اصطلاح بدون قربانی^۳ است. این اصل از اصول جرم‌انگاری، آزادی و اختیار فردی را در برخی از موارد محدود می‌کند، و فرد را انجام برخی از رفتارها برحذر می‌دارد هرچند آن رفتارها به دیگری ضرر و آسیبی نرساند.

پدر سالاری از لحاظ لغوی، نگاه و دید پدرگونه به دیگران داشتن و دیگران را فرزند خود تلقی کردن و خیر و صلاح آن‌ها را خواستن می‌باشد. در واقع پدر سالاری، عمل کردن به خیر و صلاح دیگران بدون نیاز به کسب اجازه و موافقت دیگران می‌باشد، همان‌طوری که

۱- فرح‌بخش، مجتبی، منبع پیشین، ص ۳۴۶.

2- Legal paternalism.

3- Victimless crime .

والدین با فرزندانشان برخورد می‌کنند.^۱ بنابراین نوعی برخورد قیم مآبانه‌ی پدر نسبت به فرزندان خویش است تا هر زمانی که انجام افعال یا ترک افعالی را به ضرر آن‌ها تشخیص دهد با توجه به ولایتی که برای خود می‌پندارد آنان را از انجام یا ترک آن باز می‌دارد یا بدان امر می‌کند؛ این فرآیند می‌تواند اجبارآمیز نیز باشد.

در معنای مصطلح سیاسی، پدرسالاری عبارت است از بازداشتن افراد از آسیب رساندن به خود. در این مفهوم، «دولت می‌تواند به منزله‌ی پدر برای جامعه، مردم و حکمران را نه تنها از انجام اموری که زیانبار به حال دیگران است به اجبار منع کند، بلکه اگر این رفتار به ضرر خود فرد نیز باشد، از انجامش بازداشته شود».^۲ این معنای محدود پدرسالاری است که نسبت اقدام دولت در قبال افراد جامعه ارائه شده است. در حالی که، در معنای گسترده‌ی آن، علاوه بر اقدامات دولت، اقدامات سازمان‌ها و اشخاص را هم در بر می‌گیرد.^۳ دولت در مواردی نقش فعال‌تری دارد و ناگزیر هم چون پدر، به نفع شهروندان تصمیم می‌گیرد اگرچه ممکن است به رغم میل و رضایت شهروندان باشد. در این جا است که توسل دولت به مصالح و منافع اجتماعی باعث محدود گردیدن آزادی و در واقع اعمال اصل پدرسالاری می‌گردد. آن چه بیش از هر چیز نزد حامیان پدرسالاری ترجیح دارد منافع و مصالح مردم از جمله زندگی، سلامتی و آسایش آنان است تا آزادیشان. به همین دلیل بر این عقیده‌اند که می‌توانند برای مردم تصمیمات صحیح و عاقلانه‌ای بگیرند. پدر سالاری قانونی یعنی دولت نمی‌گذارد افراد با اعمال و رفتارهای خود به خویش صدمه و زیان برسانند و در نهایت، آزادی خود را آسیب پذیر سازند. دولت برای جلوگیری از آسیب رساندن افراد به خودشان، به یک رفتار وصف مجرمانه داده و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت و حفاظت قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه سلامتی و ایمنی مردم مهم‌تر از آزادیشان است.

پدر سالاری قانونی بر این نگرش است که قانون بایستی حداقل در بعضی مواقع مردم را به عمل کردن علیه خواسته‌هایشان به منظور مصلحتشان و به طریقی که آن‌ها را از عواقب

1- Suber, Peter, Paternalism, Department of Philosophy, Earlham College, available at: <http://legacy.earlham.edu/~peters/writing/paternal.htm>.

۲- محمودی جانکی، فیروز، مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود (مطالعه‌ی موردی الزام استفاده از کمربند ایمنی در رانندگی)، فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سی و هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۲۹.

۳- همان، ص ۱۳۰.

نامطلوب اعمالشان باز می‌دارد، ملزم کند.^۱ در واقع قانون گذار با این روش در صدد جلوگیری افراد از ایراد ضرر به خودشان است. بنابراین دولت با تکیه بر نگرش پدر سالارانه می‌تواند رفتارهایی را مجازات کند که در محدوده‌ی شخصی و قلمرو خصوصی است، اگرچه به دیگران ضرر و آسیب نمی‌رساند.^۲

برآورد این دیدگاه این است که، برخی از افراد نمی‌توانند درکی از واقعیت امور پیرامون خود داشته باشند و برنامه‌ی زندگی خویش را تنظیم نمایند. حمایت و مداخله‌ی دولت از این دسته از افراد لازم و ضروری است تا بتوان از طریق حقوق کیفری آن‌ها را از آسیب رساندن به خود باز دارد. یکی از استدلال‌های حامیان پدر سالاری حقوقی این است که، اکثر مردم نافرهمیخته‌اند و احتیاج به اجبار، آموزش و مداخله دارند و لذا قانون گذار بایستی از اشخاص آسیب‌پذیر و آن‌هایی که تصمیماتشان فاقد اثر قانونی است حمایت و حفاظت نماید. آن‌ها هم چنین این اصل را بدین صورت توجیه می‌نمایند که مداخله‌ی حقوق کیفری برای خیر، سلامتی و رفاه شخص مورد مداخله قرار گرفته بهتر خواهد بود و باعث می‌شود که او کمتر ضرر ببیند، هم چنین پدرسالاری حقوقی منحصرأ با اشاره به رفاه، خوبی، سلامتی، خوشبختی، نیازها، منافع یا ارزش‌های شخص توجیه می‌شود.^۳

به طور کلی می‌توان گفت که: گاهی اوقات انسان‌ها خیر و صلاح خود را تشخیص نمی‌دهند و در اثر این عدم تشخیص دست به کاری می‌زنند و مرتکب رفتارهایی می‌شوند که به ضرر خودشان تمام می‌شود و به اصطلاح دود آن رفتارها در چشم خودشان فرو می‌رود، که به این جرایم در واژگان حقوقی جرایم بدون بزه‌دیده گفته می‌شوند. به عبارت دیگر دسته‌ای از رفتارها بزه‌دیده و قربانی مستقیم ندارند بلکه خود مرتکبین این‌گونه رفتارها، و در بعضی مواقع جامعه، متضرر حقیقی می‌باشند. چراکه، صرف این‌که رفتاری بزه‌دیده مستقیم نداشته باشد به معنای عدم احساس ناامنی و بحران برای جامعه

1- Hospers, John, *Libertarianism and Legal Paternalism*, the journal of libertarian studies, Vol. IV, No. 3, 1980, p. 255.

۲- لوین، اندرو، نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

ص ۷۲.

3- Katz, Leo, Michael S. Moore & Stephen J. Morse (Editors), *Foundations of Criminal Law*, Oxford University Press, 1999, p. 123.

نمی‌باشد.^۱ برای نمونه، برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند، قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته، غلتیدن روی خرده شیشه و سایر رفتارهایی که به‌عنوان عزاداری انجام می‌گیرند، منجر به ایراد ضرر به دیگران نمی‌شوند و به اصطلاح بزه‌دیده مستقیم ندارند اما منتهی به ایراد لطمه و صدمه به بدن و جسم عزادار می‌شوند و یا دارای تالی فاسدهای اجتماعی می‌باشند. به نظر می‌رسد که در مورد این‌گونه‌های نامتعارف عزاداری، حکومت می‌تواند ورود پیدا کند و به عنوان پدری دل‌سوز و مهربان فرزندان خود (اعضای جامعه) را از انجام این‌گونه رفتارها در عزاداری‌ها باز دارد. در واقع قانونگذار می‌تواند برای این‌که برخی از مردم خیر و صلاح خود را تشخیص نمی‌دهند و به خودشان ضرر می‌زنند دست به دامان کیفر و مجازات شود همان‌گونه که پدر، به صلاح فرزند، او را تنبیه می‌کند. در مورد این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف که در جریان آن‌ها شخصی به خودش لطمه و صدمه می‌زند قانونگذار با تمسک به اصل پدرسالاری قانونی به منظور تأمین صلاحیت افراد، حفظ سلامتی آن‌ها، حفظ آرامش، آسایش و نظم جامعه می‌تواند ممنوعیت تولید و به اصطلاح جرم‌انگاری کند تا مردم با ترس از کیفر از انجام این‌گونه عزاداری‌ها باز داشته شوند و به این شیوه از ایراد ضرر به جسم خود، خودداری کنند.

با عنایت به مباحث پیشین، به‌طور کلی می‌توان گفت که: جرم‌انگاری برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... را می‌توان با استناد به برخی از اصول و مبانی جرم‌انگاری، موجه و منطقی دانست.

مبحث دوم: عزاداری‌های نامتعارف و حقوق کیفری

یکی از شاخه‌های مهم حقوق، حقوق کیفری یا حقوق جزایی می‌باشد که به قواعد مربوط به جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر بررسی و تعیین شرایط و ارکان جرم (رکن مادی، معنوی و قانونی) و انواع ضمانت اجراها، موضوع اصلی حقوق کیفری است. در واقع گاهی اوقات قاعده‌ای مکتوب توسط مقام صاحب صلاحیت برای تنظیم رفتار مردم در اجتماع تنظیم شده و نقض آن، مستوجب اعمال ضمانت اجراهای کیفری توسط دولت است. در اینجا در رابطه با موضوع مورد بحث یعنی عزاداری‌های نامتعارف هدف آن است که به بررسی این‌گونه عزاداری‌های از منظر

حقوق کیفری پرداخته شود تا رویکرد قانونگذار در برابر این گونه عزاداری‌ها مشخص شود. با سیر در قوانین کیفری دریافت می‌شود که قانونگذار به صورت صریح و موردی هیچ‌کدام از اعمال و رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها را جرم‌انگاری نکرده است. شاید به ذهن متبادر شود که، قانونگذار دلیل توجیه‌کننده‌ای مبنی بر ضرورت جرم‌انگاری این‌گونه عزاداری‌ها، نیافته است و به همین دلیل نخواست است که آن‌ها را صراحتاً جرم‌انگاری کند و یا اینکه این‌گونه عزاداری‌ها مورد توجه و دقت قانونگذار قرار نگرفته‌اند و به بیان دیگر قانونگذار به هنگام قانونگذاری اصلاً متوجه چنین رفتارهایی نبوده است. اما پس از فهم این نکته که، قانونگذار به‌صورت صریح و موردی عزاداری‌های نامتعارف را جرم‌انگاری نکرده است سؤالی که پیش می‌آید این است که، آیا این گونه عزاداری‌ها به‌صورت ضمنی نیز جرم‌انگاری نشده‌اند؟ به بیان دیگر آیا در نصوص و متون قوانین کیفری و سایر قوانین موجود می‌توان ماده یا موادی را یافت که به واسطه‌ی آن برخورد کیفری با این‌گونه عزاداری‌ها را توجیه کرد؟ ظاهر امر بر آن است که ماده یا متن قانونی خاصی که بتوان به وسیله‌ی آن با تمام اشخاصی که مرتکب عزاداری‌های نامتعارف می‌شوند برخورد کیفری کرد وجود ندارد. اما چنان‌که در مباحث اولیه‌ی پژوهش درباره‌ی حلیت و حرمت این‌گونه عزاداری‌ها به تفصیل سخن گفته شد و به این نتیجه رسیدیم که این قبیل عزاداری‌ها از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی و ... در عصر حاضر مستند به حکم حاکم اسلامی نامشروع و حرام می‌باشند، می‌توان سمت و سوی بحث را به اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سوق داد. به همین دلیل، جهت بحث در مورد قابلیت مجازات فاعلین این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف در چارچوب اصل مذکور ضرورتاً مباحثی را در مورد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و دیدگاه‌های موجود در این زمینه مطرح کرده و در مورد امکان مجازات این دسته از افراد مستند به این اصل از قانون اساسی، پرداخته می‌شود.

گفتار اول: محتوا و محدوده‌ی اصل ۱۶۷ قانون اساسی

یکی از اصول بحث برانگیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مرتبط با دعاوی حقوقی و کیفری می‌باشد اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌باشد. به موجب این اصل، «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی

سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». با وجود این که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳۶^۱، ۱۶۹^۲ و بند ۴ اصل ۱۵۶^۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت و فحوا پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، و به موجب این اصول هیچ عمل و رفتاری را نمی‌توان جرم دانست مگر این که قانون آن را جرم بشناسد و هیچ کسی را نمی‌توان مجازات کرد مگر آن که قانون، مجازات را برای آن کس تجویز کرده باشد^۴. اما با این حال، بر پایه‌ی اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در موارد خلأ قانونی، قاضی موظف است تا به منابع یا فتاوی معتبر اسلامی مراجعه نماید. پرسش اساسی در این زمینه این است که با وجود اصل ۳۶ و دیگر اصول مرتبط با اصل قانونی بودن، آیا اصل ۱۶۷ شامل دعاوی کیفری نیز می‌شود و یا تنها به دعاوی مدنی اختصاص دارد؟ به بیان دیگر آیا با اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌توان دست به جرم‌انگاری برخی از رفتارهای نامشروع زد یا خیر؟ به سادگی نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد چرا که فلسفه و محتوای این اصل به شدت مورد اختلاف حقوقدانان قرار گرفته و بین حقوقدانان بر سر رسالت این اصل دعوا و مشاجره‌ی علمی به وفور دیده می‌شود. به همین دلیل در این مقال به بررسی اجمالی این اصل از دیدگاه حقوقدانان پرداخته می‌شود.

برخی از حقوقدانان در عمومیت و شمول اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها متفق‌القول بوده و به هیچ‌روی کارکرد جرم‌انگاری برای اصل ۱۶۷ قانون اساسی قائل نمی‌شوند و به بیان دیگر معتقدند که، فقط قانونگذار در متون قانونی می‌تواند ممنوعیت با

۱- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۲- هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

۳- اصل ۱۵۶ - وظایف قوه قضاییه:

قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۴- نوربها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین، چاپ بیستم، ۱۳۸۶، ص ۴۷.

قید ضمانت اجرای کیفری تعیین و تولید کند و حتی نمی‌تواند این مهم را به فقه و فقه‌ها محوّل کند. این دسته از حقوقدانان به‌خاطر این‌که مبنا و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را پذیرفته‌اند و در این زمینه به هیچ روی از خود انعطاف به خرج نمی‌دهند، سعی بر آن دارند که اصل ۱۶۷ قانون اساسی را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که هیچ خدشه‌ای به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها وارد نشود. به‌همین جهت در صدد بیان تعارض این اصل با اصول دیگری از قانون اساسی از جمله اصل ۳۶ می‌باشند و از این رهگذر برخی از حقوقدانان برای اصل مذکور کارکرد تفسیری قائل می‌شوند و معتقدند که، اصل مذکور در مواردی کاربرد دارد که قانون نوشته‌ای وجود دارد ولی در کم و کیف آن و دربرخی از مفاهیم، تأسیسات و اصطلاحات مندرج در آن متن قانونی ابهام وجود دارد و برای رفع ابهام و به اصطلاح تفسیر آن قانون به این اصل و در نتیجه‌ی این اصل به نصوص فقهی و فتاوی معتبر رجوع می‌کنیم. لذا گفته می‌شود منابع فقهی در دسته‌ی منابع ارشادی و نه منابع الزامی و دسته اول حقوق قرار دارند. برخی دیگر نظر بر این دارند که اصل ۳۶ مخصص اصل ۱۶۷ در امور کیفری می‌باشد. بنابراین قلمرو اصل مذکور صرفاً در امور غیر کیفری می‌باشد.^۱ این دسته از حقوقدانان معتقدند که، علاوه بر کارکرد تفسیری اصل ۱۶۷ قانون اساسی در امور کیفری، اصل مذکور در امور حقوقی نیز کاربرد دارد و قاضی در موارد سکوت، اجمال و ابهام قوانین، در دعاوی حقوقی، مستند به منابع فقهی و فتاوی معتبر می‌تواند حکم صادر کند، چرا که ما در مورد دعاوی حقوقی با محدودیت و معذوریت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها روبرو نیستیم. ولی از این اصل نمی‌توان در زمینه‌ی کیفری بهره جست چرا که با تعارض با سایر اصول قانون اساسی از جمله اصل ۴ و اصل ۳۶ مبنی بر قانونی بودن جرم و مجازات روبرو می‌شویم.^۲

در تقابل با نظر برخی از حقوقدانان که با اصل ۱۶۷ قانون اساسی معامله‌ی غیر کیفری می‌کنند، عده‌ای دیگر از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که اصل مذکور، کارکرد جرم‌انگاری نیز دارد و قلمرو این اصل، امور کیفری را نیز در برمی‌گیرد و فلسفه و رسالت این اصل،

۱- بشیریه، تهمورث، پاسداشت حقوق اساسی در پرتو تعامل اصول ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۵۴.

۲- هاشمی، سید حسین، گوشا، جعفر، بررسی تعارض اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مجله نامه مفید، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۰، صص ۹۶-۹۵.

پاسخ‌گویی به سایه روشن‌های تقنینی است. به بیان دیگر نمی‌توان گفت که این اصل صرفاً در امور حقوقی کاربرد دارد و قدرت جرم‌انگاری ندارد. واقعیت این است که، حقوق‌دانانی که قلمرو این اصل را محدود و منحصر به امور حقوقی و نه کیفری می‌کنند، اصل قانونی بودن جرم و مجازات حاجب و مانع آن‌ها از توجه به حقیقت کارکرد جرم‌انگاری اصل ۱۶۷ قانون اساسی شده است. چرا که، دلایل و مستندات این دسته از عالمان علم حقوق بیشتر از این که رنگ و بوی حقوقی داشته باشد و برخاسته از منطق و استدلال باشد برخاسته از دل و ندای وجدان است. در واقع، اندیشه‌ی غالب این دسته از حقوق‌دانان این است که، اصل ۱۶۷ با اصل ۳۶ قانون اساسی تعارض دارد چرا که، به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». بنابراین نمی‌توان خارج از قانون رفتاری را باقید مجازات ممنوع کرد ولی ظاهر ماده ۱۶۷ مذکور عدول از قانون و رجوع به منابع معتبر فقهی را پذیرفته است و درموردی که قاضی حکم دعوا را در قوانین مدوّنه نیابد ملزم شده به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع نماید. بنابراین این دو اصل با هم تعارض دارند. در پاسخ باید گفت که: تعارض زمانی صورت می‌گیرد که موضوع دو اصل، یکی باشد در حالی که، در اصل ۳۶ قانونگذار واژه‌ی «قانون» را به‌کار برده است ولی در اصل ۱۶۷ از واژه‌ی «قوانین مدوّن» استفاده کرده است و قانون اعم از قانون مدوّن و غیر مدوّن است و با این تفسیر منابع فقهی که در زمره‌ی قوانین غیر مدوّن قرار دارند در دایره‌ی شمول قوانین می‌گنجد و چنان‌چه این تفسیر را نپذیریم باید قائل به عبث بودن کار قانونگذار شویم در حالی که فرض ما بر این است که قانونگذار حکیم است و کار عبث و بدون حکمت انجام نمی‌دهد و در این مسئله شکی نیست که، قانونگذار با نگاه به اصل ۳۶، اصل ۱۶۷ را نگاشته است. به طور کلی، نظام حقوقی ما دو بخش دارد؛ بخش اول: قوانین مدوّن و بخش دوم: فتاوی و منابع معتبر که قانون غیر مدوّن محسوب می‌شوند و از آن جایی که نظام حقوقی ایران یک نظام نوشته‌ی اسلامی می‌باشد و فرض بر این است که، قوانین چون منبعث از فقه می‌باشند، از سوی شارع جعل گردیده‌اند و حکومت اسلامی باید بسط دهنده‌ی احکام و موازین اسلامی باشد لذا قانون اساسی اجازه داده است، در مواردی که قانون مدوّنی وجود ندارد، قاضی بتواند به سراغ قوانین غیر مدوّن یعنی فتاوی و منابع فقهی معتبر برود.^۱

۱- خوئینی، غفور، ذوالفقاری، سهیل، خلاهای تقنینی و اجرای فتوا در نظام قضایی ایران (تأملی بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۹۶.

بنابراین اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است تا به سایه روشن‌های تقنینی حقوقی و کیفری پاسخ دهد و کارکرد جرم‌انگاری نیز دارد^۱ و در رد سخن حقوق‌دانانی که معتقدند، مجازات کردن افراد بدون وجود قانون مدوّن مصداق عقاب بلا بیان است و در نتیجه این نوع مجازات کردن قبیح است، باید گفت که، مجازات کردن افراد، مستند اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصداق عقاب بلا بیان نمی‌باشد، چرا که اصل مذکور، بیان قانونگذار می‌باشد و در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوّب سال ۹۲، قانونگذار به کارکرد جرم‌انگاری اصل مذکور صحه گذاشته و بیان داشته است که در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود. به نظر می‌رسد که، این ماده در تعارض آشکار با اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد و عدول از این اصل در این ماده روشن است.^۲

گفتار دوم: عزاداری‌های نامتعارف در پرتو اصل ۱۶۷ قانون اساسی

پس از بحث و بررسی در مورد حلیّت و حرمت برخی از اشکال عزاداری‌های نامتعارف در بخش اول این کتاب، حرمت تظاهر به این‌گونه عزاداری‌ها (مبادرت ورزیدن به آن‌ها در علن) مستند به حکم حاکم اسلامی استنباط شد و دانسته شد که، حکم حاکم شرع در این راستا بر فتوای تمام فقها مقدم می‌شود. و در گفتار پیشین نیز به صورت مجمل در مورد اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کارکرد جرم‌انگاری آن سخن گفته شد. با توجه به عدم جرم‌انگاری صریح عزاداری‌های نامتعارف توسط قانونگذار، در این مقال سؤالی که پیش می‌آید این است که، در عصر حاضر که حاکم اسلامی برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته و... را حرام دانسته‌اند آیا می‌توان مستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی این‌گونه عزاداری‌ها را جرم دانست و با فاعلین آن‌ها برخورد کیفری کرد یا خیر؟ چنانچه اصل مذکور این‌گونه عزاداری‌ها را

۱- برهانی، محسن، تقریرات درس فلسفه حقوق، دوره‌ی کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، گردآوری و تنظیم: محبوبه رشیدی زاده، نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳، ص ۱۰.

۲- گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، قانون یار مجازات اسلامی، تهران، نشر چتر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸.

جرم‌انگاری کرده باشد، افراد عزاداری که مرتکب این گونه از عزاداری‌ها می‌شوند محکوم به چه مجازاتی می‌شوند؟

با توجه به قاعده‌ی فقهی «التعزیر لکل عمل محرّم»^۱، تعزیر برای عمل حرام است و به بیان دیگر، عمل حرام قابل تعزیر می‌باشد و از طرف دیگر با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که فتاوی معتبر را در مواردی که قانون مدوّتی وجود ندارد مستند صدور حکم می‌داند می‌توان گفت که، با اصل مذکور می‌توان انجام برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف را جرم دانست چرا که چنان‌که گفته شد در عصر حاضر حاکم اسلامی برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته و... حرام و ممنوع دانسته‌اند و با توجه به قاعده‌ی فوق مبنی بر این‌که عمل حرام قابل تعزیر است، انجام این گونه از عزاداری‌ها در پرتو اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جرم می‌باشند و با وجود این اصل می‌توان مرتکبان این گونه از عزاداری‌ها را مجازات کرد. البته ناگفته نماند که، این قاعده که هر عمل حرامی موجب تعزیر است از سوی برخی از حقوق‌دانان به شدت مورد هجمه و اشکال واقع شده است^۲ و به این نکته تأکید کرده‌اند که بین تحریم و تحریم رابطه‌ی تساوی وجود ندارد و به بیان دیگر هر فعل حرامی را نمی‌توان جرم‌انگاری کرد^۳ و گفته شده است که، «این قاعده‌ی اصطیادی^۴ است و فاقد دلیل کافی برای الزام کیفری بر تخلف از احکام دینی است»^۵. اما به نظر می‌رسد که، «حاکم شرع می‌تواند به صلاح دید خود کسی را که مرتکب عمل حرامی شده است را تعزیر کند ولی

۱- محقق احمد آبادی، سید مصطفی (محقق داماد)، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه. ق، جلد ۴، ص ۴۰.

۲- حسینی، سید محمد، حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع، احکام)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۳۵-۱۳۰.

۳- حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۵۳.

۴- به طور کلی قواعد فقهی دو دسته‌اند: ۱- قواعدی که به طور صریح در متون و نصوص دینی وجود دارند، مانند قاعده‌ی «لاضرر» که اصطلاحاً به این نوع قواعد، قواعد تنصیصی اطلاق می‌شود. ۲- قواعدی که به گونه‌ی صریح در نصوص دینی نیامده‌اند ولی با تفحص و مذاقه در امور دینی می‌توان مضمون و محتوای آن‌ها را به دست آورد و از لابه‌لای متون دینی صید می‌شوند که اصطلاحاً به آن‌ها قواعد اصطیادی می‌گویند.

۵- قماش، سعید، کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۴۸.

باید میزان تعزیر از حد کمتر باشد^۱». مطابق این نظر، مرتکبان همه‌ی محرّمات قابل تعزیر هستند. مشهور فقهای امامیه، برای نمونه، شیخ طوسی، سید ابوالقاسم خوئی و... قائل به این نظر هستند^۲. برای نمونه، شیخ طوسی معتقد است که: «هرکس مرتکب معصیتی شود که حد برای آن تعیین نشده است، تعزیر می‌شود...»^۳. بنابراین نظر غالب در فقه اسلامی این است که، همه‌ی معاصی تعزیر می‌شوند^۴. با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که اشکالی به قاعده‌ی مذکور (تعزیر برای عمل حرام) وارد نیست. بنابراین با جعل تعزیر در محرّمات، اصل ۱۶۷ قانون اساسی، استعداد جرم‌انگاری برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف که حرام دانسته شده‌اند مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... را دارد. اما اصل مذکور هیچ‌گونه سخنی از نوع، میزان و نحوه‌ی مجازات به میان نیاورده است. اما از آنجایی که در متون فقهی، تعزیر به دست حاکم داده شده است (التعزیر بما یراه الحاکم)^۵، این ابهام و اشکال، حاد و غیر قابل حل نمی‌باشد و به این صورت قابل رفع است که، حاکم اسلامی میزان و نوع تعزیر را مشخص می‌کند چرا که، «هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است»^۶. به دلیل این که تعزیر مادون حد می‌باشد دستِ حاکم یا قاضی در تعزیرات بدون قید و حصر باز نیست بلکه برای نمونه در تعزیر می‌تواند حکم به شلاق تا ۷۴ ضربه و نه بیشتر بدهد؛ چرا که بیشتر از ۷۴ ضربه وارد قلمرو حدود می‌شود. اما در حال حاضر با تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲، و ورود مجازات‌های جایگزین حبس به قانون وضعیت کمی تغییر کرده است و ابهام موجود در اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مورد، نوع و میزان مجازات، با وجود ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

۱- مسجد سرائی، حمید، واکاوی در ادله شمول تعزیر، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و پنجم،

شماره پیاپی ۹۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۹۰

۲- همان

۳- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران المکتبۃ المرتضویّه، ۱۳۸۷، جلد ۶،

صص ۶۸-۶۷، به نقل از: مسجد سرائی، منبع پیشین، ص ۹۰

۴- مسجد سرائی، منبع پیشین، ص ۹۰

۵- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)،

کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ، جلد ۹، ص ۳۳۰.

۶- گودرزی، محمدرضا، محدوده قانون جزا و گستره جرم‌انگاری از دید مکاتب حقوق کیفری، مجله حقوقی

و قضایی دادگستری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۱، ص ۶۴.

کم رنگ‌تر و یا کلاً حل شده است چرا که به موجب ماده مذکور «مرتکبان جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند» و نمونه‌ای از کاربرد این ماده، اصل ۱۶۷ نامبرده می‌باشد چرا که در این اصل قانونگذار نوع و میزان مجازات را معین نکرده است. به طور کلی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد رفتارهایی که با اصل مذکور جرم تلقی می‌شوند بهترین گزینه برای زدوده شدن ابهام نوع و میزان مجازات اصل مذکور می‌باشد. بنابراین می‌توان آن دسته از عزاداری‌های نامتعارفی که، حرام می‌باشند را در قالب اصل ۱۶۷ قانون اساسی جرم دانست و با توجه به ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، افرادی را که در علن مبادرت به انجام این گونه از عزاداری‌ها و تظاهر به آن‌ها می‌کنند را به مجازات‌های جایگزین حبس محکوم کرد.

مبحث سوم: سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران در قبال عزاداری‌های نامتعارف

رویه در لغت به معنای نظر، تفکر در امور، فکر و تأمل در کار و اندیشه است. قضاء در لغت به معنای حکم کردن، ادا کردن، گزاردن و روا کردن است^۱ و در اصطلاح حقوقی، رویه‌ی قضایی «به مجموع آراء و احکامی که دادگاه‌ها در موضوع خاص صادر می‌کنند اطلاق می‌شود»^۲. رویه‌ی قضایی به نوعی عرف دادگاه‌ها و پیروی از این عرف می‌باشد؛ چرا که، دادگاه‌ها در مواردی که نسبت به یک موضوع خاص حقوقی اظهار نظر کردند عادتاً در برخورد با موارد مشابه از همان نظر نخستین خود تبعیت می‌کنند. به بیان دیگر، منظور از رویه‌ی قضائی در معنای عام، مجموع آراء دادگاه‌ها و در معنای خاص، روش یکسان دادگاه‌ها یا دسته‌ای از آن‌ها در مورد مسئله حقوقی معین و تکرار آن به صورتی می‌باشد که بتوان گفت در صورت مواجه شدن با موارد مشابه همان روش اتخاذ خواهد شد. در واقع رویه‌ی قضایی در سلسله مراتب منابع حقوق در موازات با قانون نمی‌باشند و در زمره‌ی منابع تکمیلی یا ارشادی و نه الزامی می‌باشد و چنانچه در مورد یک موضوع خاص، قانونی وجود داشته باشد نوبت به استناد به رویه‌ی قضایی نمی‌رسد. بدیهی است هر قانونگذاری در

۱- عمید، منبع پیشین، صص ۸۱۷ و ۵۸۸.

۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، چاپ سی و سوم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۹۷-۱۹۶.

پیش‌بینی تمامی روابط افراد جامعه ناتوان است بنابراین نمی‌توان در قوانین جامعه کلیه راه‌حل‌های قانونی را ملاحظه نمود. قضات محاکم از طریق انطباق قواعد موجود با واقعیت‌های خارجی این نقیصه را مرتفع می‌نمایند. به طور کلی، دخالت رویه‌ی قضائی در ایجاد قاعده حقوقی غالباً در موارد نقض یا سکوت یا اجمال و یا بالاخره تناقض در قانون می‌باشد. یکی از موضوعاتی که در عصر حاضر رواج و شیوع یافته و کم و کیف قضیه از جهت حقوقی و کیفری از وضوح کافی برخوردار نیست، بحث عزاداری‌های نامتعارف می‌باشد. به دلیل شیوع برخی از صور نامتعارف عزاداری‌ها در عصر حاضر و از طرف دیگر عدم وجود قانون صریح در این زمینه، تبیین و بررسی سیاست و رویکرد قضایی نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال این‌گونه از عزاداری‌ها عاری از لطف نیست. اما با سیری گذرا در محاکم و دادگاه‌ها، با موارد زیادی از برخورد کیفری با قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها روبرو می‌شویم اما در مورد سایر شیوه‌های نامتعارف عزاداری مانند راه رفتن روی خرده شیشه، زغال گذاشته و... به دلیل آن‌که رواج چندانی نداشته‌اند و یا جنبه‌ی علنی پیدا نکرده‌اند آراء قضایی خاصی در این زمینه به چشم نمی‌خورند. به همین خاطر در این مقال صرفاً به شرح و تفصیل رویه‌ی قضایی موجود و چگونگی برخورد محاکم در مورد قمه‌زنی و تیغ‌زنی که نوعی از عزاداری‌های نامتعارف می‌باشند پرداخته و در پایان به نتیجه‌گیری منطقی در مورد صحت و سقم نحوه‌ی برخورد نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، در رابطه با این‌گونه از عزاداری‌ها پرداخته می‌شود.

گفتار اول: اخلال در نظم عمومی

کلمه‌ی «اخلال» مصدر و در لغت به معنی خلل ایجاد کردن، رخنه کردن، زیان رساندن و درهم و برهم کردن می‌باشد.^۱ واژه‌ی «نظم» نیز مصدر و در لغت به معنی آراستن، ترتیب دادن و نقطه‌ی مقابل آشوب و بلوا می‌باشد.^۲ عده‌ای دیگر، تعاریف متعدد با انواع ملاک‌های حقوقی ارائه داده‌اند که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی از نویسندگان حقوقی «نظم» را چنین تعریف کرده‌اند: هماهنگی اشخاص یا اشیاء یا معانی به طوری که ذوق را حظی

۱- معین، منبع پیشین، ص ۸۴.

۲- همان، ص ۱۰۲۳.

بخشد یا هدفی را تأمین کند صرف نظر از این که سودمند باشد یا نباشد^۱. گاهی اوقات کلمه‌ی نظم با پسوند «عمومی» همراه می‌شود و در ظاهر مفهوم نظم عمومی، روشن و بدیهی به نظر می‌رسد، اما واقع امر آن است که به لحاظ دشواری‌های شناخت عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نظم عمومی در معنای اصطلاحی و عدم وجود تعریف قانونی از آن در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، امکان ارائه‌ی تعریف جامع و مانعی از این مفهوم تا حد زیادی از نویسندگان حقوقی سلب گردیده است؛ تا جایی که در ادبیات حقوقی غرب و در ارتباط با نظم عمومی، اصولاً بر این موضوع تأکید می‌شود که «تعریف و شناسایی ماهیت نظم عمومی نه ممکن است و نه مطلوب. ممکن نیست، چون تعدد مصادیق این مفهوم و غیر قابل پیش‌بینی بودن رفتار آدمیان، اجازه‌ی ارائه‌ی هر گونه تعریف منطقی را سلب می‌کند. مطلوب نیست، چون قدرت قاضی را در تشخیص مصادیق و جلوگیری از نقض آن محدود می‌سازد؛ زیرا همیشه افرادی وجود دارند که بتوانند به گونه‌ای عمل کنند که ضمن نقض نظم عمومی، رفتار خود را از شمول تعریف خارج کنند^۲». برخی از حقوقدانان ایرانی به لحاظ دشواری شناخت عناصر تشکیل‌دهنده نظم عمومی، از ارائه تعریف آن صرف نظر کرده‌اند^۳. در واقع، «نظم عمومی» در زمره مفاهیم بنیادین، معمول و در عین حال پُر چالش در قلمرو حقوق داخلی و بین‌المللی می‌باشد و واژه‌ی مبهمی است که بر سر حدود و ثغورش بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده‌ی برخی از صاحب نظران، «نظم عمومی» اشاره به آراسته و آرام بودن جامعه و نظام و ترتیب خاصی که در جامعه حاکم است، دارد. در صورتی که این نظام و ترتیب خاص مورد تعرض افراد قرار گیرد و به اصطلاح مختل شود گفته می‌شود که اخلال در نظم عمومی ایجاد شده است. در واقع، پاسداشت نظم عمومی به منظور ثبات و تداوم مصالح و منافع همگانی می‌باشد و ارتباط مستقیمی با منافع و مصالح جامعه دارد و در نظامهای مختلف فکری، معنا و مفهوم متفاوتی داشته و با ایدئولوژی حاکم، خط مشی سیاسی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی هر جامعه عمیقاً پیوند خورده است؛ از این رو در تفسیر و تحلیل این مفهوم لاجرم، باید بستر

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم،

۱۳۹۲، ص ۷۱۷.

۲- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹.

۳- همان

زمانی و مکانی طرح موضوع را در نظر داشت. در‌بند اول این‌گفتار به بررسی و تحلیل شیوه‌ی برخورد قانون‌گذار با موارد و موضوعاتی که نظم عمومی را مختل می‌کنند و در بند دوم به قمه‌زنی و اخلال در نظم عمومی پرداخته می‌شود.

بند اول: سیاست جنایی قانونی پیرامون اخلال در نظم عمومی

در نوشتار فوق دانسته شد که، مفهوم نظم عمومی از وضوح کافی برخوردار نیست. اما بیان شد که، ترتیب و آرامش خاصی بر جامعه حاکم است و چنانچه این ترتیب و آرامش توسط افراد مختل شود در اصطلاح گفته می‌شود که، اخلال در نظم عمومی به وقوع پیوسته است. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است قانونگذار در مقابل اشخاصی که نظم عمومی را مختل می‌کنند چه سیاستی را اتخاذ کرده است؟ با توجه به این که نظم عمومی نزد حکومت از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و حکومت‌ها استمرار و بقای خود را در گرو نظم، امنیت و آرامش جامعه می‌دانند، دولت‌ها هر عملی را که موجب اختلال و ایراد لطمه به حکومت و جامعه باشد جرم‌انگاری کرده^۱ و با مواردی که مختل‌کننده نظم و آرامش جامعه می‌باشند برخورد کیفری شدیدی داشته و به سادگی از این قبیل جرایم نمی‌گذرند. قانونگذار ما نیز در وضع قانون توجه قابل ملاحظه‌ای به این مسئله داشته است و ایجاد اخلال در نظم عمومی را در زمره‌ی جرایم آورده و به قید مجازات ممنوع و به اصطلاح جرم‌انگاری کرده است. ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ در این باره چنین مقرر می‌دارد: «هرکس با هیاهو، جنجال، حرکات غیر متعارف یا با تعرض به افراد، موجب اخلال نظم و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد؛ به حبس از سه ماه تا یک سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». با عنایت به ظاهر ماده می‌توان به دو نکته‌ی مهم و اساسی که در این ماده وجود دارد اشاره کرد.

نکته اول: وسیله ارتکاب جرم در این ماده واجد اهمیت بوده، به بیان دیگر نمی‌توان گفت که، با هر عملی و یا به هر وسیله‌ای، نظم عمومی مختل شود مشمول ماده‌ی فوق می‌شود چرا که ماده صراحت دارد که، نظم عمومی باید در نتیجه‌ی هیاهو، جنجال، حرکات غیر متعارف یا با تعرض به افراد مختل شود به عبارت دیگر، اخلال در نظم عمومی باید معلول

۱- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۲.

یکی از کارهای فوق (هیاهو، جنجال و...) باشد. ظاهر ماده نیز دال بر حصری بودن وسایل و نحوه‌ی ارتکاب جرم در ماده فوق دارد و نمی‌توان به سادگی از این دلالت و صراحت گذشت.

نکته دوم: هیاهو، جنجال، حرکات غیر متعارف و تعرض به افراد باید منتهی به اخلال در نظم و آرامش عمومی گردد و یا مردم را از کسب و کار باز دارد؛ به بیان دیگر موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، جرم مقید می‌باشد و حصول نتیجه جزء لا ینفک این جرم می‌باشد.

با عنایت به دو نکته‌ی فوق که از ماده‌ی ۶۱۸ نام‌برده استخراج گردید، هر رفتاری که از منظر وسیله و نتیجه‌ی ارتکاب آن، در محدوده‌ی ماده‌ی فوق قرار گیرد قابل مجازات، مستند به این ماده می‌باشد.^۱ بنابراین قانونگذار در وضع ماده‌ی فوق به جرم‌انگاری موردی و مصداقی نپرداخته است بلکه معیار و ملاک ارئه داده است تا مقامات قضایی با تطبیق مصداق و مفهوم و احراز شرایط موجود در ماده‌ی مذکور، رفتاری را در مستند به این ماده ممنوع و فاعل آن را قابل مجازات بدانند.

مسئله‌ی دیگر تشدید مجازات مرتکبین اخلال در نظم عمومی می‌باشد که در ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، قانون‌گذار در مقام بیان این تشدید بدین شکل مقرر کرده است: «هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۱۷-۶۱۸-۶۱۶) در نتیجه‌ی توطئه‌ی قبلی و دسته جمعی واقع شود، هریک از مرتکبین به حد اکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد».

روشن است که از شرایط اساسی اعمال حداکثر مجازات مقرر در ماده‌ی مذکور، وجود توطئه‌ی قبلی و دسته جمعی ارتکاب یافتن جرایم موضوع ماده‌ی فوق می‌باشد، لذا چنانچه اخلال در نظم عمومی مسبوق به توطئه‌ی قبلی و دسته جمعی باشد حکم به تشدید مجازات در راستای این ماده داده می‌شود که این نوع تشدید، در اصطلاح حقوقی تشدید عینی و قانونی می‌باشد^۲ چرا که اعمال این نوع تشدید توسط محاکم الزامی بوده و تشدید

۱- الهام، غلامحسین، تقریرات درس جزای عمومی^۲، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهیه و تنظیم: محبوبه رشیدی‌زاده، نیمسال اول تحصیلی ۹۴-۹۳، ص ۹.

۲- کیفیات مشدده در یک تقسیم‌بندی به دو دسته‌ی کیفیات مشدده‌ی عام و خاص تقسیم می‌شوند. کیفیات مشدده‌ی عام، کیفیاتی هستند که به جرایم خاصی اختصاص ندارند بلکه با وجود شرایط خاص خود، بر تمامی جرایم حاکم هستند؛ برای نمونه می‌توان به نهاد تعدد و تکرار جرم اشاره کرد. از طرف دیگر کیفیات مشدده‌ی خاص؛ کیفیاتی هستند که مقنن وجود آن‌ها را در برخی از جرایم موجب تشدید ←

مذکور به دلیل وجود وقایع خارجی (توطئه‌ی قبلی و دسته جمعی بودن) صرف‌نظر از ویژگی‌های شخصی اعمال می‌شود.^۱

بند دوم: قمه‌زنی و اخلال در نظم عمومی

شرایط و چگونگی اخلال در نظم عمومی و تشدید مجازات کسانی که نظم عمومی را مختل می‌کنند در نوشتار فوق مورد مذاقه قرار گرفت و بیان شد که ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ در مقام ارائه‌ی معیار و ملاک جهت تشخیص موارد اخلال در نظم عمومی می‌باشد و با در نظر گرفتن نکاتی که قبلاً در مورد ماده‌ی نامبرده بیان شد، صدق عنوان اخلال در نظم عمومی بر موارد و مصادیق مختلف امری بدیهی است. یکی از موارد و موضوعاتی که در عصر حاضر شیوع چشم‌گیری پیدا کرده است مقوله‌ی قمه‌زنی در عزاداری‌ها می‌باشد. با وجود این که قانونگذار جبهه‌گیری صریح و دقیقی در مورد این گونه از عزاداری‌ها نکرده است ولی با جست و جو و کنکاش در آراء قضایی روشن می‌شود که، سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر برخورد قاطعانه با این گونه از عزاداری‌ها، مستند به ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد. حال سؤالی که در این مقال پیش می‌آید این است که آیا می‌توان قمه‌زنی در عزاداری‌ها را مصداقی از موارد اخلال در نظم عمومی دانست و با مرتکبین این گونه از عزاداری‌های نامتعارف در محدوده‌ی ماده ۶۱۸ مذکور برخورد کیفری کرد؟

با عنایت به توضیحاتی که در نوشتار قبل، پیرامون ماده‌ی مذکور گذشت می‌توان گفت: چنان‌چه «قمه‌زنی»، با هیاهو و جنجال باشد، یا در جریان قمه‌زنی، قمه‌زنان متعرض افراد شوند و یا این که به طور کلی قمه‌زنی در عزاداری‌ها را حرکات غیر متعارف بدانیم و در اثر

→ مجازات دانسته است. این نوع کیفیات تشدید خود به کیفیات مشدده‌ی عینی و شخصی تقسیم می‌شوند؛ کیفیات مشدده‌ی عینی وقایع خارجی است که اگر با افعال مادی جرم مقرون گردد بر شدت و خطرناکی جرم می‌افزاید؛ مانند سبق تصمیم در برخی از جرایم، یا بکار بردن اسلحه در جرم (ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی) یا اینکه جرم با اجتماع و تبانی واقع شود (ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی) و...، کیفیات مشدده شخصی ناظر بهر اوصاف و صفات مباشر، معاون و شرکای جرم می‌باشد مانند مأمور دولت بودن در برخی از جرایم و...

۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، جلد یک، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۲۴.

این‌گونه عزاداری‌ها نظم و آسایش عمومی مختل گردد یا اینکه این‌گونه عزاداری‌ها منتهی به باز داشتن مردم از کسب و کار گردد استناد به ماده‌ی مذکور بلااشکال و بلکه پسندیده است^۱، در غیر این‌صورت استناد به ماده‌ی نامبرده فاقد وجهت قانونی می‌باشد. اما بر واضح است که، جمع تمام شرایط موجود در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی در موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها، اگر نگوییم محال است، بسیار سخت و دور از ذهن می‌باشد. به بیان دیگر ماده‌ی مذکور، تمام موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها را پوشش نمی‌دهد و نمی‌توان با استناد به این ماده تمام موارد این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف را جرم دانست و با آن‌ها در این راستا برخورد کیفری کرد چرا که، اگر مراسم قمه‌زنی در خانه و یا در مکان‌های شخصی و مخصوص انجام گیرد، بیم اخلال در نظم و آسایش عمومی و بازداشتن مردم از کسب و کار نمی‌رود. حتی اگر این عمل در مکان‌های عمومی هم انجام شود ولی منتهی به اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی نگردد و مردم نیز از کسب و کار باز داشته نشوند؛ باز هم جرم موضوع ماده ۶۱۸ مذکور به وقوع نمی‌پیوندد؛ به این دلیل واضح که ماده‌ی نامبره مقید به قید نتیجه که همان اخلال در نظم عمومی یا بازداشتن مردم از کسب و کار است، می‌باشد. لذا با تفصیل و تفسیری که در رابطه با ماده‌ی مرقوم ارائه شد بر واضح است که این ماده صرفاً موارد بسیار ناچیز و استثنایی از قمه‌زنی و سایر عزاداری‌های نامتعارف را در بر می‌گیرد و به ضرس قاطع می‌توان گفت که، مواردی که قمه‌زنی در خفا و نه در انظار عموم انجام می‌گیرد، به هیچ وجه صدمه‌ای به نظم و امنیت عمومی وارد نکرده و اخلاقی در کسب و کار مردم ایجاد نمی‌کند. اما متأسفانه در عمل مشاهده می‌شود که اکثر مقامات قضایی با تمامی موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها، حتی آن مواردی که در خفا انجام شده و با

۱- مطابق دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۹۲۳۲۰۱۲۹۱ چهار نفر از کسانی که اقدام به قمه زنی در بین عزاداران کرده بودند محکوم به اخلال در نظم عمومی موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات شده‌اند. متن دادنامه بدین شرح است:

«در خصوص اتهام ۱- ع.ر. فرزند احمد ۲- و ب. فرزند جبرئیل دایر بر اخلال در نظم عمومی (به دلیل قمه‌زنی در عزاداری) دادگاه با ملاحظه‌ی اوراق و محتویات پرونده، گزارش مرجع انتظامی و با توجه به کیفرخواست صادره مورخه ۱۳۹۲/۸/۲۴ دادستان محترم دادرای عمومی و انقلاب شهرستان فرچک، اقرار صریح متهمان و سایر قرائن و امارات موجود محرز دانسته و مستنداً به ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت هر یک از متهمان به تحمل سه ماه و یک روز حبس و سی ضربه شلاق تعزیری صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد».

نقض حریم خصوصی عزاداران، این نوع عزاداری توسط ضابطان قضایی، کشف و پرونده در جریان تعقیب و تحقیقات قضایی قرار گرفته است، در راستای ماده‌ی ۶۱۸ نامبرده یعنی اخلال در نظم عمومی برخورد می‌کنند؛ اگرچه روشن است که برخی از این موارد به دلیل این که در خفا و غیرعلن انجام گرفته‌اند و نهایتاً منجر به اخلال در نظم عمومی نشده‌اند، هیچ توجیه قانونی برای استناد به ماده مذکور باقی نمی‌گذارند. بنابراین ماده‌ی مذکور، جهت جرم‌انگاری و مجازات قمه‌زنی در عزاداری‌ها، ماده‌ی جامع و شاملی نیست که با استناد به آن محاکم قضایی توانایی برخورد کیفری با تمام موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها را داشته باشند و از طرف دیگر، باب تفسیر به رأی و نظرات شخصی و سلیقه‌ای حکام در محاکم در مورد اعمال این ماده در رابطه با موارد قمه‌زنی گشوده می‌شود؛ به بیان دیگر وقتی رویکرد و پیش‌فرض مقامات قضایی به تبع مخالفت و اعلام ممنوعیت فقه‌های عظام و به خصوص حاکم اسلامی، برخورد کیفری قاطعانه با مرتکبین این گونه از عزاداری‌ها باشد، تمسک به مواد مختلف که شاید در مقام اثبات دعوا نیز نباشند امری بدیهی است.

گفتار دوم: تظاهر به عمل حرام در ملاء عام

در میان آراء و قرارهای صادره از مراجع قضایی پیرامون قمه‌زنی در عزاداری‌ها، بعضاً مشاهده می‌شود که برخی از مراجع تعقیب و تحقیق در دادسراها، قمه‌زنان را به عنوان کسانی که تظاهر به عمل حرام کرده‌اند، تفهیم اتهام می‌کنند و پس از چندی اتهام را وارد دانسته و با صدور قرار مجرمیت پرونده را جهت صدور حکم در این زمینه به محاکم عمومی کیفری ارسال می‌کنند و دادگاه مذکور نیز با عنوان اتهامی موافقت کرده و در راستای ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با این دسته از افراد برخورد کیفری می‌کنند. البته با تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲ و درجه بندی مجازات‌ها در ماده ۱۹ قانون مذکور مجازات موضوع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ از لحاظ حبس، درجه ۸ و از لحاظ شلاق، درجه ۶ محسوب می‌شود و با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ که به طور کلی ملاک درجه بندی مجازات‌ها را میزان حبس دانسته است؛ مجازات موضوع ماده نامبرده درجه ۸ محسوب می‌شود و با توجه به این نکته که قانونگذار رسیدگی به جرایمی که مجازات آن‌ها درجه ۷ و ۸ می‌باشد را وفق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۴ مستقیماً در صلاحیت دادگاه قرار داده

است و دادسرا در این زمینه صلاحیت رسیدگی ندارد^۱؛ لذا ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ از موارد طرح مستقیم دعوا در دادگاه می‌باشد و دادسرا صلاحیت ورود در این قضیه را ندارد و در حال حاضر چنانچه با افراد قمه‌زن وفق ماده ۶۳۸ مذکور برخورد شود به این اتهام مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود. جهت وضوح قضیه و روشن شدن صحت و سقم استناد مقامات قضایی به ماده‌ی نامبرده درمورد قمه‌زنی، در بند اول این گفتار به تشریح مقوله‌ی تظاهر به عمل حرام در ملاء عام و در بند دوم، به امکان مجازات قمه‌زنان در عزاداری‌ها با استناد به تظاهر به عمل حرام در ملاء عام پرداخته می‌شود.

بند اول: سیاست جنایی قانونی در قبال تظاهر به عمل حرام در ملاء عام

«تظاهر» مصدر و در لغت به معنای آشکار شدن، خود را نمایان کردن و در معرض دید عموم قرار دادن می‌باشد^۲. مفهوم «تظاهر به عمل حرام» با توجه به معنی لغوی تظاهر، یعنی وانمود کردن، عبارت است از: ارتکاب عملی در انظار عموم که انجام آن عمل در شرع مقدس ممنوع می‌باشد. بنابراین ارتکاب عمل حرام لزوماً باید به نحوی صورت گیرد که در مرئی و منظر عده‌ای واقع شود و عرفاً مغایر با ارزش‌هایی باشد که اکثریت مردم جامعه‌ی اسلامی بی احترامی به آن را قابل تحمل نمی‌دانند و ارتکاب آن را موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی تلقی می‌نمایند^۳. قانونگذار در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد: «هر کس علناً در انظار، اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود». برخی از واژه‌های بکار رفته در این ماده از وضوح کافی برخوردار نبوده، برای نمونه دامن‌هی معنایی کلمه‌ی «علن» مورد اختلاف می‌باشد ولی برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «مقصود از ارتکاب

۱- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۲۹۴

۲- عمید، منبع پیشین، ص ۳۴۸

۳- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶.

عمل به طور علنی در قوانین جزایی اعم از این است که در مرئی و منظر عموم واقع شود یا در اماکنی که معد برای عموم باشد و معابر اعم از کوچه و خیابان و به طور کلی هر محلی که ممر عام شناخته شود عمومی محسوب است. احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع به هیچ وجه تاثیری در علنی بودن موضوع ندارد و همین که عمل در محلی به وصف مذکور ارتکاب شود علنی محسوب می‌شود^۱. در مورد این ماده می‌توان گفت که، اگر ارتکاب عمل حرامی که در علن و انظار عمومی انجام می‌شود به خودی خود، مجازات داشته باشد، مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد؛ برای نمونه چنانچه شخصی تظاهر به مصرف مسکر کند، علاوه بر مجازات مندرج در ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی (هشتاد ضربه شلاق) به مجازات صدر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود. ولی چنانچه عمل ارتكابی به خودی خود، کیفر نداشته باشد و در علن و انظار عمومی ارتکاب یافته باشد و عمل مذکور منتهی به جریحه‌دار شدن عفت عمومی گردد، فقط به مجازاتی که در این ماده پیش بینی شده خواهد رسید و اشاره به این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که، عفت عمومی مربوط به امور جنسی بوده و درصدد بیان تمام ارزش‌های اخلاقی در جامعه نمی‌باشد. تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ نیز به گونه‌ای مؤید ادعای ما می‌باشد. از طرف دیگر ماده‌ی نامبرده در هیچ صورتی، اعمال حرامی را که دارای کیفر نمی‌باشند و عفت عمومی را هم جریحه دار نمی‌کنند، دربر نمی‌گیرد.

بند دوم: قمه‌زنی و تظاهر به عمل حرام

مفهوم لغوی و اصطلاحی تظاهر به عمل حرام و چگونگی استناد و اعمال ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در موارد تظاهر به عمل حرام در بند فوق گذشت. اما سؤالی که در این مقال پیش می‌آید این است که آیا می‌توان قمه‌زنی در عزاداری‌ها را تظاهر به عمل حرام دانست و این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف را مصداقی از ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به حساب آورد؟

۱- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دهم، ۱۳۸۶، ص ۳۷۰.

۲- «منظور از جرایم منافعی در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه‌ی نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».

در عمل برخی از مقامات قضایی ماده ۶۳۸ مذکور را مستند رأی خود در برخورد کیفری با قمه‌زنی در عزاداری‌ها، قرار می‌دهند.^۱ اما برای صدق ماده‌ی مذکور بر موارد قمه‌زنی شرایطی لازم است؛ از جمله این‌که، قمه‌زنان باید عمل قمه‌زنی را در علن و انظار مردم، اماکن عمومی یا معابر انجام دهند. بنابراین مواردی که، عزاداران قمه‌زنی را در خفا، در غیر انظار مردم، غیر از مکان‌های عمومی و غیر از معابر انجام می‌دهند داخل در محدوده‌ی این ماده نمی‌باشد. شرط دیگر این است که، قانونگذار قمه‌زنی (عمل حرام) که در منظر عموم و در اماکن عمومی و معابر به آن تظاهر شده را صراحتاً جرم‌انگاری کرده باشد و برای آن کیفر تعیین کرده باشد تا عمل قمه‌زنی مشمول صدر ماده مذکور شود و نهایتاً مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم شود و چنان‌چه عمل حرام مذکور که مورد تظاهر قرار گرفته، خود مستلزم کیفر نباشد باید عفت عمومی را جریحه دار کند تا مشمول ذیل ماده‌ی نامبرده شود. اما واضح است که قانونگذار برای قمه‌زنی صراحتاً کیفری در نظر نگرفته تا تظاهر به این‌گونه عزاداری‌ها را مشمول صدر ماده بدانیم و از طرف دیگر قمه‌زنی، در زمره‌ی اعمال منافی عفت قرار ندارد و عفت عمومی را جریحه‌دار نمی‌کند چرا که عفت عمومی، کدهای مورد قبول جامعه در امور جنسی می‌باشد و اعمال منافی عفت، امور جنسی به معنای اخص آن می‌باشند^۲ و نمی‌توان قمه‌زنی را مصداقی از مواردی دانست که انجام آن در

۱- برای نمونه می‌توان به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۹۲۶۶۰۰۶۰۲ که متن آن به شرح ذیل است اشاره کرد: «در خصوص اتهام آقایان ۱- مرتضی ط ۲- محمدعلی ج دائر بر تظاهر به فعل حرام در ملاء عام (قمه‌زنی در ملاء عام)، نظر به گزارش مراجع انتظامی و تصاویر تهیه شده از مراسم قمه زنی که پیوست پرونده می‌باشد و با عنایت به کیفرخواست اصداری از دادسرای عمومی و انقلاب پیشوا و اقراریه متهمان در حضور دادگاه مبنی بر قمه‌زنی در ملاء عام و دفاعیات غیر موجه متهمان فوق الذکر، اتهام وارده به آنان در حد تظاهر به فعل حرام در ملاء عام محرز بوده لذا مستنداً به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و با لحاظ بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، حکم به محکومیت هر یک از متهمان به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت صادر و اعلام می‌گردد در خصوص اتهام دیگر متهمان مبنی بر اخلال در نظم عمومی به دلیل قمه زنی در ملاء عام، نظر به اینکه در گزارش مرجع انتظامی قید نگردیده عمل متهمان محل کدام نظم گردیده است به لحاظ فقد دلیل اثباتی مستند به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به برائت متهمان نسبت به اتهام انتسابی (اخلال در نظم عمومی) صادر می‌گردد.

۲- برهانی، محسن، تقریرات درس جزای اختصاصی ۱، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، گردآوری و تنظیم: حسین موقر، نیم‌سال اول تحصیلی ۹۴-۹۳، ص ۱۱.

علن و در انظار مردم، عفت عمومی را جریحه دار می‌کند و نهایتاً حکم به مجازات قمه‌زنی مستند به ذیل ماده‌ی مذکور داد.

به نظر می‌رسد از آن‌جایی که قمه‌زنی در عزاداری‌ها از دیدگاه اکثر فقها حرام می‌باشد و با این وجود برخی از عزاداران در منظر عموم و درعلن اقدام به این‌گونه عزاداری نامتعارف می‌کنند، مقامات قضایی را بر آن داشته تا با استناد به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی با این دسته از عزاداران برخورد کیفری کنند در حالی که مقامات نامبرده صرفاً به حرمت عمل و تظاهر کردن به آن عمل حرام درعلن توجه داشته‌اند و خواسته یا ناخواسته چشم خود را بر روی شرایط و ضوابطی که قانونگذار در ماده مذکور از آن نام برده و ما هم متذکر آن‌ها شدیم فرو بسته‌اند. بنابراین عزادارانی که عمل قمه‌زنی را درعلن و منظر عموم یا معابر و با تظاهر انجام می‌دهند در هیچ صورت رفتار آن‌ها مشمول قسمت صدر و ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی نمی‌شود و در راستای این ماده نمی‌توان با مرتکبین این‌گونه از عزاداری‌ها برخورد کیفری کرد.

فصل دوم: تبیین جرم‌شناختی عزاداری‌های نامتعارف

جرم‌شناسی، شاخه‌ای از علوم جنایی است که با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل پدیده‌های جنایی و اجتماعی، به منظور پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد. جوامع انسانی همواره با مخالفت با قانون و هنجارشکنی اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. استمرار وقوع انحرافات و جرائم، به‌رغم اتخاذ تدابیر تنبیهی در برابر منحرفان و بزهکاران، از دیرباز اندیشمندان، فیلسوفان و مصلحان اجتماعی را برآن داشته است که درباره ماهیت و علت ارتکاب جرم و هنجارشکنی‌های اجتماعی و چگونگی مقابله با آن‌ها راه‌حل‌هایی ارائه دهند. در دوران پیشاجرم‌شناختی، مجازات مجرمین و هنجارشکنان اجتماعی، کانون توجه و تمرکز حکومت‌ها بوده است و توجهی به علل و عوامل ایجادکننده رفتارهای نامتعارف و غیرقانونی نمی‌شد و علت ارتکاب بزه را اموری چون تقدیر، حلول ارواح خبیث، جهل و فقر و ثروت می‌دانستند و رفتار با بزهکاران غالباً با شدت و خشونت همراه بود ولی مطالعه‌ی علمی جرم، به عنوان پدیده‌ی فردی - اجتماعی، زاییده و ره‌آورد تمدن جدید است^۱. در واقع علم جرم‌شناسی ابتدا به دنبال ریشه‌یابی و علت‌یابی ارتکاب رفتارهای ممنوعه توسط برخی از افراد در جامعه می‌باشد و پس از آن که علل و عوامل زمینه‌ساز آن رفتارها را بدست آورد آن‌گاه به دنبال پیشگیری و کنترل و تلاش در جهت زدودن آن‌ها می‌کند. به دلیل این که این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف، اثرات سوء و تالی‌فاسدهای فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و... به همراه دارند و ممکن است فرهنگ جامعه به مرور در اثر پیدایش و گسترش این‌گونه رفتارها دست‌خوش تغییر و تحولات منفی قرار گیرد؛ شناختن علل و عوامل زمینه‌ساز و آسیب‌شناسی برخی از جرایم و انحرافات از اهمیت بالایی برخوردار است و تا این رفتارها ریشه‌یابی و علت‌شناسی نشوند، اتخاذ اعمال و رویکردهای پیشگیرانه و کنترل‌کننده تا حدودی غیر ممکن است. یکی از مسائل بسیار مهم و قابل توجه در عصر حاضر، مقوله‌ی عزاداری‌ها می‌باشد؛ عزاداری برای ائمه معصومین علیهم السلام در کشور ایران به عنوان یک کشور مذهبی و شیعه‌نشین از اهمیت بالایی برخوردار است ولی بعضاً دیده می‌شود که برخی از عزاداران، عزاداری را از مسیر متعارف

۱- مظلومان، رضا، جرم‌شناسی: کلیات، جلد یک، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۳،

خود خارج ساخته و به انواع و اقسام رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها از قبیل، قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال‌گداخته، غلتیدن بر روی خرده شیشه و... می‌پردازند. این‌گونه از عزاداری‌ها امروزه در سطح داخلی و خارجی حامیان فراوانی دارند که برخی از طرفداران آن‌ها خود اقدام به انجام این رفتارها نمی‌کنند و صرفاً با دید و نگرشی مغرضانه به جانب‌داری از این‌گونه عزاداری‌ها و مرتکبان آن‌ها می‌پردازند لذا به دلیل اهمیت این شیوه‌های عزاداری در عصر حاضر و به منظور وضوح مطلب و شکل‌گیری چارچوب و ماهیت بحث، شایسته است که قبل از ورود به بحث ریشه‌یابی این‌گونه از عزاداری‌ها و بیان چگونگی پیشگیری از آن‌ها، مطالبی پیرامون «انحراف» در عزاداری‌ها بیان شود.

انحراف یا کجروی را از منظرهای چندی تعریف شده است؛ بعضی از منظر حقوقی به آن نگرسته و آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «عملی که به وسیله قانون منع شده و مرتکب آن طبق قانون کیفر می‌بیند»^۱. کسانی که در تعریف انحراف قانون را دخیل می‌دانند، بیشتر شمع حقوقی داشته و ناخواسته قانون را دخیل در تعریف انحراف می‌دانند. اما از منظر جامعه‌شناسی، انحراف عبارت است از: «آن‌گنش‌هایی که از هنجارها و ارزش‌های یک گروه اجتماعی ویژه پیروی نمی‌کند»^۲. جامعه با ویژگی‌های خاص خود شناخته می‌شود، هر جامعه‌ای دارای افکار، عقاید و باورهای خاصی است که با توجه به آن، احساسات و علایق ویژه‌ای مورد پسند قرار می‌گیرد و متعاقب آن رفتارهای خاصی مقبول شناخته می‌شود. این قواعد و معیارها که افکار و احساسات درست و قابل قبول و نیز رفتارهای مناسب و مورد انتظار را در هر شخص تعیین می‌کنند را «هنجارهای اجتماعی»^۳ می‌توان نامید و تخلف از آن هنجارها «انحراف اجتماعی»^۴ نامیده می‌شود. پس انحراف آن دسته از رفتارهایی است که با خواست و انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون جامعه منطبق و سازگار نباشد، از این‌رو انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و معمولاً زمانی رخ می‌دهد که

۱- شیخ‌آوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، نشر مرن‌دیز، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۴۸.

۲- کلدی، علیرضا، انحراف، جرم و پیشگیری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۱، ص ۵۲.

3- Social norms.

4- Social deviance.

۵- هاشمی، سید احمد، دین، جامعه و انحرافات اجتماعی، مجله‌ی مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۸۳.

فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی‌کند.^۱ در واقع، انحراف شیوهی رفتاری خاصی است که بر خلاف وفاق جامعه و متعاقباً ناهم‌نوا گردیدن با هنجار یا هنجارهای جامعه شکل گرفته است. بنابراین لازم است که انحراف، به مثابه‌ی یک رفتار مسأله‌دار و مسأله‌ساز که موجب ایجاد تعارض در گروه می‌گردد مورد مطالعه و نهایتاً حل گردد.^۲ به باور جرم‌شناسان، جامعه دارای رفتارها و ارزش‌هایی چندگانه می‌باشد که تشخیص و شناسایی آن‌ها در نتیجه‌ی واکنش به آن رفتار یا ارزش تعیین می‌شود. با گزینش رفتار از سوی مخاطبان اجتماعی و برچسب انحراف بر آن رفتار خاص شخص منحرف نیز قابل شناسایی است.^۳ به‌طور کلی، در رابطه با انحراف همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، شیوه‌ای مطلق یا جهانی برای تعریف آن وجود ندارد، زیرا انحراف نیز متأثر از اطراف خود است و با توجه به موقعیت اجتماعی افراد، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف، ایدئولوژی‌ها و گروه‌های اجتماعی متفاوت نسبی است،^۴ حتی هنجارها و انحراف‌ها نه تنها در سطح بین‌المللی یا از نظر تاریخی، بلکه در درون جوامع نیز در یک مدت زمان کوتاه متغیراند.^۵ نوع برخورد و عکس‌العمل‌های متفاوت دسته‌های مختلف مردم در مقابل رفتارهای مشابه، عدم توافق و اتفاق نظر در مورد مفهوم انحراف، وجود جوامع نامتناسج و ناهمگون و... از جمله عوامل ایجا‌کننده‌ی چنین وضعیتی هستند.^۶ امروزه انحراف از دیدگاه‌های مختلف، به واسطه صاحب نظران مورد ارزیابی قرار گرفته است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، رفتارهای کج‌روانه برحسب نیروهای اجتماعی یا فرهنگی می‌باشد که از این منظر، کژروی ماهیت

۱- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۷۲.

۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳؛ ص ۱۳۱.

۳- ویلیامز، فرانک‌پی، ماری‌لین‌دی مک‌شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴.

۴- احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۴.

۵- پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۳، ص ۸۱.

۶- محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات طهوری، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۲.

اجتماعی و فرا فردی دارد و متغیرهای موجود در تعریف کژروی با مفهوم جامعه و ساختارها و نهادهای فراگیر اجتماعی مرتبط می‌شوند.^۱ با توجه به مطالب ارائه شده، روشن می‌گردد که بین جرم و انحراف که البته در بعضی منابع از آن به عنوان کج‌رفتاری یاد شده^۲، تفاوت‌هایی وجود دارد برای نمونه می‌توان گفت: هر چند فرد در انحراف و جرم از راه راست خارج شده و از هنجارهای اجتماعی دور می‌گردد، اما جرم یکی از انحرافات اجتماعی است که در چارچوب ساز و کارهای کیفری قرار گرفته است، اما انحراف هنوز وارد حیطه‌ی کیفری نگردیده است. با این توضیحات می‌توان بر این باور بود که بین جرم و انحراف مرزهای نفوذ ناپذیر وجود ندارد^۳، به همین دلیل جامعه‌شناسان معتقدند که، اگر چه مقنن برای این قبیل انحرافات مجازاتی تعیین ننموده ولی از آن جا که استقرار و اقدام به این اعمال زمینه‌ساز ارتکاب جرم می‌شوند، پس بهتر است که پدیده‌ی جنایی در محدوده‌ی وسیع‌تری مورد اعمال قرار گیرد و شامل کلیه انحرافات و ناسازگاری‌ها شود^۴، پس با این بیان می‌توان بر این عقیده بود که مرزی که بین جرم و انحراف می‌توان ترسیم نمود بسیار ظریف می‌باشد و به همین دلیل است که بسیاری از جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان معتقدند که مفهوم جرم و انحراف به آسانی قابل تعریف نیستند و رابطه میان آن دو نیز رابطه‌ی واضح و بدیهی نیست و کجروی و جرم، به یک معنا نیستند، هرچند که در موارد زیادی این دو پدیده تا حدی با یکدیگر هم پوشانی می‌کنند^۵، مثلاً در جوامع بدوی یعنی جوامعی که در آن‌ها قوانین مکتوب وجود ندارد، انحراف و جرم در یک مفهوم به کار گرفته شده و هر دو

۱- سلیمی، علی، محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶، صص ۶۰-۵۹.

۲- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۳؛ مور، استفن، استفن سینکلر، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳.

۳- نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، گردآوری و تنظیم: صوری‌پور، مهدی، ویرایش بهمن ماه ۱۳۹۱، ص ۱۱.

۴- فاخری، نریمان، حسام عباسی، بررسی مبانی جرم‌انگاری جرایم مانع در حوزه‌ی حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی عدالت آرا- شماره ۱۵۱۶، ۱۳۹۰، ص ۶.

۵- گیدنز، آنتونی، بردسال کارن، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲.

به مفهوم تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط جامعه اطلاق می‌شود.^۱ جرایم یا حداقل بسیاری از آن‌ها همانند انحراف ناقض ارزش‌ها و هنجارها هستند، اما با این وجود تشخیص مرز نهایی میان جرم و انحراف را باید در «مجموعه قوانین کیفری» جست و جو نمود. بدین معنا که هرگاه برای برخورد با رفتاری ناهنجار، مجازات در نظر گرفته شود آن رفتار جرم نامیده می‌شود. چنین حد فاصلی میان این دو مفهوم امری اعتباری و نسبی اما دقیق است و به همین دلیل نسبت مصادیق انحراف و جرم از زمانی به زمان دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.^۲ یکی دیگر از وجوه تمایز بین جرم و انحراف، مسئله‌ی ضمانت اجرا می‌باشد. در مورد جرایم مبارزه با جرم با سلاح کیفر انجام می‌شود و به اصطلاح ضمانت اجرای کیفری و رسمی دارد اما برای مقابله با انحراف غالباً از ساز و کارهای غیرکیفری نظیر مذمت و سرزنش کردن، مشاوره و راهنمایی کردن افراد منحرف، بیگانه خواندن افراد از جامعه به صورت موقت، توبیخ و... استفاده می‌شود و هنگامی ضمانت اجرای کیفری در مورد انحراف‌ها بکار گرفته می‌شود که به دلیل اهمیت بالای این گونه انحراف‌ها قانونگذار آن‌ها را وارد خانواده‌ی قوانین و حقوق کیفری کرده باشد. به بیان دیگر، «در جایی که برای رفتار ناهنجار قوانین مکتوب و مدونی وجود ندارد و قانون آن رفتار را منع نکرده، اگرچه هنجارهای اجتماعی نقض شده است، ولی از نظر قانون جرمی رخ نداده است».^۳

به طور کلی، گاهی اوقات در جامعه اعمال و رفتارهایی از برخی از افراد سر می‌زند که با وجود این‌که صراحتاً مورد توجه مَّقنن در قانونگذاری قرار نگرفته و به اصطلاح «ضمانت اجرای کیفری» صریحی برای آن‌ها در قانون پیش بینی نشده است، ولی کم و بیش حاکی از ناسازگاری و مخالفت مرتکب آن با مقررات و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است؛ برای نمونه در این زمینه می‌توان به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و... اشاره کرد. در واقع، عزاداری نیز مثل هر امر دیگری چارچوب و محدوده‌ی خاصی دارد که نباید از آن تخطی شود، چنانچه از این محدوده تجاوز شود و در عزاداری‌ها به رفتارهایی

۱- مساواتی‌آذر، مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، تبریز، انتشارات نوبل، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۸.

۲- قیاسی، سیدجلال الدین، مبانی سیاست‌جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۸.

۳- فاخری، عباسی، منبع پیشین، ص ۸.

متوسل شویم که خلاف عزاداری‌های نرم و مورد قبول میانگین جامعه و هنجارهای اجتماعی باشد، این رفتارها، نامتعارف می‌باشند. برای نمونه، کسانی که در مراسم عزاداری مرتکب رفتارهایی می‌شوند که منتهی به ایراد لطمه و صدمه جسمی به خود می‌شوند هرچند که این رفتارها به نام و جهت عزاداری انجام می‌شوند ولی رفتارهایی نامتعارف و خلاف هنجار اجتماعی هستند، از جمله‌ی این رفتارهای نامتعارف و خلاف هنجار اجتماعی می‌توان به قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته و... اشاره کرد. در واقع عزاداری‌ها در اثر گذر زمان دست‌خوش تغییر و تحول قرار گرفته‌اند اما برخی از عزاداری‌های موجود در عصر حاضر توسط اقلیت جامعه و خلاف عقاید و باورهای جمعی و هنجارهای اجتماعی انجام می‌گیرند به همین خاطر این گونه‌های عزاداری در زمره‌ی عزاداری‌های نامتعارف قرار گرفته‌اند چرا که در یک جامعه‌ی دینی و مذهبی که منطق و اصل حاکم عدم جواز ایراد ضرر به بدن و جسم خود می‌باشد، عزاداری باید به گونه‌ای انجام شود که منتهی به ایراد ضرر به بدن و جسم نشود بنابراین رفتارهایی مثل: قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی زغال گداخته و... که به عنوان عزاداری انجام می‌گیرند همگی خلاف باورها و عقاید جمعی دینی و اصول دینی و مذهبی می‌باشند و از این جهت، خلاف هنجار اجتماعی می‌باشند و در نهایت انحراف محسوب می‌شوند. در این فصل، در قالب مبحث اول، علل و عوامل زمینه‌ساز گرایش بعضی از افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و... را مورد بررسی قرار داده و سپس در ادامه به بحث پیشگیری در این زمینه پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: عوامل گرایش افراد به برخی از عزاداری‌های نامتعارف

اصولاً جرم و انحراف به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی، حاصل رفتار یک فرد در جامعه است به بیان دیگر جرم و انحراف محصول تعامل یک شخص (انسان) با محیط می‌باشد. البته در مورد چگونگی دسته‌بندی علل و عوامل موثر در جرم و انحراف اختلاف نظر وجود دارد و دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. اما در یک تقسیم‌بندی می‌توان عوامل موثر در جرم را بدین سان تقسیم بندی نمود.

۱- عوامل فردی (داخلی): از قبیل: عوامل بیولوژیکی، سن، جنس و برخی از عوامل روانی مثل: پرخاشگری، زودباوری و...

۲- عوامل محیطی (خارجی): از قبیل: خانواده‌ها، عوامل جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، هم‌سالان، فرهنگ و...

در این مبحث و در قالب گفتار اول، به بررسی و تشریح عوامل فردی زمینه‌ساز جرم و انحراف و در گفتار دوم، عوامل محیطی مؤثر در این باره پرداخته می‌شود.

گفتار اول: عوامل فردی

بی‌تردید یکی از عوامل مؤثر در رفتار بزهکارانه و کج‌روی‌ها خصوصیات شخصی افراد است. عده‌ای از جرم‌شناسان تحت عناوین مجرمین مادرزادی و یا تیپ شناسی جنائی به بررسی‌های مفصل در این زمینه پرداخته و معتقدند شخصیت مجرم تأثیر فراوانی در ارتکاب بزه داشته و بررسی ابعاد شخصیتی مجرمین کمک شایانی به تدوین مبانی و اصول جرم شناسی می‌نماید. ظهور اندیشه‌ی آزمایش علمی شخصیت در قوانین کیفری کشورهای پیش‌رفته از همین طرز تفکر نشأت گرفته است؛ این آزمایش دارای ابعاد مختلفی از جمله: پزشکی، روانپزشکی، و... است و امروزه، عمدتاً در مورد جوانان بزهکار متداول است. به طور خلاصه شناخت طبع و سرشت افراد یکی از فاکتورهای مهم در تشخیص خلق و خوی بزهکاری و کج رفتاری در انسان‌هاست و این طبع و سرشت منتج عناصر مهمی از قبیل وراثت، تعلیم و تربیت، عواطف و ... می‌باشد؛ از این رو در این مقال به بررسی علل فردی گرایش افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف که مهم‌ترین نمونه آن قمه‌زنی می‌باشد و در این زمینه تحقیقات و مصاحبه‌های میدانی انجام گردیده، پرداخته می‌شود.

بند اول: عوامل زیستی

عوامل جسمی و مواردی که مربوط به جنس و ویژگی‌های بیولوژیک افراد می‌باشد نقش بسزایی در سوق یافتن افراد به ارتکاب برخی از جرایم و کج‌روی‌ها دارند. در واقع شخصیت افراد که منبعث از ویژگی‌های فیزیولوژیکی و روانی افراد است، در این زمینه دخیل می‌باشد که در ذیل به شرح برخی از این ویژگی‌ها پرداخته و در مورد تأثیرگذار بودن این فاکتورها در ارتکاب برخی از صور نامتعارف عزاداری‌ها از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و... بحث می‌شود.

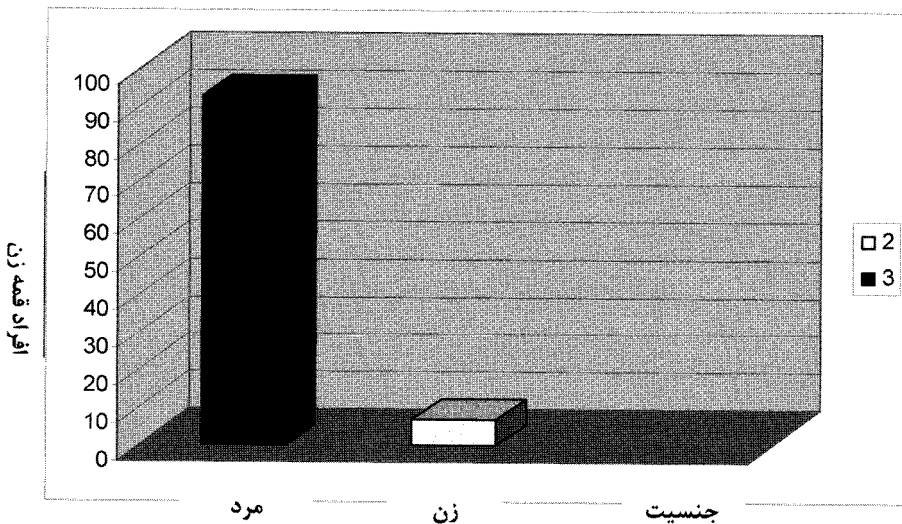
الف: عوامل ارثی

یکی از عواملی که شخصیت فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و مورد توجه جرم‌شناسان نیز واقع شده است، عوامل ارثی می‌باشد. همان‌گونه که انسان از لحاظ مالی وارث بستگان خود می‌باشد، ممکن است از نظر فردی نیز وارث استعدادهای نیاکان خود و صفات خوب و بد آنها که از راه وراثت به او منتقل می‌شود، باشد. شباهت ظاهری والدین با کودکان چون رنگ چشم یا پوست و مقایسه رفتارهای پدر و مادر با فرزند مانند طریقه‌ی تربیت، مهرورزی و مانند این‌ها، وراثت را همیشه به عنوان یک پدیده‌ی قابل تأمل مطرح کرده است. گاهی اوقات افرادی که با ما برخورد می‌کنند به راحتی می‌توان از نحوه‌ی برخوردشان به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری والدینشان پی برد مثلاً از روی رفتار فرزند یک خانواده در مورد خانواده‌اش قضاوت کرده و گفته می‌شود که، فلان خانواده بد اخلاق و یا خشن هستند. از لحاظ پزشکی و روانشناسی این امر ثابت شده است که، برخی از ویژگی‌های اخلاقی و زیستی موروثی هستند و از اجداد و آباء خانواده، به فرزند خانواده ارث رسیده است. مسئله‌ی ارث در مورد عزاداری‌های نامتعارف نیز بی‌تأثیر نیست چرا که، وقتی با افرادی که مرتکب این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف می‌شوند نشست و برخاست داشته باشیم به راحتی قابل استنباط است که بیشتر این افراد در کنار پدران، برادران و بزرگان خانواده‌شان و به صورت دسته‌جمعی اقدام به این‌گونه از عزاداری‌ها (قمه‌زنی) می‌کنند و از قمه‌زنی و سایر رفتارهای این افراد، خشونت خانوادگی برداشت می‌شود. با توجه به محتوای اظهارات خانوادگی این دسته از افراد در مصاحبه‌ی شفاهی و کتبی که با آن‌ها انجام گرفته است روشن می‌گردد که اکثر کارهای این افراد خشونت آمیز بوده و خون و خون‌ریزی در نگرش آن‌ها، بر خلاف سایر افراد مشمئز کننده و دل‌خراش نیست. به‌طوری که از صد نفر مصاحبه‌شونده، قریب به هشتاد نفر از آن‌ها معتقد هستند که سینه‌زنی و زنجیر زنی اهمیت چندانی ندارد و در عزاداری‌ها باید خون ریخت و به بدن لطمه وارد کرد تا عزاداری خوب و پسندیده‌ای داشته باشیم.

ب: جنسیت

تفکیک مجرمان از نظر جنسیت و بررسی آنها یکی از موضوعاتی است که در جرم‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اعتقاد عمومی بر این است که مردان بیشتر از زنان

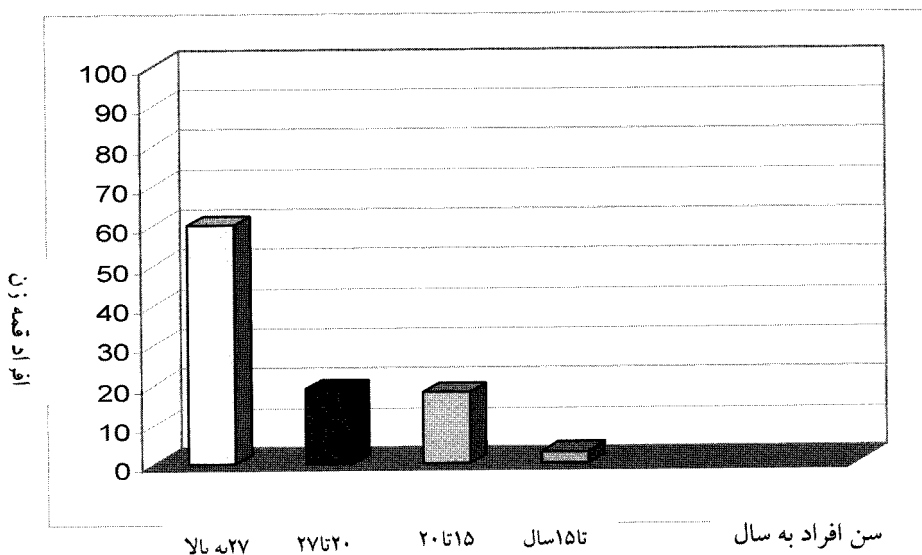
مرتکب جرم و کجروی‌های اجتماعی می‌شوند و جنس جرایم و انحرافات مردان متفاوت و خشن‌تر از زنان است چرا که زنان از روحیه‌ی لطیف و آرام برخوردار هستند و میانه‌ای چندانی با خشونت و خون‌ریزی ندارند. عزاداری‌های نامتعارف نیز معمولاً همراه با خشونت می‌باشد به‌عنوان مثال، فردی که مبادرت به قمه‌زنی می‌کند و فرق سر خود را شکافته و چهره‌اش خون آلود می‌شود خشن و عملش خشونت آمیز می‌باشد؛ لذا مشتریان این‌گونه عزاداری‌ها مردان هستند و به ندرت در میان آن‌ها جنس مؤنث پیدا می‌شود. با توجه به تحقیقات میدانی و پرسش‌نامه مطروحه در این زمینه، روشن می‌گردد که زنان علاقه‌ی چندانی به این قبیل عزاداری‌های نامتعارف از جمله قمه‌زنی ندارند و از یکصد نفر مصاحبه شونده‌هایی که اقدام به قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها می‌کنند و به سؤالات مطرح شده در پرسشنامه پاسخ داده‌اند تنها سه نفر از بانوان با میل و اختیار خود و چهار تن دیگر نیز به تبعیت و الزام شوهر خود مبادرت به قمه‌زنی کرده‌اند و نود و سه نفر دیگر همگی مرد بوده‌اند.



بنابراین با عنایت به آمار و داده‌های به‌دست آمده می‌توان گفت: رابطه‌ی هم‌بستگی بین جنسیت و گرایش افراد به عزاداری‌های نامتعارف مقبول و مشهود است به گونه‌ای که، مردان نسبت به زنان بیشتر به این گونه عزاداری‌ها تمایل دارند.

پ: سن

یکی از واقعیت‌های پذیرفته شده در جرم‌شناسی توزیع سنی جرم است. برخی از جرایم و انحرافات توسط برخی از افراد در سنین و دوره‌های خاصی بیشتر انجام می‌شوند. در واقع از آنجایی که ذات جرم شر و بدی است و برخی از افراد در سنین نوجوانی و جوانی که از پختگی لازم برخوردار نمی‌باشند و به صورت کامل توانایی تشخیص خیر از شر را ندارند بیشتر مرتکب جرم و کج رفتاری و دوری گزیدن از عرف و هنجارشکنی‌های اجتماعی می‌شوند اما گاهی اوقات هنجارشکنی‌هایی در جامعه دیده می‌شود و برخی افراد خلاف متعارف عمل می‌کنند که از سن بالا و بلوغ فکری کاملی برخوردار هستند برای نمونه در رابطه با بحث عزاداری‌های نامتعارف بیشتر افرادی که مرتکب این‌گونه از عزاداری‌ها می‌شوند در میان‌سالی به سر می‌برند به‌طوری که با دقت در مصاحبه‌های شفاهی و کتبی که با صد نفر از افراد قمه‌زن در عزاداری‌ها در خمینی‌شهر و زینبیه اصفهان داشتیم، شصت نفر از آن‌ها سنشان از ۲۷ سال تجاوز کرده است و نوزده نفر هم بین ۲۰ تا ۲۷ سال سن دارند و هجده نفر ۱۵ تا ۲۰ سال سن داشتند و تنها سه نفر دیگر زیر ۱۵ سال سن داشتند.



با توجه به این آمار نیک واضح است که، بیشتر این افراد در سنین بالایی به سر می‌برند و نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که پایین بودن سن افراد و به عبارتی خام و ناپخته بودن بودن افراد نمی‌تواند عاملی برای روی آوردن به این گونه از عزاداری‌ها باشد.

بند دوم: عوامل اعتقادی

رفتارها و اعمال انسان‌ها ریشه در اعتقادات و باورهایشان دارند. گاهی اوقات یک فرد به عمل و رفتار خاصی ایمان دارد و اصالت و حقیقت آن رفتار برای وی به هر نحوی ثابت شده است؛ این شخص در راستای اعتقادات و باورهایش عمل می‌کند هر چند عمل و رفتار بر مبنای عقاید و باورهای وی منتهی به نقض هنجارها و به اصطلاح هنجار شکنی و خلاف متعارف عمل کردن در جامعه شود. بنابراین عقاید و باورهای یک شخص که امری فردی می‌باشد می‌تواند منجر به ورود فرد به محدوده‌ی منهیات اخلاقی و اجتماعی و یا قلمرو ممنوعه‌ی قانونی شود. در این بند به تبیین برخی از انگیزه‌های اعتقادی افرادی که اقدام به انجام برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی می‌کنند پرداخته می‌شود.

الف: شفا یافتن

وقتی بیماری شدیدی بر فردی عارض می‌شود، این شخص تمام سعی خود را در مسیر مداوا و بهبودی خود بکار می‌گیرد و تمام راه‌هایی که در راستای بهبودی خود به ذهنش خطور می‌کند را در دستور کار خود قرار می‌دهد و به آن‌ها متمسک می‌شود به این امید که مرض از او برطرف شود و صحت و سلامتی خود را به دست آورد. ایشان ابتدا به بیمارستان و نزد پزشکان خبره رجوع می‌کند و پس از مدتی، وقتی مشاهده می‌کند که طبابت و داروی پزشک اثر بخش نبوده است، ناخودآگاه از مراجعه به بیمارستان و پزشکان مأیوس می‌شود و چنانچه این شخص معتقد و با ایمان باشد، به دنبال راه‌های فوق بشری می‌گردد و به شفا گرفتن امیدوار می‌شود این شخص برای شفا گرفتن بیشتر به دنبال واسطه قرار دادن اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند می‌باشد اینجاست که برای واسطه قرار دادن این بزرگان به خصوص امام حسین(ع) در درگاه خداوند این افراد به عزاداری متوسل می‌شوند و برای ابراز عشق و علاقه شدید خود به ایشان اقدام به عزاداری‌هایی می‌کنند که به وسیله‌ی آن‌ها ابراز مماثلت و همدردی خود را با امام حسین(ع) بیان دارند و با کمال میل و رغبت

در مراسم قمه‌زنی و تیغ‌زنی شرکت کنند و قمه به سر خود می‌زنند تا امام حسین (ع) بیماری آن‌ها را شفا دهد و به این طریق خودشان را در طول سال بیمه امام حسین (ع) می‌کنند و چنانچه شفا گرفتند و بهبود یافتند هر ساله به عشق ایشان قمه‌زنی می‌کنند. مطابق تحقیقات میدانی که انجام گرفته و با عنایت به انگیزه‌های صد نفر از افرادی که در عزاداری‌ها قمه‌زنی می‌کنند، ده نفر دلیل قمه‌زنی خود را شفا گرفتن و بهبود یافتن بیماری‌شان بیان می‌کنند و می‌گویند که، ما برای بهبودی بیماری‌های خود و فرزندانمان، در عزای امام حسین (ع) اقدام به قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌کنیم و ایشان در این مراسم هر ساله افراد زیادی از عزاداران را در جریان قمه‌زنی شفا داده‌اند و بیماری این افراد کاملاً بهبود یافته است.

ب: نذر

به لحاظ دیرینه‌شناسی، نذر کردن دارای پیشینه بسیار زیادی در تاریخ زندگی انسان است. همواره انسان در طول تاریخ برای رسیدن به خواسته‌هایش از این ابزار سود جسته و با نذر نمودن سعی نموده تا رضایت معبود خویش را در جهت تأمین نیازهایش جلب نماید. یکی از دلایل و انگیزه‌های جدی و قابل توجه اکثر افرادی که در عزاداری‌ها اقدام به قمه‌زنی می‌کنند این است که حوائج و آرزوهایشان به این واسطه برآورده شود. در واقع بیشتر قمه‌زنان، نذر می‌کنند که قمه‌زنی کنند و از خداوند می‌خواهند که به این نذرشان توجه کند و حوائج آن‌ها را برآورده کند. در مصاحبه‌ی شفاهی که با صد نفر از این دسته از افراد انجام شد و در مورد انگیزه‌هایشان از انجام این‌گونه‌ی نامتعارف عزاداری (قمه‌زنی) سؤال شد که در پایان مشخص شد که بیست نفر از آن‌ها نذر کرده‌اند که قمه بزنند و قمه‌زنی آن‌ها مسبوق به نذر می‌باشد. به طور کلی این دسته از افراد به وجهی شرعی این‌گونه رفتارها و مقبول و مورد پسند خدا بودن آن‌ها اعتقاد و ایمان دارند آن‌گاه انجام این‌عزاداری‌ها را در درگاه خداوند نذر می‌کنند.

بند سوم: عوامل روانی

بحث علل روانی جرم، در حوزه روانشناسی جنایی^۱ مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بسیاری

از محققان معتقدند که عوامل روانی نظیر، زمینه‌های شناختی، فقدان رشد اخلاقی و هم‌دلی، هیجانات و بیماری‌های روانی، زمینه جرایم را فراهم می‌سازند.

روان‌شناسان که فرد را واحد مطالعات خود می‌پندارند، پدیدهٔ انحراف را ناشی از عدم رشد کامل شخصیت فرد می‌دانند و بر آن هستند تا میان کج روی و ویژگی‌های شخصیتی انسان، رابطه برقرار کنند. به زعم آنان، انحراف به عنوان یک نوع اختلال رفتاری تلقی شده که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی است. در واقع، «اعمال انسان واکنش‌های فردی است که دارای یک ساختار شخصیتی معین و متأثر از عوامل درونی و بیرونی می‌باشد. به عبارت دیگر انسان موجودی است متأثر از سه عنصر جسم، روان و اجتماع و رفتارها و هنجارهای او تبلور این عناصر است. بنابراین، پدیده‌ی بزهکاری و کج رفتاری به مثابه یک عمل انسانی معلول عللی است که ریشه‌های آن را در شخصیت روانی، خصوصیات جسمانی و یا محیط زندگی وی باید جستجو گردد»^۱. در این گفتار به فراخور موضوع (عزاداری‌های نامتعارف) به تبیین و بررسی برخی از این ویژگی‌های روانی مانند: پریشانی‌های روانی و عاطفی، مشکلات، بیماری‌های عصبی و... که از عوامل سوق دهنده‌ی عزاداران به این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف از جمله، قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... می‌باشد، پرداخته می‌شود.

الف: مشکلات روانی و عصبی

بیماری یا اختلال روانی مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و ارائه تعریف قابل قبولی از آن بسیار مشکل است یکی از معیارهایی که برای اطلاق اختلال روانی ارائه شده، این است که، ناراحتی روحی، جسمی و رفتاری بیمار، روان پزشک را قانع سازد که این ناراحتی‌ها سبب اختلال در عملکردهای فرد در زمینه‌های مختلف احساسی، اجتماعی، شغلی، مذهبی و... شده باشد^۲.

افراد عصبی، از لحاظ قوای هوشی سالم ولی از منظر روانی، به احساسات و قوای عاطفی

۱- کیوانی، مجید، بررسی عوامل روان‌شناختی جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲، ص ۱.

۲- موسوی‌نسب، سید مسعود و پناهی متین، علی اصغر، روان‌پزشکی قانونی، شیراز، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۶.

آن‌ها خدشه وارد شده است.^۱ دسته‌ای از افرادی که دارای اختلالات روانی و عصبی هستند هیجانی، بی‌ثبات، بد اخلاق و پریشان احوال هستند و به راحتی تحت تأثیر جو حاکم قرار می‌گیرند و برخی از رفتارهایشان از روی منطق و تفکر نیست بلکه به یکباره هیجانی و احساساتی شده و مرتکب رفتارهایی می‌شوند که مورد تأیید افراد سالم و عاقل نمی‌باشد. در واقع، نیروی روانی هر فرد از دقت، اراده، هوش، عاطفه و حافظه تشکیل شده است هر گاه به یکی از اجزا مذکور لطمه وارد شود منجر به پریشانی، آشفتگی روانی و دگرگونی در اعمال و رفتار و کردار می‌گردد. در بند اول این گفتار، برخی از فاکتورهای روانی تأثیرگذار بر روی اعمال و رفتارهای عزادارانی که در مراسم عزاداری مرتکب قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌شوند را بیان کرده و در ادامه به سایر عوامل و انگیزه‌های روانی موجود در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱- هیجان زدگی

انسان در زندگی اجتماعی تحت تأثیر هیجانات واکنش‌هایی از خود نشان می‌دهد که مجموعه این واکنش‌ها سلوک و رفتار شخص را در جامعه معین و مشخص می‌نماید و موجب شناسایی فرد از افراد دیگر می‌شود. هیجانات با زندگی افراد بشر در آمیخته است و بسیاری از رفتارهای انسان‌ها نشأت گرفته از هیجان می‌باشند. برخی از افراد به شدت هیجانی با مسائل و قضایای مختلف برخورد می‌کنند. یکی از موضوعات مهمی که در عصر حاضر رواج یافته، مقوله‌ی عزاداری‌های نامتعارف و به صورت خاص قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها می‌باشد که مرتکبین این گونه از عزاداری‌ها را می‌توان از منظر روان پزشکی و روان شناختی مورد مذاقه قرار داد و شور و هیجان موجود در این دسته از افراد را شناسایی و بررسی کرد. هنگامی که در میان این دسته از عزاداران قرار می‌گیریم با شور و هیجان خاص این افراد مواجه می‌شویم. داده‌هایی که از مصاحبه‌ی شفاهی و مکتوبی که با جامعه‌ی صد نفری عزاداران قمه‌زن و تیغ‌زن استخراج شده به وضوح بیان‌گر برخورد احساساتی و هیجانی برخی از مرتکبین رفتارهای مذکور می‌باشد به گونه‌ای که دوازده نفر از این افراد اولین باری است که مرتکب این رفتارها شده‌اند و مطابق اظهارات خودشان، وقتی که دیگران

۱- جلالی، حمید، علل گرایش جوانان و نوجوانان شهرستان دلیجان به مواد مخدر و راهکارهای مقابله با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، ص ۲۱.

را در حال عزاداری با قمه‌زدن مشاهده کرده‌اند به یک‌باره به شور و هیجان آمده و اقدام به قمه‌زنی کرده‌اند. توضیحات پانزده نفر از عزاداران نام برده نیز بیان‌گر این است که چندین بار اقدام به قمه‌زنی کرده‌اند ولی بدون نیت و قصد قبلی بوده بلکه هر بار که به این نحوه‌ی عزاداری مبادرت کرده‌اند تحت تأثیر جو حاکم قرار گرفته‌اند و پس از این که چندین بار در اثر شور و هیجان در این گونه مراسم شرکت کرده و اقدام به قمه‌زنی کرده‌اند به این شیوه‌ی عزاداری وابسته شده و میل شدیدی به آن پیدا کرده‌اند و پس از انجام آن احساس لذت می‌کنند؛ به گونه‌ای که چنانچه در ایام خاصی اقدام به قمه‌زنی نکنند ناآرام هستند و از خودشان راضی نیستند. در واقع از دیدگاه روان‌پزشکان، اختلال کنترل تکانه^۱ علت و عامل گرایش این افراد به این گونه از عزاداری‌ها می‌باشد یعنی بر روی برخی از تکانه‌های خاص این افراد اختلالاتی ایجاد شده است^۲ و توانایی کنترل تکانه‌های مربوطه را ندارند^۳. بنابراین این افراد بر رفتارهای خود کنترل ندارند. با عنایت به توضیحات فوق می‌توان گفت: هیجان و شورانگیز بودن این گونه عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) و اختلالات روانی که در تکانه‌های این عزاداران ایجاد می‌شود، از دلایل و عوامل گرایش و سوق یافتن عزاداران به این نوع از عزاداری‌ها می‌باشد.

۲- کمبود عاطفه

یکی از جنبه‌های روح و نفس انسان، «ساحت عاطفی انسان» است. «عاطفه»، به معنای محبت و مهربانی است. بر خلاف غریزه که جهت آن به سوی خود انسان است (خودخواهی)؛ جهت عاطفه به سوی دیگران است؛ مانند غریزه جنسی که انسان به وسیله آن، لذت و سودی را به سمت خود جلب می‌کند. اما جهت عاطفه به سوی غیر است؛ مثلاً، عاطفه‌ی مادر، میلی است که در مادر نسبت به فرزند وجود دارد و مادر براساس این میل، دوست دارد سودی به فرزند خود برساند یا ضرری را از او دفع کند. عواطف دیگر مثل عاطفه‌ی شخص نسبت به برادر و خواهر خود نیز ماهیتاً همین گونه‌اند^۴. اما برخی اوقات با موارد و

1- Impulse control disorder

۲- صناعی‌زاده، حسین، پزشکی قانونی، تهران، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷.

۳- تکانه به میل شدید غیر قابل کنترل، مقاومت ناپذیر و مکرر برای انجام رفتاری گفته می‌شود، اختلالات کنترل تکانه به اختلالاتی اطلاق می‌شود که فرد مبتلا قادر به کنترل تکانه‌ی خود نمی‌باشد.

۴- غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، قم، نشر پیک جلال، چاپ دوم، ۱۳۷۹، صص ۱۵۸ - ۱۵۷.

نمونه‌های عملی برخورد می‌کنیم که به روشنی می‌توان دریافت که برخی از افراد خانواده نسبت به یک‌دیگر از عاطفه‌ی لازم برخوردار نیستند و به اصطلاح با کمبود عاطفه روبرو هستند مثلاً در مورد قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها برخی از پدران به راحتی قمه را بر فرق سر کودک و نوجوان خود زده و خون آن‌ها را جاری می‌کنند در حالی که برخی از این افراد می‌دانند قمه‌زدن بر سر، برای فرزندان مضر است اما با این وجود باز هم این عمل را انجام می‌دهند و هنگامی که از آن‌ها سؤال می‌شود که چرا این جراحات را بر سر فرزندان خود وارد می‌کنید در پاسخ می‌گویند: اولاد امام حسین (ع) مجروح و زخمی شدند و مورد ضربات شمشیر قرار گرفتند به همین دلیل ما نیز خون فرزندانمان را جاری می‌کنیم تا آن‌ها نیز گوشه‌ای از طعم آن همه مصیبت وارده به آن اطفال را بچشند. از این نحوه‌ی پاسخ دادن افراد قمه‌زن، بوی بی‌عاطفگی و نامهربانی به مشام می‌رسد چرا که، اگر انسان اندکی عاطفه داشته باشد نسبت به فرزندش خشونت به خرج نمی‌دهد تا چه رسد به این که با هر هدف و نیتی، با آلت برنده‌ی قمه، به فرق سر وی بزند و خونس را جاری نماید. بنابراین بین فقر عاطفی برخی از پدران و مادران و قمه‌زدن بر سر فرزندان رابطه‌ی همبستگی مشهود و اثبات شده است.

ب: کنجکاوی

کنجکاو بودن یکی از ویژگی‌های انسان‌ها می‌باشد که مورد عنایت علم روان‌شناسی قرار گرفته و بر روی این مقوله به منظور نیل به اهداف مختلف مطالعات فراوانی از سوی روان‌شناسان و جرم‌شناسان انجام گرفته است. انسان‌ها به دنبال این هستند که معمایی برایشان بدون پاسخ نماند، انسان‌ها علاقه دارند در مورد هر چیزی تجربه کسب کنند و به اصطلاح طعم خوب و بد هر چیزی را بچشند به همین دلیل است که، دست به کارهای عجیب و خطرناکی می‌زنند. البته تمام انسان‌ها در میزان کنجکاوی با یک‌دیگر برابر و یکسان نیستند بلکه جوانان و نوجوانان نسبت به افراد میان‌سال و کهن‌سال کنجکاوتر می‌باشند برای نمونه، تجربه ثابت کرده است که بیشتر افرادی که سمت و سوی مواد مخدر و سایر مواد اعتیادآور می‌روند، جوانان و نوجوانان هستند و حس کنجکاوی است که آن‌ها را به این سمت سوق داده است و به خاطر کنجکاویشان در بند اعتیاد افتاده و مغلوب آن

شده‌اند.^۱ کشش و تمایل اولیه‌ی برخی از افرادی که به انجام برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف از جمله قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و زغال گداخته و... مبادرت می‌ورزند حس کنجکاوی می‌باشد. در واقع حس کنجکاوی موتور محرکه‌ی برخی از جوانان و نوجوانان در انجام قمه‌زنی و تیغ‌زنی و سایر رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها می‌باشد. نتیجه‌ی به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌های گردآوری شده در این زمینه، تعداد ۷ نفر از پاسخ‌دهندگان که در سنین ۲۰ تا ۲۷ سال قرار دارند عاملی را که برای اولین بار آن‌ها را به این نوع عزاداری‌ها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) سوق داده، کنجکاوی ذکر کرده‌اند. بنابراین می‌توان به یک نوع رابطه‌ی هم‌بستگی مثبت بین کنجکاوی جوانان و نوجوانان و روی آوردن آن‌ها به قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها قائل شد.

گفتار دوم: عوامل محیطی

عوامل به وجود آورنده‌ی جرم و انحراف در نقاط مختلف یکسان نیست و مناطق و نواحی مختلف از نظر نوع جرم و انحراف، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل اثر بخش با یک‌دیگر متفاوت هستند. این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها را می‌توان در شهرها و روستاها و حتی محله‌های مختلف یک شهر هم مشاهده کرد. به عقیده‌ی روان‌شناسان اجتماعی، ما تحت تأثیر محیطمان هستیم. عوامل محیطی مختلف، آثار گوناگونی بر ابعاد رشد فرد برجای می‌گذارند و گاه این عوامل، زمینه و بستر انجام برخی از جرایم و انحرافات را برای افراد جامعه فراهم می‌کند. عوامل محیطی را می‌توان در سطح کلان و خرد مورد مذاقه قرار داد و می‌توان در سطح کلان از فاکتورهای تأثیرگذار مانند عوامل اجتماعی، سیاسی و... و در سطح خرد از مواردی مانند، خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان و... نام برد. به همین جهت بند اول این گفتار را به عوامل کلان محیطی و بند دوم را به عوامل خرد محیطی اختصاص داده و در راستای موضوع (عزاداری‌های نامتعارف) به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

بند اول: عوامل کلان محیطی

گاهی اوقات علل و عواملی که زمینه‌ی ارتکاب جرم و یا انحراف را برای برخی از افراد فراهم

۱- سجادی، محمدعلی و فدائی، فرید، شناخت، پیشگیری و درمان اعتیاد، تهران، انتشارات تایماز، چاپ اول،

می‌کنند مربوط به جامعه و محیط بیرونی و نسبتاً دور به افراد می‌باشد ولی با وجود اینکه این عوامل چندان مرئی و مورد توجه افراد نیستند ولی نقش بسیار عمده‌ای در ارتکاب جرم و انحراف توسط افراد جامعه دارند. برای نمونه می‌توان به عوامل مربوط به اجتماع، سیاست، فرهنگ و... که از آن‌ها عوامل محیطی در سطح کلان یا عوامل اجتماعی عمومی، یاد می‌شود، اشاره کرد. در این بند به شرح عوامل نامبرده در مورد عزاداری‌های نامتعارف پرداخته می‌شود.

الف: اجتماع

جرم و انحراف در جوامع دینی و غیر دینی، مدرن و سنتی، همگن و ناهمگن و حتی در جوامع پیشرفته و توسعه یافته هم مشاهده می‌شود و از نظر زمانی هم این عناوین زاییده و ابداع شده عصر حاضر نیستند^۱. یکی از عوامل مؤثر در وقوع جرم و انحراف، محیط اجتماع و زندگی است و بررسی موضوعاتی مانند جوامع و شهرهای مختلف یک کشور و یا محله‌های متفاوت یک شهر مبین تأثیرگذاری محیط بر بزهکاری است. ابن‌خلدون از سویی به اختیار انسان باور داشته و از سوی دیگر، با پذیرفتن اجتماعی بودن انسان، به نقش عمده‌ی عوامل محیطی و اجتماعی بر عملکرد او اعتقاد دارد^۲. بنابراین تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در اشاعه‌ی رفتار بزهکارانه از سایر عوامل کمتر نیست. محیط‌های اجتماعی‌عام (کلان)، محیط‌های عمومی یا کلی هستند که همه‌ی اجتماع را شامل می‌گردند. آگوست کنت معتقد بود که عوامل اجتماعی به شدت در رفتار و اعمال افراد مؤثر بوده و آن را شکل می‌دهد. وی با برجسته کردن عوامل و شرایط اجتماعی و نقش آن‌ها در پیدایش جرم، موجب به وجود آمدن مکاتبی در ارتباط با مسأله ظهور جرم و انحراف گردید که همه‌ی آن‌ها در این موضوع که جرم و انحراف پدیده‌های اجتماعی و دارای منشأ اجتماعی هستند، مشترک‌اند^۳. گابریل تارد در این باره می‌نویسد: رفتار و اعمال هر فرد در اجتماع، ناشی از تقلید است. افراد با تقلید از عادات و رفتار دیگران، روابط اجتماعی خود را

۱- حجازی، الهه و صالحی، کیوان، عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹.

۲- خیری، علی و حاجی‌ده آبادی، محمدعلی، عوامل اجتماعی مؤثر در پیدایش کجروی و جرم از دیدگاه ابن‌خلدون، مجله معرفت فرهنگی- اجتماعی، شماره چهارم، سال سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۸۷.

برقرار می‌نمایند. حافظه، هوش، آداب و رسوم در تقلید، نقش موثری را ایفا می‌نمایند و کلیه تحولات اجتماعی از قبیل تحول قدرت‌ها، تحولات مذهبی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، هنری، زبان و در نهایت، زندگی روزمره ناشی از تقلید است و اجتماع متشکل از گروهی از افراد می‌باشد که از یک‌دیگر تقلید می‌کنند.^۱ در واقع طبق نظر تارد شیوع و گسترش یک جرم یا انحراف ناشی از این است که انسان‌ها در یک جامعه به اعمال و رفتارهای یک‌دیگر نظر دارند و از آن‌ها نمونه برداری و یا تقلید می‌کنند. وقتی در جامعه‌ای گروهی از افراد مرتکب یک رفتار خاصی می‌شوند، گروهی دیگر ناظر و مشاهده‌کننده‌ی این رفتارها می‌باشند و این افرادی که امروز شاهد و ناظر هستند در آینده‌ی نه چندان دور خودشان عامل و فاعل بسیاری از این اعمال و رفتارها می‌شوند و این همان تقلید و یادگیری اجتماعی است که جرم‌شناسان و روان‌شناسانی مانند، آلبرت باندورا، هال، پیاز، تولمن و... مفصل به این مقوله پرداخته‌اند. نظریه‌ی باندورا، یادگیری اجتماعی - شناختی است که یادگیری مشاهده‌ای و نظریه‌ی سرمشق‌گیری هم نامیده شده است^۲، محتوای این نظریه این است که، مردم می‌توانند از طریق مشاهده یاد بگیرند. باندورا در آزمایش معروف خود به نام «عروسک بوبو» نشان داد که کودکان رفتارهایی را که در دیگران مشاهده می‌کنند، یاد گرفته و تقلید می‌کنند. کودکانی که در آزمایش باندورا شرکت کرده بودند، آدم بالغی را مشاهده کردند که رفتار خشنی با «عروسک بوبو» داشت. هنگامی که بعداً به کودکان اجازه داده شد تا در یک اتاق دیگر به بازی با عروسک بوبو بپردازند، آنها شروع به تقلید و تکرار رفتارهای خشنی که قبلاً مشاهده کرده بودند نمودند. به عقیده باندورا، یادگیرنده باید علاوه بر توجه و علاقه، توانایی تقلید و الگوبرداری هم داشته باشد. یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد و پیامدهای ثمربخش، یا زبان‌بار خود را به دنبال خواهد داشت^۳. از نظر باندورا، بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در اولین تحقیق باندورا و والترز در زمینه علل خانوادگی پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری از طریق مشاهده‌ی

1 - <http://www.vekalatonline.ir/print.php?ToDo=ShowArticles&AID=7567>

۲- آقاییوسفی، علیرضا و دیگران؛ روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰-۲۳۹.

۳- پارسا، محمد، زمینه نوین روان‌شناسی، تهران، انتشارات بعثت، چاپ بیستم، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷.

رفتار دیگران، تأکید شده است؛ به همین دلیل، ایشان یادگیری مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری به حساب می‌آورد.^۱ بنابر آنچه گفته شد شیوع و گسترش برخی از رفتارهای پر خاشگرانه، مجرمانه، منحرفانه و... در اجتماع، مدلول تقلید و یادگیری اجتماعی می‌باشد. مسئله‌ی عزاداری‌ها که امروزه بسان بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر در مسیر تغییر و تحول قرار گرفته است و گونه‌های نامتعارفی در عزاداری‌ها ابداع و گسترش یافته است بدون شک گسترش و شیوع آن‌ها متأثر از نگاه عزاداران به یکدیگر و به اصطلاح تقلید و یادگیری این گونه عزاداری‌ها از دیگران می‌باشد. با توجه به تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های شفاهی و با عنایت به پرسش‌نامه‌های مطروحه بین جامعه‌ی عزادارانی که در عزاداری‌ها اقدام به قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌کنند، تقلید و یادگیری این نوع عزاداری‌های نامتعارف توسط عزاداران به وضوح مشهود است. به طوری که از جامعه‌ی صد نفری عزاداران مصاحبه‌شونده، ۳۵ نفر از آن‌ها صراحتاً بیان کردند که ما این گونه عزاداری‌ها را با تقلید از دیگر عزاداران یاد گرفته‌ایم و از فحوای کلام ۷ نفر دیگر از این عزاداران، یادگیری این گونه رفتارها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) در جامعه قابل برداشت می‌باشد. بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت که، یادگیری این گونه از عزاداری‌ها در اثر مشاهده‌ی آن‌ها و تقلید کردن از افرادی که به این شیوه‌های عزاداری مبادرت می‌ورزند یکی از عوامل عمده‌ی شیوع و گسترش عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) می‌باشد و بین تقلید عزاداران و شیوع این گونه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها رابطه‌ی هم‌بستگی مثبت وجود دارد.

ب: وضعیت مالی و اقتصادی

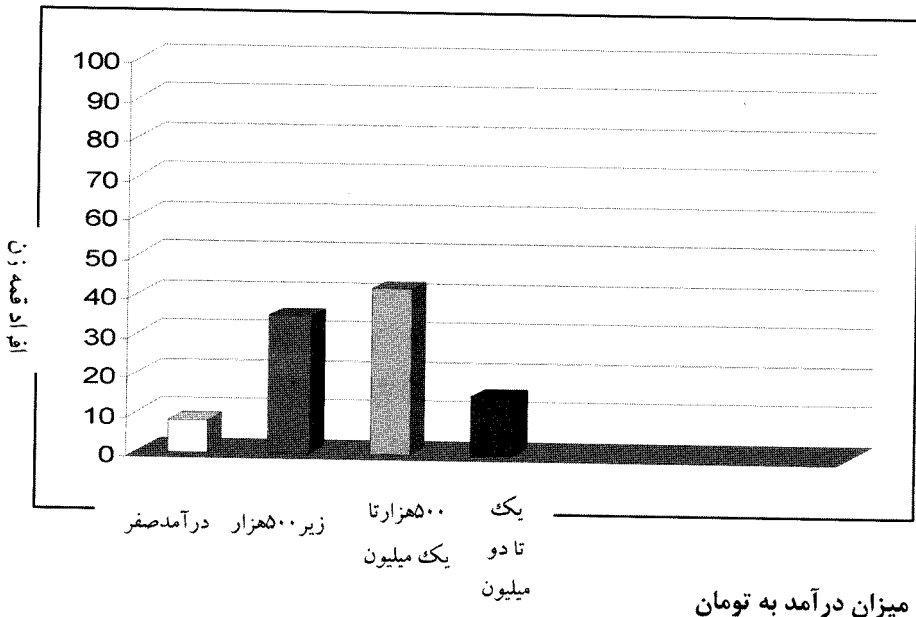
بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و نابهنجارترین دردهای زندگی انسان است. در واقع، فقر عاملی است که در کنار عوامل دیگر احتمال انجام جنایات و بسیاری از کج‌روی‌های دیگر توسط افراد جامعه را بالا می‌برد.^۲ این ایده که در ذهن برخی از افراد ریشه دوانده است که، فقر و مشکلات اقتصادی

۱- کدیور، پروین، روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸.

۲- شریفی، ادیب، بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مرتبط با جرم، پایان نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز اسلام آباد غرب، بهار ۱۳۹۱، ص ۵۱.

فقط در ارتکاب جرایم مالی مؤثر است ایده‌ی قابل قبولی نیست بلکه ثابت شده است که فقر و وضعیت نابسامان مالی و اقتصادی، افراد را مهیا و مستعد انجام انواع و اقسام جرایم و انحرافات اجتماعی می‌نماید چرا که، فقر مالی بر روی ذهن و تفکرات شخص تأثیر مخرب دارد و شخصیت افراد را در معرض تغییر و تحول قرار می‌دهد و روابط بین اعضای خانواده را سرد و بی روح می‌کند و نهایتاً پرخاشگری رواج یافته و این افراد به جسم و جان خود توجه چندانی ندارند.

بیشتر افرادی که به رفتارهای منحرفانه و نامتعارفی که هیچ‌گونه جنبه و وجهه‌ی مالی و اقتصادی ندارند روی می‌آورند، در فقر و وضعیت نابسامان اقتصادی به سر می‌برند. برای نمونه، بیشتر افرادی که در عزاداری‌ها شرکت می‌کنند و اقدام به قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌کنند، از لحاظ اقتصادی و مالی در مرتبه‌ی پایین جامعه قرار دارند به‌طوری‌که از جامعه‌ی صد نفره قمه‌زنان مصاحبه‌شونده و پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه‌های مطروحه، ۸ نفر از این افراد با وجود این که در سن اشتغال قرار دارند اما بیکار هستند و درآمدی ندارند، ۳۵ نفر از آن‌ها کمتر از پانصد هزار تومان، ۴۲ نفر بین پانصد هزار تا یک میلیون تومان، و ۱۵ نفر باقی‌مانده نیز از یک تا دو میلیون تومان درآمد ماهیانه دارند.



با توجه به میزان درآمد این دسته از عزاداران به وضوح می‌توان گفت که، بیشتر آن‌ها در وضعیت نابسامان مالی و اقتصادی به سر می‌برند و به بیان دیگر رابطه‌ی هم‌بستگی بین فقر و یا وضعیت نامساعد اقتصادی با گرایش به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف پذیرفته است.

پ: سیاست

در برخی از انحرافات و لغزش‌های افراد، عوامل سیاسی، کم یا بیش می‌توانند دخیل باشند. عوامل سیاسی به دولت‌ها و حکومت‌ها و منافع آن‌ها مربوط می‌شوند. به طور کلی هر حکومتی در نزد خود یک سری اهداف و دور نماهایی دارد و در راستای رسیدن به آن‌ها تمام تلاش‌ها و تاکتیک‌های موجود را بکار گرفته تا به نتیجه‌ی مورد نظر خود نائل آید. از دیرباز همگان متوجه این امر بوده‌اند که برخی از کشورهای بیگانه از وحدت و یک‌پارچگی و قدرت گرفتن مسلمانان بیم داشته، به همین دلیل، سعی بر آن داشته‌اند که از گرویدن مردم به دین اسلام جلوگیری کنند و حتی بین خود مسلمانان (شیعه و سنی) تفرقه افکنی کرده و با دست گذاشتن بر روی برخی از کارها و رسم و رسومات مسلمانان و به خصوص شیعیان، حقانیت دین اسلام را زیر سؤال برده‌اند. یکی از مهم‌ترین رسوماتی که بین مسلمانان و به طور خاص شیعیان وجود دارد و به تعبیری شناسنامه‌ی شیعه می‌باشد، مسئله‌ی عزاداری است که مسلمانان با جدیت این گونه مراسم را تا به امروز دنبال کرده‌اند. اما از آنجایی که تلاش بیگانگان در راستای تعطیل کردن سنت عزاداری و باز داشتن مسلمانان از عزاداری کردن به نتیجه نرسیده است با سیاست دیگر به مبارزه با این امر پرداخته‌اند و تلاش خود را در جهت انحراف عزاداران از مسیر معمول و متعارف عزاداری‌ها، بکار گرفته‌اند. از سرمایه‌گذاری کردن و مانور دادن برخی از کشورهای بیگانه و جهت‌گیری متعارض آن‌ها در زمینه‌ی عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی) در چندین سال اخیر، به خوبی هدف شوم آن‌ها قابل برداشت است برای نمونه، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کشور انگلستان در مشهد برای هیئت‌های مذهبی کمک‌های مالی فرستاد؛ انگلیس و دربار پرچم‌های عزاداری بین هیئت‌ها تقسیم کردند، سفارت انگلیس هزینه کرد و آلت قمه را بین عزاداران امام حسین (ع) توزیع کرد، تا این نوع عزاداری را در بین مردم رواج دهند^۱ و از

طرف دیگر با انتشار تصاویر دل‌خراش و مایوس‌کننده‌ی قمه‌زنی برخی از عزاداران، اسلام را دینی پوچ و خرافی و مسلمانان و به خصوص شیعیان را انسان‌هایی با خوی وحشیانه به عالم معرفی می‌کنند. در عصر حاضر هم این کشورها از این‌گونه عزاداری‌ها (قمه‌زنی) جهت ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی بین مراجع و علمای عظام شیعه و ترویج فرهنگ خشونت در بین مردم استفاده می‌کنند و مخالفت برخی از مراجع بزرگ شیعه و همچنین رهبر معظم انقلاب با این‌گونه از عزاداری‌ها را دست‌مایه‌ای برای تحریک احساسات برخی از عزاداران و وسیله‌ای برای جولان دادن بر روی نیت شوم غیر اسلامی و انسانی خود قرار داده‌اند. بنابراین سیاست را می‌توان یکی از عوامل شیوع و گسترش قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها در عصر حاضر دانست.

ت: فرهنگ

فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی است. به بیان رساتر، فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. فرهنگ از آن مردم است؛ رفتارهای جمعی افراد متأثر از فرهنگ آن‌هاست و فرهنگ می‌تواند هنجاری را در جامعه تقویت یا تضعیف کند^۱. ادوارد تایلور فرهنگ را، مجموعه‌ی پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه، از جامعه‌ی خویش فرا می‌گیرد، تعریف می‌کند^۲. هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ می‌تواند به رفتار آدمی شکل دهد و او را به سمت کنش و واکنش‌هایی مختلفی سوق دهد؛ چرا که فرهنگ، ارزش حاکم بر فرد و جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند^۳. فرهنگ خانواده‌ها و محله‌ها معمولاً به صورت خودکار و در اثر تعامل افراد با دیگران به آن‌ها تزریق می‌شود. بنابراین وقتی یک عمل و رفتاری در جامعه، محله و یا یک گروه تبدیل به عادت شده و در زمزمه‌ی باورهای

۱- پورافکاری، نصراله، پرخاشگری و فرهنگ، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد دهم، شماره ۱ و ۲،

سال ۱۳۷۸، ص ۲۷

۲- آشوری، داریوش، تعریفا و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۷۵.

۳- محمدی، اقبال، عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۳، صص ۲-۱.

افراد قرار می‌گیرد، گفته می‌شود که این عمل در فرهنگ این جامعه، محله یا گروه پذیرفته شده است و چه بسا فرهنگ‌های دیگر این عمل یا رفتار را برنتابند و به مخالفت صریح با آن بپردازند. یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز جرم و انحراف در جامعه فرهنگ‌های متنوع می‌باشد. در مورد برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) نیز، نکات و توضیحات فوق، صادق است به بیان دیگر، عزادارانی که اقدام به قمه‌زنی و تیغ‌زنی بر جسم خود می‌کنند این عمل برای آن‌ها مقبول و تبدیل به عادت و رویه شده است و به صحت و مشروعیت این‌گونه عزاداری‌ها ایمان و باور قلبی دارند و در نظر آن‌ها این رفتارها کاملاً اخلاقی می‌باشند بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت که عزاداری‌های مذکور در فرهنگ این دسته از عزاداران جای دارند. اما این‌گونه از عزاداری‌ها در کلیت اجتماع پذیرفته نشده‌اند و به بیان دیگر غیر معمول و نامتعارف می‌باشند و با توجه به بحثی که در نوشتارهای قبل در مورد ماهیت این رفتارها شد، انحراف بودن این‌گونه از عزاداری‌ها استنباط شد. بنابراین روشن می‌گردد که برخی از فرهنگ‌ها عامل ایجاد انحراف در بعضی از رفتارها و رسوم موجود در جامعه می‌باشند برای نمونه فرهنگ موجود در برخی از محله‌ها و گروه‌های عزادار، عاملی جهت گرایش به قمه‌زنی و تیغ‌زنی و گسترش این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف می‌باشد.

بند دوم: عوامل خُرد محیطی

برخی از علل و عوامل زمینه‌ساز جرم و انحراف، در محیط نزدیک به فرد نهفته است؛ محیطی که شخص مدام با آن سر و کار دارد و به عبارتی، امورات وی در آن محیط می‌گذرد، در کنار آن محیط رشد و نمو می‌یابد و تربیت می‌شود. برای نمونه می‌توان به خانواده، گروه هم‌سالان، گروه محله، مدرسه و ... اشاره کرد که از آن‌ها با عنوان «عوامل خُرد محیطی» یا «محیط اجتماعی خصوصی» یاد می‌شود. این‌گونه محیط‌ها به وضوح تأثیرات غیر قابل اغمازی بر روی افراد جهت کشش و سوق یافتن آن‌ها به سمت و سوی جرم و انحراف دارند که در این بند به چگونگی تأثیر گذاری و شرح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف: خانواده

خانواده پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده زندگی انسان و خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت‌ها و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. خانواده به عنوان یک سیستم

اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان با هم زندگی می‌کنند. خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند^۱. خانواده مکانی است که نخستین تعلقات عاطفی، رفتاری، گفتاری و ... انسان‌ها در آن بنا نهاده شده و جامعه‌پذیری و شیوه‌های رفتار با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی که عدم برخورد و واکنش مناسب به آن‌ها زمینه‌ساز وقوع جرایم و انحرافات گوناگون می‌شود را در آن فرا می‌گیرند. به طور کلی می‌توان گفت: مأموریت خانواده تربیت صحیح فرزندان می‌باشد. از این رو جامعه‌شناسان کارکردهای گسترده‌ای برای نهاد خانواده بر می‌شمرند که عبارتند از: هدایت فکری و مذهبی، تأمین نیازهای اقتصادی، حمایت و مراقبت از اعضا، جامعه‌پذیری، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ... و با قاطعیت می‌توان گفت که، رسالت پیشگیرانه خانواده از انحرافات و جرایم بسیار مهم و کلیدی است^۲. به بیان دیگر خانواده می‌تواند از یک طرف از وقوع جرایم و انحرافات اعضای خود جلوگیری کند و از طرف دیگر خانواده استعداد این امر را دارد که اعضای خود را به انحراف و بی‌راهه بکشاند. خانواده‌ها در امر تربیت فرزندانشان به درست یا غلط عقاید و باورهایشان را به اعضای خود تحمیل می‌کنند^۳. در واقع، خیل عظیمی از رفتارهای فرزندان و اعضای خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... مبرز و بیانگر عقاید و تفکرات مدیران و بزرگان خانواده‌ها می‌باشند.

افراد در شیوه‌ی عزاداری کردن هم از خانواده‌های خود تأثیرپذیر می‌باشند به همین دلیل، چنان‌چه در محیط خانواده‌های عزاداران، به دنبال ریشه‌یابی و کشف عوامل‌گرایش افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند، قمه‌زنی و تیغ‌زنی باشیم به بیراهه نرفته‌ایم. امروزه برخی از عزادارانی که موافق قمه‌زنی و تیغ‌زنی به جسم خود در عزاداری‌ها می‌باشند بعضاً به صورت خانوادگی و گروهی اقدام به چنین عزاداری‌هایی می‌کنند و یا حداقل اینکه، خانواده‌ها از این‌گونه عزاداری کردن اعضای خود آگاه هستند و حتی مشوق آن‌ها در این امر می‌باشند. به‌گونه‌ای که از میان صد نفر افرادی که خود فاعل این قبیل

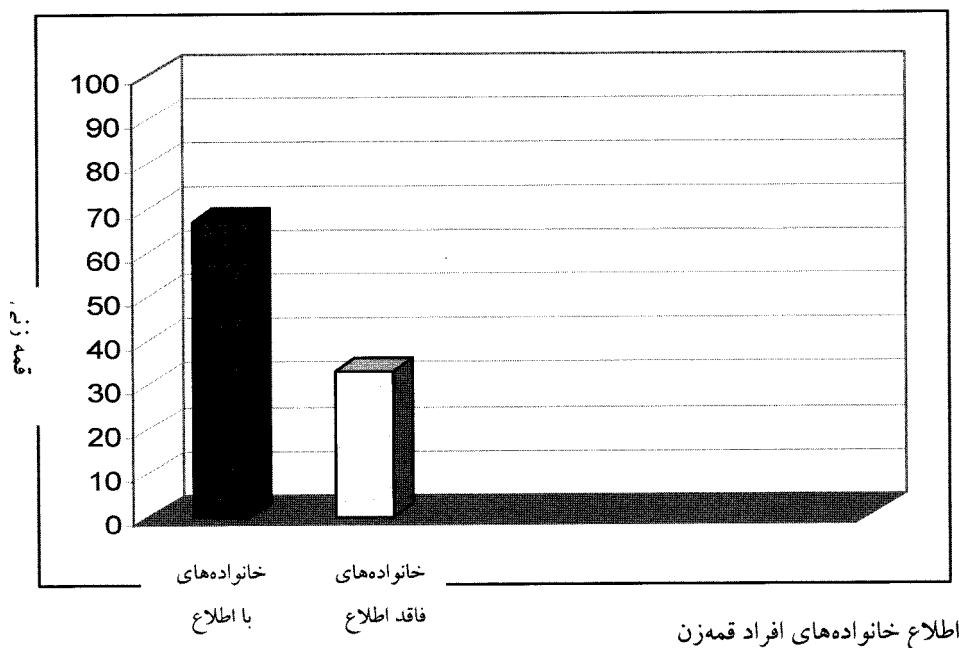
۱- ستوده، هدایت الله و بهاری، سیف الله، آسیب شناسی خانواده، تهران، انتشارات ندای آریانا، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۶۷-۳۹.

۲- خورشیدی، عباس، رفتار والدین و تربیت فرزندان، تهران، انتشارات یسپرون، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۶۹.

۳- بابائی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۵۵.

عزاداری‌های نامتعارف می‌باشند ۱۹ نفر از آن‌ها اظهار داشتند: «ما به همراه پدر یا فرزند یا برادر یا عموزاده‌ی خود (در کنار خانواده) در مراسم قمه‌زنی و تیغ‌زنی در ایام خاصی از سال شرکت می‌کنیم و ۴۸ نفر از عزاداران نام‌برده نیز بیان داشتند: «خانواده‌ی ما از شرکت کردن ما در مراسم قمه‌زنی و تیغ‌زنی اطلاع کامل دارند و ما را به انجام این‌گونه از عزاداری‌ها تشویق می‌کنند و حتی به ما امر می‌کنند که این سنت حسنه (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) را به فرزندان و دوستان خود توصیه کنید و نگذارید که این سنت به فراموشی سپرده شود». با توجه به توضیحات فوق روشن است که خانواده‌ها در مبادرت ورزیدن افراد به این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف و ترویج آن‌ها نقش به‌سزایی دارند و با قاطعیت می‌توان «خانواده» را یکی از محیط‌هایی دانست که منجر به ایجاد انحراف در عزاداری‌ها شده است.

نمودار زیر به خوبی بیانگر اطلاع بیشتر خانواده‌ها از قمه‌زنی اعضای خود می‌باشد.



ب: گروه همسالان

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه‌ی گفتار، کردار، رفتار و

مَنیش او هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و هم‌سالان باشد، با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد و مورد عتاب و سرزنش آن‌ها قرار نگیرد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است و به اصطلاح هم‌رنگ و تابع دوستان خود می‌شود. در غیر این صورت، از آن جمع طرد و رانده می‌شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می‌گردد، تا حدّی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه هم‌سالان، هم‌فکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد. ساترلند در نظریه‌ی «انتقال فرهنگی کجروی»، به این نکته مهم اشاره می‌نماید که، رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران (منحرفان و دوستان ناباب)، آموخته می‌شود و همان‌گونه که هم‌نویان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته و خود را با آن انطباق می‌دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهم‌نوایی تمایل پیدا می‌کنند و از معیارهای متعارف جامعه فاصله می‌گیرند^۱. الگو برداری افراد، از گروه هم‌سالان در اثر هم‌نشینی با آن‌ها را در این سخن پیامبرگرمی اسلام (ص) نیز می‌توان استنباط کرد: «المرء علی دین خلیله و قرینه‌آ» یعنی هر انسانی بر شیوه و طریقه‌ی دوست و رفیق خود زندگی می‌کند. در واقع رفتار مجرمانه یا منحرفانه، درون یک گروه خاصی از افراد (هم‌سالان) که روابط صمیمی و دوستانه‌ای با یک‌دیگر دارند پایه‌ریزی شده و رواج می‌یابد. مقوله‌ی عزاداری‌های نامتعارف نیز از این مسئله متمایز نیست. به بیان دیگر افراد در اثر نشست و برخاست با دوستان و هم‌سالان خود برخی از شیوه‌ها و انواع عزاداری‌ها را از آن‌ها یاد می‌گیرند و به اصطلاح هم‌سالان خود را در این زمینه الگو قرار داده و با آن‌ها در عزاداری‌ها شرکت کرده و بسان آن‌ها اقدام به عزاداری می‌کنند و توانایی و جسارت مخالفت با دوستان و هم‌سالان خود را در انجام دادن این‌گونه

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیّه و تنظیم: مهدی صوری پور، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، صص ۵۶-۵۵.

۲- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الأمالی (للشیخ الطوسی)، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۵۱۸.

عزاداری‌های نامتعارف ندارند چرا که، در صورت مخالفت از گروه آن‌ها طرد شده و به روابط دوستانه آن‌ها خدشه وارد می‌شود. در پژوهش میدانی انجام شده نقش گروه هم‌سالان در گرایش افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... کاملاً مشهود است؛ به گونه‌ای که از صد نفر افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده و به پرسش‌نامه‌های مطروحه پاسخ داده‌اند، ۳۲ نفر به صراحت اذعان داشتند: «قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها را از دوستانمان یاد گرفته‌ایم و در حال حاضر هم برخی از ایام خاص که مراسم عزاداری می‌باشد با دوستان و هم‌سالان خود در مراسم قمه‌زنی و تیغ‌زنی شرکت می‌کنیم». با توجه به توضیحات فوق و داده‌های آماری استخراج شده از پرسش‌نامه‌های مطروحه می‌توان گفت که گروه هم‌سالان و دوستان در ترویج این گونه عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) بین افراد، نقش قابل توجهی دارد.

پ: محله‌ها و مکان‌های خاص

برخی از مناطق شهرها و روستاها بیشتر از سایر مکان‌ها در معرض ارتکاب جرم و انحراف قرار دارند. مثلاً مناطقی که فرهنگ‌های مختلفی در آن زندگی می‌کنند به دلیل تعارض فرهنگ‌ها و عدم سازگاری مردم با یک‌دیگر، اقدام به انجام اعمال ممنوعه (جرم) بیشتر، و در مناطقی که عقاید پوچ و خرافی بر بیشتر مردمان آن حاکم است، احتمال انحراف و کج‌روی بیشتر است. به نظر می‌رسد از آن جایی که، مجرمان و منحرفان در بین مردم جامعه جایگاهی ندارند و اعمال و رفتارهای آن‌ها به شدت از سمت افراد متعارف جامعه نقد می‌شوند و خودشان هم مورد عتاب قرار می‌گیرند؛ لذا سعی در پوشاندن اعمال خود از دید مردم و انتظار عموم دارند و یا این که برای انجام اعمال انحرافی خودشان به محله‌ها و مکان‌هایی می‌روند که مردمان آن محل نیز در اعتقاداتشان مشترک و به اصطلاح هم‌رنگ خودشان می‌باشند. بنابراین در برخی از محله‌ها و مکان‌های خاص شاهد یک‌سری از رفتارهایی هستیم که مورد پذیرش عموم مردم نیست و خلاف هنجار و ارزش حاکم در سطح جامعه می‌باشند و در اصطلاح حقوقی به این گونه رفتارها «انحراف» اطلاق می‌شود. برای نمونه می‌توان به رفتارهای نامتعارفی مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی که توسط عده‌ای از عزاداران در عزاداری‌ها انجام می‌شود اشاره کرد؛ وقتی گروهی از افراد عزادار قصد قمه‌زنی و تیغ‌زنی دارند، بیشتر در مکان‌هایی به این عمل مبادرت می‌ورزند که، بیشتر اعضای آن

محل نیز به مقبولیت این گونه از عزاداری‌ها اعتقاد دارند. این مسئله به قدری اهمیت دارد که برخی از افراد عزادار در برخی از ایام سال مانند تاسوعا، عاشورا، اربعین حسینی، شهادت امام علی (ع) و... از شهرها و مناطق مختلف کشور به خمینی شهر اصفهان آمده و در مکان‌ها و محل‌های تعیین شده در این گونه از مراسم عزاداری (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) شرکت می‌کنند و دلیل این امر آن نیست که در شهرها و مناطقی که عزاداران از آن جا می‌آیند این گونه از عزاداری‌ها اصلاً وجود ندارد بلکه به این دلیل است که در برخی از شهرهای ایران مانند خمینی شهر و به صورت خاص برخی از محله‌های آن مانند «فروشان» و «ورنوسفاداران» این گونه از عزاداری‌ها از مقبولیت برخوردار بوده و با شور خاصی برگزار می‌شود بنابراین مکان تأثیر به‌سزایی در وقوع و شیوع جرم و انحراف دارد و به ضرس قاطع می‌توان گفت برخی از شهرها، مناطق و محله‌ها مستعد برای انجام و ترویج برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌باشند.

ت: رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای

رسانه^۱، در لغت به معنی رساندن و تحویل دادن می‌باشد و در اصطلاح به آن دسته از وسایلی گفته می‌شود که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد؛ رسانه از تمدن‌های جدید به وجود آمده و مورد توجه است. در واقع، رسانه‌های جمعی به تمام ابزارهای غیر شخصی ارتباط گفته می‌شود که به وسیله آن، پیام‌های دیداری و یا شنیداری به طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند؛ تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت، ماهواره، مجلات، کتب و... مصادیقی از رسانه‌های جمعی محسوب می‌شوند. در عصر حاضر رسانه‌ها طیف وسیعی از اقشار تمامی جوامع را پوشش می‌دهند و در توسعه و پیشرفت مقاصد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و... ملل مختلف تأثیری بی‌نظیر دارند. در عصر حاضر پدیده‌ی ماهواره و شبکه‌های - ماهواره‌ای به نحوی جدی و همه‌جانبه مطرح شده است. این شبکه‌ها با موضوعات و محتوای متفاوت و گسترده‌ای که دارند، به ارائه‌ی الگوهایی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و... می‌پردازند. الگوهایی که به مرور فرهنگ کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به تغییر و یا امحای هویت‌های گوناگون جوامع و ملل مختلف کمک می‌کنند. در واقع الگوهای ارائه شده از طریق این شبکه‌ها در تمامی

زمینه‌های زندگی روزمره‌ی ما وارد شده است و از جوانب مختلفی شیوه‌ی زندگی ما را تحت سیطره‌ی خود قرار داده‌اند. به بیان رساتر، می‌توان گفت‌که، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ی به ابزاری مؤثر در راستای شکل دادن، انتشار و القای ایدئولوژی‌های منحن دولت‌ها و صاحبان و سردمداران اصلی این رسانه‌ها تبدیل شده‌اند. این چنین وضعیت مهمی نوع جدیدی از سلطه را بر جوامع در حال توسعه و به ویژه جوامع مسلمان رقم زده که از آن تحت عنوان سلطه‌ی نرم و به عبارت بهتر امپریالیسم فرهنگی یاد می‌شود.^۱ امروزه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در زمینه‌ی ترویج و انتقال آموزه‌های دینی و مذهبی نقش قابل توجهی دارند. یکی از مهمترین آموزه‌های مذهبی عزاداری کردن برای ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است که این مهم مورد تأیید تمام علما و مراجع عظام می‌باشد و قاطبه‌ی این بزرگان بر استحباب و پسندیده بودن اصل عزاداری توافق و وحدت نظر دارند اما در مورد شیوه‌ی عزاداری کردن اختلاف نظر بین این بزرگان به وضوح مشهود است و برخی از فقها و مراجع شیعه، شدیداً با گونه‌هایی از عزاداری‌ها، مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... که از مسیر متعارف و معمول عزاداری خارج شده‌اند به مخالفت برخاسته‌اند و در مقابل برخی دیگر از بزرگان و صاحب‌نظران، به دفاع از این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف پرداخته‌اند و تمام سعی خود را در ترویج آن‌ها بکار گرفته‌اند. البته به نظر می‌رسد که اختلاف عقیده و فتوا بین مراجع شیعه در مورد مباحث و مسائل فقهی و به خصوص مستحدثات عصر حاضر، امری طبیعی است و صاحب‌نظران عرصه‌ی فقاقت، عقاید و نظرات خود را بیان داشته تا مقلدینشان از نظر ایشان اطلاع پیدا کرده و در این راستا عمل کنند، اما تشکیل و تأسیس برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای و تمسک به رسانه‌های جمعی و گروهی توسط برخی از صاحب‌نظران و مدعیان عرصه‌ی فقاقت برای ترویج نظرات و فتاوی خود در برخی از زمینه‌ها و مسائل مانند عزاداری‌ها و همچنین نقد و تخدیش نظرات و فتاوی دیگر صاحب‌نظران امری غیر طبیعی و دور از شأن اجتهاد و اخلاق فقاقت می‌باشد. اما باید پذیرفت که فعالیت‌های رسانه‌ای و ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در این زمینه بیهوده نبوده و اثر بخش واقع شده است و مردم در عصر حاضر از شبکه‌های ماهواره‌ای مانند شبکه‌ی امام حسین (ع) و شبکه‌ی اهل‌بیت، در زمینه‌ی عزاداری‌ها بسیار تأثیر

۱- مهربانی‌فر، حسین و خلیل زاده، سید محمد مهدی، شبکه‌های ماهواره‌ای (نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی)، تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۰.

پذیرفته‌اند و از عقاید و گفته‌های مدیران، صاحبان و مجریان این شبکه‌ها در این زمینه الهام گرفته‌اند. در واقع رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی نقش عمده‌ای در شرح و بسط عقاید و نظریات موافق، در زمینه‌ی عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی داشته‌اند و با تحریک احساسات مذهبی برخی از عزاداران، سبب گرایش این دسته از افراد به این گونه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها شده‌اند. به گونه‌ای که با توجه به پژوهش‌های میدانی انجام گرفته و متن مصاحبه‌ای که با عده‌ای از افرادی که در عزاداری‌ها اقدام به قمه‌زنی می‌کنند به درستی بر می‌آید که برخی از این افراد برنامه‌ها و سخنرانی‌های شبکه‌های ماهواره‌ای نامبرده را دنبال می‌کنند و در زمینه‌ی شعائر حسینی و نحوه‌ی عزاداری کردن از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌اند. بنابراین نقش رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای در ترویج این گونه از عزاداری‌ها به روشنی مشهود است و می‌توان آن‌ها را یکی از عوامل انحراف در عزاداری‌ها دانست.

مبحث دوم: پیشگیری از عزاداری‌های نامتعارف و راه کارهای مقابله با آن‌ها

در نوشتار قبل علل و عوامل گرایش افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف بیان شد و دانسته شد که برخی از عوامل فردی و اجتماعی در سوق یافتن افراد به این گونه از عزاداری‌ها نقش به سزایی دارند. در این مبحث به تشریح پیشگیری و راه کارهای مقابله با این گونه از عزاداری‌ها پرداخته می‌شود. اما قبل از آن که نسبت به این مهم اقدام شود شایسته است که به ذکر این نکته پرداخته شود که، آسیب‌ها و تالی فاسدهای زیادی از انجام این گونه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها حاصل می‌شوند و این آسیب‌ها و آثار سوء هستند که پیشگیری از آن‌ها را بایسته و ضروری می‌کنند برای نمونه، برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند؛ قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال گداخته، غلتیدن روی خرده شیشه و... به نوعی موجب رواج و گسترش فرهنگ و روحیه‌ی خشونت و پرخاشگری در جامعه می‌شوند و قبح خون و خون‌ریزی بین مردم به نوعی شکسته می‌شود چرا که، وقتی به کرات مردم بر انجام این گونه‌های عزاداری ناظر هستند و می‌بینند که برخی از عزاداران آلت برنده و تیزی به نام «قمه» را در دست گرفته و بر فرق سر خود و اطفال خویش می‌زنند و خون خود و اطفالشان را جاری می‌کنند، به مرور قبح خون‌ریزی، ریخته شده و به

اصطلاح چشم مردم با خون آشنا می‌شود و ناخودآگاه از میزان قباح‌ت اولیه‌ی خونریزی و تعرض به بدن خود و دیگران در انظار مردم کاسته می‌شود و برخی از افراد با مشاهده‌ی این گونه عزاداری‌ها قساوت قلب پیدا می‌کنند و این مهم خود می‌تواند عاملی در جهت افزایش میزان انحرافات و جرایم خشن در جامعه باشد. همچنین مبادرت ورزیدن به این گونه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها که بیشتر توسط شیعیان صورت می‌گیرد به طور غیر مستقیم منجر به اختلافات گسترده‌ای بین برخی از صاحب نظران عرصه‌ی فقه‌ت شده است؛ چرا که از طرفی برخی از فقها در برابر این گونه از عزاداری‌ها به مخالفت صریح نپرداخته‌اند و حتی عده‌ای اندک از این افراد نیز موافقت خود را با برخی از این گونه‌های عزاداری مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی بیان کرده‌اند و از طرف دیگر برخی از رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای این اختلافات بین مراجع و صاحب نظران را برجسته کرده و با دامن زدن به این گونه اختلاف نظر‌ها که تا حدودی امری طبیعی و معمول می‌باشند، بهره‌وری سیاسی و به اصطلاح سوء استفاده سیاسی می‌کنند و شیعه را مذهبی پوچ و با اندیشه‌های خرافی به عالم عرضه کرده و به تصویر می‌کشند و از این طریق از گرویدن مردم به مذهب شیعه جلوگیری می‌کنند و حتی اقدام به تفرقه افکنی بین شیعه و سنی کرده و از این طریق به اندیشه‌های شوم سیاسی خود جامه‌ی عمل می‌پوشانند. البته در سطح بالاتر انجام این گونه عزاداری‌ها منجر به مقایسه‌ی موردی ادیان مختلف توسط مردم می‌شوند و در نهایت ادیان دیگر را در مقایسه با دین اسلام دارای آموزه‌های مهربانی و تفکرات انسان دوستانه و در مقابل دین اسلام را دینی می‌دانند که هیچ توجهی به روح و جسم انسان نکرده و دارای آموزه‌های خشن و غیر منطقی می‌باشد و این امر منجر به اسلام ستیزی^۱ و یا اسلام گریزی می‌شود.

با توجه به آسیب‌ها و تالی فاسدهایی که از این گونه عزاداری‌ها حاصل می‌شوند و عدم کفایت پاسخ‌های دولتی (مجازات) برای مرتکبان این گونه عزاداری‌ها، اتخاذ اقدامات پیشگیرانه لازم و ضروری است به همین دلیل در این مقال به تشریح مقوله‌ی پیشگیری و راه‌کارهای مقابله با این قبیل عزاداری‌ها پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: پیشگیری و برخی از صور آن

قبل از آن که به بیان و شرح راه کارهای مقابله با عزاداری‌های نامتعارف پرداخته شود، لازم است پیشگیری و برخی از انواع آن به طور اجمالی بیان شود.

بند اول: پیشگیری در لغت و اصطلاح

پیشگیری^۱ در لغت به معنای جلوگیری و دفع است^۲ و در اصطلاح حقوقی، جرم‌شناسان تعابیر و تعاریف متفاوتی از این واژه ارائه کرده‌اند. برخی از جرم‌شناسان، پیشگیری از جرم را به دو گونه علمی تعریف نموده‌اند: در تعریف عام و موسع، می‌توان گفت: «هر اقدامی که از ارتکاب انحراف و جرم جلوگیری و در مقابل آن سد و مانعی ایجاد نماید، پیشگیری از جرم و انحراف نامیده می‌شود. این اقدامات شامل جنبه کیفری و غیرکیفری است»^۳. بر اساس این تعریف، اقداماتی که نرخ انحراف و بزهکاری را کاهش دهد، در حوزه تعریف عام پیشگیری قرار می‌گیرد. در تعریف خاص و مضیق از پیشگیری نیز نظرهای متفاوتی میان اندیشمندان این حوزه وجود دارد برای نمونه، برخی پیشگیری از بزهکاری را شامل ابزارهایی می‌دانند که دولت به منظور مهار بزهکاری به جهت محدود کردن یا حذف عوامل جرم‌زا به کار می‌گیرد^۴. برخی دیگر نیز معتقدند که پیشگیری از جرم در برگیرنده اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش می‌دهد. بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار بر ارتکاب جرم را شناسایی کرده و از سویی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال نماید. تعریف اخیر بهترین تعریف از پیشگیری و از کارایی بالای برخوردار بوده چرا که برای پیشگیری از یک عمل مجرمانه یا منحرفانه ابتدا باید این گونه اعمال را ریشه‌یابی کرد سپس در مقام پیشگیری از آن‌ها به اتخاذ اقداماتی در جهت از بین بردن ریشه و عوامل زمینه ساز این اعمال تدابیری اندیشیده شود. به طور کلی

۱- prevention.

۲- معین، منبع پیشین، ص ۳۰۵.

۳- نیاز پور، امیر حسین، «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸.

۴- پروین، ستار، پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره یک، ۱۳۸۶، صص ۱۵۲-۱۳۷.

پیشگیری از جرم و انحراف و اصلاح مجرمین مطابق با قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظائف قوه قضائیه می‌باشد و با اتخاذ تدابیر مختلف از طریق این قوه محقق می‌شود.

بند دوم: انواع پیشگیری

در یک تقسیم‌بندی کلی پیشگیری به کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود. در واقع، توجه به تاریخ و شیوه‌های مبارزه بشر با پدیده جرم، جرم‌شناسان، پیشگیری از جرم و انحراف را به دو گونه پیشگیری کیفری و پیشگیری غیرکیفری تقسیم کرده‌اند. پیشگیری کیفری عمدتاً ماهیت کیفری داشته و بر عهده قوه قضائیه می‌باشد. مخاطبان این نوع پیشگیری مجرمان می‌باشد. در واقع، اقدامات پیشگیرانه از جرم با جرم‌انگاری رفتارها و کیفر دادن مرتکبین این رفتارهای مجرمانه و اغلب در راستای پیشگیری از تکرار جرم انجام می‌گیرد. اما پیشگیری غیرکیفری شامل تدابیری است که ماهیت غیرکیفری داشته و بیشتر در راستای پیشگیری از بزه و نه تکرار آن اتخاذ می‌شود. این نوع پیشگیری که قبل از وقوع جرم و یا انحراف انجام می‌پذیرد عبارت است از، توسل به اقدام‌های غیرسرکوب‌گرانه و غیر قهرآمیز، که دارای جنبه فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و... هستند و به منظور جامعه‌پذیرشدن و قانون‌گرا ساختن افراد و حفاظت و مصون‌سازی آن‌ها از روی آوردن به جرم و انحراف و جهت جلوگیری از وقوع آن‌ها در جامعه صورت می‌پذیرد.

واقعیت امر آن است که پیشگیری غیرکیفری در عمل بسیار مؤثرتر از پیشگیری کیفری واقع می‌شود. بنابراین عمده بحث ما در این مقال، پیشگیری و اقدامات پیشگیرانه غیرکیفری و در سطح کلان و عمده پیشگیری اجتماعی^۱ می‌باشد اما ابتدا به شرح پیشگیری وضعی^۲ و امکان پیشگیری کردن از انجام برخی از گونه‌های نامتعارف عزاداری‌ها پرداخته می‌شود.

1- social crime prevention.

2- situational crime prevention.

الف: پیشگیری وضعی و عزاداری‌های نامتعارف

پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد» تعریف کرده‌اند و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند.^۱ یا به طور صریح‌تر پیشگیری وضعی شامل اقدامات غیر کیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه و یا منحرفانه با تغییر دادن اوضاع احوال خاصی است که یک سلسله جرایم و انحرافات مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد. برخی از جرم‌شناسان پیشگیری وضعی را «متکی بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی می‌داند که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش، یا خطر پیگرد متهم را در صورت مؤثر واقع نشدن بازدارندگی، افزایش می‌دهد».^۲ در واقع هدف پیشگیری وضعی تهدید موقعیت‌های ارتکاب جرم است به عبارت دیگر هدف این رویکرد کاهش فرصت‌های مجرمین برای ارتکاب جرم و روی آوردن به کج‌روی است. و همچنین این اصطلاح اشاره به سخت‌تر کردن مسیر روی آوردن افراد به جرم و انحراف دارد. به بیان دیگر در پیشگیری وضعی بدون توجه به شخصیت مجرم و منحرف و تلاش برای حذف تمایلات مجرمانه و اصلاح شخصیت نابهنجار و نامتعارف شخص ضد اجتماعی، تمام تلاش و تمرکز صرفاً بر روی کاهش فرصت‌های مجرمانه و عقیم کردن اندیشه‌های مجرمانه می‌باشد؛ به عبارتی کانون توجه این نوع پیشگیری بر روی محیط‌هایی است که جرم در آن محقق می‌شود و به شخص و شخصیت بزه‌کار و فرد ضد اجتماعی که از میانگین و متعارف جامعه فاصله گرفته و به اصطلاح منحرف شده است، ندارد و در راستای عملی کردن این نوع پیشگیری، پلیس نقش به‌سزایی دارد چرا که پلیس در تعامل مستقیم با جامعه و شهروندان می‌باشد و امروزه این نهاد انتظامی، علاوه بر نقش و تکلیف ضابطیت که جنبه واکنشی دارد؛ نقش پیشگیرانه و کنشی نیز دارد.^۳ در مورد پیشگیری از انجام برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند

۱- معظمی، شهلا، پیشگیری جرم‌شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۶.

۲- صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳.

۳- مقیمی، مهدی و رفعتی اصل، سیدعزیز، پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۶۹-۶۸.

قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... نیز از پیشگیری وضعی استفاده می‌شود. در واقع از آن جایی که این‌گونه از عزاداری‌ها مصداق بارز انحراف می‌باشند و از طرف دیگر به دلیل آثار مخرب فراوانی که از مبادرت ورزیدن به آن‌ها حاصل می‌شود، هر ساله قوه قضاییه و به صورت گسترده‌تر نیروی انتظامی قبل از انجام این‌گونه از عزاداری‌ها اقدام به هشدار دادن و تهدید کردن این دسته از عزاداران می‌کنند و برخورد شدید قانونی و قضایی را در قبال انجام این‌گونه از عزاداری‌ها به عزاداران نوید می‌دهند و از طرف دیگر نیروی انتظامی با آماده باش شدن و حضور یافتن در محل‌هایی که از سال‌ها قبل در آن مکان‌ها برخی از عزاداران اقدام به قمه‌زنی، تیغ‌زنی و سایر عزاداری‌های نامتعارف می‌کردند و معمولاً محل همیشگی عزاداری کردن این دسته از عزاداران بوده و می‌باشد فرصت انجام این‌گونه از عزاداری‌ها را از عزاداران سلب کرده و هر شخصی که مبادرت به انجام این نوع از عزاداری‌ها کند را دستگیر و در اسرع وقت به مرجع قضایی جهت برخورد کیفری با آن‌ها معرفی کرده و مقامات قضایی نیز در عمل با این دسته از افراد برخورد کیفری می‌کنند. در واقع همین تهدیدها و هشدارهای مقامات قضایی و انتظامی و حضور یافتن نیروهای انتظامی در محل به نحوی سلب فرصت و موقعیت از این دسته از عزاداران و تغییر دادن شرایط و وضعیت محیطی، است که آن‌ها قصد ارتکاب این‌گونه از عزاداری‌ها را در آن‌جا دارند و این امر منجر به پیشگیری وضعی از انجام این‌گونه عزاداری‌ها می‌شود؛ لازم به ذکر است که با وجود اینکه پیشگیری وضعی در عمل بدون نتیجه نبوده و این نوع پیشگیری مانع از انجام این‌گونه از عزاداری‌ها توسط عده‌ای از افراد شده است ولی از آن جایی که این دسته از عزاداران به این شیوه‌های عزاداری ایمان و اعتقاد دارند لذا بیشتر آن‌ها در هر موقعیتی (حتی با نظارت و حضور پلیس و وجود هشدارها و تهدیدات قبلی) به این نوع از عزاداری‌ها مبادرت می‌ورزند به گونه‌ای که برخی از این افراد چند بار در محاکم قضایی محاکمه و محکوم به مجازات شده‌اند لکن باز هم اقدام به این‌گونه از عزاداری‌ها می‌کنند بنابراین پیشگیری وضعی هم در عمل چندان مفید و مؤثر واقع نشده است. بنابراین اکتفا کردن به برخورد کیفری و پیشگیری وضعی در قبال این دسته از عزاداران چندان مثمر ثمر نبوده و در سطح وسیع استعداد و قابلیت بازداشتن خیل عظیمی از افراد عزادار را از انجام این‌گونه از عزاداری‌ها ندارد چرا که مقابله کردن با اعتقادات افراد نتیجه‌ای در بر ندارد بلکه باید به دنبال راه‌حل‌های دیگری بود.

ب: پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به دنبال شناسایی علل و عوامل اجتماعی که زمینه‌ساز جرم و انواع کج‌روی‌های اجتماعی هستند، می‌باشد و با هدف قرار دادن این‌گونه عوامل سعی دارد که از تولید جرم و انحراف در جامعه ممانعت کند. البته در برخی از متون جرم‌شناسی از این نوع پیشگیری با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق توسعه‌ی اجتماعی» یاد شده است اما «محدود نمودن پیشگیری اجتماعی به پیشگیری از طریق توسعه‌ی اجتماعی صحیح نیست. زیرا توسعه‌ی اجتماعی تنها بخشی از راهبردهای پیشگیری اجتماعی است و نامیدن این دسته از پیشگیری‌ها با این نام، جامعیت لازم را از آن سلب می‌کند»^۱. در واقع در پیشگیری اجتماعی تمام سعی بر آن است که با انجام برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن‌ها و درمان نارسائی‌های اجتماعی و بالا بردن ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و مذهبی شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان و منحرفان بالقوه بهبود یافته و این روند به کاهش میزان جرم و انحراف منتهی شود؛ این مهم، کنترل بزهکاری و کج‌روی‌ها و همکاری و مساعدت بیشتر نهادهایی را می‌طلبد که مرتبط با بزهکاری و کج‌روی است. تأمین امکانات لازم برای افراد، بالا بردن سطح فرهنگی و بینش اعتقادی و مذهبی مردم، از بین بردن بیکاری، و جلوگیری از مهاجرت از جمله مهم‌ترین برنامه‌ها و مؤلفه‌هایی است که در پیشگیری اجتماعی از جرم و انحراف می‌تواند مورد تأکید و توجه قرار گیرد. این رویکرد پیشگیرانه از جرم و انحراف برای اینکه بیشتر اثرگذار باشد باید در جهت رفع نیازهایی بکوشد که برای سال‌های طولانی در زندگی افراد وجود دارد. جلوه‌های تدابیر پیشگیری اجتماعی به صورت مختلف ظاهر می‌شود؛ از یک سو با مداخلاتی مواجه هستیم که محل اجرای آن محله و شهر محل زندگی است. در این خصوص از پیشگیری اجتماعی کلاسیک یا پیشگیری اجتماع‌مدار صحبت می‌شود. از سوی دیگر برنامه‌هایی می‌توان یافت که کانون توجه آن‌ها، فرد و خانواده او هستند که در اینجا در زبان جرم‌شناسی، از پیشگیری رشد مدار صحبت به میان می‌آید؛ یعنی مداخله در مورد عواملی که چنانچه مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گیرد، فرد دچار انحراف و بزهکاری زودرس می‌شود. در پیشگیری اجتماع‌مدار به جامعه و محله‌ای که افراد در آن

۱- محمدنسل، غلامرضا و دیگران، راهنمای علمی کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۱، ص ۲۷.

زندگی می‌کنند و شرایط اجتماعی که زمینه‌ساز جرم و انحراف هستند توجه می‌شود و در این نوع پیشگیری تلاش بر آن است که این عوامل را خنثی کرده و به نحوی این عوامل و شرایط را مدیریت و کنترل کرده تا افراد را در معرض کشش به سمت کج‌روی و بزه و تمایل به ارتکاب آن‌ها قرار ندهد. اما در پیشگیری رشد مدار که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پیشگیری اجتماعی می‌باشد، بیشتر به روند و جریان رشد افراد از دوره‌ی کودکی و نوجوانی توجه می‌کند به همین دلیل به این نوع پیشگیری اجتماعی، پیشگیری زودرس نیز گفته می‌شود. در واقع، «پیشگیری زودرس به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکار و منحرف یا در معرض بزهکاری و کج‌روی به منظور پیشگیری از بزهکاری و انحرافات احتمالی آن‌ها در آینده (دوران بزرگسالی)، می‌باشد که این مداخله شامل اقدام‌هایی می‌شود که ناظر به گروه خاص کودکان و نوجوانان کم سن و سال و مکان‌های جامعه‌پذیری آنان (مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان) می‌باشد»^۱. رسالت و هدف این نوع پیشگیری اجتماعی (پیشگیری رشد مدار) از بین بردن یا بهبود عوامل خطری که کودکان و نوجوانان در معرض آن هستند و ایجاد عوامل حمایتی که مقاومت افراد را در مقابل پذیرش و پیشه‌کردن رفتارهای مجرمانه و منحرفانه در آینده تقویت می‌کنند، می‌باشد و تجربه نشان داده است که این شیوه پیشگیری بسیار مؤثر و کارآمد واقع شده است به طوری که کشورهای مختلف برای نیل به چنین هدفی برنامه‌هایی را پیش‌بینی و اجرا نموده‌اند که بسیاری از آن‌ها در کاهش و پیشگیری از بزهکاری و کج‌روی این گروه از افراد نقش مهمی داشته‌اند. بنابراین، پیشگیری رشد مدار با شناسایی عوامل خطر در محیط‌های جامعه‌پذیری نخستین اطفال و نوجوانان مانند: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها سعی بر آن دارد که اوضاعی که از لحظه شکل‌گیری جنین تا شکل‌گیری کامل شخصیت طفل مفقود بوده و عاملی برای بزهکاری و کج‌روی محسوب می‌شوند را با توسل به عوامل حمایتی اجتماعی- فرهنگی احیا کنند. در واقع پیشگیری رشد مدار بر این فرض مبتنی است که وجود اختلال در نهادهای جامعه‌پذیری که اطفال و نوجوانان در آن قرار می‌گیرند به شدت کودک را در معرض انحراف در آینده قرار می‌دهد^۲.

۱- متولی‌زاده نایینی، نفیسه، پیشگیری رشد مدار (زودرس)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۲۴-۱۲۳.

به همین جهت این گونه از پیشگیری تمرکز خود را بر این نکته قرار داده که با شناسایی عوامل خطر و بکارگیری ساز و کارهای حمایتی مناسب در محیط‌های جامعه‌پذیرسازی انسان، کودکان و نوجوانان در معرض خطر را به سوی هم‌نوایی با قواعد اجتماعی سوق دهد و از احتمال وارد شدن فرد به حیطه‌ی جرم و انحراف جلوگیری کرده و در نهایت جامعه‌ی سالم و به دور از انحراف و کج‌روی برای افراد جامعه فراهم سازد. در مورد عزاداری‌های نامتعارف نیز می‌توان از تدابیر پیشگیری اجتماعی استفاده کرد و محیط‌های جامعه‌پذیرسازی افراد مانند خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها را مدّ نظر قرار داده و با کنترل و نظارت بر آن‌ها توسط نهادهای اجتماعی مانع از عدول و خروج افراد از مسیر متعارف جامعه‌پذیری شد. لذا شایسته است که به شرح و تفصیل چگونگی اتخاذ و اعمال تدابیر فرهنگی- اجتماعی در زمینه‌ی پیشگیری از عزاداری‌های نامتعارف و مقابله‌ی نرم و بدون زور و اجبار با آن‌ها پرداخت.

گفتار دوم: راهکارهای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از عزاداری‌های نامتعارف

با عنایت به نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی که نسبت به عوامل اجتماعی جرم و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد می‌توان از پیشگیری اجتماعی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه کرد. بر اساس کارشناسی و بررسی‌هایی که در معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه صورت گرفته می‌توان از یک تقسیم‌بندی بومی از پیشگیری اجتماعی- فرهنگی سخن گفت که برای آن محورهای اصلی و اساسی مانند آگاهی بخشی مردم و اصلاح باورهای دینی، مدیریت نیازها و... طراحی و ترسیم شده است. در زمینه‌ی پیشگیری از عزاداری‌های نامتعارف که از مصادیق بارز انحراف و آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و حتی با آن‌ها برخورد کیفری هم می‌شود می‌توان از این محورهای پیشگیری فرهنگی- اجتماعی بهره جست و به پیشگیری از این گونه عزاداری‌ها پرداخت. به همین دلیل در این بند به شرح راهکارهایی در این زمینه پرداخته خواهد شد.

بند اول: آگاهی بخشی مردم و اصلاح باورهای دینی

بسیاری از افرادی که به سمت انحراف و جرم کشیده می‌شوند و به سمت و سوی خلاف و بی‌راهه می‌روند به این دلیل است که تصور و درک صحیحی از این رفتارها ندارند و به

اصطلاح نسبت به ماهیت واقعی آن‌ها جاهل هستند و حقیقت امر را نمی‌دانند. آگاه‌سازی در دو سطح عمومی و خصوصی انجام می‌گیرد. آگاه‌سازی عمومی را از مصادیق پیشگیری اولیه یعنی اولین سطح از پیشگیری، که شامل تمام آحاد جامعه می‌شود، می‌دانند. بسیاری از مردم اطلاع چندانی از جرم، انحراف و کج‌روی ندارند و به دلیل این ناآگاهی در معرض جرم و انحراف قرار می‌گیرند. افراد جامعه نوعاً بینش صحیح و درستی از جرایم و انحرافات اجتماعی و قدرت آسیب‌شناسی ندارند و بعضاً با نیت پسندیده مرتکب رفتارهایی می‌شوند که در باطن خود و در عالم واقع مضر هستند. اما این بینش نادرست از وقایع و آسیب‌های اجتماعی با آگاه‌سازی مردم جامعه قابل درمان است و می‌توان با بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم به طرق مختلف در راستای تصحیح بینش و اعتقادات مردم کوشید. اما در آگاهی‌سازی اختصاصی بیشتر تمرکز بر روی افرادی است که محیا برای روی آوردن به جرایم یا انحرافات خاص می‌باشند و یا بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی و بزه‌کاری و کج‌روی قرار دارند؛ مثلاً برخی از افراد در محله‌های خاصی بیشتر از سایر افراد و محله‌های دیگر در معرض روی آوردن به انحراف و جرم هستند، در اینجا آگاه‌سازی صرفاً نسبت به این دسته از افراد که در معرض انحراف و جرم هستند انجام می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد معمولاً با آگاه‌سازی عمومی غرض حاصل می‌شود و با این نوع آگاه‌سازی، حتی باورهای آن دسته از افرادی که در معرض جرم و انحراف قرار ندارند استحکام یافته و از احتمال روی آوردن آن‌ها در آینده به این نوع جرایم و انحرافات کاسته می‌شود. البته بهتر است که در محله‌ها و مناطقی که افراد بیشتر در معرض کج‌روی و انحراف قرار دارند آگاه‌سازی مردم با جدیت و تلاش بیشتری دنبال شود. یکی از مسائلی که امروز در آن انحراف صورت گرفته، مقوله‌ی عزاداری‌ها می‌باشد. امروزه برخی از عزاداران با ابداع و تمسک جستن به انواع و اقسام عزاداری‌هایی که بیشتر آن‌ها کاملاً بدون سابقه و پشتوانه‌ی مذهبی و منطقی می‌باشند در عزاداری‌ها انحراف ایجاد کرده‌اند و با مبادرت ورزیدن به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف سبب ایجاد آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی شده‌اند؛ آسیب‌هایی که به اندازه‌ای مخرب هستند که حتی چهره‌ی اسلام و شیعه را مخدوش و متوحش ساخته‌اند اما نکته‌ی اساسی این است که بیشتر این عزاداران خودشان هم از آثار سوء و ناروایی که از این گونه عزاداری کردن‌ها حاصل می‌شوند اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که این شیوه‌های عزاداری نه تنها مورد قبول ائمه معصومین علیهم السلام نیست بلکه دین و مذهب آن بزرگوران را نیز نشانه گرفته است و به وفور مشاهده می‌شود که

بزرگانی که به مخالفت با این گونه از عزاداری‌ها می‌پردازند به شدت مورد آماج حمله‌ها و انتقادات این دسته از عزاداران و به خصوص سردسته‌های آن‌ها قرار می‌گیرند و این امر بیانگر عدم آگاهی و اطلاع این افراد از ماهیت عزاداری‌های نامبرده و آسیب‌های ناشی از آن‌ها می‌باشد و برخی از کسانی که به ظاهر موافق با این گونه از عزاداری‌ها می‌باشند و در رأس قرار دارند و به اصطلاح به دیگران هم خط می‌دهند، به نحوی اعتقادات افراد را تحریک و تهییج می‌کنند و این افراد هم بدون سنجش خوب و بد این عزاداری‌ها و بدون توجه به آثار سوء آن‌ها به انجام این گونه از عزاداری‌های نامتعارف اقدام می‌کنند بنابراین بهترین و مهمترین کاری که در زمینه‌ی پیشگیری از عزاداری‌های نامبرده می‌توان انجام داد، آگاه‌سازی مردم و به اصطلاح بیدار کردن آن‌ها می‌باشد که این آگاه‌سازی معمولاً از طریق، نهاد آموزشی مدرسه، نهاد مذهبی مساجد، رسانه‌ها و... امکان‌پذیر است که در ذیل به توضیح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف: مدرسه

بعد از نهاد خانواده مدارس در جامعه پذیرسازی کودکان و نوجوانان نقش بلا وصفی دارند. مدرسه یک محیط و نهاد اجتماعی است که دانش‌آموزان در آن با آداب و رسوم اجتماعی آشنا شده و قانون مدار خواهند شد. به بیان دیگر، مدرسه عامل تجهیز دانش‌آموزان به اخلاق و مهارت‌های اجتماعی است. در واقع، آموزش و پرورش هر کشوری مهم‌ترین و مؤثرترین نظام پرورش و رشد شخصیت نوجوانان و جوانان است. ضرورت توجه به رشد شخصیت آدمی و اهمیت پرورش تن و روان دانش‌آموزان موجب شده است که این مسأله مهم به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزش و پرورش به حساب آید و در صورتی اهداف عالی آموزش و پرورش تحقق می‌یابد که هماهنگی با دیگر نهادهای اجتماعی از جمله خانواده بوجود آید. نظام آموزش و پرورش از طریق مدارس و آموزگاران به راحتی می‌توانند شخصیت نوجوانان و جوانان را شکل داده و به طرز تفکر و اندیشه‌های آنان جهت دهند. جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان در محیط مدرسه به نحو رسمی صورت می‌گیرد برخلاف محیط خانواده که محیطی سرشار از عاطفه می‌باشد و روابط بیش از حد صمیمی بر آن حاکم است، محیط مدرسه بیشتر محیطی خشک و نظام‌مند و ضابطه‌مند است و در این محیط است که جوانان و نوجوانان پیروی از قانون، مشارکت دسته جمعی، دوری از هنجارشکنی و اجتناب از انجام هر گونه

اعمال غیر متعارف که خلاف ارزش‌های جامعه است را می‌آموزد. مدارس به عنوان یک نهاد جامعه‌پذیری، مانند سایر نهادهای اجتماعی، «ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل می‌کنند و فرد در اثر هم‌نوا شدن با ارزش‌ها و هنجارهای گروه، وظایف، رسم‌های اجتماعی، تشریفات، آداب اجتماعی، اخلاق، سنت‌های اجتماعی و مذهبی و رفتار مناسب برای زندگی را از آن می‌آموزد»^۱. امروزه برخی از افراد در عزاداری‌ها از رفتارها و شیوه‌های نسبتاً جدید و غیرمتعارفی جهت عزاداری کردن استفاده می‌کنند برای نمونه در مراسم عزاداری اقدام به قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه‌رفتن بر روی آتش و زغال گذاخته و... می‌کنند؛ عده‌ای قابل توجه از این دسته از عزاداران در گروه سنی جوانی و نوجوانی قرار دارند و متأسفانه اطلاع‌چندانی از نادرستی این قبیل عزاداری‌ها و به همراه داشتن آسیب‌ها و آثار مخرب برای جامعه توسط آن‌ها ندارند. بنابراین باید جوانان و نوجوانان را از ماهیت و کلیت این عزاداری‌ها و از آثاری که به همراه دارند، آگاه و متوجه ساخت و طبق آنچه در سطور فوق بیان شد یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین نهادهای جامعه‌پذیری و آگاه‌کننده‌ی افراد، مدارس می‌باشند چرا که از طریق محیط آموزشی و فرهنگی مدرسه می‌توان عقاید و رویکردهای دینی و مذهبی افراد را مورد تقویت و یا اصلاح و چکش‌کاری قرار داد و به دانش‌آموزان آموخت که این شیوه‌های عزاداری پسندیده و مشروع نیستند و آثار سوء و تالی فاسدهای فراوانی از خود در سطح درون جامعه و فراتر از آن برجای می‌گذارند. در واقع شایسته است که در مدارس در جریان کلاس‌های پرورشی و دینی و سایر درس‌های مرتبط، آموزگاران به این مسائل متعرض شوند و در مورد مقوله‌ی عزاداری‌ها و شیوه‌ی صحیح و پسندیده‌ی عزاداری کردن و دلیل مذمت و نکوهیدن و مخالفت با برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... طرح بحث کرده و دلایل دینی و منطقی موجود در رد این‌گونه از عزاداری‌ها را ارائه کرده تا دانش‌آموزان از این رهگذر، ناپسند بودن آن‌ها را مستدل و مستند با عقل و منطق بپذیرند. چنانچه دانش‌آموزان در مدارس از آموزگاران خود حقیقت این نوع عزاداری‌ها را یافتند نه تنها از والدین و اعضای خانواده (برادر، خواهر و...) خود که به این شیوه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها مبادرت می‌ورزند، تأثیر نمی‌پذیرند بلکه بر روی آن‌ها نیز تأثیر مثبت

۱- ذوالفقاری زعفرانی، رشید و علی‌نیا، علیرضا، بررسی نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۴۸-۱۴۷.

گذاشته و آن‌ها را از اندیشه‌ها خود متأثر می‌کنند. توجه به چگونگی تربیت و جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان و فهم ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه به منظوری جلوگیری از سوق یافتن آن‌ها به سمت جرایم و انحرافات، با محتوای پیشگیری رشد مدار یا زودرس مطابقت دارد چرا که به نوعی دخالت در رشد نوجوانان و جوانان به منظور جلوگیری از کشش و تمایل یافتن آن‌ها به کج‌روی‌ها و انحرافات دارد. بنابراین وقتی که آموزگاران پرورشی و دینی مدارس، در کلاس درس اقدام به توضیح و تشریح عزاداری‌ها و انواع مختلف آن‌ها می‌کنند و برخی از صور آن‌ها مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... را نامشروع و غیر منطقی می‌خوانند و در تأیید ادعای خود مبنی بر نامشروع و ناپسند بودن این‌گونه از عزاداری‌ها، دلیل شرعی و عقلی ارائه می‌کنند و دانش‌آموزان نیز نامشروع بودن آن‌ها را درمی‌یابند، بلاشک به آموزه‌های پیشگیری رشدمدار (پیشگیری زودرس) که یکی از انواع پیشگیری اجتماعی از جرم و انحراف می‌باشد، عمل شده است و از احتمال این‌که این دانش‌آموزان در آینده (بزرگسالی) به سمت این‌گونه از عزاداری‌ها بروند کاسته می‌شود.

ب: مساجد

استفاده از مساجد به عنوان مرکز نشر معارف دینی و شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی، از بنیادی‌ترین پیشنهادهای اسلام برای ترمیم فرهنگ جامعه و تربیت دینی و مذهبی یک جامعه به شمار می‌رود. مساجد از جمله مکان‌هایی است که معمولاً پذیرای گروه‌های سنی مختلف آحاد مردم هستند. اگر فعالیت‌های مساجد گسترده باشد و به نماز خواندن و اجرای اعمال دینی داخل مسجد محدود نشود، یعنی علاوه بر نماز فعالیت‌های دیگری چون کلاس احکام و تعلیم آموزه‌های قرآن و مسابقات علمی و فرهنگی برگزار شود، بر روی افراد غیر مسجدی نیز اثر می‌گذارند و از کارهای خلاف آنان جلوگیری می‌کنند، «فعالیت‌های فرهنگی مسجد، مثل کتاب‌خوانی و مسابقه‌های فرهنگی و علمی در افزایش سطح فرهنگی جامعه و در کاهش جرم، انحراف و کج‌روی در جامعه مؤثر است»^۱. این فعالیت‌ها با پر کردن اوقات فراغت افراد و جهت دهی به بینش افراد، یک نظام اجتماعی سالم و بدون انحراف یا با حداقل کج‌روی را فراهم می‌کند. در زمینه‌ی انحرافات و تحریقاتی که در عزاداری‌ها ایجاد شده است و برخی از افراد هم به این انحرافات دامن زده‌اند و به انجام عزاداری به طرق

مختلف و نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن روی آتش و زغال‌گداخته و... مبادرت ورزیده‌اند، می‌توان کلاس‌های آموزشی و آگاه‌سازی مردم را در این مورد با اعلان قبلی و دعوت عمومی مردم، در مساجد و حسینیه‌ها برگزار کرده و در این جلسات و کلاس‌ها، مردم را از یک سری انحرافات که در عزاداری‌ها به وجود آمده است، مطلع کرده و از گرایش به سمت و سوی آن‌ها برحذر دارند. از طرف دیگر خطبا روحانیون و ائمه‌ی جماعت مساجد نیز در سخنرانی‌ها و منبرهای خود وظیفه‌ی آگاه‌سازی و بیدار کردن مردم به واسطه‌ی بیان مسائل، مشکلات و انحرافات اجتماعی و مذهبی و ارائه‌ی حقیقت برای قاطبه‌ی مردم را دارند. برای نمونه در راستای این وظیفه‌ی مهم به تشریح و تفصیل برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف که از مصادیق انحراف محسوب می‌شوند، پرداخته و در مقام بیان نکوهیده و مذموم بودن این گونه از عزاداری‌ها استدلال‌ها و دلایل شرعی و منطقی ارائه کرده تا مردم از ماهیت آن‌ها اطلاع پیدا کرده و گرایش و تمایلی به این شیوه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها نیافته و مرتکب آن‌ها نشوند؛ این شیوه‌ی آگاه‌سازی افراد نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و چنانچه این آگاه‌سازی با دقت و مهارت و به درستی انجام شود، صرفاً به آگاه‌سازی حضار در جلسات مساجد و حسینیه‌ها ختم نمی‌شود، بلکه به دلیل کارآمد بودن این گونه جلسات، مفاد و محتوای آن‌ها به نزدیکان، خانواده‌ها و دوستان حضار نیز تسری پیدا کرده و به طور کلی به نحو چشم‌گیری از آمار گرایش افراد جامعه به کج‌روی‌ها و انحرافات کاسته می‌شود. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مسجد را در هدایت و مدیریت جریان‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی دریافت.

پ: رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی

رسانه‌های جمعی^۱ یا عمومی دسته‌ای از وسایل ارتباطی هستند که مورد توجه تعداد زیادی از افراد جامعه می‌باشند و از تمدن‌های جدید بوجود آمده‌اند. در مقام ارائه‌ی یک تعریف دقیق‌تر از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی می‌توان گفت: هر وسیله‌ای که انتقال دهنده‌ی فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای از افراد و صاحب نظران باشد و عموماً ارتباطی یک سویه را دنبال می‌کنند. رسانه‌های دیداری و شنیداری مثل تلویزیون و رادیو از جمله مهم‌ترین

رسانه‌های گروهی هستند از سوی دیگر رسانه‌های گروهی چایی مانند روزنامه‌ها و مجلات نیز دسته دیگری از رسانه‌های گروهی هستند که این‌گونه از رسانه‌ها نیز بر فرهنگ و تفکرات افراد تأثیرگذار هستند، امروزه با گسترش استفاده روز افزون از اینترنت، رسانه‌های برآمده از فضای اینترنت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ این‌گونه رسانه‌ها مانند سایت‌های اینترنتی، خبرگزاری‌ها و... بیشتر توسط گروه باسواد و تحصیل کرده جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر روی قشر باسواد و فرهیخته جامعه بسیار تأثیرگذار است. بنابراین به طور کلی وسایلی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... در زمره‌ی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرند. امروزه بیشتر مردم به برخی از وسایل ارتباط جمعی به سهولت دسترسی دارند و از آن‌ها استفاده می‌کنند و با قاطعیت می‌توان گفت که، اکثریت قریب به اتفاق مردم از دستگاه تلویزیون بهره‌مند هستند و خانواده‌ها معمولاً برنامه‌های تلویزیونی را دنبال می‌کنند. بنابراین می‌توان بر روی این‌گونه از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و... کرد. در عصر حاضر با توجه به نیازهای روز افزون گروه‌های وسیع انسانی به استفاده از وسایل ارتباط جمعی و انس گرفتن افراد جامعه با این‌گونه از وسایل بخصوص تلویزیون و رادیو، برای آن‌ها وظایف و کارکردهای متعددی از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها در نظر گرفته‌اند.^۱ از جمله این کارکردها، سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت مردم است. در واقع، وسایل ارتباط جمعی به عنوان ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می‌روند که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده اوقات فراغت افراد را پر کرده و بر الگوی رفتاری آن‌ها اثراتی تعیین‌کننده برجای می‌گذارند.^۲ اما مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها ارتباطی، آموزش یا انتقال فرهنگ به مردم می‌باشد؛ در این میان رسانه‌های ارتباطی خواه برای این کار برنامه‌ریزی شده باشند و خواه نشده باشند، آموزش دهنده‌اند. رسانه‌ها فراهم آورنده‌ی دانش و شکل‌دهنده ارزش‌هایند و مردم همواره از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما نقش «آموزش موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید،

۱- ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵، ص ۸۳.

۲- دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶.

وظیفه آموزشی انجام داده و دانستنی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند.^۱ در واقع، با تمسک جستن از این‌گونه وسایل ارتباط جمعی، می‌توان با پخش و انتشار برنامه‌های آموزشی نسبت به آگاه‌سازی مردم و تقویت و یا اصلاح پایه‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه، اعتقاد دینی و مذهبی مردم اقدام کرد و بدین وسیله، اساس و ریشه‌ی باورها و عقاید درست موجود در جامعه در زمینه‌های مختلف را تحکیم بخشید و به مبارزه و مقابله با شیوع جرایم، کج‌روی‌های اجتماعی و انحرافات فرهنگی، مذهبی و... پرداخت^۲ و به بیان دیگر، در صدد پیشگیری اجتماعی، از آن‌ها برآمد. عزاداری کردن برای ائمه معصومین علیهم السلام در جوامعی اسلامی و به خصوص شیعی یکی از مسائل بسیار مهم مذهبی و اجتماعی محسوب می‌شود. مردم به آشکال و انواع مختلف و متعددی به برپا داشتن این سنت حسنه در جامعه همت می‌ورزند ولی متأسفانه انحرافات و تحریفاتی در این مقوله وارد شده است به گونه‌ای که برخی از افراد در عزاداری‌ها اقدام به قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و زغال گذاشته، غلتیدن بر روی خرده شیشه و... می‌کنند و معتقدند که عزاداری واقعی و حقیقی برای ائمه اطهار علیهم السلام و به خصوص امام حسین (ع) عزاداری است که در جریان آن افراد به بدن و جسم خود لطمه و صدمه وارد آورند. واضح است که این طرز تفکر اشتباه و به دور از منطق و مخالف حکم شرع مقدس می‌باشد اما از آنجا که برخی از عزاداران به این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف اعتقاد دارند به راحتی نمی‌توان از آن‌ها خواست که دست از این شیوه‌های نامتعارف عزاداری کردن بکشند و به جرگه‌ی عزادارانی بپیوندند که به آشکال و انواع متعارف و معمول عزاداری می‌کنند. بلکه چنان‌که بیان شد اولین قدم آگاه‌سازی مردم از ماهیت این‌گونه از عزاداری‌ها و آثار سوء و تالی فاسدهای آن‌ها در سطح جامعه‌ی اسلامی و ایرانی می‌باشد تا با فهم ماهیت و آثارشان از گرایش و مبادرت ورزیدن به آن‌ها اجتناب و خودداری گردد. از آنجایی که یکی از بهترین و کارآمدترین وسیله‌های آموزش و آگاه‌سازی مردم یک جامعه، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی می‌باشند، می‌توان از این

۱- معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، جلد اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۵.

۲- حبیب‌زاده، اصحاب، افخمی، حسین، نادرپور، محمدرضا، بررسی نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرم، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۱۵

وسایل در امر آگاه‌سازی مردم از ماهیت عزاداری‌های نامتعارف و شکل‌گیری انحرافات و تحریفات موجود در عزاداری‌ها، بهره‌جست و از طریق سایت‌های اینترنتی و خبرگزاری‌ها، انتشار مطالب مرتبط در این زمینه در روزنامه‌ها و مجلات، پخش سخنرانی‌های بزرگان و صاحب‌نظران فقهی در رادیو و شبکه‌های تلویزیونی، به تفصیل، به تشریح و توضیح ماهیت این‌گونه از عزاداری‌ها و تالی‌فاسدهای برآمده از آن‌ها در اجتماع پرداخته شود و به مردم آموزش، اطلاع و آگاهی کافی در این زمینه داده شود. در این میان مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباط جمعی که می‌تواند به مردم آگاهی و هوشیاری لازم را ارائه کند و وجدان دینی و مذهبی افراد را با ارائه آموزش‌های علمی و دینی بیدار کند، تلویزیون می‌باشد چرا که این وسیله هم در اختیار قریب به اتفاق مردم می‌باشد و هم مردم به شدت به آن وابسته هستند و برنامه‌های آن را دنبال می‌کنند. می‌توان برخی از فقها و صاحب‌نظران عرصه‌ی فقاقت که مقبولیت زیادی در جامعه داشته را به برنامه‌های تلویزیونی که در این زمینه تدارک دیده شده دعوت کرده تا مستدل و مستند این‌گونه از عزاداری‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داده تا از این رهگذر مردم آگاهی کافی را بدست آورده و به معرفت لازم و اقناع وجدانی برسند. اما چنانچه این‌گونه سخنرانی‌ها و برنامه‌ها دو سویه و دو طرفه باشد و به اصطلاح ترتیبات مناظره‌ی تلویزیونی بین حامیان و مخالفان عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) داده شود، بسیار مؤثرتر و کارآمدتر می‌باشند؛ بدین صورت که بزرگان و صاحب‌نظران موافقین و مخالفین را به این برنامه‌های تلویزیونی دعوت کرده تا به بیان دلایل موافقت و مخالفت خود با این‌گونه از عزاداری‌ها پرداخته و از دلایل خود دفاع کرده و به عبارتی این‌گونه از عزاداری‌ها را به کرسی نقد و بررسی بگذارند. در این برنامه‌ها، شبهه‌ای باقی نمی‌ماند و مردم می‌توانند با سنجیدن دلایل موافقین و مخالفین، به قضاوتی شایسته در مورد مشروع یا نامشروع بودن این‌گونه از عزاداری‌ها دست یابند. بنابراین می‌توان بر روی این‌گونه از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و... کرد.

بند دوم: تقویت مداخلات اجتماعی - فرهنگی

برای مقابله، پیشگیری و کنترل برخی از رفتارهای مجرمانه و منحرفانه‌ی افراد در جامعه، راه‌کارهای متعددی وجود دارد؛ از جمله‌ی آن‌ها، سرمایه‌گذاری بر روی برخی از گروه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌باشد. این گروه‌ها و نهادها معمولاً نفوذ و مداخله‌هایی در

افراد دارند که باید این مداخله‌ها جهت‌یافته و پر رنگ شوند تا به درستی پیشگیری حاصل شود. برای نمونه، در راستای این امر مهم، باید نقش و جایگاه خانواده‌ها، گروه‌های محله و امثال آن تقویت شوند، که در این بند به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف: تقویت نقش و جایگاه خانواده‌ها

خانواده‌ها در مورد گرایش اعضای خود به جرایم و انحرافات ماهیتی دوگانه دارند؛ از یک طرف، خانواده‌ها می‌توانند زمینه و بستر جرم و انحراف را برای اعضای خود فراهم کنند و از طرف دیگر می‌توانند از سوق یافتن و گرایش آن‌ها به جرایم و انحرافات جلوگیری کنند. این که خانواده کدام یک از این دو ویژگی را داشته باشد، منوط به شرایط خاص هر خانواده است. با توجه به این که عوامل مرتبط با هر جرم یا کج روی متفاوت است، بر این اساس ممکن است خانواده‌ای از عوامل حمایتی و سازنده‌ی یک نوع جرم یا کج روی محسوب شود ولی در مورد جرم یا کج روی دیگر از عوامل پیشگیری کننده به حساب آید.^۱ برای نمونه در مورد برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... بعضی از خانواده‌ها معتقد به این شیوه‌های عزاداری‌ها هستند و همین امر باعث شده که اعضای خانواده‌های نامبرده نیز از این اعتقاد تأثیر پذیرفته و به انجام این گونه از عزاداری‌ها مبادرت ورزند. واضح است که در این حالت، خانواده در شیوع و گسترش انحراف در جامعه نقش دارد اما از طرف دیگر اگر اعتقادات افرادی که در رأس این گونه خانواده‌ها قرار دارند اصلاح و پالایش شوند می‌توان شاهد تأثیر مثبت خانواده‌ها در امر پیشگیری از این گونه از عزاداری‌های نامتعارف بود. در واقع، برای پیشگیری و مقابله با عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... باید به نقش و جایگاه خانواده‌ها توجه داشت به این صورت که ابتدا عقاید بزرگان خانواده‌ها مانند پدر و پدربزرگان را اصلاح کرده و آن‌ها را از ماهیت انحرافی این گونه از عزاداری‌های نامتعارف آگاه کرده و پس از متعاقب شدن این افراد، به تقویت نقش و جایگاه خانواده پرداخته تا این افراد از طریق مداخله در عقاید فرزندان و سایر اعضای خانواده‌ی خود، از مبادرت ورزیدن و روی آوردن آن‌ها به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف جلوگیری کنند. بدون شک سبک زندگی،

عقاید و تفکرات مذهبی خانواده‌ها به نسل‌های آینده که در این خانواده‌ها پرورش می‌یابند هم تسری پیدا می‌کنند، بنابراین با اصلاح اعتقادات خانواده‌ها و تقویت نقش و جایگاه آن‌ها می‌توان عزاداری‌ها را از آفات انحرافات پاک و تصفیه کرد و به این شکل به پیشگیری از انجام عزاداری‌های نامتعارف پرداخت.

ب: تقویت نقش و جایگاه محله‌ها

با وجود این که امروزه بیشتر مردم در شهرها زندگی می‌کنند و توجه چندانی به همسایه‌ها و سایر افرادی که در محله مشغول به زندگی هستند، ندارند اما هنوز هم محله هویت و نقش خود را به طور کامل از دست نداده است، به گونه‌ای که افرادی که در یک محل زندگی می‌کنند بر روی فرهنگ و منش یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند چرا که مردم محله، به اجبار در تعامل با یک‌دیگر هستند. این تعامل و تأثیرگذاری در محله‌های کوچک‌تر بیشتر و پررنگ‌تر است. معمولاً در محله‌هایی که چندان بزرگ نیستند اوقات فراغت، مراسم‌های جشن و عزاداری‌های اهل محل در کنار هم سپری می‌شوند. بنابراین چنانچه تفکرات و عقاید منحرفانه و یا مجرمانه به محله‌ای راه یابند، باید به سرعت از شیوع و گسترش آن در محل جلوگیری و به اصطلاح پیشگیری کرد، چراکه به سرعت این عقاید گسترش پیدا می‌کنند و در سطح محله فراگیر می‌شوند. در این نوع پیشگیری محله و مردم آن مورد توجه و تمرکز می‌باشند. در واقع، پیشگیری محله محور در بیشتر موارد مستلزم مشارکت فعال ساکنان و سازمان‌های موجود در آن منطقه است. مردم در این محله‌ها می‌توانند در تعیین اولویت‌ها و همچنین اجرای برنامه‌ها سهیم باشند^۱. به نظر می‌رسد یکی از بهترین و مؤثرترین اقدامات در زمینه‌ی پیشگیری از این‌گونه انحرافات، گسترش فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در این محله‌ها توسط مردم می‌باشد. در واقع، مشارکت مردم در این محله‌ها با امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود. از آنجایی که افرادی که در یک محل زندگی می‌کنند معمولاً از افراد هم محل خود، توصیه

۱- جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سیدمهدی، رهنمودهای علمی پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۶.

می‌پذیرند و به اصطلاح برای سخن آن‌ها اعتبار بیشتری نسبت به سخن دیگران قائل هستند، امر به معروف و نهی از منکر در این محله‌ها معمولاً مؤثر واقع می‌شود. در برخی از محله‌ها و مکان‌های خاص در کشورمان، انحرافات در عزاداری‌ها مشاهده می‌شود و برخی از مردم در این محله‌ها که معمولاً تعدادشان هم کم نیست مبادرت به عزاداری‌هایی می‌کنند که در سطح جامعه نامتعارف بوده و در واقع این گونه‌های نامتعارف، در عزاداری‌ها انحراف ایجاد کرده‌اند. در این محله‌ها باید فعالیت‌های فرهنگی را گسترش داد و مردم را از ماهیت انحرافی این گونه عزاداری‌ها آگاه کرد و به طرق مختلف نسبت به کنترل و پیشگیری این گونه عزاداری‌های نامتعارف اقدام کرد. همانطور که گفته شد، یکی از مؤثرترین و مفیدترین اقدامات در زمینه پیشگیری از وقوع و شیوع جرایم و انحرافات در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین در محله‌هایی که اقدام به عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... می‌کنند از آنجایی که این گونه عزاداری‌ها منجر به تخدیش چهره‌ی اسلام می‌شود، امری مذموم و ناپسند بوده که افراد محله باید مرتکبان آن‌ها را از انجام این گونه عزاداری‌ها برحذر داشته و به اصطلاح این افراد را نهی از منکر کرده و به گونه‌های متعارف از عزاداری‌ها که به اصطلاح معروف و حسن هستند امر و توصیه کرده تا از این رهگذر مردم از تمسک جستن به این گونه عزاداری‌های نامتعارف خودداری کنند و به بیان دیگر غرض (پیشگیری) حاصل شود.

نتیجه‌گیری

برپایی مراسم عزاداری و سوگواری برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به ویژه امام حسین (ع) و یارانش از شعائر الهی و دارای اجر و ثواب بسیار و وسیله‌ای برای قرب و نزدیکی به خداوند است. اما عزاداری نیز همانند بسیاری از امور دیگر دارای حدّ و مرز است؛ حدّ و مرزهایی که همگان ملزم به رعایت آن‌ها هستند؛ زیرا عزاداری با اهمیت و نقش مفیدی که دارد، اگر به صورتی غیر صحیح انجام شود، ضررهای جبران ناپذیری را به بار می‌آورد. از این رو، حدود و ثغور عزاداری‌ها بدون مجمل‌گویی و با صراحت باید مشخص و معلوم گردد. یکی از مهم‌ترین ملاک‌هایی که یک نوع عزاداری باید داشته باشد این است که آن عزاداری به نفس خود حرام نباشد یا انجام آن عزاداری منتهی به عمل حرام نشود؛ چرا که در این صورت آن عزاداری با هر قصد و نیتی که انجام شود باز هم نامشروع می‌باشد.

برخی از صور عزاداری‌ها ریشه در عصر معصوم (ع) دارند و به اصطلاح ابداعی نیستند؛ مثلاً ذکر مصیبت و گریه و مویه کردن در عصر آن بزرگواران نیز سابقه داشته است اما از برخی از انواع عزاداری‌های امروزی رد پای در عصر معصوم دیده نمی‌شود، بلکه خود عزاداران آن شیوه‌های عزاداری را وضع کرده‌اند؛ مثلاً زنجیر زنی، سینه‌زنی، تیغ‌زنی، قمه‌زنی، قفل‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و... هیچ‌گونه سابقه‌ای در عصر معصومین علیهم السلام ندارند. البته نباید از نظر دور داشت که، انواع و شیوه‌های مختلف عزاداری‌ها محصور و محدود نمی‌باشند و لزومی ندارد که همه‌ی انواع عزاداری‌ها در عصر معصوم سابقه داشته باشند؛ برای نمونه سینه‌زنی و زنجیرزنی با وجود این که سابقه‌ای در عصر معصوم ندارند ولی کاملاً مشروع و مقبول همگان می‌باشند و هر آینه می‌توان به شیوه‌های جدیدی از عزاداری‌هایی که جایز و مشروع می‌باشند، تمسک جست. اما امروزه برخی از عزاداران به برخی از صور نامتعارف عزاداری مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... روی آورده‌اند و متأسفانه گرایش و تمایل عزاداران به این شیوه‌های نامتعارف عزاداری به خصوص قمه‌زنی، هر ساله بیشتر شده است.

در مورد جواز یا عدم جواز انجام این گونه رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) اختلاف نظرهای بسیاری بین فقها و مراجع دیده می‌شود؛ به طوری که برخی از فقها به شدت با این گونه از عزاداری‌های نامتعارف با ارائه دلایل متعدد مخالفت می‌کنند و از طرف مقابل، عده‌ای دیگر از فقها یا در این رابطه موضع‌گیری صریحی در رد و مخالفت با این گونه از عزاداری‌ها نکرده‌اند یا صراحتاً نظر به جواز و حتی استحباب آن‌ها داده‌اند. در جریان پژوهش در فصل دوم بخش اول به تبیین و نقد ادله‌ی موافقین و مخالفین این گونه عزاداری‌ها پرداخته شد و با توجه به توضیحاتی که داده شد، می‌توان گفت که با استناد به «اضرار به نفس» نمی‌توان مطلق این گونه رفتارها از جمله قمه‌زنی را نامشروع دانست چرا که انجام این گونه از عزاداری‌ها همیشه با ضرر جسمی همراه نیستند؛ برای نمونه می‌توان مواردی از قمه‌زنی را که با رعایت نکات بهداشتی و فنی انجام گرفته است را مثال زد که ضرر جسمی به همراه ندارند و حتی می‌توان یک گام را فراتر گذاشت و گفت که: در شرع مقدس برخی از ضررهای جزئی پذیرفته شده است و بعضاً این موارد جزئی را اصلاً ضرر نمی‌دانند و نهادن عنوان ضرر بر برخی از این موارد، محل اشکال است.

عده‌ی کثیری از مخالفین عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... مستند رأی خود مبنی حرمت و عدم جواز انجام این گونه عزاداری‌ها را «وهن مذهب» قرار داده‌اند. عنوان وهن دین یا مذهب، یک عنوان ثانوی است و فقها پیرامون برخی از احکام به وهن دین و یا مذهب استناد می‌کنند و می‌گویند: هرکاری که باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و باید از آن اجتناب شود. بنابراین، اگر عمل مستحبی یک مسلمان باعث بد بینی جامعه و مردم دیگر ادیان نسبت به دین و یا مذهب شود، این کار را باید ترک کرد؛ زیرا از باب قاعده‌ی اهم و مهم، خدشه‌دار نشدن و تضعیف نشدن دین و مذهب، مهم‌تر از انجام یک عمل مباح و یا مستحب است؛ بنابراین به نظر این دسته از فقها و مراجع، قمه‌زدن در عزای امام حسین(ع)، صرف نظر از این که، منتهی به اضرار به نفس بشود یا نشود و حتی اگر آن را عمل مباح و یا مستحب بدانیم، در عصر حاضر، موجب وهن دین و مذهب است. امروزه این عمل، باعث نوعی دل‌زدگی نسبت به دین اسلام و مذهب شیعه شده و سبب می‌شود شیعه در میان مذاهب اسلامی متهم به غلو، وحشی‌گری و عقاید پوچ و خرافی گردد و بجای این که موجب علاقه‌ی مردم به

امام حسین (ع) و قیام عاشورا شود، در چشم جهانیان موجب وهن مذهب شیعه می‌شود. بنابراین اجتناب از آن مهم‌تر از انجام آن است. البته با استناد به مقوله‌ی «وهن مذهب» نیز نمی‌توان با تمامی این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف برخورد همسان داشت و همه‌ی آن‌ها را نامشروع اعلام کرد چرا که برای اینکه عملی موجب وهن مذهب شود باید در انظار و دید عموم واقع شود؛ بنابراین مواردی از این‌گونه رفتارهای نامتعارف مثل قمه‌زنی را می‌توان مثال زد که در خفا انجام می‌شوند و هیچ‌کسی ناظر و شاهد این رفتارها نمی‌باشد به همین دلیل منجر به وهن مذهب نمی‌گردند. بنابراین با استناد به مسئله‌ی «وهن مذهب» نیز نمی‌توان مطلق این‌گونه عزاداری‌ها را نامشروع دانست و حکم به عدم جواز عموم آن‌ها داد.

در عصر حاضر تنها مستند جامع و شاملی که برای بیان حرمت این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف وجود دارد، حکم حکومتی مقام معظم رهبری می‌باشد؛ ایشان در قالب حکم حکومتی (نه فتوا)، تمامی این‌گونه عزاداری‌ها را حرام و ممنوع اعلام کرده‌اند و به دلیل جامعیت و شمول حکم حاکم اسلامی، تفاوتی ندارد که این‌گونه از عزاداری‌ها را در علن و انظار عموم و در سطح جامعه انجام داده یا این‌که در خفا، نهانی و مستور از انظار عموم، به انجام آن‌ها مبادرت ورزیده شود؛ در هر صورت عزاداری‌های نامبرده، جایز و مشروع نمی‌باشند. بنابراین این حکم بر همگان، از مردم عادی گرفته تا مراجع عظام تقلید واجب و لازم‌الاطاعه است.

در عصر حاضر تبیین و بررسی عزاداری‌های نامتعارف از ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی نیز حائز اهمیت می‌باشند؛ به‌گونه‌ای که شناخت ماهیت حقوقی این‌گونه از عزاداری‌ها از جهت جرم و یا انحراف بودنشان ما را در جهت فهم امکان برخورد کیفری با فاعلان این‌گونه از عزاداری‌ها و نحوه‌ی برخورد با آن‌ها مساعدت می‌کند. امروزه عزاداری‌ها نیز بسان بسیاری از سنت‌ها و رسومات دیگر در جامعه از انحراف مصون و محفوظ نمانده است و دچار آفت انحراف شده است. بنابراین در وهله‌ی اول باید گفت: ماهیت این‌گونه از عزاداری‌ها از منظر حقوقی و اجتماعی انحراف می‌باشند، چراکه عده‌ای از عزاداران با دوری جستن از هنجارها و قواعد اجتماعی حاکم بر عزاداری‌ها به این شیوه‌ها و صور نامتعارف عزاداری روی آورده‌اند. اما انحراف بودن یک رفتار یا عمل خاص نافی جرم بودن و جرم‌انگاری آن رفتار نمی‌باشد و به بیان دیگر، انحراف و جرم بودن در یک رفتار

مانعة الجمع نمی‌باشند و می‌توان رفتارهایی را نام برد که از متعارف و نُرَم جامعه فاصله گرفته‌اند و به اصطلاح انحراف می‌باشند ولی به دلیل اهمیت آن رفتارها، قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری آن‌ها کرده است و به عبارت دیگر رویکرد قانون‌گذار برخورد کیفری با این انحرافات می‌باشد. از این رو با وجود انحراف بودن عزاداری‌های نامتعارف می‌توان در مورد جرم بودن یا نبودن آن‌ها نیز سخن گفت. با توجه به برخی از اصول و مبانی جرم‌انگاری از جمله: اصل اخلاق‌گرایی قانونی و پدرسالاری حقوقی و اصل ضرر در صورتی که فهم گسترده و جامعی از ضرر داشته باشیم و ناخوشایندی و آزار را نیز داخل دایره‌ی شمول ضرر بدانیم، می‌توان نسبت به جرم‌انگاری برخی از عزاداری‌های نامتعارف از جمله: قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و زغال‌گداخته، غلتیدن بر روی خرده شیشه و... اقدام کرد؛ با این توضیح که، با توجه به اصل اخلاق‌گرایی قانونی، برخی از ارزش‌های اخلاقی، دینی و ارزش‌های مربوط به کرامت انسانی برای جامعه حائز اهمیت بوده و جامعه نقض و عدول از آن ارزش‌ها را توسط افراد خود برنمی‌تابد؛ به همین دلیل قانونگذار می‌تواند به منظور صیانت از این‌گونه ارزش‌ها دست به دامان کیفر شده و رفتارهایی که منتهی به نقض و زیر پا گذاشتن ارزش‌های مذکور می‌شود و خلاف اخلاق متعارف جامعه می‌باشد را ممنوع کند. حال آن‌که، برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی برخلاف ارزش‌های اخلاقی، دینی، ارزش‌های مربوط به کرامت انسانی و اخلاق متعارف جامعه‌ی عزاداران می‌باشند لذا قانونگذار می‌تواند با توجه به اصل اخلاق‌گرایی قانونی این‌گونه از عزاداری‌ها را جرم‌انگاری کند. از طرف دیگر با عنایت به اصل پدرسالاری حقوقی، در برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مثل: قمه‌زنی، تیغ‌زنی، راه رفتن بر روی آتش و... که معمولاً خطرات و آسیب‌های جسمی جدی برای فاعلان آن‌ها ایجاد می‌کند، به نظر می‌رسد که، حکومت می‌تواند ورود پیدا کند و به عنوان پدیری دل‌سوز و مهربان فرزندان خود (شهروندان) را از انجام این‌گونه رفتارها در عزاداری‌ها با قید مجازات باز دارد. در مورد عزاداری‌های نامتعارف نام‌برده، با عنایت به «اصل ضرر» نیز می‌توان آن‌ها را جرم‌انگاری کرد؛ مشروط بر این‌که، فهم ما از ضرر فهم مضیق و محدود نباشد و ضرر را اعم از مادی یا ملموس و غیر مادی یا معنوی بدانیم و به بیان دیگر «آزردگی و ناخوشایندی دیگران» را نیز در دایره شمول

ضرر بدانیم و همچنین این گونه از عزاداری‌ها در ملأعام و انظار عموم انجام کردند تا آزرده‌گی و ناخوشایندی دیگران محقق شود. در حال حاضر قانونگذار صراحتاً هیچ‌یک از این گونه عزاداری‌ها را جرم‌انگاری نکرده است ولی به دلیل حرمت این گونه از عزاداری‌ها و با تفسیر جرم‌انگارانه از اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌توان به برخورد کیفری با مرتکبین آن‌ها پرداخت؛ با این استدلال که، حرمت این گونه از عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) با توجه به حکم حکومتی مقام معظم رهبری امری مسلم می‌باشد و از طرفی هم برای عمل حرام در شرع تعزیر در نظر گرفته شده است و از آن جایی که مستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و قوانین عادی دیگر، قاضی مکلف است که حکم هر دعوا را بیابد و در راستای این تکلیف قانونی، اجمال، ابهام، سکوت و تعارض قوانین مدوته برای قاضی عذر محسوب نشده بلکه با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر باید حکم مسئله‌ی مربوطه داده شود و دعوا خاتمه یابد. بنابراین به نظر می‌رسد در حال حاضر با در نظر گرفتن قوانین موجود صرفاً می‌توان با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی به تعزیر مرتکبان عزاداری‌های نامتعارفی که حکم به حرمت آن‌ها داده شده است (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) پرداخت و آن‌ها را به مجازات تعزیری محکوم کرد البته با توجه به این که نوع و میزان تعزیر موضوع اصل ۱۶۷ قانون اساسی بیان نشده است مرتکب را در راستای اعمال ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به مجازات‌های جایگزین حبس محکوم می‌کنیم؛ چرا که این مقرره‌ی جدید قانونی بیان می‌دارد که: «مرتکبان جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند». بنابراین در حال حاضر کسانی که در عزاداری‌ها اقدام به انجام رفتارهای نامتعارف حرام از قبیل: قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... می‌کنند مستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به مجازات‌های جایگزین حبس از قبیل دوری مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و... محکوم می‌گردند. ولی رویه‌ی قضایی و آراء موجود در محاکم حاکی از آن است که مقامات قضایی بیشتر به دنبال برخورد کیفری با این دسته از افراد در قالب اخلال در نظم عمومی و مستند به ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ می‌باشند. اما ماده‌ی مذکور به صورت مشروط و مقید وضع شده است به گونه‌ای که برای صدق اتهام اخلال در نظم

عمومی، شرایط و نتایجی لازم است از جمله این که مرتکب جرم موضوع ماده مذکور، باید با هیاهو، جنجال، حرکات غیر متعارف یا با تعرض به افراد، موجب اخلال نظم و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد حال در مقام تطبیق، چنانچه «قمه‌زنی» و سایر رفتارهای نامتعارف در عزاداری‌ها، با هیاهو و جنجال باشند، یا در جریان قمه‌زنی، قمه‌زنان متعرض افراد شوند و یا این که به طور کلی قمه‌زنی در عزاداری‌ها را حرکات غیر متعارف بدانیم و در اثر این گونه عزاداری‌ها نظم و آسایش عمومی مختل گردد یا اینکه این گونه عزاداری‌ها منتهی به باز داشتن مردم از کسب و کار گردد استناد به ماده‌ی مذکور بلا اشکال بوده و مقبول همگان است، در غیر این صورت استناد به ماده‌ی نامبرده فاقد وجهت قانونی می‌باشد؛ اما پر واضح است که، جمع تمام شرایط موجود در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی در موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها، اگر نگوییم محال است، دشوار و دور از ذهن می‌باشد. به بیان دیگر ماده‌ی مذکور، تمام موارد قمه‌زنی در عزاداری‌ها را در بر نمی‌گیرد و نمی‌توان با استناد به این ماده تمام موارد این گونه از عزاداری‌های نامتعارف را جرم دانست و با آن‌ها در این راستا برخورد کیفری کرد. چرا که، بیشتر مراسم قمه‌زنی، در حسینیه‌ها و مکان‌های مخصوص برگزار می‌شود و هیچ اخلاقی در نظم و آسایش عمومی ایجاد نکرده و مرتکبان آن‌ها مانع کسب و کار مردم نیز نمی‌شوند. از طرف دیگر برخی از مقامات قضایی برآنند که، با این گونه از عزاداری‌ها و با این ایده که این گونه از رفتارها تظاهر به عمل حرام می‌باشند، مستند به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ برخورد کیفری کنند؛ اما این ماده به هیچ روی عنصر قانونی موجهی برای مجازات این دسته از افراد نمی‌باشد؛ چرا که حکومت صدر ماده بر این رفتارها منوط به این است که قانونگذار برای این رفتارهای حرام، کیفر جداگانه در نظر گرفته باشد و به صورت مجزا آن‌ها را جرم‌انگاری کرده باشد و علاوه بر آن، مرتکبان، این گونه رفتارها را در علن و انظار مردم، اماکن عمومی یا معابر انجام دهند تا تظاهر به آن‌ها مشمول صدر ماده شود و از طرف دیگر ذیل ماده‌ی نامبرده به مواردی اشاره دارد که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کنند و از آنجایی که عفت عمومی و اعمال منافعی عفت مربوط به امور جنسی می‌باشند، هیچ رابطه‌ای بین قمه‌زنی و عفت عمومی وجود ندارد تا چه رسد به این که گفته شود

این گونه رفتارها موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردند. بنابراین استناد به صدر و ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای مقابله‌ی کیفری با مرتکبان قمه‌زنی و سایر عزاداری‌های نامتعارف فاقد وجاهت قانونی و دور از استدلال و منطق حقوقی است و به‌طور کلی رویه‌ی قضایی در این زمینه مخدوش می‌باشد.

پس از فهم دقیق ماهیت حقوقی عزاداری‌های نامتعارف و تحلیل رویه‌ی محاکم در برخورد کیفری با مرتکبان این گونه عزاداری‌ها، تحلیل جرم‌شناسانه عزاداری‌های نامتعارف، به منظور ریشه‌یابی و فهم علل و عوامل گرایش برخی از افراد به این گونه عزاداری‌ها واجد اهمیت می‌باشد. به طور کلی دو دسته از علل و عوامل فردی و اجتماعی در جهت گرایش برخی از افراد به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف از قبیل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... مؤثر می‌باشند. در زمینه‌ی علل فردی می‌توان به عواملی از قبیل: عوامل زیستی، اعتقادی و روانی اشاره کرد و در میان عوامل زیستی فاکتورهایی از قبیل جنسیت، سن و... حائز اهمیت می‌باشند. با توجه به تحقیقات میدانی و مصاحبه‌هایی که با جامعه‌ی صد نفره‌ی عزاداران قمه‌زن و تیغ‌زن در خمینی شهر و زینبیه‌ی اصفهان انجام گرفته، نتایج و خروجی‌های آن از این قرار است که اکثریت قریب به اتفاق قمه‌زنان مرد هستند و تنها تعداد انگشت شماری از آن‌ها زن می‌باشند و همین تعداد اندک زن‌های قمه‌زن برخی صرفاً به تبعیت از شوهر خود مبادرت به قمه‌زنی می‌کنند و خود اعتقاد قلبی راسخ، به این گونه از عزاداری‌ها ندارند و از لحاظ سنی هم اکثریت افراد قمه‌زن و تیغ‌زن در رده سنی بالای ۲۷ سال قرار دارند و تعداد افراد قمه‌زن زیر ۱۵ سال بسیار کم و ناچیز بوده، به همین دلیل نمی‌توان گفت که پایین بودن سن و در مرحله‌ی نوجوانی و به اصطلاح ناپختگی به سر بردن افراد از جمله عوامل گرایش افراد به این گونه از عزاداری‌ها می‌باشد؛ چرا که بیشتر افراد قمه‌زن افرادی هستند که در دوره جوانی به بالا و به اصطلاح در دوران پختگی قرار دارند. البته برخی از افراد بزرگسالی که اقدام به این گونه از عزاداری‌ها می‌کنند به دلیل این‌که به این شیوه‌ی عزاداری اعتقاد و ایمان قلبی دارند، آلت برنده قمه را نیز به سر اطفال خود نیز می‌زنند تا فرزندانشان هم از اجر و ثواب این گونه از عزاداری‌ها محروم نمانند و به گفته‌ی خودشان فرزندان خود را با این کار بیمه‌ی امام حسین(ع) کنند؛ بنابراین عوامل اعتقادی نیز یکی از مهم‌ترین علل و عوامل گرایش برخی از افراد به این شیوه‌های عزاداری می‌باشند؛ به گونه‌ای که مشاهده می‌گردد که برخی از عزاداران نذر می‌کنند که

قمه‌زنی کنند یا جهت بهبود یافتن از بیماری و به اصطلاح شفا یافتن اقدام به این عمل می‌کنند. برخی دیگر از عوامل مؤثر در گرایش افراد به عزاداری‌های نامتعارفی که معمولاً خشن هم هستند، عوامل روانی از قبیل: بیماری‌ها و اختلالات عصبی، پریشان احوالی‌ها، کمبود عاطفه و هیجانات غیر معمول و کنجکاو بی‌ش از حد این افراد می‌باشد. دسته‌ای از افرادی که اقدام به این‌گونه از عزاداری‌ها می‌کنند دارای اختلالات روانی و عصبی هستند که این افراد از لحاظ قوای هوشی سالم ولی از منظر روانی، به احساسات و قوای عاطفی آن‌ها خدشه وارد شده است و روابط عاطفی سردی بر خانواده‌های آن‌ها حاکم است و هیجانی، بی‌ثبات، بد اخلاق و پریشان احوال هستند. این افراد به راحتی تحت تأثیر جو حاکم بین دوستان و آشنایان قمه‌زن خود قرار می‌گیرند و قمه‌زنی کردن آن‌ها مانند برخی دیگر از رفتارهایشان از روی منطق و تفکر نیست بلکه به یک‌باره هیجانی و احساساتی شده و یا از روی کنجکاو مرتکب قمه‌زنی و رفتارهای مشابه دیگر می‌شوند که مورد تأیید افراد سالم و عاقل نمی‌باشند. علاوه بر عوامل فردی می‌توان به دسته‌ای دیگر از علل و عوامل محیطی نیز اشاره کرد که منجر به گرایش افراد به این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف می‌شوند؛ برای نمونه می‌توان به علل محیطی در سطح کلان یعنی علل و عواملی سوق دهنده‌ای که مربوط به جامعه و محیط بیرونی و نسبتاً دور به افراد می‌باشند ولی با وجود اینکه این عوامل چندان مرئی و مورد توجه افراد نیستند ولی نقش بسیار عمده‌ای در روی آوردن افراد به این‌گونه از عزاداری‌ها دارند. اجتماع، وضعیت مالی و اقتصادی، سیاست، فرهنگ از جمله عوامل محیطی در سطح کلان می‌باشند. با توجه به پژوهش‌های میدانی انجام شده به وضوح مشخص می‌شود که، افراد در جامعه به خاطر تعاملی که با یک‌دیگر دارند از رفتارهای دیگر شهروندان تأثیر می‌پذیرند و به اصطلاح رفتارهای آن‌ها را می‌آموزند. ترویج و شیوع قمه‌زنی در عزاداری‌ها و گرایش بیش از پیش افراد عزادار به این‌گونه عزاداری‌های نامتعارف نیز با نظریه‌ی یادگیری اجتماعی که یکی از مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی می‌باشد قابل توجیه و تطبیق است؛ بدین صورت که افراد عزادار معمولاً در انتخاب شیوه و نوع عزاداری از دیگر افراد و هم‌نوعانی که در جامعه عزاداری می‌کنند تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر اجتماع، سیاست نیز در گرایش برخی از افراد جامعه به این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف در سال‌های اخیر نقش عمده‌ای داشته است به‌گونه‌ای که برخی از کشورهای غیرمسلمان مغرض جهت تخدیش چهره‌ی

اسلام و حتی ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی با پوچ و خرافی نشان دادن چهره‌ی شیعه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده‌اند به‌گونه‌ای که از سرمایه‌گذاری کردن و مانور دادن برخی از کشورهای بیگانه و جهت‌گیری متعارض آن‌ها در زمینه‌ی عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و...) در چندین سال اخیر، به خوبی هدف شوم آن‌ها قابل برداشت است برای نمونه، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کشور انگلستان در مشهد برای هیئت‌های مذهبی کمک‌های مالی فرستاد؛ انگلیس و دربار پرچم‌های عزاداری بین هیئت‌ها تقسیم کردند و سفارت انگلیس هزینه کرد و آلت قمه را بین عزاداران امام حسین(ع) توزیع کرد و این مسئله خود حاکی از آن است که عوامل و انگیزه‌های سیاسی نیز در ترویج این گونه عزاداری‌های نامتعارف تأثیرگذار بوده است. در مورد وضعیت اقتصادی و مالی افراد قمه‌زن نیز با عنایت به خروجی پرسش‌نامه‌های مطروحه بین افراد قمه‌زن معلوم می‌گردد که اکثریت افرادی که به این شیوه‌های نامتعارف عزاداری (قمه‌زنی) روی می‌آورند در وضعیت نابسامان مالی به سر می‌برند به‌گونه‌ای که حتی برخی از آن‌ها اشتغال به شغل خاصی ندارند و به اصطلاح بیکار می‌باشند. فرهنگ حاکم بر محیط نیز از عوامل مؤثر دیگر در این زمینه می‌باشد به‌گونه‌ای که وقتی یک عمل و رفتاری (مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی در عزاداری‌ها) در جامعه، محله و یا یک گروه تبدیل به عادت شده و در زمزه‌ی باورهای افراد قرار می‌گیرد، گفته می‌شود که این عمل در فرهنگ این جامعه، محله یا گروه پذیرفته شده است و ناخودآگاه این فرهنگ به افراد هم‌جوار نیز تسری می‌یابد.

برخی از علل و عوامل زمینه‌ساز روی آوردن افراد به برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف، در محیط نزدیک به فرد نهفته است؛ محیطی که شخص مدام با آن سر و کار دارد و به عبارتی، امورات وی در آن محیط می‌گذرد، در کنار آن محیط رشد و نمو می‌یابد و تربیت می‌شود و از آن‌ها به‌عنوان عوامل محیطی در سطح خُرد یاد می‌شود. برای نمونه می‌توان به عواملی همچون خانواده‌ها، گروه همسالان، محله‌ها و مکان‌های خاص و رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای اشاره کرد. با توجه به بررسی‌های انجام شده، افرادی که به این گونه از عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... روی می‌آورند معمولاً این شیوه‌های عزاداری مورد تأیید خانواده‌هایشان نیز می‌باشند و بیشتر خانواده‌ها از انجام این گونه از عزاداری‌ها توسط اعضای خود آگاه و مطلع می‌باشند و بعضاً مشوق و

مرغّب آن‌ها می‌باشند. از طرف دیگر تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصرأً زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که ساترلند در نظریه‌ی «انتقال فرهنگی کجروی»، به این نکته‌ی مهم اشاره می‌نماید که، رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران (منحرفان و دوستان ناباب)، آموخته می‌شود. بنابراین گروه همسالان نیز مانند خانواده‌ها از جمله علل و عوامل گرایش افراد به برخی از صور نامتعارف عزاداری از قبیل قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌باشند؛ به‌گونه‌ای که بیشتر افرادی که برای اولین بار اقدام به عزاداری‌های نامبرده می‌کنند، به تبعیت از همسالان و دوستان خود و در معیت آن‌ها مبادرت به انجام این‌گونه از عزاداری‌ها می‌کنند. برخی از محله‌ها و مناطق خاص نیز به دلیل اعتقادات اکثریت مردم آن‌ها و پیشینه‌ای که دارند، می‌توان گفت که، مستعد برای انجام و ترویج برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی می‌باشند برای نمونه خمینی شهر و زینبیه اصفهان و به‌طور خاص برخی از محله‌های آن‌ها، بخاطر اعتقادات عده‌ی قابل توجهی از مردم در مورد برخی از صور عزاداری‌ها، از قدیم مرکز تجمع عزاداران قمه‌زن و تیغ‌زن بوده است. بنابراین برخی از محله‌ها و مناطق بخاطر سابقه‌ی تاریخی و فضای حاکم بر آن‌ها و همچنین اعتقادات اهالی محل، زمینه‌ی تجمع و گرایش برخی از افراد (حتی از شهرها و محل‌های دیگر) را به انجام برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی فراهم می‌کنند. اما در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین علل و عوامل گرایش افراد به برخی از انواع عزاداری‌های نامتعارف، رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای بوده‌اند. این مهم قابل کتمان نیست که، برخی از عزاداران از شبکه‌های ماهواره‌ای مانند شبکه‌ی امام حسین(ع) و شبکه‌ی اهل‌بیت، در زمینه‌ی عزاداری‌ها بسیار تأثیر پذیرفته‌اند و از عقاید و گفته‌های مدیران، صاحبان و مجریان این شبکه‌ها در این زمینه الهام گرفته‌اند. در واقع رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی نقش عمده‌ای در شرح و بسط عقاید و نظریات موافق، در زمینه‌ی عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی داشته‌اند و با تحریک احساسات مذهبی برخی از عزاداران، سبب گرایش این دسته از افراد به این‌گونه‌های نامتعارف از عزاداری‌ها شده‌اند.

پس از شناختن علل و عوامل گرایش افراد به برخی از انواع عزاداری‌های نامتعارف، نوبت به اجرای یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جرم‌شناسی یعنی پیش‌گیری می‌رسد. پیش‌گیری هر آینه بهتر از مجازات و کارآمدتر از آن می‌باشد. بهترین و مفیدترین نوع پیش‌گیری در این زمینه، پیش‌گیری اجتماعی- فرهنگی می‌باشد. این نوع پیش‌گیری از یک طرف با آگاهی بخشی مردم و اصلاح عقاید و باورهای آن‌ها از طریق مدارس، مساجد، رسانه‌ها و... و از طرف دیگر با تقویت مداخلات اجتماعی- فرهنگی از قبیل تقویت نقش و جایگاه خانواده‌ها و محله‌ها و به‌کارگیری این نهادها در راستای جلوگیری از این‌گونه عزاداری‌ها، حاصل می‌شود.

طرح پیشنهادات:

با توجه به آسیب‌ها و تالی فاسدهایی که از انجام عزاداری‌های نامتعارف حاصل می‌شوند و عدم کفایت پاسخ‌های دولتی (مجازات) برای مرتکبان این‌گونه از عزاداری‌ها؛ اتخاذ اقدامات پیشگیرانه هم‌سوی تدابیر کیفری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل در این راستا ابتدا پیشنهاداتی در جهت منع افراد یا حداقل کاستن از گرایش افراد به انجام این‌گونه از عزاداری‌ها ارائه می‌شود و در پایان به طرح یک ماده‌ی پیشنهادی در رابطه با مجازات مرتکبان این‌گونه از عزاداری‌های نامتعارف پرداخته، تا چنانچه اقدامات پیش‌گیرانه مؤثر واقع نشد در وهله‌ی آخر نسبت به مجازات این دسته از افراد اقدام شود.

۱- ترتیبات برگذاری گفت و گوهای دو سویه و به اصطلاح مناظره‌ی تلویزیونی بین حامیان و مخالفان عزاداری‌های نامتعارف (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) داده شود، بدین صورت که، بزرگان و صاحب نظران موافقین و مخالفین را به این برنامه‌های تلویزیونی دعوت کرده تا به بیان دلایل موافقت و مخالفت خود با این‌گونه از عزاداری‌ها پرداخته و از دلایل خود دفاع کرده و به عبارتی این‌گونه از عزاداری‌ها را به کرسی نقد و بررسی بگذارند. در این برنامه‌ها، شبهه‌ای باقی نمی‌ماند و مردم می‌توانند با سنجیدن دلایل موافقان و مخالفان، در مورد مشروع یا نامشروع بودن این‌گونه از عزاداری‌ها قضاوت شایسته‌ای داشته باشند.

۲- در مدارس و کلاس‌های درسی مرتبط مانند دین و زندگی، پرورشی و... آموزگاران، دانش‌آموزان را از ماهیت حقیقی و به بیان دیگر مشروع نبودن این‌گونه عزاداری‌ها آگاه کنند.

۳- روحانیون و افراد دیگری که در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و... سخنرانی می‌کنند در مورد این‌گونه عزاداری‌ها و عدم جواز آن‌ها مردم را آگاه و بیدار کنند.

۴- به برگذاری انواع و اقسام عزاداری‌های مشروع و پرشوری که مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرند مبادرت ورزیده شود و عزاداری‌ها، پرشور و باشکوه برگزار شوند تا بیشتر افراد را به خود جذب کنند و به بیان دیگر جایگزین‌های مناسبی برای برخی از صور عزاداری‌های نامتعارف مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی در نظر گرفته شوند تا با وجود این نوع عزاداری‌ها تمایل افراد عزادار به قمه‌زنی، تیغ‌زنی و امثال آن برطرف شوند. (ارضای فرد عزادار با ارائه‌ی شیوه‌های مشروع جایگزین عزاداری‌های نامتعارف).

ماده پیشنهادی:

هرکس علناً، در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به برخی از صور نامتعارف و حرام عزاداری از قبیل: قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... کند، به حبس از سی روز تا نود و یک روز یا شلاق تعزیری درجه ۷ (شلاق از یازده تا سی ضربه) محکوم می‌گردد.

تبصره ۱: اعمال مقررات تعویق صدور حکم، در صورت فراهم بودن شرایط قانونی، نسبت به افرادی که سابقه‌ی محکومیت به مجازات فوق را ندارند و برای اولین بار است که متهم به انجام این گونه از عزاداری‌ها شده‌اند؛ الزامی بوده و مقام قضایی در راستای اعمال مقررات تعویق مراقبتی مطابق بند «ح» ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مکلف است که دستور گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش مذهبی در جهت کشف ماهیت نامشروع این گونه از عزاداری‌ها را به فرد بدهد. چنانچه فرد از انجام این دستور تخطی کند، مجازات ماده فوق در مورد وی اجرا می‌گردد.

تبصره ۲: افرادی که سردستگی و مدیریت گروه قمه‌زنان و سایر عزاداری‌های نامتعارف موضوع این ماده را بر عهده دارند، علاوه بر اینکه مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس در مورد آن‌ها اعمال نمی‌شود به هر دو مجازات مقرر در ماده محکوم می‌گردند.

تبصره ۳: مجازات‌های جایگزین حبس در مورد فردی که پس از تعویق صدور حکم، مجدداً مرتکب این گونه از عزاداری‌ها می‌گردد، اعمال نمی‌شود و حبس مذکور اجرا می‌گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی

الف: کتاب‌ها

۱. آدابی، رضا، جامعه‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳. آقاییوسفی، علیرضا و دیگران؛ روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۴. احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ سی و سوم، زمستان ۱۳۹۲.
۶. استوارت، هیمیش، محدوده‌ی اصل زیان (در جرم‌انگاری)، ترجمه علی شجاعی، در: دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌ی علوم جنایی) کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۹۲.
۷. اسفندیاری، محمد، از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه، قم، نشر خیمه، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۶، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۹. بابائی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰.
۱۰. بامداد، مهدی، شرح رجال ایران در قرن ۱۲-۱۳ و ۱۴ هجری، جلد چهارم، تهران، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۵۷.
۱۱. بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ایران و ایرانیان، ترجمه محمد حسین کرد بچه، تهران، نشر جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۲. بوشهری، جعفر، حقوق جزا: اصول و مسائل، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۳. بهرامی، قدرت‌الله، امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی، بی‌تا.
۱۴. پارسا، محمد، زمینه نوین روان‌شناسی، تهران، انتشارات بعثت، چاپ بیستم، ۱۳۸۳.
۱۵. پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۳.
۱۶. تیبیت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۷. ترنر، جانانان، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، جلد ۱، ترجمه محمد فولادی، محمدعزیز بختیاری، قم، موسسه‌ی آموزشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۲.
۱۹. جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای علمی پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.
۲۰. حسینی خامنه‌ای، سید علی، اجوبه‌ی الاستفتاءات، قم دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۲۴ ه. ق.
۲۱. حسینی، سید حسین، شرحی بر درود اشکبار، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ، ۱۳۸۹.
۲۲. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۳.
۲۳. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۲۴. خورشیدی، عباس، رفتار والدین و تربیت فرزندان، تهران، انتشارات یسپرون، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، جلد یازدهم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۶. دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
۲۷. ربانی خلخالی، علی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم، انتشارات مکتب الحسین، چاپ دوم، ۱۴۰۰ قمری.

۲۸. رحمانی، جبار، مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری محرم، جلد اول، تهران، انتشارات خیمه، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲۹. رحیمیان، محمد حسن، درسایه‌ی آفتاب، قم، نشرشاهد، مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دهم، ۱۳۸۸.
۳۰. رستمی، هادی، جرم‌انگاری و کیفر‌گذاری حداقلی در نظریه‌ی لیبرالیسم در پرتو اصل ضرر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۳.
۳۱. رهامی، محسن، جرایم بدون بزه‌دیده، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹.
۳۲. زمان دانش، تاج، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۳۳. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵.
۳۴. ستوده، هدایت الله و بهاری، سیف الله، آسیب شناسی خانواده، تهران، انتشارات ندای آریانا، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳۵. سجادی، محمدعلی و فدائی، فرید، شناخت، پیشگیری و درمان اعتیاد، تهران، انتشارات تایماز، چاپ اول، ۱۳۶۵.
۳۶. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۲، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۳۷. سلیمی، علی، محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۳۸. شمعی، محمد، درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم زدایی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۳۹. شیخ مفید، مقتل مفید (سوگ‌نامه سالار شهیدان)، مترجم سید علیرضا جعفری، قم، انتشارات نبوغ، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۴۰. شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، نشر مرنديز، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۴۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.

۴۲. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، سمت، تهران، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۹.
۴۳. صرامی، سیف‌الله، احکام حکومتی و مصلحت، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴۴. صناعتی‌زاده، حسین، پزشکی قانونی، تهران، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۴۵. طالقانی، سیدهدایت‌الله، مرجعیت، تهران، نشر ارغنون، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۴۶. علی‌نقی، حیدری (علامه حیدری)، اصول استنباط، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجدسرای، قم انتشارات پیام نوآور (حقوق اسلامی سابق)، چاپ نهم، ۱۳۹۱.
۴۷. عمید، حسن، فرهنگ لغت فارسی، نشر راه رشد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۴۸. غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، قم، نشر پیک جلال، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۴۹. فروغی ابری، اصغر، ایرانیان و عزاداری عاشورا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵۰. قماش، سعید، کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌نگاری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳.
۵۱. قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین، مباحثی پیرامون عزاداری، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۵۲. قیاسی، سید جلال‌الدین، مبانی سیاست‌جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۵۳. کاتوزیان، ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۱.
۵۴. کاشانی، حسن، شیوه‌های نوین عزاداری بدعت یا سنت؟، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۵۵. کدیور، پروین، روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
۵۶. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۰.
۵۷. گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، قانون‌یار مجازات اسلامی، تهران، نشر چتر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۲.

۵۸. گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، نشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۵۹. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دهم، ۱۳۸۶.
۶۰. گیدنز، آنتونی، بردسال کارن، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶۱. لوین، اندرو، نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶۲. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، نشر معروف، چاپ هفدهم، قم، ۱۳۹۳.
۶۳. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات طهوری، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۴. محمدنسل، غلامرضا و دیگران، راهنمای علمی کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۱.
۶۵. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجاهم، ۱۳۹۱.
۶۶. محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، جلد سوم، قم، انتشارات علمی - فرهنگی صاحب الزمان (ع)، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
۶۷. مساواتی‌آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، تبریز، انتشارات نوبل، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۶۸. مسائلی، مهدی، عار یا شعار؛ قمه‌زنی در ترازوی عقل و شرع، اصفهان، نشر آرما، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۶۹. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، چاپخانه‌ی فردوسی، ۱۳۶۲.
۷۰. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه، جلد اول، تهران، نشر زوآر، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۷۱. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، قم، نشر صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۷۲. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی: کلیات، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۷۳. معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، جلد اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۷۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر اشجع- میکایل، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد اول، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۷.
۷۶. مور، استفن، استفن سینکلر، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷۷. موسوی‌نسب، سید مسعود و پناهی متین، علی اصغر، روان‌پزشکی قانونی، شیراز، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۷۸. مهربانی‌فر، حسین، سید محمد مهدی خلیل زاده، شبکه‌های ماهواره‌ای (نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی)، تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۷۹. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم، زمستان ۱۳۹۲.
۸۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۸۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۸۲. نوربها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین، چاپ بیستم، ۱۳۸۶.
۸۳. نیشابوری، عبدالحسین، آداب حضور در ایام و مراسم سوگواری امام حسین علیه‌السلام، انتشارات دلیل ما، چاپ یازدهم، قم، ۱۳۹۳.
۸۴. واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الأئمه (ع) قم المقدسه، دست پنهان، سازمان اوقاف و امور خیریه استان قم، چاپ آسوه، قم، ۱۳۸۷.
۸۵. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۸۶. ویلیامز، فرانک پی، ماری‌لین دی مک‌شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۸۷. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه. ق.

ب: مقاله‌ها

۱. آزمایش، علی، «عدم جرم‌انگاری صحیح موجب بی کیفری می‌شود»، ماهنامه قضاوت، شماره ۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۸.
۲. ابوالقاسمی، شهنام، تأثیر شعائر دینی بر بهداشت روانی جوانان، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۳. اکبرنژاد، محمدتقی، قمه‌زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری‌ها، فصل نامه فقه اهل بیت، شماره ۴۸ زمستان ۱۳۸۵.
۴. بشیریه، تهمورث، پاسداشت حقوق اساسی در پرتو تعامل اصول ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۵. پروین، ستار، پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره یک، ۱۳۸۶.
۶. پورافکاری، نصراله، پرخاشگری و فرهنگ، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد دهم، شماره ۱۰۲، ۱۳۷۸.
۷. تاج، محمد، قمه‌زنی زیر تیغ نقد، مجله‌ی پگاه حوزه، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۸.
۸. توکلی، فاطمه، آقا بابایی، حسین، مبانی دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۹. حبیب‌زاده، اصحاب، افخمی، حسین، نادرپور، محمدرضا، بررسی نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرم، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸.
۱۰. حجازی، الهه و صالحی، کیوان، عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۱۱. حسام‌مظاهری، محسن، رسانه شیعه، مروری بر تاریخ تکوین مجالس و آیین‌های عزاداری در ایران، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.

۱۲. حسینی، سید محمد، حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع، احکام)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷.
۱۳. خوئینی، غفور، ذوالفقاری، سهیل، خلأهای تقنینی و اجرای فتوا در نظام قضایی ایران (تأملی بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۴. خیری، علی و حاجی‌ده آبادی، محمدعلی، عوامل اجتماعی مؤثر در پیدایش کجروی و جرم از دیدگاه ابن‌خلدون، مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی، شماره چهارم، سال سوم، پاییز ۱۳۹۱.
۱۵. ذوالفقاری زعفرانی، رشید و علی‌نیا، علیرضا، بررسی نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۹.
۱۶. ربانی، رسول، هاشمیان‌فر، سیدعلی و گنجی، محمد، رهیافتی فرهنگی بر پدیده‌ی قمه‌زنی شهروندان خمینی‌شهر، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹.
۱۷. روستایی، مهرانگیز، مقایسه تطبیقی «اصل ضرر» و «قاعده لاضرر» در توجیه مداخله کیفری، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.
۱۸. شریفی، ادیب، بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز اسلام آباد غرب، بهار ۱۳۹۱.
۱۹. صفاری، علی، توجیه یا دلیل اوری برای مجازات، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.
۲۰. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۰.
۲۱. فاخری، نریمان، حسام عباسی، بررسی مبانی جرم‌انگاری جرایم مانع در حوزه‌ی حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی عدالت آرا- شماره ۱۶ و ۱۵، ۱۳۹۰.
۲۲. قماش، سعید، بنیادهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری نوین، مجله‌ی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹.

۲۳. کلدی، علیرضا، انحراف، جرم و پیشگیری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۱.
۲۴. گودرزی، محمدرضا، محدوده قانون جزا و گستره جرم‌انگاری از دید مکاتب حقوق کیفری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۱.
۲۵. متولی زاده نایینی، نفیسه، پیشگیری رشد مدار (زودرس)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶.
۲۶. محمودی جانکی، فیروز، مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود (مطالعه‌ی موردی الزام استفاده از کمر بند ایمنی در رانندگی)، فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سی و هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
۲۷. مزینانی، محمدصادق، قمه‌زنی زیر تیغ نقد از زاویه‌ای دیگر، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۷۱، ۱۳۸۸.
۲۸. مسجد سرائی، حمید، واکاوی در ادله شمول تعزیر، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۵، زمستان ۱۳۹۳.
۲۹. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم‌شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۶.
۳۰. مقیمی، مهدی و رفعتی اصل، سید عزیز، پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۳۱. نجفی توانا، علی، مصطفی‌زاده، فهیم، جرم‌انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، مجله‌ی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۳۲. نجفی، زین‌العابدین، اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع) از منظر فقه امامیه، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۷.
۳۳. نوبهار، رحیم، اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۳۴. نیاز پور، امیر حسین، «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۵.

۳۵. هاشمی، سید احمد، دین، جامعه و انحرافات اجتماعی، مجله‌ی مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۱.
۳۶. هاشمی، سید حسین، کوشا، جعفر، بررسی تعارض اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مجله نامه مفید، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۰.

پ: تقریرات

۱. برهانی، محسن، تقریرات درس جزای اختصاصی ۱، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، گردآوری و تنظیم: حسین موقر، نیم‌سال اول تحصیلی ۹۴-۹۳.
۲. برهانی، محسن، تقریرات درس فلسفه حقوق، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، گردآوری و تنظیم: محبوبه رشیدی‌زاده، نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳.
۳. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.
۴. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، گردآوری و تنظیم: صبوری‌پور، مهدی، ویرایش بهمن ماه ۱۳۹۱.
۵. الهام، غلامحسین، تقریرات درس جزای عمومی ۲، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهیه و تنظیم: محبوبه رشیدی‌زاده، نیم‌سال اول تحصیلی ۹۴-۹۳.

ت: پایان‌نامه‌ها

۱. جلالی، حمید، علل گرایش جوانان و نوجوانان شهرستان دلیجان به مواد مخدر و راهکارهای مقابله با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

۲. شجاعی نصرآبادی، محمد، تحلیل مبانی اصل استثنایی بودن جرم‌انگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، زمستان ۱۳۸۹.
۳. طباطبایی، سید مظفر، جرایم فاقد پذیرش اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دی ماه ۱۳۹۴.
۴. کیوانی، مجید، بررسی عوامل روان‌شناختی جرم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲.
۵. محمدی، اقبال، عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۳.
۶. نیک‌پرور، زینب، جرم‌انگاری در جهت حمایت از کرامت انسانی، پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۹.

ث: جراید و گزارش‌ها

۱. نیکروح متین، فرزانه، روزنامه‌ی شرق، عزاداری در محرم و صفر تهران قدیم، سال نهم، شماره ۱۴۰۴، ۱۳۹۰/۹/۷.

دوم: منابع عربی

کتاب عربی

۱. ابن طائوس، علی ابن موسی، لهوف، متن کامل عربی-فارسی، ترجمه محمد اسکندری، قم، نشر پورصائب، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۲. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، قم، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۴۱۷ قمری.
۳. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، قم - ایران، جلد ۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. ارباب، محمد، الاربعین الحسینیة، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اُسوه، بی تا.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن، الفصول المهمة فی أصول الائمه، جلد ۱، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.

۶. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، جلد ۵، قم، انتشارات مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری.
۷. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، الحلقه الاول، قم، نشر هاجر، چاپ اول، بی تا.
۸. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، جلد ۱، قم، دار الحديث، چاپ اول، بی تا.
۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الأمالی (للشیخ الطوسی)، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۰. عاملی، حربن محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۲، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، جلد ۹، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۱۰، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۳. فراهانی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ۷، قم، انتشارات هجرت، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ۱، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۵. قمی، عباس، منتهی الآمال، جلد ۱، قم، نشر انصاری، چاپ سوم، بی تا.
۱۶. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، جلد ۱، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری.
۱۷. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، کافی، جلد ۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی تا.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ۴۵، قم، دار الإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ قمری.
۱۹. موسوی خمینی، روح الله، انوار الهدایه، جلد ۱، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد ۲۰، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۱. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، الطهاره الاول، قم، دارالقران الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۰ قمری.
۲۲. نجفی جواهری، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد ۳۳، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۳. همدانی، آقا رضا، مصباح الفقیه، جلد ۵، قم، المؤسسة الجعفریه لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۶.
۲۴. یزدی، سید کاظم، عروۃ الوثقی، کتاب الصوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، بی تا.

سوم: منابع انگلیسی

1. Feinberg, Joel ,Harm to Others: The Moral Limits of the Criminal Law, Vol. 1, Oxford University Press, 1984.
2. Hart, H. L. A, Punishment and Responsibility, Essays in Philosophy of Law, Second Edition, Oxford University Press, 2008.
3. Hospers, John, Libertarianism and Legal Paternalism, the journal of libertarian studies, Vol. IV, No. 3, 1980.
4. Katz, Leo, Michael S. Moore & Stephen J. Morse (Editors), Foundations of Criminal Law, Oxford University Press, 1999.

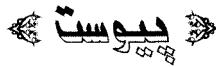
چهارم: پایگاه های اینترنتی

1. <http://adyannews.com/fa/print/81123>.
2. <http://azadary.blogfa.com/post-25.aspx>
3. <http://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D8%AA%D9%88%D8%A7->
4. <http://lawandev.blogfa.com/post/17>.
5. <http://legacy.earlham.edu/~peters/writing/paternal.htm>.
6. <http://mazloun.ir/post/1100>.
7. <http://sarallah.valiasraj.com/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000070003>
8. <http://shia-online.ir/article.asp?id=1572>.
9. <http://vareth.ir/fa/news/56482>.
10. <http://vista.ir/article/>.
11. <http://vista.ir/article/352674/>

12. <http://vista.ir/article/359104>.
13. <http://www.ammariyon.ir/fa/news/35517>.
14. <http://www.askdin.com/thread16344.html>.
15. <http://www.farhangnews.ir/content/99799> .
16. http://www.fetan.ir/home/wp-content/uploads/2014/10/13911015140634371_PhotoL.jpg.
17. <http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa2363/tmpl/component/printme/1>
18. <http://www.mehrnews.com/news/2948724>.
19. <http://www.sedayeshia.com/showdata.aspx?dataid=5931&siteid=1>.
20. <http://www.shabestan.ir/detail/News/50019>.
21. <http://www.shirazi-sa.ir/usercontrols/persian/ViewQuestionCategory.aspx?QCID=7>.
22. <http://www.valiasraj.com/sarallah/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=000037363>.
23. <http://www.vekalatonline.ir/print.php?ToDo=ShowArticles&AID=7567>

پنجم: قوانین داخلی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.



پرسش‌نامه‌ی تبیین حقوقی و جرم‌شناختی عزاداری‌های نامتعارف

بنام خدا

پاسخگوی محترم:

با سلام و تشکر از وقتی که برای تکمیل این پرسشنامه در اختیار ما قرار می‌دهید. پرسشنامه حاضر جهت انجام یک پروژه تحقیقاتی تدارک دیده شده است. لطفاً هر یک از سؤالات را با دقت خوانده و نظرتان را مختصر و مفید بنویسید. پاسخ‌های صادقانه شما، به ما در ارزیابی بهتر نتایج کمک خواهد کرد.

سؤالات عمومی:

- جنسیت: مرد ☐ زن ☐ سن -
- وضعیت تاهل: مجرد ☐ متاهل ☐
- تحصیلات: بی سواد ☐ پنجم ابتدایی ☐ سیکل ☐ دیپلم ☐
- فوق دیپلم ☐ لیسانس ☐ فوق لیسانس و بالاتر ☐
- شغل: بی کار ☐ آزاد ☐ دولتی ☐
- میزان درآمد ماهیانه:
 - زیر پانصد هزار تومان ☐
 - بالای پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان ☐
 - بالای یک میلیون تومان تا دو میلیون تومان ☐
 - بالای دو میلیون تومان ☐
- محل زندگی:

سؤالات اختصاصی:

- ۱- اولین باری که به عنوان عزاداری اقدام به قمه‌زنی یا تیغ‌زنی کردید چه زمانی بوده است؟
- ۲- در طول سال چند بار و معمولاً در چه زمان‌هایی اقدام به قمه‌زنی یا تیغ‌زنی می‌کنید؟
- ۳- اولین باری که اقدام به قمه‌زنی یا تیغ‌زنی کردید چه انگیزه‌هایی از این رفتارها داشتید؟
- ۴- آیا انگیزه‌ی کنونی شما از انجام این گونه عزاداری‌ها با انگیزه‌ای که روز اول داشتید تفاوت کرده است؟
- ۵- در نظر شما وجه ترجیح این قبیل عزاداری‌ها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) نسبت به سایر شیوه‌های عزاداری مثل سینه‌زنی و... چیست؟
- ۶- این شیوه‌های عزاداری (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) را از دیگران یاد گرفته‌اید یا با تحقیق و تفحص کشف کرده‌اید و به این رفتارها به عنوان یک شیوه‌ی مناسب عزاداری ایمان و اعتقاد دارید؟
- ۷- در صورتی که این رفتارها را صرفاً از دیگران یاد گرفته‌اید، این افراد چه کسانی هستند؟
- ۸- در صورتی که با تحقیق و تفحص پسندیده بودن این گونه رفتارها و مورد قبول بودن این قبیل عزاداری‌ها نزد خداوند متعال و امام حسین (ع) را کشف کرده‌اید عمده دلیل دینی و مذهبی‌تان چیست؟
- ۹- میزان مقبولیت این رفتارها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) در خانواده شما تا چه حدی است؟
- ۱۰- تا کنون به خاطر انجام این گونه رفتارها (قمه‌زنی و تیغ‌زنی) از سوی خویشان و گروه دوستان و هم‌سالان سرزنش و یا تشویق شده‌اید؟
- ۱۱- آیا در انجام این قبیل عزاداری‌ها از مرجع دینی خاصی تقلید می‌کنید؟
- ۱۲- اگر شما مشغول عزاداری باشید و وقت نماز برسد عزاداری را رها می‌کنید و نماز اول وقت می‌خوانید یا به عزاداری خود ادامه می‌دهید؟ (بین عزاداری در اول وقت نماز واجب و خواندن نماز اول وقت کدام را ترجیح می‌دهید؟)
- ۱۳- به نظر شما امام حسین (ع) با قیام کردن و فدایی کردن خود و اهل و عیالش در پی چه هدفی بود؟
- ۱۴- به نظر شما دیدگاه مردم جامعه ما نسبت به قمه‌زنی به عنوان یک شیوه‌ی خاص عزاداری و قمه‌زنان چگونه است؟

۱۵- به نظر شما اگر یک بیگانه غیر مسلمان و یا شخصی که در شرف مسلمان شدن می باشد عمل قمه زنی را توسط یک مسلمان به عنوان سبک خاصی از عزاداری ببیند به دین اسلام خدشه ای وارد می کند یا خیر؟

۱۶- از چه طریقی با افراد دیگری که مبادرت به عمل قمه زنی می کنند هماهنگ می شوید و گرد هم می آیید؟

۱۷- معمولاً در چه مکان هایی اقدام به قمه زنی و تیغ زنی می کنید؟

۱۸- نظر شما در مورد کسانی که با انجام عمل قمه زنی و تیغ زنی به عنوان شیوه ای از عزاداری مخالفت می کنند و این رفتارها را مورد پسند و رضایت خداوند متعال و ائمه معصومین علیهم السلام نمی دانند چیست؟

۱۹- آیا برای شما پیش آمده است که بعد از انجام قمه زنی و تیغ زنی از کار خود پشیمان شده باشید و با خودتان عهد کرده باشید که دیگر قمه زنی نکنید؟

۲۰- در صورتی که حتی یک بار از کار خود پشیمان شده اید و با خود عهد کرده اید که دیگر قمه زنی و تیغ زنی نکنید ولی بعداً باز هم مبادرت به این رفتارها کرده اید عواملی که باعث شده دوباره مبادرت به انجام این رفتارها کنید چه بوده اند؟

